

۴۲۲ کیهان

KAYHAN.LONDON

بشپانگذار: دکترو مصطفي مصباح زاده
جمعه ۶ تا ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهلّم - شماره ۱۸۸۸



محرّم و انفسای جمهوری اسلامی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
 @kayhanlife
 @KayhanLife
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
 @kayhanlondon
 @kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
 Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم
 کیهان شماره ۱۸۸۸ (۴۲۲)

جمعه ۶ تا ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۲
 ۲۸ ژوئیه تا ۳ اوت ۲۰۲۳



مرّده به هم میمانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
 می توانند چاپ دوم این کتاب را از **کیهان** خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
 روابط عمومی:
info@kayhan.london
 آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
 سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
 SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

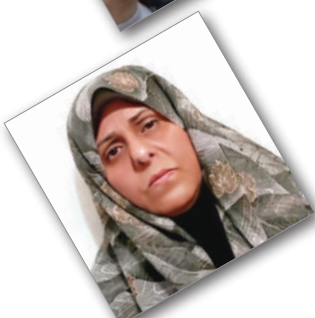
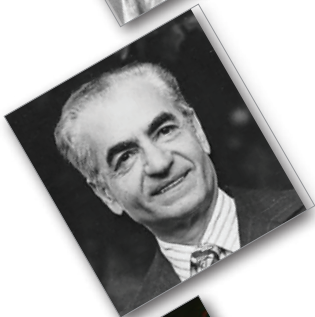
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴	 سر مقاله - زنان ایران کوتاه نمی آیند / الاهی بقراط
۴-۵	 محرم وانفسای جمهوری اسلامی ... / حامد محمدی

۶	 شاهزاده رضا پهلوی: آنچه باید از رضا شاه و محمدرضا شاه بیاموزیم ... /
۷	 تر دید جمهوری اسلامی برای ارسال موشک های بالستیک به روسیه ... /
۸-۹	 گفت و شنید با الاهی بقراط: ۴۰ سال کیهان لندن ... /
۱۰-۱۱	 سخنی چند با شاهزاده رضا پهلوی: وظیفه شما به عنوان رهبر جنبش ... / بهرام فرخی
۱۱	 مدیر هبری! ... / خبر اندیش (احمد / حرار)
۱۲-۱۴	 آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۲۳) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۴	 همایش «تکوداشت آریامهر» برگزار شد ... /
۱۵	 به یاد بانو همایون رنیک، پیشکام جامعه ایرانیان بریتانیا ... / نازنین انصاری
۱۶-۱۷	 احکام جدید دیوان عالی کشور؛ لغو حکم اعدام محمد قبادلو و توقیف ... /
۱۷	 لغو برگزاری «نشست سازمان بین المللی در بانوردی» در ایران ... /
۱۸-۱۹	 حملات نیابتی های جمهوری اسلامی به نیروهای آمریکایی در خاور میانه ... /
۱۹	 امام جمعه اهل سنت زاهدان: سیاست های ۴۴ ساله جواب نداد ... /
۲۰-۲۲	 درک نادرست از مفهوم حق تعیین سرنوشت (بخش ۳) ... / محمود مسائلی
۲۲-۲۳	 کاهش موجودی صندوق توسعه ملی؛ پشتوانه ای که به فلک حکومت ... /
۲۴	 رانت تحصیلی بیش از ۵۰۰ تن از فرزندان هیئت علمی برای تصاحب صندلی ... /
۲۵	 مشاغل که به دلیل کاهش قدرت خرید مردم یکی پس از دیگری ... /
۲۶-۲۷	 افزایش دمای زمین و تخریب محیط زیست بر اثر فعالیت انسان ... /
۲۸-۲۹	 قطع مداوم آب وادعای سختگوی دولت رئیسی: ایران جزو ۱۰ کشور برتر ... /
۲۹	 چهار مأمور «پلیس راه» استان سیستان و بلوچستان در حمله مسلحانه کشته شدند ... /
۳۰-۳۱	 توصیه علی اکبر صالحی به نظام: تنها راه باقیمانده گفتگو با آمریکاست ... /
۳۱	 آنتونی بلینکن: به تلاش های ایران برای خورده با اقدامات رژیم ایران در سرکوب ... /
۳۲	 دادگاه هم عرض نیز علیه محمد جواد وفایی ثانی حکم اعدام ... /
۳۲-۳۳	 خشم حزب الهی ها از کارزار رقص دختران در ماه محرم ... /
۳۳	 جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد محدودیت های اینترنتی در جهان ... /
۳۴-۳۷	 مسدود کردن دارایی های یک کشور نباید به عنوان حق مصادره و ... / محمود مسائلی
۳۸	 گفتگویی درباره سومین رمان شیواشکوری «سیماد بوونه» ... /
۳۹	 نتایج یک نظرسنجی: تصمیم ۸۰ درصد از شرکت کنندگان برای مهاجرت ... /
۴۰	 استعفای وزیر ورزش و جوانان همزمان با تقدیم طرح استیضاح ... /
۴۱	 تحریم شش ایرانی مرتبط با ساخت وارسال پهپاد به روسیه ... /
۴۲	 الحاق موشک «ابومهدی» به نیروی دریایی ارتش و سپاه ... /
۴۳	 توصیه فریدون عباسی به دولت: جوگیر نشوید، اطلاعات فروش نفت را ... /
۴۴-۴۵	 اعتراض گسترده به صدور حکم مراجع اجباری به روانشناس در پرونده های ... /
۴۵	 سلام فر مانده! - کارتون های بهنام محمدی ... /
۴۶-۴۷	 رکورد جدید نسبت پول به نقدینگی در ایران ... /
۴۷	 آسوشیتد پرس: آرژانتین از دولت بولیوی خواسته در مورد توافق نظامی ... /
۴۸-۴۹	 آخرین سال های زندگی شاه؛ گفتگو با اندرو اسکات کوپر ... /
۵۰-۵۱	 شکست طرح قیمت گذاری دستوری؛ افزایش ۴۰ درصدی قیمت نان ... /
۵۱	 روزنامه محلی هانوفر: اعتراض علیه حضور یکی از قاضیان مرگ ... /
۵۲-۵۳	 معمار و طراح داخلی هتل زیبای شاه عباس اصفهان درگذشت ... /
۵۳	 ادعای وزارت اطلاعات: بازداشت تیم خرابکاری با ۴۳ بمب ... /
۵۴	 ماله کشی بر فساد سازمان اوقاف پس از به جریان افتادن طرح تحقیق و ... /
۵۵	 دلالتی قطری هابری ادامه مذاکرات پنهان جمهوری اسلامی با دولت بایدن ... /
۵۶	 پشت جلد - عکس هفته / فاطمه سپهری شهروند آزاد یخواه ... /



محرم و انفسای جمهوری اسلامی



● در محرم ۱۴۰۲ فصل جدیدی از اعتراضات علنی هیأت‌های مذهبی علیه نظام گشوده شد. آنهم در حالی که فعالیت تقریباً تمام آنها زیر نظر دستگاه اطلاعاتی است. ولی حالا صدای مخالفت از دل همین هیأت‌ها به گوش می‌رسد.

برگزاری مراسم عزاداری به خانواده‌های آنها داده نشده و از مادران و خانواده‌های داغدار آنان یاد کرد. نوحه‌خوان همچنین خطاب به عزاداران می‌گوید: «اگر کسی بی‌حجاب آمده به ما ربطی ندارد».

غلام کویتی‌پور مداح و خواننده سرودهای حماسی و مذهبی در همین ایام ترانه اعتراضی «رئیس» را منتشر کرد. کویتی‌پور چند سالی است انتقادات تند و صریحی از نظام می‌کند. بسیاری می‌گویند متن این ترانه برگرفته از خیزش ضدحکومتی و خطاب به علی خامنه‌ای است به ویژه در بخشی از آن که می‌گوید: «مسئولین کودن، گنده مملکت... حاجی اینجا دارند همه جوان‌ها می‌درند، تو صورت ناموس مردم بی‌رحمانه می‌زنند».

مسعود نقره‌کار نویسنده و پژوهشگر با اشاره به ترانه «رئیس» در یادداشتی کوتاه می‌نویسد «مداحان اهل بیت و آل عبا و خانواده عصمت و طهارت هم صدای‌شان در آمده است!» وی معتقد است بسیاری از مداحان در ذکر مصیبت و رجزخوانی قبلاً به رئیس‌جمهورها و مسئولان حکومت اسلامی اشاره داشتند اما هرگز به حریم خامنه‌ای و کلیت نظام وارد نشده بودند.

در جریان سوگواری محرم امسال، مداح و عزاداران یزدی در هیأت «بعثت» نیز اشعار اعتراضی شهاب‌الدین موسوی و تصنیف عارف قزوینی را خواندند. «از خون جوانان وطن لاله دمیده، از ماتم سرو قدشان سروها خمیده» ترجیع‌بند این نوحه‌خوانی بود.

در مراسم «چلاب زنی» ذفول مداح اسماعیل نصرالهی در نوحه‌اش می‌گوید: «وطن دونی اچه خرابه؟ که تنها دغدغه کلشون حجابیه، اچه هم خومون فقره ندیدن، اچه اقدر ابیت المال دزدین».

در کرمانشاه مداح دسته زنجیرزنی در «شهرک کیان‌شهر» علیه ظلم و فساد چنین نوحه خواند: «ظالمان و مفسدان با خود عمارت ساختند، مردم بیچاره از غم قافیه رو باخته‌اند، همه‌ی ثروت این خاک شده سهم شما، چهل و جور و ظلمتان...».

رقص دختران: ابتکارات نو علیه ارزش‌های حکومتی

در آستانه اولین سالگرد خیزش ملی در ایران، مراسم عزاداری ماه محرم متفاوت‌تر از هر سال برگزار شد و تعداد هیأت‌ها و دسته‌های زنجیرزنی که در اعتراض به حکومت نوحه‌خوانی کردند بطور چشمگیری افزایش پیدا کرد.

شماری از مداحان با عباراتی صریح و تند رهبر جمهوری اسلامی و کل نظام را زیر سؤال برده و شمار زیادی از جوانان با ابتکارات نو و مدنی ارزش‌های مکتبی حکومت را به چالش کشیدند. در مواردی حتا در بعضی هیأت‌ها نمادهای مذهبی را آتش زدند. مقامات نظام، به ویژه ملایانی که بر مناصب و مسئولیت‌های متفاوت تکیه زده‌اند، نسبت به این شرایط هشدار دادند.

امسال محرم همزمان با دو رویداد مهم آغاز شد: سوزاندن قرآن در سوئد و افشای فیلم فساد جنسی دو نفر از مقامات نظام. دستگاه تبلیغاتی حکومت تلاش کرد گردمهایی‌های مربوط به ماه محرم را به تجمعات بی‌رونق بسیجی‌ها علیه سوزاندن قرآن در سوئد پیوند بزند تا القا شود که مواضع حکومت پشتوانه مردمی دارد. هشتم تیرماه در استکهلم سوئد یکی از اعضای پیشین حشدالشعبی عراق یک قرآن را آتش زد و علی خامنه‌ای با تأخیری طولانی پس از حدود سه هفته سکوت، در ۳۱ تیرماه با آغاز عزاداری‌های محرم به آن واکنش نشان داد. از سوی دیگر، برخی معتقدند بزرگترین ضربه‌ای که نظام در محرم ۱۴۴۵ قمری (امرداد ۱۴۰۲ خورشیدی) خورد، افشای فیلم رابطه جنسی مدیرکل ارشاد اسلامی گیلان با یک پسر جوان و انتشار ویدیوی تریاک‌کشی و خودارضایی عضو شورای اسلامی شهرانزلی بود. هر دو آنها «بچه هیأتی» بوده و در اینستاگرام و خبرگزاری‌ها تصاویر زیادی از حضورشان در مجالس عزاداری منتشر شده است. افشای این فسادها به معنی فرو ریختن بیش از پیش آبرو و ارزش‌های نظام است که مروج و نگهدار آن، همین هیأتی‌ها بوده‌اند.

مداحی علیه حکومت و خامنه‌ای

در هیأت «شاه‌حسین گویان» جوادیه در جنوب تهران مداح با تأکید بر غیرحکومتی بودن این هیأت و اینکه «فقط برای امام حسین اینجا هستیم» و آنها وابسته به هیچ نهاد و ارگانی نیستند، از جوانانی که در خیابان کشته شده‌اند ولی اجازه

سرمقاله

زنان ایران کوتاه می‌آیند

همزمان با سالروز درگذشت دو پادشاه پهلوی که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دوران آنان بیرون آمدن نیمی از جمعیت ایران از چادر و چاقچور و اندرونی و پیوستن به زندگی سیاسی و اجتماعی بود، در یکسو حمله و تخریب و «جهاد تبیین» توسط زمامداران جمهوری اسلامی و وابستگانش در داخل و صادراتی‌هایش در خارج علیه پهلوی‌ها شدت گرفته و در سوی دیگر، زنان مقاومت جانانه‌ای را علیه انواع تهدیدات و مقررات نوظهور پیش می‌برند.

در جمهوری اسلامی علاوه بر مجلس‌اش، دولت و قوه



زنان ایران در اماکن عمومی قبل از انقلاب ۵۷

قضایه نیز مرتب در حال ارائه لایحه و طرح علیه کشف حجاب و حقوق زنان هستند. نیروی انتظامی و «پلیس امنیت اخلاقی» که یادآور نهادهای مشابه در آلمان نازی، البته نه برای حفظ «نژاد برتر»، بلکه برای ترویج «دین برتر» است، مرتب در حال ارسال پیامک و خط و نشان کشیدن و بازداشت و توقیف هستند؛ حاکمان شرع پا را از گلیم خود فراتر گذاشته و به صدور احکام عجیب علیه زنان بی‌حجاب از جمله مراجعه به روانشناس می‌پردازند. آمران به معروف و حزب‌اللهی‌های آتش به اختیار نیز در اماکن عمومی مزاحم خانواده‌ها و زنان و دختران می‌شوند.

با اینهمه نه تنها زنان از حق و اختیار خود عقب‌نشینی نکرده‌اند بلکه ایام عزاداری‌های محرم نیز تازه آنها را به فکر ابتکاراتی در پوشش و نمایش موهای افشان و رقص و آواز انداخت. در این میان، شهروندان به تجربه درک می‌کنند که آزادی و آزادیخواهی امری انسانی، فراگیر و جهانشمول است و مرزبندی‌های قومی و جنسیتی و مذهبی و غیره نمی‌شناسد. از همین رو سال‌هاست که زنان با حجاب که هیچ آنس و الفتی با رژیم و خانواده‌های مافیایی حکومت ندارند نه تنها از حق پوشش اختیاری دفاع می‌کنند بلکه حجاب اجباری را توهین و تحقیر به خود نیز می‌شمارند زیرا بر این باورند که بر اساس اعتقاد و اختیار خویش از حجاب استفاده می‌کنند و نه به این دلیل که نظام مذکر و مذهبی آن را تبلیغ و تحمیل می‌کند! آنها به هیچ وجه مایل نیستند حجاب نشانه‌ی وابستگی آنان به جمهوری اسلامی و فاشیسم مذهبی برداشت شود. به همین دلیل بسیاری از آنها در شبکه‌های اجتماعی با اعلام برائت از حکومت به صفوف انقلاب ملی می‌پیوندند و با قدردانی از پهلوی‌ها، حمایت خود را از نجات و آزادی میهن اعلام می‌کنند.

زنان با حجاب ایران نیز آرزو دارند مانند دوران پیش از وقوع انقلاب ۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی و مثل جوامع عادی و کشورهای دیگر بتوانند همه جا حاضر شوند بدون آنکه به آنها به چشم وابستگان حکومت یا خبرچین و یا «فاطی کوماندو» نگاه کرده شود!

بر بستر چنین تغییرات ذهنی در جامعه است که گشت ارشاد و انواع تهدیدات و مجازات‌ها دیگر جواب نمی‌دهد. جامعه‌ای را که به آگاهی فردی و اجتماعی دست یافته، نمی‌توان به عقب راند به ویژه وقتی نیمی از این جامعه زنانی هستند که باحجاب یا بی‌حجاب، مسلمان یا غیرمسلمان، حقوق مشترک در برابر نظام مذهبی مذکور دارند و عزم خود را برای به دست آوردن این حقوق جزم کرده‌اند.

شهرداری‌ها و یا سپاه پاسداران، دلال و بنگاه‌هایی دارند که همین هیأت‌ها محل مذاکره و زد و بند آنها می‌شوند. رونق یک هیأت تأثیر زیادی در افزایش نفوذ هیأت امناء و وابستگان



به آنها دارد. به عنوان مثال اختلاف مالک ساختمان و پیمانکار با شهردار یک منطقه می‌تواند به واسطه هیأت و هیأتی‌ها حل و فصل شود. با چند چند پُرس قیمه نذری نیز می‌توان قوانین ساخت و ساز را نادیده گرفت و مجوز ساخت و ساز یا تراکم دریافت کرد.

جمهوری اسلامی نبض هیأت‌های مذهبی را سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ در دست داشت. کاربرد هیأت‌ها برای انقلابیون آن زمان حرکت‌سازی خیابانی علیه نظام شاهنشاهی بود که در ماه محرم دو سال ۵۶ و ۵۷ (همزمان با آذرماه) در بازار تهران بازتاب داشت. بعد از انقلاب اسلامی، هیأت‌های مذهبی دو مأموریت عمده داشتند:

۱) جذب نیرو برای اعزام به جنگ ایران و عراق در دهه (۱۳۶۰) و جذب نیرو برای اعزام به سوریه و عراق از اواخر دهه ۱۳۸۰ تحت عنوان «مدافعان حرم»

۲) تأمین نیرو در محلات برای تقویت ماشین سرکوب در مقابل اعتراضات ضدحکومتی

۳) تفتیش در زندگی خصوصی مردم و قرار گرفتن در صف اول دفاع از ارزش‌های نظام در بطن جامعه

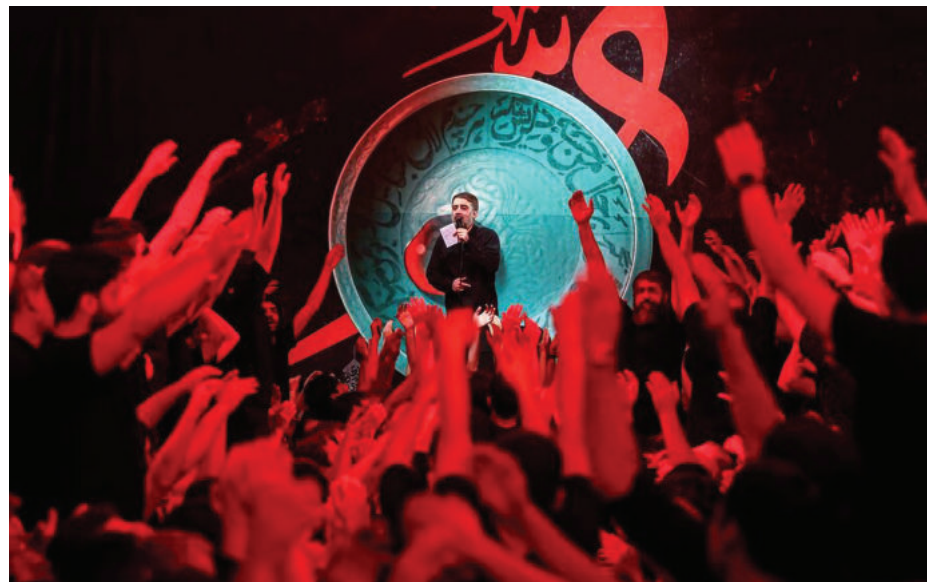
۴) پایگاه سیاسی-مکتبی عوامل وابسته به مافیای قدرت برای رأی جمع کردن یا تخریب

از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی تا کنون سیاستمداران یا جریان‌های حزبی که پایگاه محکم‌تری در هیأت‌ها داشتند، از نفوذ بیشتری نیز در نظام برخوردار بودند. قشون و دارودسته‌هایی از اراذل و اوباش متصل به این هیأت‌ها نیز همواره ابزار وزن‌کشی سیاسی در جمهوری اسلامی به شمار می‌رفتند. اما اکنون نظام با یک چالش بزرگ مواجه است: صدای مخالفت از دل همین هیأت‌ها به گوش می‌رسد.

خیلی‌ها می‌گویند علاوه بر وضعیت جامعه که تحت تأثیر خیزش ملی قرار دارد، انتشار ویدئوهای غیراخلاقی مقامات جمهوری اسلامی و آتش زدن قرآن توسط یکی از اعضای سابق حشدالشعبی در سوئد ضربات کاری بر آبروی نظام وارد آورده است. آبرویی که به مسجد، منبر، هیأت و نهاد بسیج گره خورده بود. اگر نبض هیأت‌های مذهبی دیگر در دست جمهوری اسلامی نباشد، بخشی از دستگاه سرکوب حکومت نیز فرو می‌پاشد.

حامد محمدی

بی‌حجابی و خوردن حرام نیست!» از سوی دیگر، در هیأت‌های حکومتی مبلغان و نوحه‌خوان‌ها به دفاع از نظام و ارزش‌های آن پرداختند و هشدار دادند «دشمن



با ترفندهای خاص، جوانان را از اعتقادشان دور می‌کند.» سید ابراهیم رئیسی در مراسم شب تاسوعا که در مسجد نهاد ریاست جمهوری در خیابان پاستور برگزار شد گفت «مکتب انقلاب اسلامی ادامه و امتداد مکتب امام حسین و عاشورا است.» وی مدعی شد «به برکت خون مطهر شهدای اسلام، نظم نوین جهانی در حال رقم خوردن است.» آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری عضو مجلس خبرگان در شب تاسوعا روی منبر رفت و گفت: «عده‌ای به دنبال جایجایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در جامعه هستند.» در حسینیه «بیت علی خامنه‌ای» نوحه‌خوان مدعی شد همه ایران مدیون «امام و شهیدان» هستند! خامنه‌ای هم با صدای او گریه می‌کرد. مداح در ادامه به رهبر جمهوری اسلامی دلگرمی داد و گفت «تا دم آخر هستم کنار رهبرم، می‌گذرم این جانم برای کشورم، شکر خدا هستم من مدافع حرم!» آنچه این مداح گفت در وصیتنامه قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» نیز آمده است. در بخشی از این وصیتنامه آمده «امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند.»

انتقاد از حکومت در هیأت‌های مذهبی توسط مداحان در گذشته نیز وجود داشت که عمدتاً جناحی و بازتاب دعوای خودی‌ها بود. اما به نظر می‌رسد در محرم ۱۴۰۲ فصل جدیدی از اعتراضات علنی آنها علیه نظام گشوده شده است. این در حالیست که فعالیت تقریباً تمام هیأت‌های مذهبی مستقیم و غیرمستقیم زیر نظر دستگاه اطلاعاتی است و هیأت امنای آنها اگر مستقیم عضو سپاه و بسیج یا ارگان‌های حکومتی نباشند قطعاً مورد تأیید آنها هستند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه بخش عمده‌ای از نیروهای سرکوبگر پیش از آنکه عضو پایگاه بسیج محلات و مناطق شوند، در همین هیأت‌های مذهبی محلات سازماندهی می‌شوند. از این رو نفوذ و سیطره مداحان حکومتی و نوچه‌های آنها روی پایگاه‌های بسیج بسیار زیاد است. درواقع هیأت‌ها گلوله قرمز نظام به شمار می‌رفته‌اند. بعضی هیأت‌ها و تأمین‌کنندگان مالی آنها و همچنین مداحانی که پای ثابت مراسم هیأتی هستند به شهرداری‌ها و برخی نیز به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وصل هستند. برخی محافل در

در محرم امسال طیف گسترده‌ای از مردم با ابتکارات و اقدامات خود به ارزش‌ها و بدعت‌هایی تاختند که حکومت در ۴۴ سال گذشته با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم بر

آنها موج‌سواری کرده. ابتکاراتی که مسئولان و حزب‌اللهی‌ها را کلافه کرده است.

علی کریمی کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال ایران ویدیویی با انتشار تصاویری از سرکوب مردم در خیابان توسط نیروهای امنیتی و بسیجی‌ها که نوای نوحه‌خوانی روی آن بود، نوشت: «هرچی از یزید شنیدیم، از مزدوران رژیم آخوندی دیدیم!» در بین چهره‌های سرشناس مخالف رژیم او از نخستین کسانیست که امسال مستقیم به عزاداری‌های حکومتی تاخته است.

در شهر اردستان در استان یزد افرادی «نخل عزاداری» هیأت کوشک را آتش زدند. نیروی انتظامی گفت دو نفر در ارتباط با این اقدام دستگیر شدند. در اصفهان علم و کتل هیأت عزاداری «انصارالحسین» در خیابان «کاشانی» که پاتوق بسیجی‌های آن مناطق است به آتش کشیده شد.

خبرگزاری «فارس» دوم امرداد با انتشار ویدئویی از آتش زدن کتل‌ها نوشت: «افرادی ناشناس اقدام به آتش زدن کتل‌های هیأت کردند که موجب خشم و ناراحتی عزاداران امام حسین شد و مردم از مسئولان خواسته‌اند عوامل این آتش‌سوزی را سریعاً شناسایی و با آنها برخورد قاطع داشته باشند.»

کارزار رقص دختران ایرانی با نواها و موزیک‌های عزاداری نیز یکی دیگر از واکنش‌های جوانان است. البته رقصیدن با آهنگ‌های نوحه و مداحی در سال‌های گذشته نیز وجود داشته اما امسال بسیار گسترده بود. مخالفان حکومت می‌گویند کارزار رقص «دهان‌کچی» به حکومتی است که به اسم دین و مذهب حقوق انسانی شهروندان را زیر پا گذاشته و جنایت می‌کند.

هشدار مقامات نظام درباره شرایط

حجت‌الاسلام محمد مصدق معاون اول قوه قضائیه شامگاه چهارشنبه چهارم امرداد در «هیأت عزاداران زینبیه» زنجان هشدار داد «اتفاق فکر دشمن ۲۴ ساعته برای بی‌ارزش کردن مفاهیم دینی فعال است و می‌خواهند روحیه عاشورایی را از ما بگیرند.»

تعدادی از دختران با پوشش آزاد مقابل هیأت‌های عزاداری رفتند و دستشان را به علامت پیروزی بالا گرفتند و عکس انداختند. در واکنش به این اقدامات، شیخ حسین انصاریان واعظ مشهور به جوانان توصیه کرد «اگر می‌خواهید در دهه محرم معصیت کنید بروید کنج خانه‌هایتان... دهه محرم جای

شاهزاده رضا پهلوی:

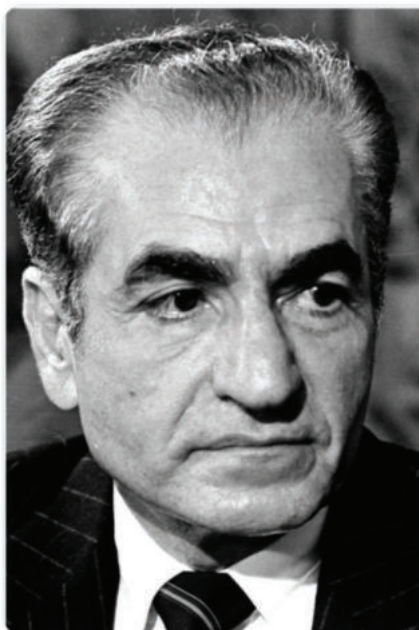
آنچه باید از رضاشاه و محمدرضاشاه بیاموزیم ترجیح منافع ایران بر منافع شخصی و گروهی است!



Reza Pahlavi
@PahlaviReza · دنبال کردن



رضا شاه بزرگ و محمدرضا شاه در دوران حکمرانی خود کوشیدند ایرانی بسازند که متعلق به همه ایرانیان باشد. آنها تلاش کردند همه نخبگان و اندیشمندان کشور را فارغ از تبار و مذهب و نگاه سیاسی برای ساختن ایران به کار بگیرند. بر پایه چنین نگاه و باوری بود که بسیاری از کارگزاران پادشاهی پهلوی...



هم پدربزرگ و هم پدرم به همراه یاران ایران‌سازان، مُجَدَّانه و دلسوزانه برای برآورده کردن این آرزو کوشیدند و ایرانی ساختند که تا پیش از فاجعه خاگمان‌سوز ۵۷، کمتر ایرانی حاضر به ترک همیشگی آن بود.

اکنون رضاشاه و محمدرضاشاه نیستند که ببینند جمهوری اسلامی با «وطن جذاب و عزیز» شان کاری کرده که حتی فرزندان و وابستگان رهبران این رژیم نیز با وجود برخورداری از رانت‌های فراوان، زندگی در «خارج» را به حضور در ایران ترجیح می‌دهند.

رضاشاه و محمدرضاشاه اما اگر امروز بودند به جوانان آگاه و دلاور ایران افتخار می‌کردند. جوانانی که با درس‌آموزی از گذشته، و با عزمی میهن‌پرستانه، می‌خواهند ایران را پس بگیرند و از نو بسازند؛ ایرانی که دوباره متعلق به همه ایرانیان باشد و همه نخبگان و نیروهای توانمند کشور، فارغ از تبار و جنسیت و باور و نگاه سیاسی در بازسازی آن به کار گرفته شوند.

با اتکا به این جوانان است که یقین دارم فردای ایران بهتر از گذشته‌اش خواهد بود.»

متن کامل این پیام به این شرح است:

رضاشاه بزرگ و محمدرضا شاه در دوران حکمرانی خود کوشیدند ایرانی بسازند که متعلق به همه ایرانیان باشد. آنها تلاش کردند همه نخبگان و اندیشمندان کشور را فارغ از تبار و مذهب و نگاه سیاسی برای ساختن ایران به کار بگیرند. بر پایه چنین نگاه و باوری بود که بسیاری از کارگزاران پادشاهی پهلوی از نخبگان دوره قاجار بودند. در راستای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت انسانی کشور بود که پدربزرگ و پدرم راهگشای حضور زنان در اجتماع و سیاست شدند و نیمی از جمعیت ایران را از پستوی انزوا و تحجر خارج کردند.

آنچه ما باید از رضاشاه و محمدرضاشاه بیاموزیم ترجیح منافع ایران بر منافع شخصی و گروهی است.

رضا شاه در سفرنامه‌اش پس از نجات خوزستان آرزو کرده بود آنقدر عمر کند تا بتواند آن وطن «جذاب و عزیز» را چنان آباد سازد که حتی کسانی که مهر وطن ندارند هم زندگی در آن را به زندگی در «خارج» ترجیح دهند.

● «آنها تلاش کردند همه نخبگان و اندیشمندان کشور را فارغ از تبار و مذهب و نگاه سیاسی برای ساختن ایران به کار بگیرند. بر پایه چنین نگاه و باوری بود که بسیاری از کارگزاران پادشاهی پهلوی از نخبگان دوره قاجار بودند. و در راستای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت انسانی کشور بود که پدربزرگ و پدرم راهگشای حضور زنان در اجتماع و سیاست شدند و نیمی از جمعیت ایران را از پستوی انزوا و تحجر خارج کردند.»

● «رضاشاه و محمدرضاشاه اما اگر امروز بودند به جوانان آگاه و دلاور ایران افتخار می‌کردند. جوانانی که با درس‌آموزی از گذشته، و با عزمی میهن‌پرستانه، می‌خواهند ایران را پس بگیرند و از نو بسازند؛ ایرانی که دوباره متعلق به همه ایرانیان باشد و همه نخبگان و نیروهای توانمند کشور، فارغ از تبار و جنسیت و باور و نگاه سیاسی در بازسازی آن به کار گرفته شوند. با اتکا به این جوانان است که یقین دارم فردای ایران بهتر از گذشته‌اش خواهد بود.»

● شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت هفتاد و نهمین سالگرد درگذشت رضاشاه بزرگ در چهارم امرداد ۱۳۲۳ و چهل و سومین سالگرد درگذشت محمدرضاشاه پهلوی در پنجم امرداد ۱۳۵۹ طی پیامی خدمات آنان را که جز برای ملت و مملکت ایران نبود ستود و نوشت: «آنچه ما باید از رضاشاه و محمدرضاشاه بیاموزیم ترجیح منافع ایران بر منافع شخصی و گروهی است.»

وی با اشاره به سیاست و درایت دو پادشاه پهلوی و شناخت آنها از به کار گرفتن نیروی همه ایرانیان برای ساختن مملکت تأکید کرده است: «آنها تلاش کردند همه نخبگان و اندیشمندان کشور را فارغ از تبار و مذهب و نگاه سیاسی برای ساختن ایران به کار بگیرند. بر پایه چنین نگاه و باوری بود که بسیاری از کارگزاران پادشاهی پهلوی از نخبگان دوره قاجار بودند. و در راستای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت انسانی کشور بود که پدربزرگ و پدرم راهگشای حضور زنان در اجتماع و سیاست شدند و نیمی از جمعیت ایران را از پستوی انزوا و تحجر خارج کردند.»

شاهزاده رضا پهلوی با یادآوری این نکته که «هم پدربزرگ و هم پدرم به همراه یاران ایران‌سازان، مُجَدَّانه و دلسوزانه برای برآورده کردن این آرزو کوشیدند و ایرانی ساختند که تا پیش از فاجعه خاگمان‌سوز ۵۷، کمتر ایرانی حاضر به ترک همیشگی آن بود» افزوده: «اکنون رضاشاه و محمدرضاشاه نیستند که ببینند جمهوری اسلامی با «وطن جذاب و عزیز» شان کاری کرده که حتی فرزندان و وابستگان رهبران این رژیم نیز با وجود برخورداری از رانت‌های فراوان، زندگی در «خارج» را به حضور در ایران ترجیح می‌دهند.»

وی ابراز امیدواری کرد که جوانان ایران با درس‌آموزی از گذشته، و با عزمی میهن‌پرستانه ایران را پس خواهند گرفت و آن را از نو خواهند ساخت؛ «ایرانی که دوباره متعلق به همه ایرانیان باشد و همه نخبگان و نیروهای توانمند کشور، فارغ از تبار و جنسیت و باور و نگاه سیاسی در بازسازی آن به کار گرفته شوند. با اتکا به این جوانان است که یقین دارم فردای ایران بهتر از گذشته‌اش خواهد بود.»

تردید جمهوری اسلامی برای ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه



رومایی از موشک بالستیک «حاج قاسم» / پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۹

با جمهوری اسلامی در ماه اکتبر یا تهدید به استفاده از مکانیزم ماشه در برجام اجتناب کنند.

اتحادیه اروپا اعلام کرد که «چارچوب جدیدی برای اقدامات محدودکننده» به منظور ممنوعیت صادرات قطعات پهپاد از اتحادیه اروپا به ایران، در نظر گرفته است. اتحادیه اروپا می‌گوید پهپادهای انتحاری ساخت ایران در جنگ روسیه علیه اوکراین و همچنین برای حمایت از رژیم سرکوبگر سوریه استفاده می‌شود. در حالی که تهران این ادعاها را درباره جنگ اوکراین رد می‌کند.

یک مقام ارشد جمهوری اسلامی پیش از این به «المانیاتور» گفته بود که تهران مذاکره با کی‌یف و بروکسل را در مورد نقش ایران در مناقشه اوکراین بررسی خواهد کرد، اما این گفتگوها جدا از مذاکرات هسته‌ای خواهد بود.

سخنان ویلیام برنز رئیس سیا این هفته نشان داد که رژیم ایران ممکن است پیامی درباره روسیه دریافت کند. برنز در نشست امنیتی «آسپن» گفت: «ما نشانه‌هایی دیده‌ایم- و برخی از اینها علنی بوده است- که نشان می‌دهد مقامات ایران در مورد ارسال موشک‌های بالستیک به روس ها دچار تردید شده‌اند... تا حدی به این دلیل که آنها نه تنها درباره واکنش ما، بلکه درباره واکنش اروپا نیز نگران هستند.»

برخی تحلیلگران می‌گویند تهران امیدوار به دریافت جنگنده‌های پیشرفته سوخو-۳۵ از روسیه بود و حالا که مسکو از تحویل آنها خودداری کرده احتمالاً جمهوری اسلامی نیز زیر بار هزینه‌های بین‌المللی ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه نرود. به گفته برخی منابع غیررسمی فشار اسرائیل باعث عدم تحویل سوخوها به ایران شده است.

ریچارد مور رئیس «MI۶» بریتانیا هفته قبل گفته بود فروش پهپاد به روسیه باعث ایجاد «اختلافات داخلی در بالاترین سطح حکومت در تهران» شده است.

ما نیز متعهد هستیم که ایران هرگز به سلاح اتمی دست پیدا نکند.

آیا جمهوری اسلامی پیام دولت بایدن در مورد روسیه را دریافت می‌کند؟

به گزارش پایشگاه خبری «المانیاتور» با شکست مذاکرات «احیای برجام»، دولت بایدن و رژیم ایران در حال مذاکره درباره یک تفاهم غیرمکتوب هستند. بر پایه این تفاهم، ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را محدود کند و در سطحی پایین‌تر از سطوح تسلیحاتی نگه دارد و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند. در مقابل، برخی از تحریم‌های آمریکا برداشته خواهد شد.

واشنگتن همچنین خواسته به عنوان بخشی از این توافق، گروه‌های نیابتی تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران، حملات به پرسنل و پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه را متوقف کنند.

اظهارات برنز درباره روابط ایران و روسیه و توصیف آن به «خیابان دوطرفه»، نشان‌دهنده اولییتی است که ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای اوکراین قائل هستند. این وضعیت ممکن است در اکتبر امسال (پاییز ۱۴۰۲) به اوج خود برسد چرا که بر اساس برجام، در ماه اکتبر باید محدودیت‌های سازمان ملل بر تحقیق، توسعه و تولید موشک‌های بالستیک ایران و واردات و صادرات فناوری‌های مرتبط با موشک‌ها و پهپادها، رفع شود. همچنین بر اساس برجام، حکومت ایران باید در این تاریخ، «پروتکل الحاقی» را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

از آنجا که احتمالاً هیچ‌کدام از این دو اتفاق نخواهد افتاد، روزی که در برجام به عنوان «روز انتقال» (Transition Day) تعیین شده، ممکن است در نهایت، روز اعلام رسمی مرگ این توافق باشد.

آمریکا و اتحادیه اروپا می‌خواهند با حفظ فشار بر رژیم ایران برای کاهش فروش پهپاد به روسیه، از تقابل

● ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به پرسشی درباره گزارش نهادهای امنیتی آمریکا مبنی بر اینکه روسیه با کمک ایران در حال ساختن تأسیسات تولید پهپاد است، گفت که رژیم «ایران حامی نظامی اصلی روسیه است».

● وی با تأکید بر اینکه «شراکت نظامی میان ایران و روسیه در حال عمیق‌تر شدن است» گفت: «روسیه صدها پهپاد حمله یکطرفه و تجهیزات مربوط به تولیدات پهپادی از ایران دریافت کرده است».

● برخی تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی ممکن است پیام هشدار دولت بایدن درباره ارسال سلاح به روسیه را دریافت کرده باشد.

● ویلیام برنز رئیس سیا در نشست امنیتی «آسپن» گفته بود «ما نشانه‌هایی دیده‌ایم- و برخی از اینها علنی بوده است- که نشان می‌دهد مقامات ایران در مورد ارسال موشک‌های بالستیک به روس ها دچار تردید شده‌اند... تا حدی به این دلیل که آنها نه تنها درباره واکنش ما، بلکه درباره واکنش اروپا نیز نگران هستند».

ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز سه‌شنبه ۲۵ ژوئیه (سوم مرداد) در یک نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره گزارش نهادهای امنیتی آمریکا مبنی بر اینکه روسیه با کمک جمهوری اسلامی ایران در حال ساختن تأسیسات تولید پهپاد است، گفت که رژیم «ایران حامی نظامی اصلی روسیه است».

وی با تأکید بر اینکه «شراکت نظامی میان ایران و روسیه در حال عمیق‌تر شدن است» گفت: «روسیه صدها پهپاد حمله یکطرفه و تجهیزات مربوط به تولیدات پهپادی از ایران دریافت کرده است».

در شرایطی که گفته می‌شود سپاه پاسداران قصد ارسال موشک‌های بالستیک دوربرد و میانبرد به روسیه دارد، معاون تحقیقات صنعتی وزارت دفاع جمهوری اسلامی اعلام کرده موشک‌های بالستیک «قاسم سلیمانی» به سپاه پاسداران تحویل داده خواهد شد.

ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) روز پنجشنبه در مورد روابط امنیتی جمهوری اسلامی و روسیه، به ویژه در صورتی که مسکو حاضر به فروش هواپیماهای نظامی به تهران باشد، هشدار داد.

این هشدار در حالیست که ایالات متحده این هفته یک یگان نیروی دریایی، جنگنده‌های F-۱۶ و F-۳۵ نیروی هوایی و یک ناوشکن موشک‌انداز را در خلیج فارس مستقر کرده است.

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در واکنش به این اقدام گفته است «ما به بازدارندگی پایدار و کارآمدی دست یافته‌ایم که از حمله نظامی جلوگیری می‌کند».

جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا قبل از دیدار با اسحاق هرتزوغ رئیس‌جمهوری اسرائیل بار دیگر تأکید کرد که بین ایالات متحده و اسرائیل درباره جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. بایدن گفت: «تعهد آمریکا به اسرائیل محکم و آهین است و

گفت و شنید با الهه بقراط؛ ۴۰ سال کیهان لندن: تجربه‌ای از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در شرایط غیرعادی ایران و ایرانیان

آنچه می‌خوانید سخنان الهه بقراط روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و سردبیر کیهان لندن در نشست عمومی «مهستان سکولاردموکرات‌های ایران» است که یکشنبه ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۳ / ۲۵ تیرماه ۱۴۰۲ به مدت سه ساعت و به صورت آنلاین برگزار شد. پس از این سخنان گفت و شنید بین مهمان و حاضران نشست صورت گرفت.

صحبت را با سیاست از مهستان و حاضران و یک سیاست بسیار بزرگ از خانواده دکتر مصباح‌زاده شروع می‌کنم که اگر اقدام او در ۸۱ سال پیش در ایران برای تأسیس موسسه کیهان نمی‌بود- مؤسسه‌ای که بعداً به یکی از بزرگترین موسسات مطبوعاتی خود ایران و همچنین خاورمیانه تبدیل شد، با انواع و اقسام نشریات برای گروه‌های مختلف اجتماعی و بعد هم در تبعید پس از وقوع انقلاب اسلامی با تأسیس کیهان لندن- طبیعتاً ما الان این گفتگو را نمی‌داشتیم. صحبت من متمرکز است روی «کیهان لندن». نقش دو زن در راه‌اندازی کیهان لندن و تداوم آن اهمیت دارد. یکی که کمتر از او در این زمینه صحبت شده، شاهدخت اشرف پهلوی است و دیگری که بعد از توقف انتشار نسخه چاپی، همت کرد و تداوم آنلاین آن را تضمین کرد خانم نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن است.

همینجا از فرصت استفاده می‌کنم و از همه آن همکارانی که با ما همکاری می‌کردند و بعد دیگر به هر دلیلی همکاری‌شان قطع شد تشکر می‌کنم، و از همه همکارانی که الان مشغول پیش بردن کارهای کیهان هستند، از جمله همکاران فنی که معمولاً اسمی از آنها در صفحات روزنامه نیست، یا خواننده‌ها بطور مستقیم با آنها رابطه ندارند ولی بدون تخصص و کار آنها اصلاً نه وبسایت و نه نسخه چاپی به دست خوانندگان می‌رسید.

همچنین یاد می‌کنم از همکارانی که دیگر در میان ما نیستند مثل هوشنگ وزیری، احمد احرار، ناصر محمدی، دکتر صدرالدین الهی، خانم مهرانگیز دولتشاهی و...

مدیران مسئول و سردبیران کیهان لندن

یکسری اطلاعات در مورد کیهان و کیهان لندن در ویکی پدیا هست، ولی نکاتی هم هست که هنوز در آنجا اضافه نشده و یا ممکن است بعضی‌ها از آن اطلاع نداشته باشند. مثلاً در مورد مدیران مسئول کیهان لندن در طول ۳۰ سال تا توقف انتشار چاپی آن در ماه اوت ۲۰۱۳ که آقایان اکبر اعتماد، مهندس عبدالرضا انصاری، عبدالمجید مجیدی و خانم گیلدا وزیردفتی بودند. در هیئت مدیره کیهان لندن از اول افراد دیگری که عمدتاً از سیاستمداران و پایوران حکومت پهلوی بودند، حضور داشتند.

این نکته را به این دلیل مطرح کردم که خیلی‌ها سعی می‌کنند- عمداً یا غیرعمداً- تا موضوع مبارزه با جمهوری اسلامی را به سال‌های معینی، یا از آن زمانی که خودشان وارد این صحنه شدند، محدود بکنند. در حالی که مبارزه با جمهوری اسلامی از حتی پیش از آغاز روی کار آمدن آن وجود داشته و بعد از آن به اشکال مختلف ادامه داشته؛ راه‌اندازی کیهان در تبعید (که تداوم کار موسسه کیهان در ایران به علت غصب قطع شده بود) بخشی از این مبارزه



نسخه‌ی انگلیسی خود را در اینترنت به اسم kayhanlife منتشر بکنند که بتواند با نسل‌های دوم و سوم ایرانی، ایرانیانی که در کشورهای خارجی به دنیا می‌آیند و بزرگ می‌شوند و ممکن است زبان فارسی نتوانند بخوانند، ارتباط برقرار کند و آنها را در جریان مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایرانیان قرار بدهد.

در کنار نشر آنلاین که هر روز به روز می‌شود ما سعی کرده‌ایم تا شکل سنتی کیهان لندن به صورت روزنامه را هم نگه داریم و به همین دلیل یک نشریه‌ی هفتگی، به شکل مجله‌ای که می‌شود ورق زد و خواند، هر هفته منتشر می‌کنیم که در آن مجموعه‌ای از مهمترین گزارش‌های کیهان لندن وجود دارد؛ به اضافه‌ی تحلیل هفتگی و سرمقاله که مخصوص همان شماره هفتگی تنظیم می‌شود.

به شمار می‌رود. آنهم در دورانی که (نسل‌های جوان‌تر شاید ندانند) این امر بدیهی نبود و کیهان حدوداً تقریباً ۳۰ سال تنها حلقه‌ی ارتباطی بین ایرانیان خارج کشور، ایرانیان تبعیدی، ایرانیانی که از کشور خودشان مجبور به فرار و ترک میهن‌شان شده بودند به شمار می‌رفت و در بیش از ۵۰ کشور جهان پخش می‌شد و دست به دست می‌گشت. سردبیران کیهان لندن از ابتدای شروع کار در خرداد ۱۳۶۳ تا زمانی که کیهان لندن چاپ می‌شد آقایان مهدی سمسار، حسین عدل، امیر طاهری، هوشنگ وزیری و احمد احرار بودند. بعد از اینکه انتشار چاپی متوقف شد، با همت نازنین انصاری و زحمتی که من (به عنوان کسی که تنها سرمایه‌ای که داشتم، وقت و علاقه‌ام بود) کیهان لندن بطور آنلاین ادامه پیدا می‌کند.

کیهان لندن در دوران اینترنت

نکته‌ی جالب توجه اینک تا زمانی که کیهان لندن چاپ می‌شد، بسیاری از رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران یا فعالان سیاسی، اصلاً به روی خودشان نمی‌آوردند که چنین نشریه‌ای ۳۰ سال است بطور حرفه‌ای منتشر می‌شود؛ ولی به محض اینکه کیهان لندن اعلام کرد که انتشار نسخه چاپی آن متوقف شده، بلافاصله در جاهای مختلف با تیتر بزرگ زدند «انتشار کیهان لندن متوقف شد!» در حالی که این نصف حقیقت بود! کیهان دیگر به صورت چاپی، منتشر نمی‌شد، ولی آنلاین حضور داشت و خیلی زود توانست همکارانی را از نسل‌های بعد به خودش جذب کند.

نکته‌ی دیگر اینست که- به شهادت بخصوص آنهایی که از همان آغاز با انتشار کیهان لندن سروکار داشتند- چه بسا کیهان لندن بدون پافشاری و اصرار و کمک‌های شاهدخت اشرف پهلوی اصلاً به راه نمی‌افتاد. وقتی هم انتشار نسخه چاپی متوقف شد، کار بدون همت نازنین انصاری ادامه پیدا نمی‌کرد و زندگی این نشریه در اوت ۲۰۱۳ تمام می‌شد. اما انتشار کیهان لندن نه تنها متوقف نشد بلکه توانست

«حکایت مکرر تاریخ» و ماجرای نوشتن برای کیهان لندن

و اما جریان اینکه خودم چطور با کیهان لندن و با کیهانی که به «کیهان سلطنت‌طلب» مشهور بود به همکاری پرداختم، این است که در دهه‌ی ۹۰ میلادی که تازه ساکن کشور آلمان شده بودیم و در «هایم»‌های پناهندگی کیهان لندن توسط مدیریت آنها خریده می‌شد و بین بچه‌های ایرانی دست به دست می‌گشت. در آن زمان کیهان لندن که به سلطنت‌طلب بودن مشهور بود طبیعتاً توجه چندانی را از جانب افرادی مثل من (که از تبار چپ می‌آمدم) بر نمی‌انگیخت. خبرها هم که یک هفته از برخی‌شان گذشته بود و آدم از طریق رادیو و تلویزیون می‌شنید. توجه من زمانی به کیهان لندن جلب شد که گزارش‌های دادگاه قتل دکتر شاپور بختیار را منتشر می‌کرد و کیهان لندن تنها جایی بود که این گزارش را منتشر می‌کرد.

اگر اطلاع داشته باشید می‌دانید که روزنامه‌ی هفتگی «نیمروز» به مدیریت آقای پرویز اصفهانی سال‌ها بعد به جمع مطبوعات پیوست و آن موقع فقط کیهان لندن بود که تنها جایی محسوب می‌شد که می‌توانستیم گزارش

هم معروف شده، یعنی بر انتشار گزارش‌های تحلیلی تأکید بکنیم و جریان‌ساز باقی نمانیم. کیهان همیشه یک رسانه‌ی جریان‌ساز بوده است. البته در آن اصطلاح «سلطنت‌طلبی» (جمهوری اسلامی به عنوان توهین می‌گفت) واقعی وجود داشت که بعداً جریان تاریخ در مسیر دیگری آن را به همه آنهایی نشان داد که آن زمان فکر می‌کردند جمهوری اسلامی پدیده‌ای ابدیست و سرنوشت مردم ایران است. و مردم ایران همواره باید تصمیم بگیرند که این بد را بخواهند یا آن بدتر را. کیهان لندن همیشه خلاف این جریان شنا کرده، جریان‌سازی کرده، و همواره روی این مطلب تأکید کرده که جمهوری اسلامی سرنوشت مردم ایران نیست و باید تغییر بکند.

به هر حال، تمام تمرکز رفت روی گزارش‌های تحلیلی، دقت کردن بر تمام رویدادهایی که گاهی وقت‌ها بطور انبوه پیش می‌آیند، دقت کردن بر آن خطوطی که به عمد یا غیرعمد مورد توجه رسانه‌هایی که به اصطلاح به «جریان اصلی» معروف هستند، قرار نمی‌گیرد. و در مرکز همه‌ی اینها حقوق مردم، مردم عادی، قرار دارد. به همین دلیل کیهان آنلاین لندن چارچوب خودش را به همان شکلی که بود ادامه داد و همیشه این ادعا را مطرح کرد که صدای حقوق مردم است و سعی می‌کند از لابلای اینهمه خبری که در تمام رسانه‌ها بطور انبوه مرتباً تکرار می‌شود و همه دارند از روی دست همدیگر رج می‌زنند، به طرف آن مسائلی برود که معمولاً و اتفاقاً به آن کم‌توجهی می‌شود اما جزو مهمترین مسائل هستند.

نظرات مختلف در «دیدگاه» و «تریبون آزاد»

در کنار این مواضع طبیعتاً کیهان لندن تلاش کرد که مخاطب جلب کند، بخصوص مخاطبانی که به افکار دیگری تعلق دارند. به همین دلیل کیهان لندن همیشه بخش «دیدگاه» و «تریبون آزاد» داشته و مطالبی را که در چارچوب دموکراسی و حقوق بشر باشند منتشر کرده است.

رسانه‌ای که همواره مورد هجوم رژیم و استقبال مخاطبان قرار داشته

در عین حال کیهان لندن در تمام سال‌ها، و بخصوص در آن ۳۰ سالی که به صورت چاپی منتشر می‌شد، بسیار تنها بود و همیشه مورد هجوم تبلیغاتی رژیم قرار داشت. بخصوص مورد هجوم افرادی که پیدا و پنهان با جمهوری اسلامی بودند. مثلاً یک زمانی بخشی از هزینه‌های کیهان توسط تبلیغات تأمین می‌شد و جمهوری اسلامی در تماس با صاحبان کار و همین فروشگاه‌هایی که در کشورهای آلمان و انگلیس و... بودند آنها را می‌ترساند که به کیهان لندن آگهی ندهند بطوری که فکر می‌کنم این اواخر آگهی‌های کیهان لندن مختص شده بود به آن بخشی که هیچ رابطه‌ای با جمهوری اسلامی نداشتند و جمهوری اسلامی نمی‌توانست تهدیدشان کند.

با اینهمه این اطمینان در کیهان لندن وجود داشت که خطی را می‌رود که آن خط پاسخ خودش را سرانجام از کف خیابان‌های ایران می‌گیرد. و این موضوع بخصوص از ۹۶ به بعد اثبات شد و کیهان لندن در این جهان پر از رقابت میان رسانه‌های فارسی‌زبان توانست مخاطبان خودش را حفظ بکند و اکنون ما جزو رسانه‌هایی هستیم که کمترین فحش‌ها را در سوشال مدیا می‌خوریم. این البته و الزاماً به این معنا نیست که کیهان همواره راه درست را می‌رود ولی یکی از معیارهای آدم، وقتی با رسانه‌های دیگر مقایسه می‌کند، می‌تواند همین باشد چون مخاطبان ما آدم‌های عادی و مردم معمولی هستند.

چاپ شدن مطلب مرا تشویق کرد که درباره مسائلی که پیش می‌آمد نظراتم را بنویسم و بفرستم. بعد آقای وزیری تماس گرفتند که اگر مطالب بیشتری هم هست منتشر می‌کنند. این همکاری تا سال‌ها ادامه پیدا کرد؛ نه به عنوان کار اصلی من، بکه کاری بود که من به عنوان کار جانبی و بر اساس علاقه‌ای که داشتم انجام می‌دادم. گاهی وقت‌ها مطالبم را در سر کاری که داشتم و مثلاً در ساعت



استراحت تنظیم می‌کردم و می‌فرستادم. و این همکاری ادامه پیدا کرد، به صورت تهیه‌ی مطالب تحلیلی یا به صورت ترجمه- بخصوص از رسانه‌های آلمانی- و همچنین بعد از مدتی به صورت نقد کتاب که آقای هوشنگ وزیری عنوان «کتابگزاری» را برایش پیشنهاد کرد. به هر حال در طول مدت ۲۸ سال ده‌ها کتاب‌گزاری درباره کتاب‌های مختلف و صدها مقاله و ترجمه از من در کیهان لندن منتشر شد. به تدریج نسل‌های جدیدی به میدان آمدند و همینطور شرایط ایران هم ادامه پیدا کرد، با آن نکتی جمهوری اسلامی که در آنجا مثل بختک روی مردم و مملکت افتاده، شکل کار هم طبیعتاً یک مقدار فرق کرد بخصوص با ورود اینترنت و فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی که به میدان آمدند. در جریان آنلاین شدن کیهان لندن بود که مسئولیت سردبیری به من محول شد و ما هم سعی کردیم خودمان را با این ابزار دنیای جدید تطبیق بدهیم.

کیهان لندن یک رسانه جریان‌ساز بوده و هست

یک نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که کیهان لندن هیچوقت یک رسانه‌ی خبری به عنوان متداول کلمه نبوده، برای اینکه در زمانی که هفتگی چاپ می‌شد طبیعتاً خبرهایش کهنه می‌شد، و الان هم به دلیل رقابت بسیار زیادی که بین رسانه‌های فارسی‌زبان و آنهایی که به هر حال یا بودجه دولتی دارند یا بودجه‌های عظیم از هر جایی دارند، کیهان اصلاً نه تنها قادر به رقابت با آنها نیست، بلکه اصلاً علاقه‌ای هم به این کار ندارد. برای اینکه رویدادهای انبوه مربوط به فحیح‌ترین مسائل فقط به خبری تبدیل می‌شوند که در رسانه‌ها و در سوشال مدیا منتشر می‌شوند و بعد همان خبرها با یک خبر فحیح دیگر به فراموشی سپرده می‌شوند. ما از آغاز (و این ما که می‌گویم یعنی از ۱۰ سال پیش که کیهان صرفاً به صورت آنلاین منتشر می‌شود) با این نوع کار مخالف بودیم. ما نیروی خودمان را گذاشتیم روی آن ویژگی کیهان لندن که به همان

آن دادگاه را که اگر اشتباه نکنم توسط خانم پری سکندری تهیه می‌شد، پیگیری کنیم. کمی بعد، در اردیبهشت ۷۴ (ماه مه ۹۵) کیهان لندن یکسری گفتگو با افراد مختلف را منتشر نمود و این سؤال را با آنها مطرح کرد که «اگر چرخ تاریخ به عقب بر می‌گشت، شما چه می‌کردید؟» و هر کدام از آن مصاحبه‌شونده‌ها هم به این پرسش جواب می‌دادند. من هم آن مصاحبه‌ها

را خواندم و اولین چیزی که به ذهنم رسید این بود که «چرا ما همیشه باید برسیم اگر به عقب برمی‌گشتیم چه می‌کردیم؟! چرا فکر نمی‌کنیم که الان چه می‌کنیم؟! مگر امروز در آینده، همان گذشته‌ی ما نیست؟! چرا باید بعداً برسیم که اگر به امروز برمی‌گشتیم چه می‌کردیم؟!» من این نکته را به عنوان یک مطلب کوتاه تنظیم کردم تحت عنوان «حکایت مکرر تاریخ»- طبیعتاً نه با تاپ و کامپیوتر، بلکه آن را با خودکار روی کاغذ با خط خوردگی نوشتم و بلند شدم رفتم پُست و فرستادم. هفته‌ی بعد دیدم مطلب من در آن بخشی چاپ شده که سه یا چهار صفحه میانی کیهان بود به عنوان صفحات تحلیلی. آن موقع مثل الان نبود که همه همه چیز بنویسند و همه جا منتشر بکنند، چاپ یک مطلب در یک روزنامه، در یک نشریه، حال و هوای دیگری داشت.

کیهان لندن هر ستونی جای و حرمت خودش را داشت. برای مثال مهم بود که مطلبی کنار سرمقاله گذاشته شود. در این صفحات تحلیل‌های آقای هوشنگ وزیری بود، زیر آنها تا مدت‌ها آقای محمد ارسى می‌نوشت، بعد بهروز صوراسرافیل با اسامی «نوید بوستانی» و «کتانه سلطانی». آقای احمد احرار هم فکر کنم در صفحه‌ی ۷ و به اسم «خبراندیش» مطلب می‌نوشتند و در ستونی در صفحه روبرویی با اسم «حکیم حق نظر» مطالب تاریخی می‌نوشتند. بخش دیگری هم بود که در آن مطالب خواننده‌ها چاپ می‌شد، هر کسی مطلب قابل چاپ می‌فرستاد، در آنجا منتشر می‌شد. و مطلب من هم آنجا منتشر شده بود.

این نکته را هم بگویم که، چه آن زمان و چه بعداً، صفحات کیهان لندن به روی همه‌ی کسانی که نظرات مختلف و گاه مخالف سلطنت‌طلبی که کیهان به آن مشهور شده بود داشتند، باز بود و هیچ حساسیتی روی این نبود که حالا، اینها مال چپ هستند، راست هستند و غیره و پس به این دلیل مطلب‌شان منتشر نمی‌شود.

سخنی چند با شاهزاده رضا پهلوی: وظیفه شما به عنوان رهبر جنبش نجات و آزادی میهن چیست؟



شعارنویسی مردم در خیابان‌های ایران در حمایت از پهلوی‌ها

به حکومت برسانند و هیچ عجله‌ای هم برای سرانجام کار ندارند و از نظر آنها زمان فاکتور مهم برای نجات ایران و بازگشت آزادی به وطن نیست.

این نیروها در هیچ کشور دموکرات در مصدر قدرت نیستند و فقط حضور پارلمانی آنها تحمل می‌شود. بنابراین حق فعالیت در چهارچوب قانون اساسی آینده ایران را نیز خواهند داشت.

در جناح راست هم گروهی هستند که دموکراسی و آزادی برای کشور دغدغه‌ی آنها نیست و فقط به تعویض عمامه با تاج نظر دارند. آنها به دنبال دیکتاتوری سلطنتی هستند که با افکار سیاسی شما سال‌های نوری فاصله دارد. اگر اشتباه نکنم این گروه‌ها در این ۴۴ سال که از تبعید نا خواسته شما می‌گذرد، بارها در صدد تعویض شما به عنوان جانشین حکومت مشروطه نیز بر آمده‌اند! البته ناگفته نماند که اگر حکومت شاه فقید با تمامی توانمندی‌ها و خدمات گسترده به ایرانی که پس از انقلاب مشروطه و طی دوران پهلوی‌ها مدرن شده بود، آنگونه مورد عتاب و قدرنشناسی از طرف مردم در دوران انقلاب ۵۷ قرار گرفت، بخشی از مسئولیت آن به عهده همین گروه‌های افراطی سلطنت طلب است که اطراف پدر شما را احاطه کرده بودند. بخشی هم برمی‌گردد به توطئه‌ای که قدرت‌های بزرگ علیه شاه فقید به علت مواضع‌اش در دفاع از منافع ملی ایران از سال ۱۹۷۳ ایجاد کردند.

البته سخن گفتن درباره این موضوع پس از گذشت نزدیک به نیم قرن پایانی ندارد و همچنان در مورد آن گفته و نوشته خواهد شد بدون آنکه الزاما همه ابهامات روشن شوند. اما علاوه بر این دو طیف، گروهی بازمانده از انقلاب ۵۷ هم هستند که هنوز بر این خیال‌اند که مردم ایران پس از حدود نیم قرن دیکتاتوری فرقه‌ای و اسلامی، حاضرند بار دیگر نوعی منافیان اسلام فرقه‌ای را به رهبری خود بپذیرند. نکته قابل توجه اینکه این گروه در داخل ایران هوادار و دلبسته‌ای ندارد و تمامی هیاهوی آنها مربوط به خارج کشور و لابیگران جناحین رژیم است.

و حال باز می‌گردیم به مردم معترض ایران که به نظر می‌رسد اکثریت را در ایران تشکیل می‌دهند.

آنها پس از تحمل ۴۴ سال دیکتاتوری فاسد آخوندها و باندهای مافیایی مرتبط با آنها، اینبار عاشق لیبرال

قبل از هر چیز لازم است به مشکلات بر سر راه شما در اجرای این مسئولیت خطیر اشاره‌ای بکنم.

جامعه داخل و خارج ایران جامعه‌ای رنگارنگ و پر از تنوع فکری و سیاسی است؛ علاوه بر این کشورمان از تنوع فرهنگی ازجمله قومی و مذهبی بر خوردار است که نقطه‌ی قوت آن به شمار می‌رود.

البته نباید فراموش کرد که این رژیم سفاک وطن‌فروش هرچند در تمامی رسته‌های اقتصادی و فرهنگی که منجر به خوشبختی و رفاه مردم ایران می‌شده، شکست خورده، ولی گذشته از سرکوب خونین، در یک مورد بسیار با موفقیت عمل کرده و آن پخش بذر نفاق در میان مردم ایران بطور عام و در میان اپوزیسیون بطور خاص است.

درباره حکومت آینده ایران بارها قلمفرسای شده ولی به سادگی می‌توان متوجه شد بنا بر شرایط ژئوپلیتیک کشور و توشه دموکراسی موجود پس از ۴۴ سال حکومت این خبیثان بر کشور، دو نوع فرم حکومت می‌تواند برای کشورمان راهگشا باشد که ضامن دموکراسی و آزادی نیز هستند:

۱- حکومت مشروطه پادشاهی که شخص شاه پدر معنوی کشور یکپارچه ایران باشد.

۲- حکومت جمهوری پارلمانی که شخص رئیس جمهور منتخب توسط پارلمان نهاد وحدت ملی کشور محسوب بشود بعلاوه دو مجلس شورای ملی و سنا. البته همانطور که بارها شخص شما تاکید کرده‌اید، انتخاب فرم حکومت به فردای سقوط رژیم موکول شده و تا روز سقوط رژیم از هرگونه بحث و جدل در مورد فرم حکومت آینده باید خودداری کرد که مبدا موجب تفرقه در صفوف اپوزیسیون در داخل و خارج کشور شود.

برگردیم به مشکلات سر راه شما در رهبری اپوزیسیون. همانطور که اشاره کردم جامعه ایران جامعه‌ای رنگارنگ و متنوع است؛ در گوشه‌های چپ و راست این اپوزیسیون گروه‌هایی هستند که به هیچ وجه زیر پرچم رهبری شما نخواهند رفت و اگر هم به نوعی اظهار همکاری کنند در بهترین حالت «رفیق نیمه‌راه» خواهند بود و در بدترین حالت از هر سو که بتوانند به شما و جنبش ملی ایران خنجر خواهند زد. گروه‌های کمونیست در جناح چپ همانطور که بارها اعلام مواضع کرده‌اند قصد شخم زدن ایران را دارند که بر روی خرابه این کشور، رژیم کمونیستی مورد دلخواه خود را

این وظیفه ملی و انسانی شما در مقابل هموطنان ما در داخل کشور است که مسئولیت رهبری مبارزه برای نجات و آزادی ایران را با شجاعت و درایت قبول کرده و برای برقراری دموکراسی در کشور اقدام کنید.

در گوشه‌های چپ و راست این اپوزیسیون گروه‌هایی هستند که به هیچ وجه زیر پرچم رهبری شما نخواهند رفت و اگر هم به نوعی اظهار همکاری کنند در بهترین حالت «رفیق نیمه‌راه» خواهند بود و در بدترین حالت از هر سو که بتوانند به شما و جنبش ملی ایران خنجر خواهند زد. گروهی بازمانده از انقلاب ۵۷ هم هستند که تمامی هیاهوی آنها مربوط به خارج کشور و لابیگران جناحین رژیم است.

مردم کشور ما در نبود دموکراسی، خواستار یک رهبر با صلابت هستند که با یک تیم همکار که در مقابل ملت احساس مسئولیت نموده و با شفافیت تمام عمل کرده و هدفی جز نجات و آزادی و آبادی ایران نداشته باشد، کار کند. همچنین پیام‌های شما به سوی مردم داخل ایران، علاوه بر اهداف دموکراتیک، می‌بایست بیش از پیش بر خواست‌ها و حقوق مادی و اقتصادی آنها تکیه کند و بیش از همیشه حاوی امیدواری بیشتر برای بهتر شدن وضعیت زندگی مردم و فرزندان آنان در فردای سقوط رژیم باشد.

بهرام فرخی - در این دوران پر تلاطم که ۴۴ سال از حکومت قرون وسطایی ملایان بر ایران عزیزمان می‌گذرد و دیگر طبل رسوایی این رژیم خونخوار در سرتاسر کشور به گوش می‌رسد، و در نزدیکی گرامیداشت روز ۱۶ سپتامبر سالروز «جنبش زن زندگی آزادی» می‌خواهم با شما چند کلامی درددل کنم.

تا جایی که مطالعات من اجازه می‌دهد و جواب‌هایی که در دیدار با شما، دریافت کردم، شما فردی تربیت شده در دامن مادری فرهیخته و تحصیلکرده در مرکز دموکراسی لیبرال در جهان آزاد هستید، به ایده‌های سوسیال دموکراسی غربی تا حدی نزدیک هستید و تا حدودی از ایده حکومت‌های موروثی به دور.

چنین نشد که شما نیز در عنفوان جوانی چنین مسئولیت سنگینی را بسان پدر تاجدارتان بر عهده بگیرید، بلکه اکنون با کلی تجربه سیاسی که ناشی از ۴۴ سال تبعید ناخواسته در غرب است، وارد چنین میدان مبارزه‌ای می‌شوید که سرانجام آن رهایی وطن‌مان ایران از دست دژخیمان ویرانگر ایران و ایرانی است. فرزندانان هم در غرب به دنیا آمده و در همانجا تحصیل کرده و با دموکراسی غربی مانوس شده‌اند. در شرایط کنونی که از خوب و بد روزگار اپوزیسیون داخل و خارج کشور کسی را به فرهیختگی و دموکراسی‌خواهی و دلبسته به مام وطن و برخورد از وجهه بین‌المللی و عدم وابستگی به قدرت‌های دیگر مثل شما را ندارد و کمتر کسی حتی در جناح جمهوریخواهان به موضع و پتانسیل شما در خارج و «مشروعیت» و حقانیت شما در داخل کشور در بین مردم رنج‌جیده ایران واقف نیست.

با این شرایط این وظیفه ملی و انسانی شما در مقابل هموطنان ما در داخل کشور است که مسئولیت رهبری مبارزه برای نجات و آزادی ایران را با شجاعت و درایت قبول کرده و برای برقراری دموکراسی در کشور اقدام کنید.

باز نشر

مد رهبری!

(کیهان لندن شماره ۱۰۱۶) فروردین ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)



معادن بسیار مهم، مرکز مواصلاتی چندین استان و (مهمتر از همه) سر راه کربلای معلی و عتبات عالیات!

خوب، سعادت باید به مردم همدان روی آور شود و رهبر معظم گذارشان به آن حدودها بیفتد و این فرمایشات را بفرمایند تا آنها که در جهل مرکب به سر می بردند و نه مدرسه رفته، نه معلم دیده، نه کتاب خوانده، نه از گذشته خود خبردار بودند، چشمشان باز و ذهنشان روشن شود، هویتشان را دریابند و از این که در شهری سه هزار ساله ساکنند احساس افتخار کنند.

در سفر همدان، «مقام ولایت» افاضات دیگری هم فرموده اند که نشان می دهد وسعت معلوماتشان به مراتب بیش از آن است که گفته و شنیده می شود. فی المثل روزی که در جمع جوانان همدانی لب به سخن گشودند و راه و رسم زندگی متجددانه، بدون اعتنا به تجدد غربی را، به آنان آموختند تازه دریافتیم که در قلمرو مد و مفسازی نیز امثال «پیپر کاردن» و «ابو سن لوران» و «نینا ریچی» و «کریستین دیور» و حتی «بیژن پاکراد» به گرد ایشان نمی رسند.

فرمودند: «اگر مدیستهای اروپا و آمریکا در مجلاتی که مدها را مطرح می کنند فلان طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند آیا ما باید در اینجا، در همدان یا تهران یا مشهد آن را تقلید کنیم؟» و افزودند که در زمان ریاست جمهوری خودشان طرحی برای «لباس ملی» طراحی کرده بودند: «بالاخره لباس ملی ما که این کت و شلوار نیست».

راستی آن طرح کجاست و چرا به مرحله اجرا درنیامد؟ به احتمال زیاد يك علتش دوگانگی در حکومت بود که بحمدالله با جاروب کردن و بیرون ریختن مدعیان اصلاح طلبی دوره اش تمام شد و اکنون که حکومت يك کاسه و یگانه شده است جا دارد نمایندگان محترم مجلس اسلامی و ائمه جمعه و جماعت و فقهای شورای نگهبان بچینند و هر چه زودتر بر مبنای تعالیم عالیه مقام معظم رهبری و الگوی خیاطی — فقاhtی که حضرتشان ارائه می دهند يك لباس ملی به قالب تن اتباع کشور امام زمان طراحی کنند و بر آنان بپوشانند و اسمش را هم بگذارند «مد رهبری»!

مگر رهبر ما از استالین و مائو چیزی کم دارد؟ خیلی هم بهتر از استالین پیپ می کشد و ماهرانه تر از مائو شیرجه می رود و شنا می کند.

از کرامات شیخ ما چه عجب
مشت را باز کرد و گفت وجب
يك کرامات دیگرش اینست
شیره را خورد و گفت شیرین است
بس کرامات دیگری دارد
برف را دید و گفت می بارد

برای «مقام معظم رهبری» کرامات عیدیه قائل شده اند از دیدارهای مستمر و تبادل نظر مداوم با حضرت صاحب الامر گرفته تا نبوغ سیاسی و نظامی و مقام والای هنری و ادبی و فلسفی. القاب و عناوینی هم برای جناب ایشان ردیف کرده اند که یکی از آن موشکهای شهاب ۴ ساخت میهن اسلامی لازم است تا آنها را به دنبال بکشد. اگر سعادت دست داد و یکی از سخنرانیهای مبسوط این منبع فیض و کرامت و مظهر فضل و فخامت، شاعر و فیلسوف و متفکر و متکلم و ادیب و فقیه به دستتان افتاد، بنشینید و با دقت و حوصله بخوانید تا کراماتشان بر شما نیز ثابت شود.

تشریف برده اند به همدان و در ورزشگاه شهدای قدس (کذا) برای اهالی شهر سخنانی ایراد فرموده اند که عقل از سرشان پرانده و به آنان فهمانده است چه مردمان غافل بوده اند که نه شهرشان را بدرستی می شناخته اند و نه مملکتشان را. سخنرانی با شرحی درباره قدمت تاریخی همدان آغاز می شود. می فرمایند: «مقیّم در همه دیدارهای استانی، اجمالی از شناسنامه آن شهرستان را به یاد مردم عزیز آن خطه بیاورم تا احساس افتخار و هویت و شخصیت کنند». آنگاه در مقام معلم تاریخ و جغرافیا، به اهالی هیچ ندان همدان تفهیم می کنند: «شهری که شما در آن زندگی می کنید حد اقل سه هزار و صد سال سابقه تاریخی دارد... بخشی از این مدت طولانی سه هزار ساله در ابهام و تاریکی است. قبل از اسلام خبر زیادی از فراورده های علمی و فکری این شهر در دست نیست، اما در دوران اسلامی شهر شما مرکز شکوفایی تمدن اسلامی محسوب می شده است... از این شهر تعداد بیشمار دانشمند برخاسته اند چه فقیه، چه فیلسوف، چه عارف، چه ادیب، چه ریاضیدان، چه اخترشناس، چه طبیب، چه هنرمند، چه شاعر، چه خطاط، چه سیاستمدار، چه مورخ...» و دیگر این که: «استان شما دارای ظرفیتهای طبیعی و انسانی است. منطقه کشاورزی ممتاز، منطقه گردشگری برجسته، دارای

→ دموکراسی و سیستم اقتصادی دنیای آزاد هستند که ضامن پیشرفت و توسعه کشور خواهد بود. در این طیف از ایده های سوسیال دموکرات تا لیبرال دموکرات وجود دارند و از نوع حکومت، هم از طرفداران پادشاهی مشروطه تا سیستم جمهوری دیده می شوند ولی نقطه ثقل تمامی این گروه ها و ایده ها، ملی گرایانی هستند که فقط و فقط به آینده میهن می اندیشند؛ ایرانی دموکرات و آزاد و سکولار که حقوق بشر بر جامعه آن حاکم باشد و هیچکس در آن کشور احساس تنهایی و اقلیت بودن نداشته باشد و همه ایرانیان در آن هموطن خواهند بود و برای اعتلای خانه ی ملی خود خواهند کوشید از هر تفکر سیاسی و از هر قوم و مذهب و جنسی که باشند. حال وظیفه شما به عنوان رهبر این جنبش نجات و آزادی وطن چیست؟

مردم کشور ما شخصیت های خاص و مورد اعتماد خود را دارند و به شدت به رهبر کاریزماتیک علاقمندند و در نبود دموکراسی در کشور، خواستار یک رهبر با صلابت هستند که با یک تیم همکار که در مقابل ملت احساس مسئولیت کرده و به وظایف خودش با شفافیت تمام عمل کرده و با صدای واحد خواستار سرنگونی رژیم شود و هدفی جز نجات و آزادی و آبادی ایران نداشته باشد، کار کند.

بنابراین وظیفه شماست که رهبران دیگر گروه های ملی گرا را که به فرادی دموکرات و آزاد ایران می اندیشند به زیر یک پرچم آورده و فارغ از جمهوریخواهی و یا مشروطهخواهی همه نیروهای آنها را در داخل و خارج بسیج کنید و راهکار مناسب با یک برنامه دقیق برای مبارزه با رژیم از اعتراضات تا اعتراضات و تا بی اعتبار کردن رژیم در خارج ارائه دهید و برای دوران گذار یک ایده مشخص و مناسب را در دیدگان جهانیان، چه افکار عمومی کشورهای مختلف و چه سیاستمداران آنها قرار دهید. شما به خوبی مطلع هستید که یک اپوزیسیون منفعل و پراکنده، هرگز حمایت قدرت های ذینفع در سقوط رژیم را به دست نخواهد آورد. علاوه بر نقش راه و برنامه دقیق، لازم است که هرگونه افراطیگری در هر جریانی از سوی همه آنها محکوم شود. این جریانات چه پادشاهی خواه و چه جمهوریخواه ممکن است تعدادی از طرفداران خود را از دست بدهند ولی هم میلیون ها تن از قشر خاکستری را به خود جذب خواهند کرد و هم سایبری های رژیم منزوی خواهند شد زیرا دیگر تحت پوشش افراط بین این جریانات مخاطبی نخواهند داشت. هموطنان خارج کشور بسیار دلبسته پیام های آزادی و دموکراسی و حقوق بشری برای وطن هستند.

اما پیام های شما به سوی مردم داخل ایران، علاوه بر اهداف دموکراتیک، می بایست بیش از پیش بر خواست ها و حقوق مادی و اقتصادی آنها تکیه کند؛ از هزینه های روزانه و حقوق شاغلین و بازنشسته تا اجاره و گرانی و قیمت های لگام گسیخته نیازمندی های زندگی. کمر مردم ایران در فقر و تنگدستی می شکند و این حکومت تمام سرمایه و ثروت کشور را خرج تبلیغات فرقه ای و شبه نظامیان و برنامه های اتمی و موشکی می کند. به همین دلیل پیام های شما می بایست بیش از همیشه حاوی امیدواری بیشتر برای بهتر شدن وضعیت زندگی مردم و فرزندان آنان در فردای سقوط رژیم باشد تا مردمی که به شدت در امور اقتصادی به زانو در آمده و اسیر تارهای عنکبوتی این رژیم فاسد شده اند، به تدریج پیاپی خیزند و بساط این جرمه های فساد را از میان برچینند.

* بهرام فرخی دانش آموخته علوم سیاسی و روابط بین الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

♦ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

دعوت از دکتر غلامحسین صدیقی برای تشکیل کابینه

وزیر کشور مصدق قبول مسئولیت را مشروط به آن کرد که شاه در کشور بماند ولی این شرط پذیرفته نشد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۳)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

بر این گمانم که خستگی بیش از اندازه شاه، اثرات بیماری بر شرایط روحی‌اش، شکستهای پی در پی او و فشار انگلیس و آمریکا، او را از اواخر نوامبر، به سوی تمایل به ترک کشور سوق داده بود. به زودی به این واقعیت پی بردیم. بنابراین رایزنی‌های تازه سیاسی به سوهای دیگر آغاز شد.

روز ۳ دسامبر، چند تن از فرماندهان ارتش، شاه را تشویق یا وادار کردند که بی‌خبر پیشین، از یک مرکز آموزشی ارتش و یک دبیرستان دخترانه که همسایه آن بود، دیدار کند. پیشباز جوانان گرم بود و ساکنان محل تا خبر آمدن شاه را شنیدند، گردآمدند و فریادهای «جاوید شاه» برآوردند. محمدرضا شاه بسیار متأثر شد. تقریباً آشک به چشم داشت. هنوز دوستش داشتند! این آخرین دیدار همگانی او بود.

راهپیمایی تاسوعا و عاشورا

روزهای ۱۱ و ۱۲ دسامبر، «تاسوعا» و «عاشورا»ی شیعیان، صدها هزار تن در خیابانهای تهران به سود آیت‌الله خمینی، راهپیمایی کردند. ارتش می‌خواست آن تظاهرات بزرگ را ممنوع کند. تیمساران اویسی، رحیمی، خسروداد با سامان‌دهندگان تظاهرات تماس گرفتند و آنان را در برابر مسئولیت‌شان قرار دادند: این تظاهرات «خط زرد»ی است که اجازه فرا رفتن از آن را نخواهند داد، وگرنه حمام خون و کودتای نظامی راستینی به‌پا خواهد شد. فرماندهان نظامی حتی تهدید کردند که چتربازان لشکر شیراز را که پیشینه و شدت عمل و کارایی دارند، با آن که در هیچ جا به‌کار گرفته نشده بودند، وارد عملیات خواهند کرد. در تهران، همه درباره چتربازانی که در صورت برگزاری تظاهرات، روی شهر خواهند پرید سخن می‌گفتند.

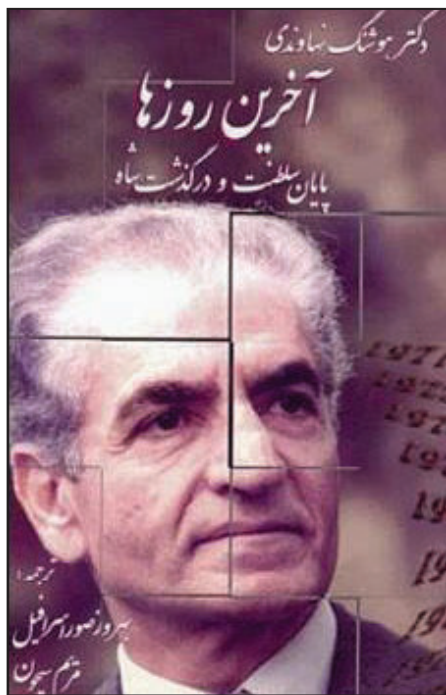
هدف ارتشیان، شکست روحیه مخالفان تندرو بود تا آنان را به عقبگرد وادارند و سیر رویدادها را — که هنوز شدنی بود — وارو کنند. پیروز نیز شدند، گروه گرداننده تظاهرات، در برابر چنین استواری تردیدناپذیری، ناگزیر از فرمانبرداری شدند و پیمان سپردند که فقط به مخالفت کلامی بسنده کنند. ابزارهای محاصره همه‌جانبه شهر و واحدهای زرهی و یکانهای ضد شورش، آماده کار شدند. یک واحد تانکهای

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود.

نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر



سنگین که در صد و چهل کیلومتری تهران پایگاه داشت، دستور گرفت که به سوی پایتخت حرکت کند. از آنجا که رویارویی‌ها جنبه روانی داشت، شایعه حرکت آن واحد برای لطمه زدن به روحیه مخالفان به گوش آنان نیز رسید. شامگاه ۱۰ دسامبر، به‌دستور صریح دربار، ممنوعیت تظاهرات لغو شد و رادیو دولتی آن را اعلام کرد. اما نیازی بدان نبود. زیرا بی‌بی‌سی پیشتر اعلام کرده بود که تظاهرات انجام خواهد گرفت. ارتش شهادت سرپیچی نداشت.

به‌زودی دانستیم که دخالت چند تنی که خواستار آرامش بودند — سه پیر مرد کذایی: امینی، سیاسی و وارسته، فشار بسیار شدید سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس و دسیسه‌های پیرامونیان شهبانو، بار دیگر باعث عقب‌نشینی شاه شده

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

است. بعدها در قاهره در مورد این ماجرا، شاه به من گفت: «پارسونز (سفیر انگلیس) حتی آمد و به من گفت این تظاهرات، ویژگی یک نظرخواهی همگانی را دارد. باید بگذارید کارشان را انجام دهند.» و افزود: «آن هم اشتباهی بود که نباید می‌کردیم.»

دعوت از صدیقی

در آن زمان، شاه می‌پنداشت که می‌تواند ریاست یک دولت ائتلافی را به چهره‌ای از مخالفان بسپارد که همه او را بشناسند، اما در تحریکات آن روزها شرکت نکرده باشد. چند تنی بودند. اما چه کسی ممکن بود این مأموریت را که به خودکشی محض می‌مانست، بپذیرد؟

چنین بود که به رایزنی تنی چند از نزدیکان و پس از تردیدهای زیاد، شاه گفت با غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه، هم‌رمز دیرینه مصدق و میراث‌دار معنوی او تماس بگیرند و دریابند آیا می‌پذیرد به‌دیدار پادشاه بیايد، زیرا بیم آن می‌رفت که نپذیرد. اعلیحضرت می‌کوشید کاری کند که احتمالاً صدیقی بپذیرد که دولت «وحدت ملی» را تشکیل دهد. آن دو مرد، پیرامون ربع قرن بود که یکدیگر را ندیده بودند، اما در آن چند سال آخر، آغاز به احترام گذاشتن کرده بودند. گمان می‌کنم من در این مورد نقشی بازی کرده بودم. پنج سال پیش از آن، هنگامی که استاد صدیقی به سن بازنشستگی رسیده بود، گروه دانشگاهی او، دانشکده‌اش و سپس شورای دانشگاه که در آن هنگام ریاستش با من بود، تصمیم گرفتند، با رأی مخفی و اتفاق آرا، از او تقدیر کنند و منشور استادی ممتاز، به او داده شود. مراسم اعطای منشور که معمولاً با شکوه و تشریفات انجام می‌گرفت، بر اساس سنت، از رادیو و گاهی تلویزیون ملی پخش می‌شد. دریافت‌کننده این منشور سیاس، سخنرانی‌ای می‌کرد که گاه به درازا می‌کشید. از میان سه دانشگاهی فرهیخته که در آن سال این افتخار از آن‌شان شده بود، استاد صدیقی با فاصله زیاد، حتی در سطح ملی، از همه مشهورتر بود. بنابراین، او می‌بایست سخنران اصلی مراسم باشد. به دلیل حضور صدیقی، مراسمی که ممکن بود زیاد هم مورد توجه

کرد. این با خواست انگلیسیها و آمریکائیه‌ها که می‌خواستند کشور را ترک کند، نمی‌خواند. او، شاید یک بخت بلند دیگر را از دست داد. غلامحسین صدیقی، باز، برای آخرین بار و برای آن که به او التماس کند که به‌خاطر منافع ملی، کشور را رها نکند، چهار روز پیش از ترک همیشگی وطن، به دیدار شاه رفت. کمی پس از ترک کاخ در تلفن به من گفت «می‌دانستم بیهوده است، ولی دست‌کم وظیفه خود را انجام دادم».

دعوت از بقائی

پس از شکست راه حل صدیقی، شاه به یکی دیگر از چهره‌های تاریخی مخالفان روی آورد: مظفر بقائی. این دانش‌آموخته دانشسرای عالی فرانسه، هفتاد سالی داشت و دانشیار بازنشسته دانشگاه تهران از سالها پیش بود. سالها هم‌رمز بسیار نزدیک مصدق بود، سپس از او بریده و مدتی به شاه نزدیک شده بود. سخنرانی چیره‌دست بود که اندیشه‌های سوسیالیستی و لائیک خود را بی‌پروا بیان می‌کرد. اهمیت صدیقی را نداشت، ولی شخصیت صادق، فرهیختگی دانشگاهی و زندگی منزوی و راهبانه‌اش به او احترام می‌بخشید. او از دیرگاه ارتباط‌های بسیاری را حفظ کرده بود. در آن روزها که همه سر در پی چهره‌های مخالف گذاشته بودند، و شاه و شهبانو دوستان خود، حتی پاکدامن‌ترین و - از دیدگاه سیاسی کارداران‌ترین‌شان - را به گونه‌ای رها کرده بودند، باقی می‌توانست برگی نه‌چندان



دکتر غلامحسین صدیقی

بی اهمیت در بازی باشد.

به‌گفته‌ای، اردشیر زاهدی که سخت می‌کوشید تب ضد ایرانی و ضد شاه را در واشنگتن پایین آورد، از این انتخاب پشتیبانی می‌کرد. چند تن از فرماندهان ارتش نیز با بقایی موافق بودند. دکتر داریوش شیروانی پزشک مشهور زنان و نماینده مردم پایتخت در مجلس، بقایی را خوب می‌شناخت. پس او را مأمور نظرخواهی از بقایی کردند. او به شاه گفته بود که این فیلسوف، از بالا گرفتن بنیادگرایی و خشونت بسیار نگران است و می‌خواهد به رویارویی با آن برخیزد. ترتیب شرفیابی داده شد. شیروانی، خود بقایی را به کاخ آورد. شاه بیش از دو ساعت بقایی را به حضور پذیرفت، و فردای آن روز به نماینده مجلس گفت: «مظفر یک میهن‌پرست است».

ملی باقی ماند اما خود را از هر گونه کار تحریک‌آمیز جانبدارانه کنار کشید و هیچ امتیاز یا پاداشی هم نپذیرفت. صدیقی در سال ۱۹۵۷، «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» را در دانشگاه تهران بنیاد نهاد که خود با درایت و کاردانی، آن را اداره می‌کرد. این مؤسسه، خیلی زود به یک مرکز معتبر بین‌المللی تبدیل شد. غلامحسین صدیقی از اعتبار معنوی فراوانی در حلقه‌های دانشگاهی، روشنفکرانه و بورژوازی تجدیدخواه، و همچنین در بازار برخوردار بود. دیدار صدیقی و شاه، به‌گونه‌ای بسیار رضایتبخش صورت گرفت. خود صدیقی روز بعد، آن را با جزئیاتش برایم شرح داد. شاه همه استعداد خود در جذب مخاطبان را در مورد این دانشگاهی گرانقدر به‌کار گرفته بود. به او قول داده بود که همه چیز کاملاً در اختیار وی خواهد بود و نیروهای نظامی و ارتش از او پشتیبانی خواهند کرد. صدیقی افزود: «هیچ برهانی ندارم که باور نکنم راست می‌گوید. بسیار تحت تأثیر صداقت و احساساتش قرار گرفتم.» اختلافات پیشین به‌خاطر منافع ملی به فراموشی سپرده شد. او یک هفته زمان خواست تا برنامه دولت خود و فهرست وزیرانش را آماده سازد. چند تن از اعضای جبهه ملی پذیرفتند با او همراه شوند. پیرامونیان آیت‌الله شریعتمداری، که نفوذش انکارکردنی نبود، و حتی تنی چند از نزدیکان خمینی پشتیبانی خود را از او ابراز کرده بودند. بخش بزرگی از افکار عمومی، در او مردی با افکار اصلاح‌گرایانه نیرومند، در چهارچوب قانون اساسی می‌دیدند. به این ترتیب، این بار او



دکتر مظفر بقایی

بخت بلندی داشت که در آنجا که دیگران شکست خورده بودند، پیروز شود.

هنگامی که پس از دیدارهای از سر احترام با شهبانو، بازگشت تا باز با شاه ملاقات کند، فقط یک شرط را مطرح کرد: «شاه از تهران دور شود، ولی کشور را ترک نکند.» به آن ترتیب، دست رئیس دولت در انجام آنچه می‌خواست، باز می‌ماند. همراه با این خواهش از شاه که ایران را ترک نکند، به او پیشنهاد کرد به پایگاه دریایی بندر عباس در تنگه هرمز که در آنجا اقامتگاه بسیار مناسبی - که برای پذیرایی از میهمانان برجسته استفاده می‌شد - ساخته شده بود و شاه هم به هنگام بازدید نظامی در آن اقامت می‌گزید، برود. صدیقی می‌کوشید به این ترتیب، یگانگی ارتش را که از پاره‌پاره شدنش بیم داشت، نگه‌دارد. شاه این شرط را رد

قرار نگذرد، ناگهان تبدیل به رویداد سیاسی بسیار مهمی شد که افکار عمومی در کمین آن بود. من از سوی هویدا و ساواک زیر فشار شدیدی قرار گرفتم. - چه شده که تصمیم گرفتید چنین عنوانی به این «مرتیکه» بدهید؟

- آقای نخست وزیر، این افتخاری است برای دانشگاه.

نخست وزیر و «ساواک» تأکید داشتند:

- ما نمی‌گذاریم. مانع از پخش آن از رادیو و تلویزیون خواهیم شد و اگر لازم شد موضوع را با اعلیحضرت در میان خواهیم گذاشت.

و این کار را کردند. پاسخ شاه روشن بود: «در کارهای دانشگاه دخالت نکنید. این، مسئولیت رئیس دانشگاه است.»

جامعه سیاسی و محافل روشنفکری نفس در سینه خود نگه‌داشته بودند. آیا به وارث سیاسی مصدق اجازه خواهند داد نیم ساعت و مستقیماً بر امواج رادیو سخن بگویند؟ رضا قطبی رئیس رادیو - تلویزیون، حتی همه جوانب را در نظر گرفته بود تا مبدا «اشکال فنی» یا کاری تحریک‌آمیز جلو پخش برنامه را بگیرد.

مراسم برگزار شد. برخلاف معمول هیچ یک از وزیران حضور نداشتند. تالار فردوسی دانشکده ادبیات پر بود. سخنرانی صدیقی بسیار محترمانه بود. درسی بود در اخلاق اجتماعی، بی هیچ ستایشی از کسی یا کمترین اشاره سیاسی. حاضران از آن استقبال کردند و در بیرون هم مورد علاقه بسیار قرار گرفت.

شاه، از سر کنجکاو و برانگیخته از هشدارهای دسیسه‌آمیزی که به او داده بودند، برنامه را دنبال کرد. چند روزی بعد، در مراسمی رسمی که در حضورش برگزار شد، و من هم بودم، به من گفت: «به سخنان دوستان گوش کردم و تصویرش را دیدم. خوب سخن گفت.» فردایش، با واژه‌های مناسب، تقدیر شاه را به او رساندم. دانشگاهی سالخورده شنید و گفت: «تا آخرین لحظه گمان نمی‌کردم بگذارند مستقیماً در تلویزیون سخن بگویم.» و افزود که می‌تواند فشارهایی را که بر من آورده‌اند در نظر آورد. و بالاخره گفت: «از اعلیحضرت از سوی من به‌خاطر مرحمتشان و پشتیبانی از دانشگاه‌مان سپاسگزاری کنید.» و بر این گمانم که از همان جا، آن دو مرد گله‌های دیرینه‌شان را به یکدیگر، اندکی به فراموشی سپردند. هنگامی که دو نماینده پادشاه پیش صدیقی رفتند تا به پذیرش نخست‌وزیری بخوانندش، پاسخ او سرشار از وقار بود: «از این که اعلیحضرت مرا بیست و پنج سال از کار برکنار کردند، هیچ کینه‌ای در دل ندارم و می‌دانم که در شرایط امروز، تشکیل دولت می‌تواند برای پیشینه من گران تمام شود. اما هنگامی که وطن در خطر است، نیکامی‌ای که نتوان در راه نجات آن به کارش برد، چه سودی دارد؟»

دکتر صدیقی هفتادساله، دانشجوی پیشین دانشسرای عالی «سن‌کلو»ی فرانسه، دارای دکترای دولتی از دانشگاه «سوربن» پاریس، وزیر پست و تلگراف و سپس وزیر کشور و نایب نخست‌وزیر در زمان مصدق بود. به هنگام محاکمه‌اش در دادگاه، با آن که خود زندانی بود، احترام فراوانی به «شیر پیر» ابراز کرد. (عنوانی که ملکه پیشین ثریا در خاطرات خود به مصدق داده، گرچه او را دوست نمی‌داشت). این رفتار برای خود وی نیز احترام فراوانی، هم از سوی دادستان و هم از سوی شاه، به‌بار آورد. بیشتر همکاران مصدق، در دادگاه، ردیانه‌ترین انواع تهمت‌ها را نثار او کرده بودند تا آزادی‌شان را به‌دست آورند. دستور داده شد که صدیقی را به‌خاطر همین رفتار آزاد کنند. از آن پس بی آنکه گذشته سیاسی خود را انکارکند، چهره‌ای

همایش «نکوداشت آریامهر» برگزار شد



در بخشی از سخنان خود به اجرای شعار «زن زندگی آزادی» در دوران پهلوی و داشتن آبرو و اعتبار در دوران آریامهر اشاره کرد و بر نقش شاهزاده رضا پهلوی به عنوان تنها شانس مردم ایران برای برون رفت از جمهوری اسلامی تأکید نمود.

دکتر امیر حمیدی متخصص بین‌المللی در زمینه امنیت ملی و تروریسم جهانی نیز در سخنرانی خود بر ثبات ایران در منطقه و نقش مهم و کلیدی قانون مشروطه در گذشته، حال و آینده سیاسی کشور تمرکز داشت.

فریدون توفیقی کنشگر سیاسی مشروطه‌خواه به توسعه فرهنگی در دوران محمدرضا شاه پهلوی پرداخت و به حضور زنان در بخش‌های مهم ساختار حکومت و توجه ویژه شاه فقید به ترویج علم و دانش و باسوادی در سراسر کشور اشاره کرد.

میلاد آقایی فعال سیاسی مشروطه‌خواه از سوئد نیز که به صورت آنلاین در این همایش شرکت داشت سخنرانی خود را به موضوع حقوق «شهروندی روانشناختی» و جدایی نهاد مذهب از نهادهای دولتی و حکومتی اختصاص داد و آن را میراث برجسته‌ی دوران محمدرضا شاه پهلوی دانست.

دکتر شایان سمیعی کارشناس امنیت ملی نیز که در این همایش به عنوان سخنران حضور داشت به برخی از اقدامات پادشاه فقید از جمله ایجاد سپاه دانش و دستاوردهای آن و مخالفت «پنجاه‌وهفتی‌ها» با آن و نیز انقلاب سفید و دستاوردهای برای مردم ایران اشاره کرد.

پنجم‌امرداد سالگرد چهل و سومین سال درگذشت دومین پادشاه پهلوی است. وی هفت ساله بود که با تاجگذاری رضاشاه بزرگ، ولیعهد ایران شد. وی فقط ۲۲ سال داشت که در کشاکش جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۲۰ و زمانی که ایران در اشغال متفقین قرار داشت، جانشین پدر شد و به پادشاهی ایران رسید. مراسم تاجگذاری وی اما بیش از دو دهه بعد و هنگامی که ایران در دوران شکوفایی اقتصادی و اجتماعی و ثبات بسر می‌برد، در چهارم آبان ۱۳۴۲ برگزار شد. دومین پادشاه پهلوی که در دهه پنجاه خورشیدی به بیماری سرطان مبتلا شده بود، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران در اودیسه‌ای که با همسر و چهار فرزندش پشت سر گذاشت، سرانجام در قاهره آرام گرفت و پنجم‌امرداد ۱۳۵۹ در سن ۶۰ سالگی چشم از جهان فرو بست.

● در این مراسم پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت چهل و سومین سالگرد درگذشت پادشاه فقید ایران پخش شد که در آن شعار «شاهنشاه روح‌ت شاد» انعکاس آگاهی مردم از برنامه‌های وی برای تحقق عظمت ایران ارزیابی شده است.

● مهمانان سخنران در این نشست درباره دستاوردهای دوران دومین پادشاه پهلوی نکاتی را در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی یادآور شدند.

همایش «نکوداشت آریامهر» با هدف گرامیداشت پادشاه فقید ایران، محمدرضاشاه پهلوی، روز گذشته یکشنبه یکم‌امردادماه برابر با ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۳ در هتل هیلتون وودلند هیلز لس‌آنجلس برگزار شد.

در این مراسم پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت چهل و سومین سالگرد درگذشت محمدرضاشاه پهلوی، شاهنشاه فقید ایران، پخش شد.

شهبانو در بخشی از این پیام شعار «شاهنشاه روح‌ت شاد» را انعکاس آگاهی مردم از برنامه‌های شاه فقید برای تحقق عظمت ایران دانست.

سخنرانان در این همایش که توسط «سازمان سرباز» برگزار شد، به بررسی میراث و دستاوردهای دوران پادشاه فقید پرداختند. «سازمان سرباز» مجموعه‌ای از افسران قدیمی گارد شاهنشاهی مانند سرهنگ هوشنگ وزین است که با هدف گرامیداشت یاد و دستاوردهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دوران پادشاه فقید ایران، نشست «نکوداشت آریامهر» را برگزار کردند.

در این همایش علیرضا میبیدی شاعر، مجری و برنامه‌ساز تلویزیونی با اشاره به تلاش‌های محمدرضاشاه برای توسعه سیاسی در کشور، ایران قبل از وقوع انقلاب ۵۷ در کشوری معرفی کرد که به سوی پیشرفت حرکت می‌کرد اما در دوران جنگ سرد قربانی قدرت‌های بزرگ جهان و منطقه شد. خلبان فرهاد نصیرخانی از نیروی هوایی شاهنشاهی یکی دیگر از سخنرانان دعوت شده به این مراسم بود که ضمن یادآوری خدمات رضاشاه به اقدامات مهم محمدرضا شاه از جمله بازسازی ارتش در دوران جنگ جهانی دوم و پس از آن در حفظ ثبات سیاسی کشور اشاره کرد.

عرفان قانع‌ی فرد تحلیلگر مسائل سیاسی خاورمیانه نیز

از بقایی، این مخالف ابدی خواسته بودند برنامه‌ای پیشنهاد و فهرستی از وزیران آماده کند. بار دیگر شیروانی او را به کاخ همراهی کرد تا ابتدا با شهبانو و سپس با پادشاه دیدار کند. همه چیز داشت شکل می‌گرفت.

شب، اواخر دسامبر، یک گردهمایی بسیار پنهانی در خانه نماینده مجلس برقرار شد که برای پیشگیری از درز کردن ویژگی‌ها یا گفتگوهای آن، حتی پیشخدمت‌های خانه را مرخص کردند. خانم شیروانی، خود غذای ساده‌ای برای شرکت‌کنندگان آماده کرده بود. آنان، اینها بودند: اردشیر زاهدی، که با مرد مورد اطمینانش حسین دانشور آمده بود. از دانشور خواستند در اتاق دیگری، دور از جمع بماند. سهپید ربیعی فرمانده نیروی هوایی، شیروانی و بقایی (که شیروانی خود به دنبالش رفته و او را آورده بود). این چهار تن به گفتگو پرداختند تا طرح بقایی را به سرانجام برسانند. او، می‌خواست که شاه پایتخت را ترک کند، ولی در کشور، در «پایگاه وحدتی» در همدان، که پایگاهی بسیار مجهز بود، بماند.

بقایی می‌خواست از مجلسین تقاضای اختیارات کامل کند، سپس دو مجلس را منحل کند تا بتواند پس از بازگشت آرامش، انتخاباتی آزاد و شبهه‌ناپذیر را، در دیرترین مهلتی که قانون اساسی می‌دهد، یعنی شش ماه بعد، برگزار کند. بر اساس مقررات حکومت نظامی و اختیارات کاملی که می‌داشت، در نظر داشت چهار هزار تن را بازداشت کند تا بدان ترتیب، تحریکات و آشوبگرها قاطعانه درهم شکسته شود. سپس بیشتر بازداشت‌شدگان را اندک اندک آزاد کند. بقایی با خنده پرسیده بود: «می‌دانید نخستین کسی که باید دستگیر شود در فهرست من کیست؟» و خودش پاسخ داده بود: «بهشتی؛ که چند روز است وارد تهران شده و از مهمترین رهبران این بلواهاست.» آن فهرست را چند مهره امنیتی مخالف سیاست «شل و ول» رژیم، تهیه کرده بودند. در حقیقت او می‌خواست بخشی از طرح «خاش» را با نیروی بیشتر به کار بندد، و دولتی مقتدر که یک مخالف واقعی آن را می‌گرداند، تشکیل دهد. گفته بود که پشتیبانی ارتش و بخشی از ساواک را به‌دست آورده است. تیمسار ربیعی پشتیبانی کامل فرماندهان ارتش و آمادگی آنان را برای قرار گرفتن در اختیار او، تکرار کرده بود. آنان تنها چند لحظه پس از صدور دستور، خواهند توانست آن را اجرا کنند. دو غیر نظامی حاضر در گردهمایی پرسیده بودند: «آیا اعلیحضرت نقشه شما را تأیید کرده‌اند؟»

بقایی پاسخ داده بود: ایشان به من نه نگفتند. و افزوده بود: به اعلیحضرت گفتم نود درصد بخت بازگرداندن آرامش و آغاز فراگرد عادی کردن اوضاع سیاسی را دارم. پانزده روز فرصت می‌خواهم. اگر شکست خوردم، اعلیحضرت می‌تواند به پایتخت بازگردد، مرا از کار برکنار کند و همه گناهان را به گردن من بیندازد.

شب از نیمه گذشته بود که میهمانان از هم جدا شدند. ربیعی، بقایی را – البته پس از ادای سلام نظامی که معمولاً در برابر نخست وزیر داده می‌شود و شادباش و بهترین آرزوها را برایش خواستن – با خود برد.

فردای آن روز، شاپور بختیار به نخست‌وزیری برگزیده شد. شیروانی که اصلاً درک نمی‌کرد چه می‌گذرد، به اردشیر زاهدی تلفن کرد و به او گفت: «ما که مسخره خاص و عام شدیم.» و زاهدی پاسخ داد: «شما که می‌دانید چه کسی مسئول این کار است.»

مظفر بقایی، چندی پس از پیروزی انقلاب، نه به‌دلیل این ماجرا که برای نخستین بار جزئیات آن در اینجا فاش می‌شود، بلکه به‌خاطر انتقاداتی که کرده بود، به زندان افتاد و زیر شکنجه درگذشت. (ادامه دارد)

به یاد بانو همایون رنیک، پیشگام جامعه ایرانیان بریتانیا

سپاهی، بانو رنیک با ساخت پلهایی بین نسلی که ایران برایشان همه چیز بود و نسل‌های جوان‌تری که در مورد کشور آبا و اجدادی خود آشنایی کافی نداشتند، به شاد و مسرور کردن‌شان کمک نمود.

این بانوی فرهنگ‌دوست در سال ۲۰۱۲ به عنوان سفیر کمیسیون نوروزی مستقر در ایالات متحده در بریتانیا منصوب شد.

در سال ۲۰۱۵ وی سفیران ۱۵ کشور در آسیای مرکزی، از جمله ازبکستان، تاجیکستان، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان را در کاخ سنت جیمز برای جشن بهار در موسسه کارگردانان پال مال لندن گرد آورد.

سر الدون گریفیث فقید، عضو محافظه‌کار پارلمان بریتانیا که ریاست گروه پارلمانی ایران-انگلیس را بر عهده داشت، در کتاب خود با عنوان «ایران آشفته: خاطرات، مکاشفات و پیشنهادی برای صلح» (۲۰۰۶) از دیدار با نقاشان، نویسندگان، بانکداران و بازرگانان در ضیافت‌های او یاد کرده است.

در یکی از بخش‌های کتاب با عنوان «یک موقرمز و یک بانوی آبی»، میز شام زیبا و با سلیقه او را توصیف کرده که سرشار از میوه‌ها و گل‌هایی است که یکی از ویژگی مهمان‌نوازی ایرانیان است. او به خاطر می‌آورد: «وقتی میز تمیز شد، مرا برای رقص به بالای میز با شکوه کشیدند در همان حال که همایون با صدای دف و تنبور دور من می‌چرخید.»

سر الدون او را به «بیش از یک چهره زیبا» توصیف می‌کند. او شرح داده که چگونه همایون در سال ۱۹۷۸ به عنوان یک روزنامه‌نگار ظاهر شد تا یکی از معدود زنانی شود که می‌بایست با آیت‌الله روح‌الله خمینی در «نوفل لو شاتو» پاریس مصاحبه کند.

او بدون روسری به دفتر خمینی رفت و کارکنانش به او گفتند که خودش را بپوشاند. همایون امتناع ورزید تا اینکه آیت‌الله با این استدلال غیرقابل بحث او را متقاعد کرد که «به خانه من خیلی خوش آمدید. همانند خانه شما، از مهمانانمان می‌خواهیم که آداب و رسوم میزبان را رعایت کنند.» چهل دقیقه بعد، هنگام خروج وی، خمینی گفت: «این زن برای هر مرد ایرانی بین هجده تا هشتاد سال یک خطر است.»

بابک امامیان بنیانگذار انجمن بازرگانی ایرانیان بریتانیا (بیبا)، از رویکرد عملگرایانه بانو رنیک به مسائل تمجید کرده است. او گفته: «وی هرگز ادعا نکرد که یک سیاستمدار، تاجر، دانشگاهی یا فیلسوف است» و افزوده: «تصمیمات و اقدامات وی «بسیار بهتر از همه» بوده است.»

از بانو همایون رنیک، پسرش شهریار مازندی و دخترش یاسمین مازندی کاستیا به یادگار مانده‌اند.

*منبع: کیهان لایف

*نویسنده: نازنین انصاری

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



اروپا، ایران، اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق را به خود جلب کرد.

پروفسور ملویل در سال ۱۹۹۶ در جلد چهارم «ایران صفوی: تاریخ و سیاست یک جامعه اسلامی» را که بخشی از مقالات فارسی پمبروک است به او با عنوان «برای همایون رنیک در تحسین و قدردانی» تقدیم کرد.

بانو رنیک همچنین یکی از نخستین گردانندگان «بنیاد میراث ایران» در سال ۱۹۹۲ بود. این بنیاد که حفظ و ترویج فرهنگ ایرانی را جشن می‌گیرد، از او به عنوان یک رهبر سخاوتمند جامعه با حس شوخ‌طبعی قدردانی کرده است.

دوستان و شیفتگانش او را «همایون جان» می‌نامیدند که روحی سخاوتمند و قلبی پرشور داشت. او با خواندن مکرر اشعار حافظ، خیام و مولانا، زیبایی و حس زندگی را تجلی می‌کرد.

همایون پس از درگذشت مادرش، خانم یزدان‌پرست پاکراد، شب شعر و موسیقی در مرکز صوفیان نعمت‌اللهی در لندن ترتیب داد تا بجای سوگواری، زندگی او را جشن بگیرد.

بانو رنیک بالاترین رده‌های جامعه بریتانیا را خیره کرد. با این حال، او همچنین توانایی منحصر به فردی برای سرگرم کردن افراد از هر طبقه‌ای و هر نوع زندگی و از همه سنین و با هر گرایشی داشت.

رضا سپاهی دانش‌آموز جوانی بود که با بانو رنیک آشنا شد. او از وی به عنوان «کلید سنگی گنبد فیروزه‌ای که جامعه ایرانی در انگلستان است» یاد می‌کرد، به گفته

● بانو همایون رنیک که در پنجم ژوئیه ۲۰۲۳ در لندن چشم از جهان فرو بست، از پیشگامان بشردوستی ایرانیان در انگلستان و مروج خستگی‌ناپذیر فرهنگ غنی ایران برای بیش از ۳۰ سال بود.

نازنین انصاری - بانو همایون رنیک که در پنجم ژوئیه ۲۰۲۳ در لندن چشم از جهان فرو بست، از پیشگامان بشردوستی ایرانیان در انگلستان و مروج خستگی‌ناپذیر فرهنگ غنی ایران برای بیش از ۳۰ سال بود.

وی در ۱۱ ماه ژوئیه ۱۹۳۹ در خانواده‌ای نظامی در تهران به دنیا آمد و فرزند سرگرد محمود یزدان‌پرست پاکراد بود.

در دوران نوجوانی با یوسف (جو) مازندی که بنیانگذار و ناشر «ایران تریبون» و خبرنگار خارجی بسیاری از سازمان‌های رسانه‌ای از جمله یونایتد پرس اینترنشنال، نیوزویک، سی بی اس، ان بی سی و دیلی تلگراف بود، ازدواج کرد. یوسف مازندی همسر جذاب خود را به دنیا معرفی کرد. اگرچه آنها در سال ۱۹۷۲ راه خود را از هم جدا کردند و همایون به بریتانیا نقل مکان و دوباره ازدواج نمود، اما آن دو روابط دوستانه خود را همچنان ادامه دادند.

چند ماه پس از ورودش به لندن، وی در مجلات پر خواننده ظاهر شد و ستون‌نویسان جنجالی مهارت‌های مهمان‌نوازی او را به نمایش گذاشتند. در سال ۱۹۷۹ با هری اندرو رنیک، دومین بارون رنیک ازدواج کرد و نام خانوادگی او را برگزید.

اولین فعالیت بشردوستانه قابل توجه او به عنوان رئیس کمیته لندن برای المپیک ویژه لندن بود: یک سازمان جهانی که به ورزشکارانی که ناتوانی ذهنی دارند خدمت می‌کند. او سپس توجه‌اش را به علاقه همیشگی خود معطوف کرد: زادگاهش ایران.

بانو رنیک به همراه گروهی از ایرانیان خوش‌نیت مقیم لندن، در سال ۱۹۹۲ انجمن دوستان هنر و فرهنگ ایران را در دانشگاه کمبریج (دوستان ایرانیان در کمبریج) تأسیس کرد تا از ادامه تحصیل زبان فارسی در این دانشگاه اطمینان پیدا کند.

اولین ضیافت جمع‌آوری کمک مالی آنها، که در تالار وایت‌هال برگزار شد، الگویی برای جشن‌های نوروزی بعدی با هدف ترویج فرهنگ ایرانی در بریتانیا و نقاط دیگر شد.

پروفسور چارلز ملویل از کالج پمبروک کمبریج از او به عنوان روح محرک انگیزه برای تلاش‌هایش جهت تضمین ادامه مطالعات فارسی در دانشگاه کمبریج یاد کرد. او تأکید کرد که کار FPC (دوستان ایرانیان در کمبریج) همچنین باعث شد بورس تحصیلی در سراسر اروپا رونق پیدا کند.

یکی از رویدادهای متعددی که توسط «دوستان ایرانیان در کمبریج» حمایت شد، سومین کنفرانس اروپایی مطالعات ایرانی بود که در سال ۱۹۹۵ در این دانشگاه برگزار گردید و بیش از ۲۰۰ محقق و ۱۳۰ مقاله از سراسر

احکام جدید دیوان عالی کشور؛ لغو حکم اعدام محمد قبادلو و توقف حکم اعدام عباس دریس



«اعتراف صریح» آمده درواقع اقرارگیری زیر شکنجه بوده است. همچنین امیر رئیسین وکیل محمد قبادلو گفته که اتهام قتل مأمور یگان ویژه از طریق «زیر گرفتن» به شدت مورد تردید است. در بین مدارک، هیچ تصویری از محل جرم، مدارک پزشکی قانونی و دیگر مدارک که روال عادی یک دادگاه در مورد بررسی تصادف رانندگی است، وجود نداشته است. بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دوقطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود. در چنین شرایطی و بر اساس همین قوانین نیم‌بند و ناعادلانه جمهوری اسلامی هم این جوان ۲۲ ساله نمی‌تواند متهم به «محاربه» و محکوم به «اعدام» شود.

محمدعلی قبادلو، پدر محمد قبادلو سال گذشته در یک پیام ویدئویی گفته بود که جانباز شیمیایی و جانباز اعصاب و روان است که هفت سال برای کشور جنگیده است. پدر محمد قبادلو گفته بود که شرایط او در وضعیت سلامت روان فرزندش و بیماری اختلال دوقطبی او تأثیر منفی گذاشته است. حکم اعدام محمد قبادلو خردادماه امسال در دیوان عالی کشور تأیید شد اما با تلاش وکیل پرونده بار دیگر مدارک و مستندات توسط دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و حکم اعدام را لغو کرد. صفحه توییتری دادبان که به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی می‌دهد نیز خرداد امسال و پس از تأیید حکم اعدام محمدقبادلو در دیوان عالی کشور نوشته بود که «پرونده پر از تناقض است. گزارش پزشکی قانونی نشان می‌دهد مأمور پلیس در نتیجه اصابت جسم سخت به سر و مسلماً در یک درگیری کشته شده نه تصادف. روایت درگیری در روز تشیع جنازه این مأمور نیز توسط فرماندهان پلیس تأیید شده است. دستگاه قضایی و به ویژه دادستان اما اصرار

کرمپور ممنون هستیم که در اجرای حکم عجله نکردند.» محمد قبادلو متولد ۱۳۷۹ از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری است که به اتهام «محاربه» و «افساد فی‌الارض» با قتل یک مأمور انتظامی با نام فرید کرمپور و مجروح کردن پنج مأمور دیگر از طریق زیر گرفتن آنها با ماشین سواری به اعدام محکوم شد.

این در حالیست که اتهام انتسابی علیه محمد قبادلو یعنی «محاربه» از طریق زیر گرفتن مأموران یگان ویژه با اتومبیل از اساس جعلی است و مدرکی مبنی بر تصادف منجر به فوت در دادگاه ارائه نشده است.

نخستین جلسه دادگاه محمدقبادلو روز هفتم آبان سال گذشته با ریاست قاضی صلواتی برگزار شد. بر اساس کیفرخواستی که علیه این جوان صادر شده بود، او متهم به «افساد فی‌الارض» از طریق اقدام گسترده علیه مأموران موتوری نیروی انتظامی «با اصابت خودروی سواری پیکان سفیدرنگ» و «شهادت استوار وحید کرمپور حسنوند و مجروح شدن ۵ مأمور پلیس» شده بود.

مرکز رسانه قوه قضائیه ۲۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱ اعلام کرده بود بر اساس حکم صادر شده توسط دادگاه انقلاب تهران، «فردی که در اقدامی تروریستی به صورت عمد و با قصد جان مأمورین نیروی انتظامی، با خودروی سواری خود به سرعت به مأمورین هجوم برده و در اثر برخورد با آنها، یک پلیس را به شهادت رسانده و تعدادی را نیز مجروح کرده بود پس از اعترافات صریح خودش مبنی بر ارتکاب جرم در دادگاه و مستندات مستدل موجود در پرونده، به افساد فی‌الارض از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، تخریب و اقدام علیه امنیت ملی کشور که منجر به اختلال در نظم عمومی و ناامنی در کشور و وارد کردن خسارت به افراد و اموال عمومی، متهم و به اعدام محکوم شده است.» اما آنچه در حکم صادر شده علیه محمد قبادلو به عنوان

● امیر رئیسین وکیل محمد قبادلو صبح امروز چهارم مرداد ۱۴۰۲ در توییتری از لغو حکم اعدام محمد قبادلو از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ خبر داد.

● اتهام انتسابی علیه محمد قبادلو یعنی «محاربه» از طریق زیر گرفتن مأموران یگان ویژه با اتومبیل از اساس جعلی است و مدرکی مبنی بر تصادف منجر به فوت در دادگاه ارائه نشده است.

● فرشته تابانیان وکیل عباس دریس: اعاده دادرسی موکلم عباس دریس در شعبه نهم دیوان عالی کشور ثبت شد. دستور توقف اجرای حکم به شعبه اول اجرای احکام ماهشهر ارسال شد.

● دادگاه انقلاب بر اساس اعترافات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تیراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرد.

دیوان عالی کشور در تازه‌ترین احکام خود حکم اعدام محمد قبادلو از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ را لغو کرده و پرونده برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌شود. همچنین اجرای حکم اعدام عباس دریس از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ متوقف شده است. حکم اعدام هر دو شهروند پیشتر در دیوان عالی کشور تأیید شده بود. امیر رئیسین وکیل محمد قبادلو صبح امروز چهارم مرداد ۱۴۰۲ در توییتری از لغو حکم اعدام محمد قبادلو از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ خبر داد.

امیر رئیسین نوشته که «حکم قصاص محمد قبادلو در شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شد و پرونده برای رسیدگی به ایرادات مربوط به سلامت روانی موکل و صدور حکم به شعبه هم‌عرض ارجاع خواهد شد. این دقت‌هاست که اعتبار دیوان عالی کشور را هنوز حفظ کرده است.» این وکیل دادگستری در ادامه افزوده که «از خانواده شهید

لغو برگزاری «نشست سازمان بین‌المللی دریانوردی» در ایران به دلیل حمله قایق‌های سپاه پاسداران به کشتی‌های تجاری



محاصره نفتکش خارجی توسط قایق‌های تندرو سپاه پاسداران / منبع: نیروی دریایی ارتش آمریکا

کرد که مورد حمایت انگلیس قرار گرفت. در گزارشی که نماینده آمریکا ارائه داد آمده در دو سال گذشته، جمهوری اسلامی بدون دلیل بیش از ۲۰ کشتی تجاری را مورد حمله، آزار و اذیت یا توقیف قرار داده است. سخنگوی سازمان بین‌المللی دریانوردی گفت: «از چهل کشور عضو شورای IMO اغلب‌شان روز پنجشنبه به این پیشنهاد رأی مثبت دادند که به معنای لغو پیشنهاد ایران بود.»

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در توییتی نوشت: «ما از تصمیم سازمان بین‌المللی دریانوردی مبنی بر لغو برنامه‌های برگزاری رویداد روز جهانی دریانوردی در تهران استقبال می‌کنیم. ایران بارها ایمنی دریانوردان، امنیت کشتیرانی تجاری و آزادی دریانوردی را نادیده گرفته است.» آبرام پیلی سرپرست دفتر نماینده ویژه آمریکا در امور ایران که اخیراً جانشین رابرت مالی شده است در همین ارتباط در توییتی نوشت: «کشوری که با اقدامات تحریک‌آمیز به کشتی‌های تجاری خارجی که در حال تردد قانونی هستند حمله و آنها توقیف می‌کند یا مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد، شایستگی میزبانی رویداد روز جهانی دریانوردی را ندارد... ما مفتخریم که در کنار اعضای شورای IMO ایستاده‌ایم تا تعهد خود را به آزادی ناوبری تأیید کنیم.»

فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) در بیانیه‌ای اعلام کرد در واکنش به تلاش‌های اخیر جمهوری اسلامی برای توقیف کشتی‌های تجاری در خلیج فارس و دریای عمان وزیر دفاع آمریکا دستور اعزام یک واحد نظامی شامل جنگنده‌های اف-۳۵، اف-۱۶ و ناوشکن مجهز به موشک‌های هدایت شونده «یواس.اس توماس هادنز» را داده است.

این نشست قرار بود پاییز سال ۲۰۲۳ در تهران برگزار شود.

پیشنهاد لغو میزبانی جمهوری اسلامی را آمریکا مطرح کرد که مورد حمایت انگلیس قرار گرفت.

آبرام پیلی که اخیراً جانشین رابرت مالی شده است می‌گوید «کشوری که با اقدامات تحریک‌آمیز به کشتی‌های تجاری خارجی که در حال تردد قانونی هستند حمله و آنها را توقیف می‌کند یا مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد، شایستگی میزبانی رویداد روز جهانی دریانوردی را ندارد.»

جمهوری اسلامی به دلیل حمله به تعدادی از کشتی‌های تجاری و اقدام برای توقیف کردن آنها در خلیج فارس میزبانی نشست بین‌المللی کشتیرانی را از دست داد. مقامات رژیم ایران پیشتر پیشنهاد میزبانی نشست سازمان بین‌المللی دریانوردی سازمان ملل متحد (IMO) را داده بودند که در سال ۲۰۱۵ در شورای اجرایی این سازمان پذیرفته شد. این نشست قرار بود پاییز سال ۲۰۲۳ برگزار شود.

خبرگزاری رویترز روز جمعه ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیرماه) به نقل از سخنگوی آژانس کشتیرانی سازمان ملل گزارش داد که با رأی اعضای این سازمان میزبانی جمهوری اسلامی منتفی شد.

دلیل اصلی لغو میزبانی جمهوری اسلامی اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای توقیف کشتی «ریچموند ووچر» است که توسط شرکت نفتی آمریکایی شورون (CVX.N) مدیریت می‌شد. قایق‌های تندرو سپاه پاسداران به سمت این کشتی شلیک کردند. پیشنهاد لغو میزبانی جمهوری اسلامی را آمریکا مطرح

دارد که محمد در تصادف عمدی مامور یگان ویژه را کشته است. چرا؟ چون مشخص نیست مامور جانباز کجا و در درگیری با چه کسانی کشته شده است.»

دیوان عالی کشور همچنین اجرای حکم اعدام عباس دریس از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ را متوقف کرده است. فرشته تابانیا وکیل عباس دریس صبح امروز چهارم امرداد ۱۴۰۲ در توییتی اعلام کرده که «اعاده دادرسی موکلم عباس دریس در شعبه نهم دیوان عالی کشور ثبت شد. دستور توقف اجرای حکم به شعبه اول اجرای احکام ماهشهر ارسال شد.»

وکیل عباس دریس همچنین نوشته که «از همکاران و اساتیدم دکتر بهزادی و آقای نیلی که در اعاده دادرسی وکیل آقای دریس شدند و با پیگیری فراوان دستور توقف را گرفتند سپاسگزارم.»

دیوان عالی کشور در اول تیرماه امسال شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور حکم اعدام عباس دریس را به اتهام محاربه و «بدون توجه به ایرادات» تأیید کرده بود.

در جریان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۹ آبان در ماهشهر اعتراضات گسترده‌ای از سوی مردم به ویژه در شهرک «چمران» برگزار شد و مردم توانستند جاده خروجی ماهشهر را ببندند. مأموران جمهوری اسلامی معترضان را در نزارهای نزدیک شهرک جراحی به رگبار بستند و مردم مسلح نیز به مقابله با آنها پرداختند. جمهوری اسلامی برای سرکوب شهروندان به سلاح‌های سنگین نظامی و دوشکا متوسل شد. به استناد برخی گزارش‌ها حدود ۱۰۰ شهروند در جریان این کشتار جان باختند.

عباس دریس و برادرش که هر دو ساکن شهرک «چمران» بودند پس از کشتار مردم در نزارهای ماهشهر در یک پرونده‌سازی از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شدند. آنها در ابتدا به «قتل عمد» رضا صیادی از مأموران نیروی انتظامی متهم شدند اما بعد در اقدامی عجیب اتهام آنها تغییر کرد و به «محاربه، اخلاص در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو» تبدیل شد. دادگاه انقلاب بر اساس اعترافات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تیراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرد.

وکیل این زندانی سیاسی پیشتر تأیید کرده بود که اعترافات موکل‌اش در وزارت اطلاعات انجام شده و او در دادگاه و در حضور قاضی اتهامات را رد کرده و گفته در جریان آنچه در نزارهای ماهشهر رخ داده به کسی شلیک نکرده و کسی را نکشته است. اما دادگاه بی‌اعتنا به این موضوع و با تکیه بر اعترافات اجباری و زیر شکنجه‌ی این شهروند او را به اعدام محکوم کرد.

عباس دریس (شلیشات) متولد سال ۱۳۵۹، متأهل و دارای فرزند است که تا پیش از بازداشت توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به کارگری مشغول بوده و سابقه فعالیت سیاسی نیز نداشته است. کفایه حزب‌ای همسر عباس دریس در زمان پیگیری پرونده همسرش پس از پیگیری‌های بسیار درباره پرونده او به نهادهای قضایی تهران مراجعه کرد و به او گفتند همسرش اعدام خواهد شد. کفایه حزب‌ای به دلیل فشارهای روحی دچار سکنه مغزی شد و پس از مدتی جان سپرد.

فرشته تابانیا در اینباره گفته بود که «به همسر عباس دریس در تهران به دروغ گفتند که حکم اعدام او صادر شده و او به دلیل عدم آگاهی حقوقی، تصور کرده که حکم صادر شده و متأسفانه ظرف یک هفته به دلیل سکنه جان باخت.»

حملات نیابتی‌های جمهوری اسلامی به نیروهای آمریکایی در خاورمیانه؛ نقشه متقابل آمریکا چیست؟!



● در پاسخ به این پرسش که امروز پس از روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی عربستان تحت نظارت جمهوری خلق چین، طولانی شدن جنگ اوکراین، تشدید نبرد سیاسی بین دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در داخل آمریکا و تداوم مخالفت‌های مردمی در داخل ایران، آیا نشانه‌هایی از تشدید تقابل شبه‌نظامیان وابسته به تهران با نیروهای آمریکایی از عراق تا سوریه، لبنان و اردن، وجود دارد، می‌بایست پاسخ مثبت داد و این چیزی است که ما از رویکرد جدید واشنگتن مشاهده می‌کنیم.

● پاندمی کرونا و مشکلات ناشی از آن، همراه با کمپین گسترده‌ای که جریان اوپاما- بایدن علیه ترامپ در آخرین سال فعالیت‌اش برای برکناری او از کاخ سفید سازماندهی کرده بودند، همه دست به دست هم داد تا استراتژی آمریکا به رهبری ترامپ علیه شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی عملاً فلج شود.

● مهم‌ترین تحولات در سال گذشته و ماه‌های اخیر باعث تقویت مواضع پنتاگون مبنی بر برخورد قاطعانه با شبه‌نظامیان منطقه شده است، به همین دلیل فرماندهی مرکزی آمریکا هرگونه تضعیف حضور نظامی واشنگتن در منطقه را علاوه بر خطر رژیم ایران، به نفع روسیه و چین به دلیل جنگ اوکراین ارزیابی می‌کند و از همین رو استراتژی پنتاگون حضور قوی و رویارویی با هرگونه تحرک شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی در سوریه و عراق است.

ولید فارس (اینديپندنت عربي) - پیشتر درباره رویارویی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در منطقه بطور کلی و رویارویی در کشورهای «هلال خصیب» [کشورهای حاصلخیز شامل عراق و سوریه و فلسطین و منطقه بین دو رود دجله و فرات] بطور خاص مقاله‌هایی نوشته بودم.

شبه‌نظامیان حشد الشعبی

در آن مقالات عرصه‌های مختلف حملات رژیم ایران را در دوران دولت حسین باراک اوپاما در مرحله توافق هسته‌ای، زمانی که عراق به رهبران این شبه‌نظامیان تحویل داده شد، مرور شد، و سپس زمانی رسید که دولت ترامپ سیاست آمریکا را تغییر داد و شروع به مقابله با آنها کرد و به درگیری‌های سال ۲۰۲۰ منجر شد؛ به دوره دولت بایدن که برای مداخلات و تحقق سیاست به اصطلاح تنش‌زدایی با این گروه‌ها گام برداشت تا به توافق مجدد با تهران برسد.

در پاسخ به این پرسش که امروز پس از روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی عربستان تحت نظارت جمهوری خلق چین، طولانی شدن جنگ اوکراین، تشدید نبرد سیاسی بین دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در داخل آمریکا و تداوم مخالفت‌های مردمی در داخل ایران، آیا نشانه‌هایی از تشدید تقابل شبه‌نظامیان وابسته به تهران با نیروهای آمریکایی از عراق تا سوریه، لبنان و اردن، وجود دارد، می‌بایست پاسخ مثبت داد و این چیزی است که ما از رویکرد جدید واشنگتن مشاهده می‌کنیم.

استراتژی رژیم ایران

خطرناک‌ترین مرحله‌ای که راهبرد توسعه‌طلبانه رژیم ایران با آن مواجه شده، بدون شک چهار سال دوره دولت دونالد ترامپ بود که با خروج او از توافق هسته‌ای در هشتم ماه مه

سال ۲۰۱۸ متبلور شد. در آن زمان بود که تهران متوجه شد که موضع آمریکا در قبال آن تغییر کرده است. در سال ۲۰۱۹ واشنگتن سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و این نهاد را تحریم کرد و با این اقدامات رهبران رژیم ایران شوکه شدند.

نگرانی زمامداران جمهوری اسلامی با آغاز تظاهرات اعتراضی اکتبر ۲۰۱۹ به به اوج خود رسید. رژیم ایران از اینکه دولت ترامپ از این اعتراضات مردمی حمایت می‌کند و در تلاش است تا رژیم را از درون و بیرون سرنگون کند، بسیار در هراس بود. رژیم اما با سرکوب اعتراضات باقی ماند و قاسم سلیمانی نیروهای خود را در عراق به حرکت درآورد تا به مراکز آمریکایی حمله کنند. این اقدام ترامپ را بر آن داشت تا پاسخی محکم و غیرقابل تصور به رژیم ایران بدهد و در اوایل بهار در روزهای جشن سال نو میلادی ۲۰۲۰ قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس رهبر حشد الشعبی عراق را که برجسته‌ترین و مهم‌ترین عناصر هدایت و رهبری شبه‌نظامیان در منطقه کشورهای عربی هستند با یک ضربه کاری از بین ببرد.

این امر می‌توانست جرقه جنگی همه‌جانبه از عراق تا لبنان را بین نیروهای آمریکایی و شبه‌نظامیان وابسته به ایران برانگیزد، اما همه‌گیری کرونا همه چیز را در سیاست بین‌الملل از جمله سیاست خارجی آمریکا منجمد کرد. به دلیل کرونا جنبش اعتراضات داخلی ایران نیز متوقف شده و رژیم تهران جان سالم به در برد و نیروهایش وابسته‌اش در منطقه نفس راحتی کشیدند.

پاندمی کرونا و مشکلات ناشی از آن، همراه با کمپین گسترده‌ای که جریان اوپاما- بایدن علیه ترامپ در آخرین سال فعالیت‌اش برای برکناری او از کاخ سفید سازماندهی کرده بودند، همه دست به دست هم داد تا استراتژی آمریکا به رهبری ترامپ علیه شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی عملاً فلج شود.

با ورود بایدن و تیم اوپاما به کاخ سفید، تهران از نظر موقعیت منطقه‌ای خود احساس اطمینان کرد، زیرا از نظر جریان اوپاما- بایدن، بازگشت به توافق و معامله با رژیم

ایران، از جنگ همه‌جانبه آمریکا علیه شبه‌نظامیان جلوگیری می‌کند، همانطور که در دولت ترامپ نیز تقریباً همین انتظار می‌رفت. به این ترتیب، رژیم تهران با تلاش برای بازگشت به مذاکرات، سرنوشت و بقای مجموعه‌های شبه‌نظامی وابسته به خود را تضمین کرد. دولت بایدن تنها یکی دو روز پس از ادای سوگند، شبه‌نظامیان حوثی را از لیست تروریستی حذف کرد (۲۰۲۱) و این یک موضع و علامت جدید از سوی کاخ سفید برای زمامداران جمهوری اسلامی بود. اکنون نیز رهبران رژیم ایران با ابتکار جمهوری خلق چین برای برقراری روابط با عربستان سعودی و اعضای ائتلاف عربی در یمن جهت کاهش فشار از سوی اعراب بر شبکه‌های خود در یمن گام برداشت و امتیازاتی نیز داد که به تهران اجازه دهند تا اولویت خود را برای تحکیم نفوذ بر منطقه «هلال خصیب» (عراق، سوریه، یمن) متمرکز کند.

موقعیت نظامی آمریکا

در دولت اوپاما، نگرانی اصلی پنتاگون بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، تضمین خروج همه‌جانبه از عراق و آماده شدن برای خروج از افغانستان بود. اما دو سال پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق، داعش بخش‌های وسیعی از سوریه و عراق را تحت کنترل خود درآورد و واشنگتن را مجبور به اعزام نیرویی برای نابودی این سازمان تروریستی کرد.

به دلیل ترس تهران و بغداد از داعش که یک سوم عراق را گرفته بود، رژیم ایران مجبور شد محور مواضع خود را در قبال نیروهای آمریکایی تغییر دهد و به این نیروها هیچ حمله‌ای نکند، بلکه «شبه‌نظامیان ایرانی» با ائتلاف بین‌المللی علیه «خلافت شبه‌نظامیان داعش» همکاری کردند.

در آن دوره، درگیری با آمریکا کاهش یافت، به ویژه که دولت اوپاما و رژیم ایران در حال سازماندهی «معامله ۲۰۱۵» بودند که میلیارد‌ها دلار به جیب رژیم جمهوری اسلامی سرازیر کرد و تقریباً به تقابل بین دو کشور پایان داد. نیروهای آمریکایی بیشتر وزن نظامی خود را بر داعش متمرکز کردند و به شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی از حشد

امام جمعه اهل سنت زاهدان: سیاست‌های ۴۴ ساله جواب نداده و باید تغییر کند



مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان

مولوی عبدالحمید در صحبت‌های خود به این موضوع نیز پرداخت و گفت: «ریشه همه اعتراضاتی که از سوی اصناف مختلف کشور، از جمله بازنشستگان، معلمان و کارگران انجام می‌شود، به مسائل سیاسی مربوط است و باید تغییرات اساسی در کشور صورت بگیرد».

نمازگزاران زاهدان بعد از نماز جمعه راهپیمایی سکوت برگزار کردند. در فیلمی که کانال «صد بلوچستان» منتشر کرده اعلام می‌شود که مولوی عبدالحمید به دلیل همزمانی با ماه محرم و عزاداری شیعیان از نمازگزاران خواسته که شعار ندهند و فقط تظاهرات سکوت برگزار کنند.

تظاهرات این جمعه نیز در زاهدان به صورت مسالمت‌آمیز توسط مردم برگزار شد. نیروهای نظامی و امنیتی اما مانند هفته‌های گذشته در خیابان‌های این شهر حضور پررنگ داشتند اما از درگیری و دستگیری گزارشی منتشر نشده است. در همین حال مولوی محمدحسین گرگیچ امام جمعه اهل سنت گالیکش در استان گلستان نیز در خطبه نماز جمعه ۳۰ تیرماه به موضوع بیانیه مشترک مسکو و کشورهای حاشیه خلیج فارس در مسئله جزایر سه‌گانه ایرانی پرداخت و گفت: «اعتراض ایران و احضار کاردار روسیه به وزارت خارجه کافی نبوده است».

او ضمن انتقاد از سیاست‌های روسیه پرسید، «چرا وقتی روسیه چنین کاری با ایران کرده شعارهای مرگ بر لاوروف، مرگ بر پوتین و مرگ بر روسیه داده نشده است؟»

● مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان: تا وقتی مسائل سیاسی حل نشود، بحران اقتصادی هم باقی خواهد ماند.

روز ۳۰ تیرماه همزمان با برگزاری نماز جمعه در زاهدان، اینترنت این شهر قطع گردید اما سخنرانی امام جمعه اهل سنت آن در شبکه‌های اجتماعی انتشار پیدا کرد. مولوی عبدالحمید درباره حجاب، اعتراضات صنفی و لزوم تغییرات سیاسی صحبت کرد.

«حال‌وش»، «صد بلوچستان» و دیگر منابع رسانه‌ای مسائل مربوط به استان سیستان و بلوچستان صبح روز جمعه از اختلال شدید اینترنت در زاهدان خبر دادند. با وجود این سخنرانی مولوی عبدالحمید در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. عبدالحمید حل مشکلات در کشور را در گرو تغییر وضعیت سیاسی جامعه دانست و تأکید کرد: «سیاست‌های داخلی و خارجی کشور نیاز به تغییر دارد چون راهکارهای ۴۴ ساله جواب نداده است».

این امام جمعه افزود: «تا وقتی مسائل سیاسی حل نشود، بحران اقتصادی کشور و دیگر مسائل همچنان باقی خواهد ماند».

وی ریشه همه مشکلات را «سیاسی» دانست و گفت: «حتی اگر تمامی اقتصاددانان دنیا هم جمع شوند، نمی‌توانند وضعیت اقتصادی ایران را سامان دهند».

او در ادامه صحبت‌هایش به فرار نخبگان نیز اشاره نمود و اضافه کرد: «نخبگان بهترین سرمایه این کشور هستند که اگر از دست بروند و مهاجرت کنند، ضربه بزرگی است و این موضوع هم به مسئله سیاسی مرتبط است».

عبدالحمید در خطبه‌های نماز جمعه زاهدان به سرکوب زنان هم اشاره و تأکید کرد: «زنانی که حجاب را برمی‌دارند می‌خواهند نافرمانی و اعتراض سیاسی خود را نشان دهند. اینها ناراضی هستند و این موضوع هم سیاسی است».

او در بخش دیگری از صحبت‌های خود در مورد برخورد با زنانی که زیر بار حجاب اجباری نمی‌روند یادآور شد: «اگر می‌خواهیم که حجاب رعایت شود، راهش بازداشت، کتک زدن، زندان و تنبیه کردن نیست، این جواب نمی‌دهد و اگر جواب هم بدهد موقتی است. ممکن است سرکوبی صورت بگیرد و خاموش شود ولی این مسئله اساسی حل نمی‌شود».

این یادآوری‌ها و هشدارهای امام جمعه زاهدان در حالیهست که در روزهای گذشته بازنشستگان و معلمان تقریباً هر روز در ایران تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

وظیفه این نیروها بسیج هرچه بیشتر پیاده‌نظام، نصب موشک برای قطع راه‌های تدارکاتی مراکز نظامی آمریکا در عراق برای کمک به نیروهای این کشور در سوریه در آینده است.

در سوریه نیروهای «ارتش عربی سوریه» از سوی غرب و جنوب به سوی الحسکه پیشروی می‌کنند. اگر به موازات آن شبه‌نظامیان حشد الشعبی و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی از استان نینوا به سمت درگیری بین دو منطقه کردنشین عراق و سوریه، از غرب و جنوب به سمت الحسکه پیشروی کنند، اینجاست که هدف سپاه پاسداران در منزوی کردن و سپس اشغال میدان نفتی که در دست نیروهای عربی-آمریکایی است، تحقق می‌یابد.

اما درباره لبنان باید گفت که حزب‌الله که به رژیم ایران

→ الشعبی گرفته تا عصاب اهل حق و حزب‌الله عراق اجازه دادند تا به تدریج همه سرزمین‌های آزاد شده از داعش در استان‌های سنی‌نشین «هلال خصیب» در مجاورت سوریه را که ائتلاف بین‌المللی و ارتش عراق آن را آزاد کرد، به دست شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران بيفتد.

با این حال، با اعلام دولت ترامپ برای مقابله با شبه‌نظامیان از ابتدای سال ۲۰۱۷، تقویت مواضع و هشدار نسبت به شبکه‌های وابسته به رژیم ایران به سرعت تغییر کرد و به رویارویی مستقیم آمریکا با آنها منجر شد. با این حال رژیم تهران تصمیم گرفته به هر طریقی به حضور آمریکا در منطقه پایان دهد و این هدف استراتژیک را در دولت بایدن توسعه داده است.

از سوی دیگر، پنتاگون بدون توجه به دستورات کاخ سفید مبنی بر نوع برخورد با شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی که هنوز در حال اجرای آن است، و با وجود مذاکرات کنونی توافق، موضع خاصی اتخاذ کرده است که عبارت است از «دفاع از مواضع آمریکا در برابر هر متجاوز»، از جمله شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی که رهبران آنها در تهران از آنها می‌خواهند برای تضعیف نیروهای «استکبار جهانی» عمل کنند، اقدامی که گاهی دولت بایدن را در موقعیت بسیار حساسی قرار می‌دهد.

مهم‌ترین تحولات در سال گذشته و ماه‌های اخیر باعث تقویت مواضع پنتاگون مبنی بر برخورد قاطعانه با شبه‌نظامیان منطقه شده است، به همین دلیل فرماندهی مرکزی آمریکا هرگونه تضعیف حضور نظامی واشنگتن در منطقه را علاوه بر خطر رژیم ایران، به نفع روسیه و چین به دلیل جنگ اوکراین ارزیابی می‌کند و از همین رو استراتژی پنتاگون حضور قوی و رویارویی با هرگونه تحرک شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی در سوریه و عراق است.

حکومت ایران اکنون تلاش دارد از طریق صلح با عربستان سعودی حمایت از شبه‌نظامیان حوثی را کاهش دهد. هرچند این اقدام نیز تاکتیکی است تا سپاه پاسداران فرصت تمرکز بیشتری برای تقویت خود در «هلال خصیب» پیدا کند. همه اینها باعث شد تا وزارت دفاع آمریکا در سه کشور عراق و سوریه و تا حدودی در لبنان خطوط قرمز در اطراف میدان‌های حضور خود ترسیم کند و در کشور چهارم که اردن است، توانمندی‌های خود را تقویت نماید. اما پایگاه‌های آمریکا در ترکیه و خلیج فارس از استراتژی‌های دیگری پیروی می‌کنند. بر همین اساس است که وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، جدول اصلی مراکز نظامی خود را به شرح زیر تعریف کرده است:

۱- اقلیم کردستان عراق به عنوان پایگاه‌های ثابت با امکان استفاده از نقاط استان الانبار از جمله عین الاسد

۲ - منطقه «نیروهای شرق سوریه» در چندین منطقه و نقاط موردی

۳ - منطقه التنف بین سوریه و عراق

۴ - منطقه‌ای در پایگاه حالات در شمال لبنان

۵ - منطقه پشتیبانی در شمال اردن

فعالیت و تحرک نظامی فعلی رژیم ایران

فعالیت شبه‌نظامیان وابسته به حکومت ایران بر اساس هدف نهایی آنها یعنی کنترل «هلال خصیب» و تشکیل «هلال شیعی» از ایران تا عراق و سوریه و تا دریای مدیترانه را در بر می‌گیرد و این برنامه با هدف اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه صورت می‌گیرد که با ادامه عملیات میدانی علیه مراکز نظامی واشنگتن پیش می‌رود و این رویکرد تهران با گذشت زمان بیش از پیش روشن می‌شود.

نیروهای حشد الشعبی عراقی در اطراف کردستان عراق از سمت ایران و در خاک عراق به عنوان ابزار علیه پیشمرگه‌های گرد و یگان‌های آمریکایی در اطراف اربیل مستقر هستند.

وابسته است به دنبال کنترل رشته کوه‌های غربی لبنان از طریق قله‌های آن است تا دیوار آتشی در برابر حرکات احتمالی ناوگان ششم آمریکایی ایجاد کند و ممکن است تمرکز بر پایگاه «حامات» در شمال این کشور باشد.

در مورد حضور آمریکا در اردن نیز به نظر می‌رسد حساب دیگری باز شده. نقشه و رویکرد جمهوری اسلامی برای حمله به مراکز نظامی آمریکا مشخص است. اما پرسش مهم‌تر این است: نقشه و رویکرد متقابل آمریکا چیست؟!

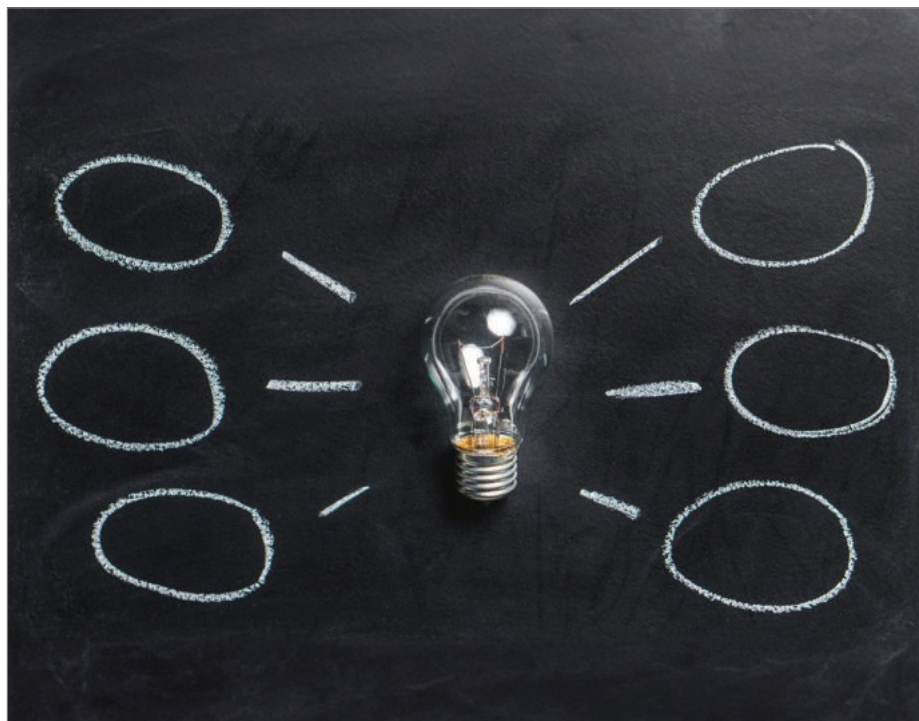
*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: ولید فارس مشاور سابق ترامپ در امور جهان عرب و دبیرکل کنونی گروه پارلمانی آتلانتیک

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

درک نادرست از مفهوم حق تعیین سرنوشت

بخش سه: حق تعیین سرنوشت



● نظام سیاسی حاکم بر کشور به عنوان نماینده همه مردم می‌بایست بدون تمایز از نظر نژاد، عقیده، زبان، یا فرهنگ، الزامات نمایندگی دموکراسی داخلی را به شایسته‌ترین شکل ممکن تامین کند. بنابراین، نظام حاکم نمی‌تواند مشروعیت حقوقی داشته باشد، اگر از این وظیفه نمایندگی حقوق همه مردم کوتاهی ورزد. زیر پا گذاشتن این حقوق توسط نظام حاکم هیچ حقی برای هیچ گروه اجتماعی و یا اقلیت‌ها ایجاد نمی‌کند که «حق تعیین سرنوشت» را به عنوان حق جدایی از یک کشور تعریف کنند!

● بطور کلی در حقوق بشر بین‌المللی، حق تعیین سرنوشت داخلی گروهی از مردم، در نظام‌های سیاسی دموکراتیک مورد احترام قرار گرفته است، در حالی که در رژیم‌های غیردموکراتیک، یعنی در شرایطی که حقوق ذاتی مردم به درستی از سوی هیئت حاکمه نمایندگی نمی‌شود، این حق بشری اغلب به حاشیه سیاست‌گذاری‌ها رانده می‌شود. از این رو تمرکز اصلی بر حق تعیین سرنوشت به عنوان امری داخلی و ملی، موضوع چالش‌های دموکراسی در برابر استبداد و تمامیت‌خواهی است.

● حق تعیین سرنوشت به معنی عام کلمه در برگرفته همه آحاد جامعه برای استقلال اراده و اندیشه و مشارکت آنان در امور کشور است و تقلیل آن به اعضای گروه‌های قومی ضرورتاً نمی‌تواند معنی حقوقی دقیق کلمه را برساند. چنین تقلیلی باعث می‌شود تا کسانی با برداشت‌های نادرست، حق تعیین سرنوشت را در راستای اهداف تجزیه‌طلبانه به کار گیرند.

● از آنجا که کشورها همواره در برابر تجزیه‌طلبی و خطر آسیب به تمامیت ارضی خود ایستادگی می‌کنند، این ضرورت بیشتر ایجاب می‌کند که حکومت‌ها را به رعایت حقوق بشر و پذیرش استانداردهای مربوط به آن واداشت تا خطرات تجزیه‌طلبی نیز دفع شود.

محمود مسائلی - جدا از سوابق تاریخی که طی آن گروه‌هایی سعی کردند با پیروی از ایدئولوژی‌های چپ، بخش‌هایی از میهن را جدا سازند و به ناکامی کشیده شدند، اخیراً نیز کوشش‌های مشابهی توسط همان گروه‌ها در جریان است. القانات سیاسی و لفاظی‌های آنان ممکن است برای برخی از مردم و همفکران آنان فریبنده باشد. به عنوان مثال کاربرد مفهوم «کثیرالملله»، «حق تعیین سرنوشت»، و یا «فدرالیسم قومی» توسط این گروه‌ها می‌تواند سبب گمراهی‌هایی در بخش‌هایی از افکار عمومی شود. نبودن توضیحات روشن و دقیق حقوقی درباره مفاهیمی مانند ملت، ملیت، کشور، قومیت و یا حق تعیین سرنوشت از یکسو، و کوتاهی رسانه‌ها برای گشودن معانی صحیح این مفاهیم، همراه با تسامح چهره‌های شناخته شده و گروه‌های سیاسی، باعث شده است تا افرادی از میان گروه‌های قومی با مقاصد سیاسی مبهم و متوهمانه بکوشند زمینه‌های تجزیه‌طلبی را فراهم آورند. هدف اصلی این نوشتار توضیح این مفاهیم از دیدگاه حقوق بین‌الملل است. در بخش اول به مقوله «کشور و حاکمیت» پرداخته شد. بخش دوم به مفهوم «اقلیت‌ها» اختصاص یافت و در بخش سوم و آخر در ارتباط با مباحث مربوط به «حق تعیین سرنوشت» نکاتی مطرح می‌شود.

مباحث مربوط به حق تعیین سرنوشت

اغلب در موضوعات مربوط به حقوق اقلیت‌ها این داعیه مطرح می‌شود که آنها می‌بایست از حق تعیین سرنوشت خود برخوردار باشند. در حقیقت، در این دیدگاه‌ها، رابطه مفهوم اقلیت بودن با حق تعیین سرنوشت گره خورده است. این پیوند میان دو مفهوم اغلب پیچیدگی‌هایی را در امور سیاسی باعث می‌شود. بنابراین ضروریست مفهوم حق تعیین سرنوشت نیز به درستی توضیح داده شود. در تعریفی ساده، حق تعیین سرنوشت عبارت است از حق مردم برای تعیین سرنوشت خویش و دریافت رفتاری انسانی از سوی نیروهای حاکم. این تعریف در ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی به شکل روشن‌تری توضیح داده شده است:

بند ۱. کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.
بند ۲. کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی خود بدون اخلال با الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند- در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.

به لحاظ چارچوب این نظر، حق تعیین سرنوشت در میثاق‌های یادشده در متن مرکزی گفتمان حقوق بشر تعریف شده است. بنابراین حق تعیین سرنوشت به عنوان حقوق بشر مردم تصور می‌شود به این معنی که مردم و گروه‌های مختلف تحت هیچ شرایطی نباید تحت سلطه دیگران قرار گیرند. در نظر داشته باشیم که میثاق بین‌المللی

حقوق مدنی و سیاسی که از اسناد حقوق بشر بین‌الملل مربوط به حفاظت از حقوق فرد انسانی است مفهوم حق تعیین سرنوشت را به این معنا به تصویر می‌کشد که هر فرد انسانی و همه مردم، در هر کجای جهان که زندگی می‌کنند، می‌بایستی بر سرنوشت و مقدرات خود حاکم باشند. حال اگر این تعریف را با ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در پیوند قرار دهیم این نتیجه می‌تواند استنباط شود که حق تعیین سرنوشت عبارت است از اراده آزاد و توانایی همه مردم برای مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری پیرامون چگونگی نظام سیاسی حاکم بر جوامع خود و تعریف فلسفه حیات، آنگونه که می‌پندارند. ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند الف مقرر می‌دارد که «هر فردی در برابر جامعه خود که در آن رشد آزادانه و همه‌جانبه او میسر می‌شود، مسئول می‌باشد»، در این تعریف، مفاهیم حق و مسئولیت با یکدیگر پیوند برقرار کرده و زمینه‌های حاکمیت مطلوب، و به عبارت دیگر دموکراسی، را فراهم می‌آورد. بنابراین در این پیوند که زمینه‌ساز حق تعیین سرنوشت است، فرد انسانی مبنای توجه قرار گرفته و معیارهای ناظر بر آن زیر عنوان دموکراسی لیبرال تعریف شده است. منظور این است که هر فرد انسانی، حتی اگر در جمع و گروه در نظر گرفته شود، خود او صاحب حق تعیین سرنوشت و مسئول تحقق آنست. به عبارت بهتر و روشن‌تر، این فرد است که می‌بایست، قادر باشد تصمیم بگیرد که «چه کسی می‌خواهد باشد» و «چگونه باشد» [۱] و همچنین «چگونه آزادانه سیمای زندگی مطلوب» [۲] خود را ترسیم کند. در همه این احوال، فرد انسانی می‌بایست از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشد.

حال اگر همین تعریف حقوق بشرمحور حق تعیین سرنوشت را در چارچوب میثاق حقوق اقتصادی،

همکاری میان کشورها، این تفسیر از مفهوم حق تعیین سرنوشت را تأیید می‌کند: «همه مردم حق دارند آزادانه، بدون دخالت خارجی، وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال کنند».[۶]

برای توضیح برداشت‌های نادرست نسبت به اهمیت حق تعیین سرنوشت به عنوان حقوق بشر، پیشنهاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ از ماده ۵ می‌بایست مورد توجه قرار گیرد: «هیچیک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای کشوری، یا گروهی، و یا فردی شود که به استناد آن به منظور توزیع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده‌است مبادرت به فعالیت کرده و یا اقدامی به عمل آورد». همین تأکید در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نیز آورده شده است. از مفاد این ماده از میثاق‌های یادشده، این حقیقت حقوقی سرچشمه می‌گیرد که حق تعیین سرنوشت باید با سایر موضوعات حقوق بشری متوازن باشد. اعلامیه حقوق بشر و برنامه اقدام ملل متحد، موسوم به اعلامیه وین سال ۱۹۹۳، این هماهنگی و توازن را مورد تأیید و تأکید قرار داده است: همه حقوق بشر جهانشمول، غیرقابل تقسیم، وابسته به یکدیگر، و با یکدیگر مرتبط هستند. جامعه بین‌الملل باید با حقوق بشر در سطح جهانی به شیوه‌ای عادلانه و برابر، با همان موضع و با همان تأکید رفتار کند. در حالی که اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی و مذهبی باید در نظر گرفته شود، وظیفه کشورها، صرف نظر از نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌شان، ترویج و حمایت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.[۷]

این تأکیدها بر پیوستگی حقوق بشر، و تلاش برای همبستگی میان آنها، لزوماً داعیه جدایی گروهی از مردم داخل یک کشور از سرزمین مادری را تأیید نمی‌کند. به همین خاطر، با در نظر داشتن نیاز به رعایت حقوق اقلیت‌هایی در داخل یک کشور، باز می‌بایست به مفهوم حق تعیین سرنوشت به معنی داخلی آن رجوع کرد. در حقیقت، هیچیک از پیامدهای حقوقی که از توصیف تعیین سرنوشت به عنوان یک حق انسانی ناشی شده است، نمی‌تواند مانع از این شود که مسئولیت کشورها برای پیشبرد حقوق مردمی که بنا بر مقتضیات نژادی، زبانی، مذهبی، و یا فرهنگی از دیگران متمایز شده، و یا سرکوب شده‌اند، نادیده گرفته شود. در انجام این مسئولیت، حق تعیین سرنوشت حساس‌تر می‌شود به گونه‌ای که همه تلاش‌ها را باید بر واداشتن دولت‌ها نسبت به انجام وظیفه و مسئولیت خود موظف و متمرکز نماید. این دیدگاه با منطق قانع‌کننده‌تری هم پشتیبانی می‌شود. از آنجا که کشورها همواره در برابر تجزیه‌طلبی و خطر آسیب به تمامیت ارضی خود ایستادگی می‌کنند، این ضرورت بیشتر ایجاب می‌کند که حکومت‌ها را به رعایت حقوق بشر و پذیرش استانداردهای مربوط به آن واداشت تا خطرات تجزیه‌طلبی نیز دفع شود.

مفهوم مردم، یا ملل براساس همان ماده ۱ میثاق‌های سال ۱۹۶۶، نیز در راستای توضیح حق سرنوشت داخلی می‌تواند روشنگری داشته باشد. مفهوم مردم که به زبان فارسی در مواردی به ملل ترجمه شده است، در اینجا به همان واژه مردمانی اطلاق می‌شود که در سرزمینی مشترک زندگی می‌کنند، به آن تعلق خاطر دارند، و با آن هویت خود را تعریف می‌کنند. این مفهوم مردم شامل اعضای گروه‌های قومی، زبانی، مذهبی، و یا

غیردمکراتیک، یعنی در شرایطی که حقوق ذاتی مردم به درستی از سوی هیئت حاکمه نمایندگی نمی‌شود، این حق بشری اغلب به حاشیه سیاست‌گذاری‌ها رانده می‌شود. از این رو تمرکز اصلی بر حق تعیین سرنوشت به عنوان امری داخلی و ملی، موضوع چالش‌های دموکراسی در برابر استبداد و تمامیت‌خواهی است.

اما این حق تعیین سرنوشت گروهی از مردم، در اشتیاق و جایگاه‌هایی از زنجیر استعمار، با ابعاد دیگری می‌آمیزد که آنرا با هدف‌های بخشیدن از سلطه و انقیاد خارجی تعریف می‌کند. این شرایط برای دستیابی به تعیین سرنوشت هنگامی تأمین می‌شود که مردم و ملت‌هایی در انقیاد استعمار مستقیم سرزمینی قرار می‌گیرند. این بدان معناست که مردم می‌بایست برای استقلال خویش از سلطه خارجی توانمند شوند به گونه‌ای که بتوانند با دیگر ملت‌های جهان در شرایط برابری حقوق حاکمیتی ارتباط برقرار نمایند. بند ۲ از ماده ۱ منشور ملل متحد این حق تعیین سرنوشت را به عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف نظم نوین هنجاری بین‌المللی معرفی می‌کند: «توسعه روابط دوستانه میان ملل بر مبنای احترام به اصل برابری حقوق و تعیین سرنوشت...» در اینجا، بیان حق تعیین سرنوشت به عنوان حقوق بشر، بر حق مردم برای تعیین وضعیت خارجی که همانا استقلال است تمرکز دارد. این بدان معناست که مفهوم برابری حق حاکمیت کشورها طبق بند ۱ از ماده ۲ منشور ملل متحد، نمی‌تواند بدون رها شدن از استعمار امکانپذیر باشد. به همین دلیل، حقوق بین‌الملل در راستای این حق مردم برای رها شدن از استعمار خارجی تمرکز شایان توجهی داشته است. اعلامیه ملل متحد درباره اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار نیز در بند ۱ تأکید می‌کند که «کشاندن مردم به انقیاد، سلطه و استثمار بیگانه به منزله انکار حقوق اساسی است، مغایر با منشور ملل متحد بوده و همچنین مانعی در برابر صلح و همکاری‌های بین‌المللی می‌باشد». همان اعلامیه بیشتر توضیح می‌دهد که «همه مردم حق تعیین سرنوشت دارند. به موجب این حق، آنها آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند».[۴]

این امر نشان می‌دهد که حق تعیین سرنوشت در قامت تفسیر و کاربرد داخلی مفهوم، و همان حق تعیین سرنوشت در ابعاد خارجی موجبات سردرگمی‌هایی را برای مردم عادی فراهم آورده است. این موضوع هنگامی بیشتر حساس می‌شود که برخی افراد از سوی گروه‌های قومی ممکن است تصور کنند که حق تعیین سرنوشت تنها با ابعاد خارجی آن می‌بایست مبنای تصمیم‌گیری‌ها باشد، و از همین رو با کاربرد چنین حقی برای مقاصد تجزیه‌طلبانه تلاش می‌کنند.[۵] این موضوعات باعث می‌شود که کشورها و مردم آن با حساسیت به این مواضع واکنش نشان دهند. بطور طبیعی، و در مقابله با این ادعاهای سیاسی برای تفسیر حق تعیین سرنوشت در قبال انقیاد و استعمار، تلاش‌ها به درک مفهوم انقیاد باعث شده است تا آنرا در تفسیر عمیق‌تر کلمه به معنی مقهور دیگران بودن در نظر بگیرند. از آنجا که، فارغ از استعمارزدایی، رها شدن از انقیاد مستلزم توانایی مردم بر حق سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش است، تفسیر مفهوم مورد نظر با موضوعات حقوق بشری همراه شده است. منظور از این بیانیه این است که اینگونه تفاسیر از حق تعیین سرنوشت به عنوان راهی برای عبور از انقیاد، یا حقوق دمکراتیک مردم برای مشارکت در حیات سیاسی و اجتماعی کشور پیوند می‌یابد. اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و

اجتماعی و فرهنگی قرار دهیم، این معنا مستفاد می‌شود که گروه انسان‌هایی که ممکن است زیر عنوان تفاوت‌های قومی، فرهنگی، زبانی، و یا مذهبی از دیگران متمایز شوند، می‌بایست از حق تعیین سرنوشت خود برخوردار باشند. در همان فلسفه لیبرال، اینان گروهی از مردم هستند که ممکن است به دلیل ویژگی‌های خاص خود به تابعی از اراده و خواست اکثریت تبدیل شوند. حال حق تعیین سرنوشت به این معنی است که فرد، در قامت گروهی نیز، باید بر سرنوشت و مقدرات خود حاکم باشد. به این مقوله حق تعیین سرنوشت می‌بایست ویژگی داخلی بودن را اطلاق کرد. این حق در مجموعه‌ای از حقوق و استحقاق‌ها تبلور می‌یابد که در گفتمان حقوق بشر تعریف شده و مورد شناسایی جهانشمول قرار گرفته‌اند. در اینجا مفهوم حق تعیین سرنوشت با اصل برابری برخورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی برای همه مردم، و همچنین اصل عدم تبعیض گره خورده است. مطابق با این پیوند، نظام سیاسی حاکم بر کشور به عنوان نماینده همه مردم می‌بایست بدون تمایز از نظر نژاد، عقیده، زبان، یا فرهنگ، الزامات نمایندگی دموکراسی داخلی را به شایسته‌ترین شکل ممکن تأمین کند. بنابراین، نظام حاکم نمی‌تواند مشروعیت حقوقی داشته باشد، اگر از این وظیفه نمایندگی حقوق همه مردم کوتاهی ورزد. زیر پا گذاشتن این حقوق توسط نظام حاکم هیچ حقی برای هیچ گروه اجتماعی و یا اقلیت‌ها ایجاد نمی‌کند که «حق تعیین سرنوشت» را به عنوان حق جدایی از یک کشور تعریف کنند!

رویه‌های قضایی بین‌الملل، این مفهوم مرکزی نمایندگی نظام حاکم را از درون حقوق گفتمان حقوق بشر اثبات کرده است. در قضیه پیامدهای حقوقی برای کشورهایی از حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا (جنوب غرب آفریقا)، نگرانی عمیق جامعه بین‌المللی کشورها در باره تبعیض رسمی بر اساس نژاد و حذف گروه‌هایی از مردم از فرایند تصمیم‌گیری بیان شده است. اهمیت مبارزه با تبعیض نژادی در جهت استقرار حق تعیین سرنوشت گروهی از مردم که به دلیل شاخصه نژادی مورد سرکوب قرار گرفته بودند، در نظریه مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری نمایان شد.[۳]

شایان یادآوری است که حق تعیین سرنوشت به عنوان حقوق بشر را می‌بایست بر روی طیف گسترده‌ای از موضوعات قرار داد که در دو سوی آن تأکید بر این حق در دو میثاق ذکر شده مورد شناسایی قرار گرفته است. از یکسو حق تعیین سرنوشت به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که چنین حقی را با حقوق دمکراتیک مردم پیوند می‌زند تا آنها را توانمند سازد آزادانه تصمیم بگیرند که «چه کسی می‌خواهند باشند» و «چگونه باشند» و «چگونه مختصات زندگی مطلوب» خود را تعیین نمایند. از دیگرسو، و در قطب دیگر طیف، حق تعیین سرنوشت را با اراده و خواست گروهی از مردم برای تعیین و تثبیت مشخصات خود گره می‌زند. این مورد اخیر با حساسیت‌های زیادی که با خود به همراه می‌آورد، یادآور حق تعیین سرنوشت گروهی خاص از مردم برای دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی خود است. این حق تعیین سرنوشت را در آثار حقوقی بین‌الملل زیر عنوان حق تعیین سرنوشت داخلی (ملی) قرار می‌دهند، و چنین استحقاقی برای حق تعیین سرنوشت با بنیادهای حکومت مطلوب (دموکراسی) ارتباط مستقیم پیدا می‌کند.

بطور کلی در حقوق بشر بین‌المللی، حق تعیین سرنوشت داخلی گروهی از مردم، در نظام‌های سیاسی دمکراتیک مورد احترام قرار گرفته است، در حالی که در رژیم‌های

کاهش موجودی صندوق توسعه ملی؛ پشتوانه‌ای که به قلق حکومت تبدیل شده است

● در سال ۱۴۰۰ استقراض از صندوق توسعه ملی نسبت به مجوز قانون بودجه ۷۷ درصد بیشتر است که با مجوزهای شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا انجام شده است.

● دولت‌های مختلف به دلیل کسری بودجه همواره از صندوق توسعه ملی به عنوان قلکی برای جبران کسری بودجه استفاده کرده‌اند.

● صندوق توسعه ملی ایران یک صندوق ۱۵۰ میلیارد دلاری است که حدود ۱۰۰ میلیارد آن توسط دولت‌های گذشته برداشت شده و حدود ۴۰ میلیارد نیز تسهیلات پرداخت کرده و موجودی صندوق توسعه ملی به رقم ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافته است.

روابط عمومی صندوق توسعه ملی در گزارشی از برداشت‌های دولت‌ها از این صندوق برای جبران کسری بودجه خبر داده است. موجودی این صندوق به رقم ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافته و بودجه‌ای که باید برای تقویت زیرساخت‌ها، پروژه‌های توسعه‌ای و زیربنایی و به عنوان پشتوانه‌ای برای نسل‌های آینده استفاده می‌شد، صرف هزینه‌های جاری شده است.

بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده از دخل و خرج دولت در سال ۱۴۰۰، کسری تراز عملیاتی بودجه در این سال نسبت به سال قبل از آن ۶۳ درصد افزایش یافته و استقراض از صندوق توسعه ملی نیز نسبت به مجوز قانون بودجه، ۷۷ درصد بیشتر بوده است.

روابط عمومی صندوق توسعه ملی درباره برداشت بیش از رقم در نظر گرفته شده از این صندوق توسط دولت توضیح داده که استقراض از صندوق توسعه ملی نسبت به مجوز قانون بودجه ۷۷ درصد بیشتر است که با مجوزهای شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا انجام شده است. در توضیحات ارائه شده از سوی روابط عمومی صندوق توسعه ملی آمده که در چند سال اخیر با درخواست دولت بخشی از سهم صندوق توسعه از درآمدهای نفتی به عنوان استقراض، صرف بودجه دولت می‌شود و در سال ۱۴۰۰ نیز، ۱۸ واحد درصد از سهم صندوق توسعه ملی (مابه‌التفاوت ۲۰ و ۳۸ درصد) تا سقف یک میلیون بشکه در روز از درآمدهای نفتی صرف مخارج بودجه‌ای شده است. از آنجایی که دسترسی به برخی از منابع ارزی صندوق توسعه ملی با محدودیت‌هایی همراه است مطابق با بررسی‌های انجام شده، در نتیجه برداشت‌های دولت از صندوق توسعه ملی در سال ۱۴۰۰ نیز همانند سال ۱۳۹۹ به پایه پولی افزوده شده است.

در ادامه آمده که پرداخت اعتبارات هزینه‌ای در

را به دست آورند. جامعه بین‌المللی هم در برابر این امواج استقلال‌خواهی سکوت پیشه کرد.

با فروپاشی کشور مادر، این توافق میان هویت‌های قومی شکل گرفت که آنها باید بر اساس علقه‌ها و پیش‌زمینه‌های تاریخی هرکدام کشور مستقل خود را به وجود آورند. اما ایران شرایط کاملاً متفاوتی دارد. از گذشته‌های دور، اقوام و گروه‌های قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، با احساس تعلق به هویت ایرانی، و با افتخار به این هویت، همواره در سرزمینی که به آن تعلق خاطر دارند با یکدیگر با روح حسن همجواری درونی و صلح‌آمیز زندگی کرده‌اند. ایران سرزمین اقوام مختلفی است که خود را ایرانی می‌دانند و در جهت حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی میهن فروگذاری نکرده و نمی‌کنند. در جریان جنبش ملی و آزادیخواهانه‌ی اخیر مردم ایران نیز این تعلق خاطر و عشق به میهن همواره و آشکارا بیان شده است: «از زاهدان تا تهران، جانم فدای ایران» و یا «کردستان چشم و چراغ ایران» از سوی مردمان بلوچ و کرد و سراسر کشور آشکارا هویت ایرانی آنها را به نمایش می‌گذارد.

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] “Who I want to be”, and “how I want to be?”

[۲] “What I want to do?”

[۳] Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (Southwest Africa) notwithstanding Security Council resolution 276 (1970)

[۴] Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, General Assembly resolution 1514 (XV), ۱۴ December 1960

[۵] این برداشت به لحاظ حقوقی نادرست، اغلب توسط رؤسای احزاب قومی و کسان دیگری که در راستای دیدگاه او قرار می‌گیرند، مطرح شده است. شوربختانه ادبیات سیاسی مخالف نظریه تجزیه‌طلبی نیز از عطف توجه با ابعاد حقوقی نادرست موضوع حق تعیین سرنوشت کوتاهی ورزیده و به همین دلیل نتوانسته چشم‌انداز مستدل حقوقی در برابر تجزیه‌طلبی این افراد ارائه نماید.

[۶] Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation Among States in Accordance with the Charter of the United Nations, General Assembly resolution 2625, 24 October 1970

[۷] Vienna declaration and Program of Action, the World Conference on Human Rights, June 25, 1993, article 5, A/CONF.157/23

[۸] Advisory opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, general list number 131, 9 July 2004, para. 156

[۹] East Timor (Portugal v. Australia), Judgment, I.C.J. Reports 1995, p. 102, para. 29

فرهنگی می‌شود. اما در همه حال مفهوم مردم شامل همه اتباع و شهروندان یک کشور است و در نتیجه بر موضوع قومیت تقدم دارد. از این رو حق تعیین سرنوشت به معنی عام کلمه در برگرفته همه آحاد جامعه برای استقلال اراده و اندیشه و مشارکت آنان در امور کشور است و تقلیل آن به اعضای گروه‌های قومی ضرورتاً نمی‌تواند معنی حقوقی دقیق کلمه را برساند. چنین تقلیلی باعث می‌شود تا کسانی با برداشت‌های نادرست، حق تعیین سرنوشت را در راستای اهداف تجزیه‌طلبانه به کار گیرند. در این تفسیر حساس از مفهوم مردم، حق تعیین سرنوشت نمی‌تواند در راستای جدایی از سرزمین مادری تصور شود. این تفسیر در نظریه مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه عواقب حقوقی دیوارکشی در سرزمین‌های فلسطینی مورد تأیید قرار گرفته است: «اصل تعیین سرنوشت مردم در منشور ملل متحد ذکر شده است و توسط مجمع عمومی در قطعنامه (۲۵) ۲۶۲۵ که مجدداً تأیید شده است که به موجب آن هر کشوری موظف است از هرگونه اقدام قهری که مردمان خود را حق تعیین سرنوشت محروم می‌کند، خودداری کند». دادگاه همچنین به این نتیجه رسید که هر کشوری موظف است «تحقق اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردمان خود را مطابق با مفاد منشور ارتقا دهد و به سازمان ملل در انجام مسئولیت‌هایی که منشور در مورد اجرای اصل به آن سپرده است، کمک کند». [۸] دادگاه این وظیفه کشورها را با اصل تعهدات جهانی «ارگا امنس» پیوند داده و تأکید می‌کند که کشورها موظف به انجام این تعهدات جهانی می‌باشند، و دولت اسرائیل به دلیل بی‌اعتنایی به آن مرتکب عمل خلاف بین‌المللی شده است. این نظریه مشورتی به همراه نظریه مشورتی دادگاه در قضیه تیمور شرقی [۹] هیچکدام اصل تعیین سرنوشت را به مفهوم گروه قومی به کار نبرده، بلکه آنرا به معنی حق مردم برای تصمیم‌گیری درباره شرایط سیاسی و اجتماعی کشوری که به آن تعلق دارند تفسیر کرده است.

موضوع در اینجا این نیست که حق تعیین سرنوشت به گونه‌ای تفسیر شود تا مقصود خاص این نوشتار تامین شود، بلکه هدف این است که توضیح داده شود که هر نوع ارجاعی به مفاهیمی مانند، ملت، ملل، ملیت، قومیت، حاکمیت، استقلال، و حق تعیین سرنوشت باید در معنای دقیق کلمه و در متن تئوری‌های حقوقی بین‌الملل و همچنین رویه‌های قضایی توضیح داده شوند تا مانع از فهم‌های نادرست گردند. بی‌تردید مواردی از استقلال برای اقوام مختلف که در فضای همین دوران اخیر اتفاق افتاده است، اغلب این برداشت نادرست را به وجود آورده است که هر گروه قومی می‌تواند زیر عنوان «حق تعیین سرنوشت خود» را از سرزمین مادری جدا سازد. اما کسانی که به این قبیل جدایی‌ها اشاره می‌کنند، توجه ندارند که:

به عنوان مثال، استقلال قزاقستان، ازبکستان، و یا تاجیکستان، به این دلیل صورت گرفت که اولاً اینگونه کشورها به شکلی غیرقانونی به اتحاد جماهیر شوروی سابق اضافه شده بودند. بنابراین شوروی سابق ماهیتی سیاسی داشت بدون اینکه بتواند علقه‌های تاریخی و هویتی میان جماهیر خود را تعریف کند.

همین موضوع در مورد یوگسلاوی سابق نیز صادق است. بنابراین در پایان جنگ سرد، آن ملت‌ها استقلال تاریخی خود را به دست آوردند.

همچنین کشورهای شوروی سابق و یا یوگسلاوی در پایان جنگ سرد بطور کامل تجزیه شدند و این امر شرایط مناسب را فراهم آورد تا اقوام مختلف بتوانند استقلال سیاسی خود

موجودی صندوق خواهد داشت. دلیل دیگر کاهش موجودی صندوق توسعه ملی پرداخت نشدن اقساط وام‌های دریافت شده از سوی شرکت‌ها است. سال‌هاست شرکت‌ها برای پروژه‌های توسعه‌ای و زیربنایی از این صندوق وام گرفته اما اقساط را پرداخت نمی‌کنند و بدهی خود را اصطلاحاً امهال می‌کنند یعنی وام‌گیرنده مهلت می‌گیرد و بازپرداخت اقساط را عقب می‌اندازد. ذبیح الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز اردیبهشت امسال گفته بود که «کسانی که از صندوق وام گرفتند تا الان، بیش از ۴۰۰ بار از صندوق، امهال گرفتند و بازپرداخت ۸ ساله به ۱۴ سال رسید.» در همین رابطه شه‌ریور سال گذشته معاون بانکی و اعتباری صندوق توسعه گفته بود: «صندوق توسعه ملی طی ۱۰ سال ۴۰ میلیارد دلار برای ۳۶۲ پروژه تامین مالی کرد که ۲۳۳ طرح به بهره‌برداری رسیده ولی تنها ۵۰۰ میلیون دلار از اقساط پرداخت شد.» به دلیل پرداخت نشدن اقساط، سال گذشته صندوق

میلیارد دلار به دولت واگذار و به خزانه دومی برای دولت تبدیل شده و دولت هم این صندوق را غارت کرده‌است.» همانطور که در توضیحات روابط عمومی صندوق توسعه ملی نیز آمده در سال‌های گذشته برداشت‌ها با مجوز شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا صورت گرفته است. این شورای در سال ۹۷ توسط علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و بهانه تشکیل یک اتاق جنگ اقتصادی تشکیل شد. در عمل اما شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا به یک نهاد موازی با ساختار قانونگذاری و اجرایی کشور تبدیل شد با ایجاد یک خودمختاری بالادستی، به جای نهادهایی چون هیئت دولت، مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی، شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیری می‌کند. هر چند اعضای این شورای متشکل از رؤس دولت و قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی هستند اما در عمل بطور مستقیم زیر نظر علی خامنه‌ای با دور زدن ساختار قانونی در مجلس شورای اسلامی و دولت، عمل می‌کنند. عملکرد این شورای نشان می‌دهد نه تنها نتوانسته در سال‌های

→ سال ۱۴۰۰ نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد افزایش یافته و حدود ۸۰ درصد مقدار مصوب در قانون بودجه بوده است عملکرد اعتبارات صندوق بازنشستگی کشوری و تامین اجتماعی لشکری ۴۹ هزار میلیارد تومان بیش از مقدار مصوب است. به نظر می‌رسد علت این افزایش مجوزی است که مجلس به میزان ۱۳۰ هزار میلیارد تومان از منابع حاصل از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی برای تقویت صندوق‌ها در سقف دوم بودجه در نظر گرفته بوده است. اما شرط مصرف هزینه‌های سقف دوم بودجه، تحقق کامل منابع سقف اول در شش ماهه اول سال بود که این امر محقق نشد؛ لذا دولت از منابع سقف اول برای پوشش هزینه‌های سقف دوم استفاده کرده است. بر اساس آنچه روابط عمومی صندوق توسعه ملی توضیح داده دولت در سال ۱۴۰۰ به دو صورت از منابع صندوق توسعه ملی برداشت کرده است: «علاوه بر استقراض ۱۸ درصد از سهم صندوق از نفت، گاز و میعانات (با مجوز قانون بودجه)، در سال ۱۴۰۰ حدود ۵ میلیارد دلار نیز از



توسعه ملی بخشی از سهام شرکت ستاره خلیج فارس را بجای طلب از وزارت نفت گرفت. صندوق توسعه ملی همچنین فروردین امسال ۳۳ درصد از سهام بانک سینا (۸ میلیارد و ۳۷۰ میلیون سهم) را جای طلب خود از بنیاد مستضعفان گرفت. این بدهی بنیاد بابت وام شرکت‌های زمزم آذربایجان، شیشه مینا و طرح شیشه و اوگاز شیشه و گاز بود که چندین سال اقساط آن عقب افتاده بود. در قانون بودجه ۱۴۰۲ سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات و فروش داخلی نفت، میعانات گازی و خالص صادرات گاز ۴۲ درصد تعیین شد. همچنین بر اساس برنامه هفتم توسعه که به هم‌اکنون برای تصویب در مجلس شورای اسلامی بررسی می‌شود، دولت باید سال اول عواید حاصل از صادرات نفت و گاز را پس از کسر سهم شرکت ملی نفت به صندوق واریز کند. در مقابل هم صندوق توسعه ملی باید هر سال ۲۷ میلیارد دلار به دولت پس دهد. سال‌های بعد به تدریج این مبلغ کم شده و صندوق موظف می‌شود که حداکثر ۲۰ میلیارد دلار به دولت پس دهد. تحقق این برنامه‌ها و ارقام اما با توجه به شرایط اقتصادی کشور و شیوه بودجه‌نویسی مرسوم در جمهوری اسلامی که همواره بودجه سالانه کشور با کسری عملیاتی بسته می‌شود، با ابهام روبروست.

تحریم به مدیریت اقتصاد کشور کمک کند بلکه بحران‌هایی ایجاد کرده از جمله صدور مجوزهایی برای برداشت‌های بی‌رویه از صندوق توسعه ملی! اینهمه سبب کاهش شدید موجودی صندوق توسعه ملی شده است. مهدی غضنفری رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی اردیبهشت امسال اعلام کرد که «صندوق ایران یک صندوق ۱۵۰ میلیارد دلاری است که حدود ۱۰۰ میلیارد آن توسط دولت‌های گذشته برداشت شده و حدود ۴۰ میلیارد نیز تسهیلات پرداخت کرده است.» ارقام ارائه شده از سوی مهدی غضنفری نشان می‌دهد موجودی صندوق توسعه ملی به رقم ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافته است. البته این اظهارات توسط برخی مقامات تصحیح شد و آنها مدعی شدند که «دارایی» صندوق ۱۷۰ میلیارد دلار است؛ این رقم با جداول حسابداری و تنها روی کاغذ بدست آمده است و وام‌های پرداخت شده و نرخ بهره آن را جز دارایی صندوق حساب شده است. در حالیکه همانطور که مهدی غضنفری گفته موجودی صندوق همان رقم ۱۰ میلیارد دلار است که کمترین موجودی از تاریخ تأسیس این صندوق تا کنون است. نکته قابل توجه اینکه به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۲ هم موجودی این صندوق کاهش پیدا کند چون دولت با کسری بودجه هنگفتی روبروست و احتمالاً برداشتهایی از رقم

موجودی صندوق توسعه ملی توسط دولت برای تأمین ارز کالاهای اساسی استقراض شده است که به نظر می‌رسد با توجه به تسویه آن به نرخ نیمه با دولت و اختصاص آن به نرخ ۴۲۰۰ به واردات کالاهای اساسی این امر موجب افزایش بالغ بر ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پایه پولی شده باشد.» صندوق توسعه ملی در سال ۱۳۸۹ در برنامه پنجم توسعه با هدف «تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز، میعانات گازی و فراورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فراورده‌های نفتی» تشکیل شد. بر اساس قوانین بودجه، هر ساله، باید مبلغی از درآمدهای دولت از جمله درآمدهای نفت و گاز به این صندوق واریز شود. در سال‌های گذشته اما دولت‌های مختلف به دلیل کسری بودجه همواره از صندوق توسعه ملی به عنوان قلکی برای جبران کسری بودجه استفاده کرده‌اند. این موضوع سبب شده نه تنها موجودی صندوق به میزان در نظر گرفته شده در هر سال افزایش نیابد بلکه به شدت نیز کاهش یابد. ذبیح الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور خردادماه امسال درباره تغییر کاربرد صندوق توسعه ملی گفت: «این صندوق، ذخیره در دست دولت است. در صندوق توسعه ملی ۱۵۱ میلیارد دلار ارز داشتیم که ۱۰۰

رانت تحصیلی بیش از ۵۰۰ تن از فرزندان هیئت علمی برای تصاحب صندلی دانشگاه‌های علوم پزشکی



● مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی این اجازه را به فرزندان هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌داد که با کسب درصد ۵/۹۲ نمره از دانشگاهی به دانشگاه مبدأ محل کار والدین منتقل شوند که البته مصوبه تغییر رشته منوط به کسب همین میزان نمره است. این در حالی بود که فرزندان برخی از اعضای هیئت علمی همین قانون را هم دور زدند و وارد رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی شدند.

● «در صورت لزوم، اسامی تمام افرادی که از این رانت تحصیلی استفاده کرده‌اند، فاش می‌شود.»

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی به سکوت ۶ ساله درباره پرونده رانت تحصیلی بیش از ۱۳۴ نفر که در آستانه فارغ‌التحصیلی قرار دارند، گزارش داده است. این روزنامه یکشنبه ۱ مردادماه نوشت: «شورای سنجش و پذیرش دانشجو، شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری چندین بار حکم به اخراج این افراد داده‌اند اما با لابیگری‌ها، این افراد که به گفته افشاگران این پرونده بالای ۱۳۴ نفر بوده‌اند مراحل آخر تحصیل‌شان را می‌گذرانند.»

بر اساس این گزارش، افراد مربوطه از رشته‌های دامپزشکی، کشاورزی، مدیریت بیمه و... با رتبه‌های بالای ۱۵۰ هزار و ۱۷۰ هزار وارد رشته‌های پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی شده‌اند.

«هم‌میهن» اضافه کرد: «برای نخستین بار دیده‌بان شفافیت و عدالت در ۲۴ اسفندماه سال ۹۸ به پشت‌پرده انتقال ۱۳۴ تن از فرزندان اساتید دانشگاه آزاد از رشته دامپزشکی به پزشکی پرداخت.»

با وجود این پس از گذشت بیش از ۳ سال به گفته دبیر کمیسیون این سازمان، با پیگیری‌های فراوان، پرونده در اختیار دادستانی کشور قرار گرفته و قرار است به زودی نتیجه اعلام شود: «در صورت لزوم، اسامی تمام افرادی که از این رانت تحصیلی استفاده کرده‌اند، فاش می‌شود.»

مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی این اجازه را به فرزندان هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌داد که با کسب درصد ۵/۹۲ نمره از دانشگاهی به دانشگاه مبدأ محل کار والدین منتقل شوند که البته مصوبه تغییر رشته منوط به کسب همین میزان نمره است. این در حالی بود که فرزندان برخی از اعضای هیئت علمی همین قانون را هم دور زدند و وارد رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی شدند.

دهم دی‌ماه سال گذشته احمد توکلی رئیس دیده‌بان شفافیت و عدالت در نامه‌ای به ابراهیم ریسی رئیس دولت سیزدهم در کنار درخواست تعلیق مصوبه کنکور، به ماجرای پرونده ۱۳۴ نفر اشاره کرد. او در این نامه به سوء استفاده دبیر فعلی شورای عالی انقلاب فرهنگی از مصوبه نقل و انتقال فرزندان هیئت علمی اشاره کرده و گفته بود که پسر وی با رتبه ۵۵۲۵ به رشته مهندسی برق دانشگاه تهران و دختر او با رتبه ۱۰۷۹۵ به رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران منتقل شدند.

او در این نامه، از محمدرضا مخبر دزفولی عضو فعلی و دبیر سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی و معاون اول ریسی نام برد که به صورت غیرقانونی فرزند خود را از یکی از دانشگاه‌های خارج کشور به یکی از دانشگاه‌های علوم

پزشکی ایران منتقل کرده بود.

بر اساس این گزارش از میان مسئولان دولتی، فرزندان محسن نفر آهنگساز، رسول دیناروند عضو هیئت علمی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران، کاظم جلالی نماینده دوره‌های ششم تا دهم مجلس شورای اسلامی، معصومه جرجانی دبیر شورای آموزش علوم پایه پزشکی از این مصوبه و الحاقیه غیرقانونی آن استفاده کردند.

خردادماه سال گذشته، هامون سیطی دبیر کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت اعلام کرده بود که ماجرا محدود به ۱۳۴ نفر نمی‌شود و احتمال دارد بیش از ۵۰۰ نفر در این پرونده تخلف کرده باشند. به اینصورت که این افراد در رشته دامپزشکی یکی از شهرهای خارج از مرکز دانشگاه آزاد که پذیرش در آن هیچ نیازی به داشتن رتبه خاصی در کنکور نداشت، نام‌نویسی می‌کردند و بعد به بهانه اینکه فرزند عضو هیئت علمی هستند و گاهی با جعل سند در این مورد، در بهترین صندلی‌های دانشگاه‌های پزشکی آزاد کشور مثل دانشگاه آزاد تهران یا دندانپزشکی آزاد اصفهان، جای نخبه‌ها را می‌گرفتند.

مهدی حسین‌دوست پژوهشگر کنکور نیز در این مورد گفته است: «افرادی هستند که با رتبه ۱۷۵ هزار در رشته پزشکی درس می‌خوانند! کسی که شیمی را یک‌درصد، فیزیک را ۲۲ درصد، زیست را ۱ درصد، ریاضی را ۱۲ درصد، عربی را منفی و ادبیات را ۱۲ درصد زده، حالا پزشکی می‌خواند! حتی بر اساس بررسی‌های دیده‌بان شفافیت، تعدادی از این افراد در سامانه اولیه سازمان سنجش هم مردود شده‌اند و بعد از مردودی تغییر رشته داده‌اند. این افراد با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نمی‌توانستند وارد رشته‌های پزشکی شوند و تنها با الحاقیه دانشگاه آزاد می‌توانستند چنین نقل‌وانتقالی داشته باشند.»

روزنامه «هم‌میهن» در پایان با اشاره به تصویب

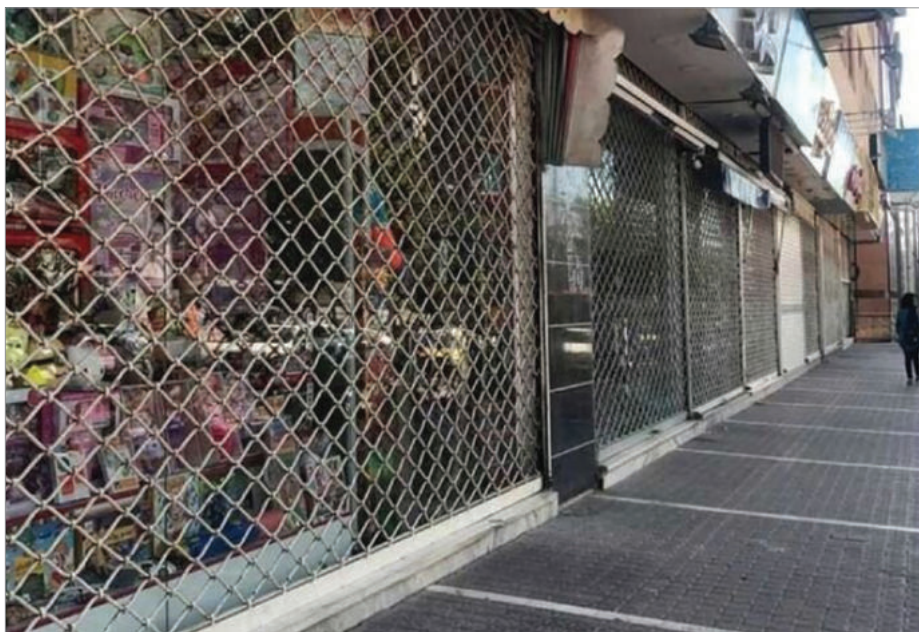
سهم‌خواهی ویژه در نظام آموزشی نوشته است «گفته می‌شود در جلسه اخیر شورای راهبری اجرای نقشه جامع علمی، طرح اعمال یک سهمیه ویژه برای فرزندان هیئت علمی برای تمام مقاطع ارائه و تصویب شده که بر اساس آن، فرزندان اعضای هیئت علمی می‌توانند تنها با کسب ۹۰ درصد نمره کل «آخرین فرد قبولی با هرسهمیه‌ای» مازاد بر ظرفیت پذیرش هر کد رشته و برای تمام مقاطع (از مقطع کارشناسی تا دکتری)، موفق به گرفتن پذیرش شوند.»

سال گذشته همزمان با برگزاری کنکور سراسری در ایران، روزنامه «اعتقاد» در گزارشی اعلام کرده بود که تعدادی بدون امتحان و با دخالت مجلس شورای اسلامی به دانشکده‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی راه یافته‌اند. علاوه بر رانت تحصیلی و تبعیض در ورود به دانشگاه، موضوع گستردگی تقلب در کنکور سراسری امسال و فروش سوالات کنکور علوم پزشکی تا یک میلیارد تومان نیز موضوعی است که محمدرضا احمدی سگری عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی در ۵ شهریور ۱۴۰۱ به آن اشاره کرده بود.

از سوی دیگر رقم‌های نجومی معاملات سوالات کنکور و همچنین ابزار و تجهیزات پیشرفته برای تقلب نیز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی تحصیلات عالی را در اختیار افرادی قرار می‌دهد که پول دارند اما دانش و پشتکار لازم را ندارند و برای درس خواندن مانند دیگر دانش‌آموزان و دانشجویان به خود زحمت نمی‌دهند و از پارتی خانوادگی استفاده می‌کنند.

اینهمه نشان از توزیع «بی‌عدالتی» در زمینه‌های مختلف در ایران دارد؛ حتی در آزمون کنکور و ورود به دانشگاه آنها که پول یا موقعیت دولتی دارند می‌توانند حق افراد درس‌خوان اما بی‌پساعت را بخردند و کرسی‌های دانشگاه‌های کشور را پُر کنند؛ افرادی که بعدها هم لایب مدیران و کارشناسانی در قواره جمهوری اسلامی خواهند شد!

مشاغلی که به دلیل کاهش قدرت خرید مردم یکی پس از دیگری از رونق می‌افتند



● بیشتر اقشار ناچار هستند بخش زیادی از درآمد خود را برای اقلام خیلی ضروری مانند مسکن، خوراک و درمان هزینه کنند و با وجود این باز هم درآمد آنها تا پایان ماه کفاف نمی‌دهد.

● در حال حاضر اتحادیه لباسشویی و خشکشویی با ۹۷۰ عضو فعال است البته تا قبل از انقلاب حدود ۱۸۰۰ واحد این صنف در استان تهران فعال بود.

● گرانی چنان خانواده‌ها را زیر فشار قرار داده که دیگر حتی برای تعمیر لوازم برقی هم پولی ندارند و بسیاری از فعالان این بازار بیکار یا با کاهش درآمد روبرو شده‌اند.

با کاهش قدرت خرید مردم استفاده از برخی خدمات از سبد مصرفی خانوار حذف و برخی مشاغل از جمله خشکشویی از رونق افتاده و دچار رکود شده‌اند.

فاصله میان درآمد ناچیز اقشار مختلف با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی قدرت خرید خانوار را کاهش داده و سبد مصرفی خانوار را کوچک کرده است. بیشتر اقشار ناچار هستند بخش زیادی از درآمد خود را برای اقلام خیلی ضروری مانند مسکن، خوراک و درمان هزینه کنند و با وجود این باز هم درآمد آنها تا پایان ماه کفاف نمی‌دهد. در چنین شرایطی استفاده از بسیاری خدمات که پیشتر در روند زندگی مردم وجود داشته حذف می‌شود.

این شرایط موجب رکود شدید در برخی مشاغل شده است. یکی از این مشاغل خشکشویی است. ابوالفضل رجب زاده رئیس اتحادیه لباسشویی و خشکشویی تهران در اینباره گفته که شرایط معیشتی موجب شده تا قابلیت صنف خشکشویی و لباسشویی نادیده گرفته شده و هر ساله تعداد تیراژ کار فعالان این صنف نسبت به سال گذشته کمتر شود.

به گفته رئیس اتحادیه لباسشویی و خشکشویی، «رکود در این صنف دلیلی برای تعطیلی واحدهای صنفی فعال در رسته خشکشویی و لباسشویی شد. در حال حاضر این اتحادیه با ۹۷۰ عضو فعال است البته تا قبل از انقلاب حدود ۱۸۰۰ واحد صنفی در استان تهران فعال بود، اما طی سال‌های اخیر و با توجه به افزایش جمعیت استان، واحدهای صنفی تحت حمایت این اتحادیه به ۱۵۰۰ رسیده است که احتمال دارد این ریزش تا پایان سال تشدید خواهد شد.»

کاهش واحدهای صنفی خشکشویی در تهران در حالیهست که زمان انقلاب جمعیت تهران یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بود و اکنون جمعیت واقعی پایتخت به حدود ۱۹ میلیون نفر رسیده است.

صاحب یکی از خشکشویی‌های منطقه یوسف آباد به وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته که قیمت‌گذاری برای ارائه خدمات در این صنف نسبت به سال گذشته خیلی کم افزایش داشته است؛ البته هزینه خدمات برای شستشو و اتو کشی کت، شلوار، کت و شلوار، دامن، بلوز و پیراهن مردانه با توجه به مقدار مصرف شوینده و سایر خدمات مرتبط، نرخ گذاری می‌شود،

اما با این حال این تغییر به اندازه نرخ تورم در سایر صنوف نیست.

این فعال صنفی گفته که گرانی مواد شوینده، افزایش هزینه‌های جاری در واحد صنفی مانند آب، برق، دستمزد کارگر، بیمه و ده‌ها مورد دیگر باعث شده برای فعال نکه داشتن یک واحد صنفی باید به سختی کار کرد و در نهایت صاحب خشکشویی به ناچار تعطیلی را به ادامه کار ترجیح می‌دهد.

وی افزوده که «هر روز بر کاهش مشتریان در این صنف افزوده می‌شود و این موضوع نگرانی زیادی را در بین فعالان این صنف ایجاد کرده است.»

یکی دیگر از اصنافی که این روزها با رکود شدید روبرو هستند تعمیرکاران لوازم برقی هستند. این در حالیهست که در چند سال گذشته با افزایش قیمت لوازم برقی این شغل دارای رونق شده بود و مردم چون نمی‌توانستند لوازم برقی نو خریداری کنند لوازم قدیمی خود را تعمیر می‌کردند. این روزها اما گرانی چنان خانواده‌ها را زیر فشار قرار داده که دیگر حتی برای تعمیر لوازم برقی هم پولی ندارند.

در آنسو هزینه خدمات تعمیرات نیز متأثر از تورم با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. قیمت برخی خدمات در بازار تعمیر وسایل الکترومکانیک نشان می‌دهد این بازار هم مانند سایر بازارها از تورم در امان نبوده و هزینه تعمیرات نسبت به سال گذشته بطور متوسط حدود ۷۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

برای نمونه هزینه خدمات سرویس کولر آبی و تعمیرات آن که شامل تنظیم تسمه، تعویض پوشال، شستشوی بدنه کولر آبی، روغن کاری دینام و پاتاقان، رسوب گیری کولر آبی و... حدود ۲ میلیون تومان برآورد می‌شود.

همچنین خرابی و سوختن دینام و موتور کولرهای آبی نیز از دیگر هزینه‌های اضافی در سبد خانوارها به شمار

می‌رود که باید جهت تعمیر روی رقم حدود ۳ میلیون و برای خرید آن بیش از ۵ میلیون تومان حساب باز کرد.

علی‌اکبر ایلخانی رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و تعمیرکاران وسایل الکترومکانیک تهران درباره رکود در این صنف گفته که «معضل گرانی هزینه‌های تولید تنها مشکل این بخش نیست؛ نبود حمایت کافی دولت از بخش تولید و حتی تعمیرکاران لوازم الکترومکانیکی باعث شده تهیه مواد اولیه و قطعات مورد نیاز جهت تولید و تعمیر لوازم الکترومکانیکی با توجه به نوسان نرخ ارز برای تولید کنندگان و تعمیرکاران این بخش بسیار سخت و گران تمام شود، به طوری که بخش زیادی از فعالان این بخش دیگر توان ادامه فعالیت را ندارند.»

به گفته ایلخانی، این در حالیهست که ۸۰ درصد قطعات مورد نیاز این رسته شغلی، در کشور تولید می‌شود و تنها ۲۰ درصد قطعات جهت تولید و یا تعمیر وسایل الکترومکانیک نیاز به واردات دارد.

طبق آمار بانک مرکزی صدور پروانه ساختمان در کشور به‌خصوص در تهران، سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ و همچنین سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ در هر سال حدود ۲۷ درصد کاهش داشته که این روند نشانگر رکود ساخت و ساز و به تبع آن رکود شدید در صنف مصالح فروشان و همچنین بیکاری هزاران کارگر ساختمانی است.

تورم و کاهش قدرت خرید مردم در حالی بسیاری از مشاغل را با رکود مواجه و فعالان این اصناف را ناچار به تعطیلی واحد خدماتی و بیکار شدن کارکنان کرده که در آنسو نرخ بیکاری نیز رو به افزایش است.

بر اساس آخرین آمارهای منتشر شده نرخ بیکاری جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال در ایران بسیار بالا و بیش از ۱۶ درصد است. نرخ بیکاری مردان جوان ۱۳ درصد و نرخ بیکاری زنان جوان ۲۸ درصد است. نرخ بیکاری جوانان به صورت میانگین ۷ درصد از نرخ بیکاری معمول بالاتر است.

افزایش دمای زمین و تخریب محیط زیست بر اثر فعالیت انسان هنوز می‌توان نجات یافت!



گرمای شدید و آتش‌سوزی جزیره رودوس در یونان/ ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳

دامپروری و تولید گوشت به شدت مشغول جنگل‌زدایی در آمازون بودند. این یک صدمه بزرگ یا یک فاجعه به راستی هولناک جهانی بود که خوشبختانه او در انتخابات اخیر شکست خورد.

پدیده‌ی افزایش دمای کره زمین مسئله جدیدی نیست. از اواخر قرن نوزدهم، و به احتمال قوی از سال ۱۸۸۰ میلادی که اندازه‌گیری متوسط افزایش درجه حرارت کره زمین را در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا شروع کردند ما با این پدیده روبرو هستیم. این اندازه‌گیری‌ها به خوبی نشان می‌دهند که به موازات افزایش فعالیت صنعتی در جوامع انسانی و استفاده از ماشین‌آلات برای تولید و رواج استفاده از اتوموبیل و قطار و هواپیما، دمای کره زمین رو به گرم شدن رفته است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، تخمین زده می‌شود که در طول تاریخ گرم‌ترین سال‌ها از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بوده‌اند و در حال حاضر هم سال به سال درجه حرارت زمین بالا می‌رود. در صد سال اخیر دمای کره زمین بطور متوسط یک درجه بالا رفته است. دانشمندان محیط زیست معتقدند که باید منتهای تلاش برای جلوگیری از گرم‌تر شدن زمین بشود که تا پایان قرن حاضر بیشتر از یک و نیم درجه سانتیگراد دمای کره زمین بالاتر نرود. البته این متاسفانه کار بسیار دشواری است.

این کار دشواری است زیرا تمام کشورها برنامه رشد و توسعه اقتصادی خود را دنبال می‌کنند. در حال حاضر چین آلوده‌کننده‌ترین کشور دنیاست و آمریکا بعد از آن قرار دارد؛ ایران هم در جایگاه هفتم آلودگی قرار دارد و سالانه حدود ۷۰۰ میلیون تن کربن وارد اتمسفر زمین می‌کند. بنابراین معتقدم که ننگ داشتن افزایش دمای کره زمین زیر یک و نیم درجه کار بسیار دشواری خواهد بود و ←

با دکتر نامدار بقایی یزدی کارشناس و استاد محیط زیست گفتگو کردیم.

-آقای نامدار بقایی، چگونه است که در شمال اروپا هوا ملایم و حتی خنک است ولی همزمان در جنوب اروپا تا ترکیه هوا به شدت گرم و باعث آتش‌سوزی‌های گسترده از جمله در جزیره توریستی رودس در یونان شده است؟
-ما سال‌هاست در مورد تغییرات اقلیمی و افزایش دمای زمین داریم صحبت می‌کنیم و دانشمندان زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند. آنها بر سر این موضوع توافق دارند که این یک معضل و چالش عظیم جهانی در برابر کل انسانیت در قرن ۲۱ است. ما در دانشگاه‌ها تمام‌مدت با دانشجویان رشته‌های مربوط به حفظ محیط زیست این مسائل را مطرح می‌کنیم. بسیاری از دانشجویان پروژه‌های خودشان را روی این مسائل و مشکلات متمرکز کرده‌اند.

ولی وقتی از نظر سیاسی به این معضل نگاه می‌کنیم متأسفانه با پدیده‌هایی مانند آقای ترامپ روبرو می‌شویم که اساساً منکر وجود مشکلات زیست محیطی می‌شد و گرم شدن زمین را تکذیب می‌کرد. او می‌گفت که طرفداران محیط زیست آش را بیش از حد شور می‌کنند.

-رئیس جمهوری پیشین برزیل، ژائیر بولسانارو هم منکر تغییرات اقلیمی بود و به شدت درمقابل اقدامات لازم برای مقابله با آن می‌ایستاد و دست سرمایه‌گذاران را در تخریب جنگل‌های آمازون باز گذاشته بود...

-بله، او به فعالیت‌های اقتصادی که حیات جنگل آمازون را که به قول معروف «ریه جهان» است، به خطر می‌انداختند میدان داده بود. اینها کسانی بودند که برای

● دکتر نامدار بقایی کارشناس محیط زیست: «پدیده‌ی افزایش دمای کره زمین مسئله جدیدی نیست. از اواخر قرن نوزدهم، و به احتمال قوی از سال ۱۸۸۰ میلادی که اندازه‌گیری متوسط افزایش درجه حرارت کره زمین را در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا شروع کردند ما با این پدیده روبرو هستیم. این اندازه‌گیری‌ها به خوبی نشان می‌دهند که به موازات افزایش فعالیت صنعتی در جوامع انسانی و استفاده از ماشین‌آلات برای تولید و رواج استفاده از اتوموبیل و قطار و هواپیما، دمای کره زمین رو به گرم شدن رفته است.»

● «در حال حاضر چین آلوده‌کننده‌ترین کشور دنیاست و آمریکا بعد از آن قرار دارد؛ ایران هم در جایگاه هفتم آلودگی قرار دارد و سالانه حدود ۷۰۰ میلیون تن کربن وارد اتمسفر زمین می‌کند.»

● «در ایران پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ پادشاه فقید این فکر را داشت که نباید فقط از نفت برای تولید انرژی استفاده کرد. ما در ایران در سال ۱۹۷۴ به فکر انرژی‌های تجدیدپذیر بودیم. در وزارت نیرو، دفتر انرژی‌های نو وجود داشت. ما از آن موقع نگاهی به انرژی‌های جدید برای آینده داشتیم. در مورد انرژی هسته‌ای جهت تأمین انرژی و در چارچوب معاهدات بین‌المللی نیز جداً فکر می‌شد و پروژه نیروگاه بوشهر هم همان موقع آغاز شد.»

روزهای متوالی است که مردم کشورهای پیرامون دریای مدیترانه زیر آفتاب سوزان روزهای طاقت‌فرسایی را با مشکلات عدیده می‌گذرانند، از جمله آتش‌سوزی‌های گسترده در جزیره رودس یونان است که تلفات جانی هم داشته است. در ارتباط با تغییرات و افزایش دمای اقلیمی

استفاده درست، ایمن و مطمئن و بدون اینکه به محیط زیست آسیب برساند، انرژی عظیمی تولید می‌کند، نه مانند حالا که روسیه ایران را چلانده ولی نیروگاه بوشهر فقط درصد بسیار ناچیزی از انرژی مورد نیاز ایران را تولید می‌کند در حالی که صحبت از آن بود که باید تا ۳۰۰۰ مگاوات در سال برق مصرفی ایران را تأمین کند. امروز حتی از ۱۰۰۰ مگاوات هم نمی‌توان صحبت کرد. حالا شما آنطرف در خلیج فارس، امارات متحده را نگاه کنید که بین دبی و ابوظبی در «جبل علی» کارخانه نمک‌زدایی آب دریا را ساخته‌اند که نه تنها نمک به دست می‌آورند بلکه آب آشامدنی میلیون‌ها نفر را نیز تأمین می‌کند و در عین حال تولید انرژی می‌کند. یعنی ۵ تا ۵۰۰۰ مگاوات در سال برق تولید می‌کند. یعنی ۵ برابر نیروگاه بوشهر.

بله، راه‌های زیادی وجود دارد. در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته به دلیل فعالیت نهادهای جامعه مدنی افکار عمومی به این باور رسیده که باید سریعاً به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر رفت و در مقابل استفاده از سوخت‌های فسیلی را کمتر و کمتر کرد. در این میان سیاستمداران باید قاطعانه و سریع اقدام کنند. در هر حال، فقط یکی دو عامل نیست بلکه عوامل زیادی درگیر هستند. کم نیستند سیاستمدارانی از جمله در آمریکا و آلمان که می‌خواهند صنعت زغال سنگ را احیا کنند! در انگلیس زغال سنگ درصد بسیار ناچیزی از سوخت مصرفی را تأمین می‌کند.

اقداماتی برای حفظ محیط زیست می‌بایست در سیاست کشورهای مختلف گنجانده شود. کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته باید کمک‌هایی به کشورهای در حال توسعه از نظر مکان جغرافیایی بسیار مناسب برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر هستند ولی منابع مالی یا بودجه لازم برای این کار ندارند. در کشور مکزیک در سال ۲۰۱۰ یک صندوق بزرگ بین‌المللی ۱۰۰ میلیارد دلاری برای کمک و دادن وام به کشورها در زمینه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر شکل گرفت. من خودم دانشجویان زیادی از کشورهای آفریقایی دارم که بیشترشان پروژه‌هایی در این زمینه‌ها انجام می‌دهند که از این پروژه‌ها در مورد کشورهای آنان می‌توان آموخت. مثلاً نیجریه که خودش کشور نفتخیزی است پروژه‌هایی در زمینه انرژی تجدیدپذیر دارد و می‌خواهد در این سمت جلو برود.

در ایران پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ پادشاه فقید این فکر را داشت که نباید فقط از نفت برای تولید انرژی استفاده کرد. ما در ایران در سال ۱۹۷۴ به فکر انرژی‌های تجدیدپذیر بودیم. در وزارت نیرو، دفتر انرژی‌های نو وجود داشت. ما از آن موقع نگاهی به انرژی‌های جدید برای آینده داشتیم. در مورد انرژی هسته‌ای جهت تأمین انرژی و در چارچوب معاهدات بین‌المللی نیز جدّاً فکر می‌شد و پروژه نیروگاه بوشهر هم همان موقع آغاز شد.

خلاصه اینکه سیاست‌های درست و منطقی در این زمینه باید تدوین شده و در دستور کار قرار گیرد؛ وگرنه به دلیل آب شدن سریع یخ‌های عظیم قطبی برخی از جزایر اقیانوس هند و آرام تا پنجاه سال دیگر محو خواهند شد. در مقابل البته جای امیدواری نیز وجود دارد. در بریتانیا سیر دیوید آنترو که فعالیت گسترده‌ای برای آگاه کردن افکار عمومی از خطرات تخریب محیط زیست دارد می‌گوید اگر بجنیم هنوز دریچه امیدی هست.

بوده است. در آمریکا هم سال‌هاست که شاهد جنگل‌سوزی به همین علت هستیم.

در ایران علاوه بر اینکه این پدیده‌های «طبیعی» اتفاق می‌افتند، متأسفانه کارهایی هم انجام می‌شود که بجای بیابان‌زدایی، جنگل‌زدایی یا بیابان‌زایی می‌کند. اعمال دیگری هم در تخریب محیط زیست انجام می‌شود از جمله برداشت‌های بی حساب و کتاب از منابع آب‌های زیرزمینی که به گسترش نشست‌های گسترده‌ی زمین در مناطق مختلف کشور و همچنین افزایش توفان‌های گرد و غبار و شن سال‌های اخیر انجامیده است.

چه اخبار مثبتی در زمینه تلاش برای حفظ محیط زیست وجود دارد؟ مثلاً در عربستان سعودی و کشورهای عربی خلیج فارس تلاش‌های ارزنده‌ای در جهت بیابان‌زایی و جنگل‌سازی و یا در زمینه تصفیه آب دریاها شده. خبرهایی هم در مورد افزایش تدریجی استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در برخی کشورها می‌شنویم. آیا این تلاش‌ها مؤثر نیستند؟

-البته که کارهای مثبتی هم انجام می‌شود اگر ما تعهدی راسخ به این تلاش‌ها داشته باشیم. وقتی صحبت از تولید انرژی می‌شود باید بدانیم که با استفاده از سوخت‌های فسیلی، آلودگی و انتشار گاز کربن را یقیناً بیشتر و بیشتر می‌کنیم. بنابراین چاره‌ای جز رفتن به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر نیست. هدف ما باید این باشد که هرچه زودتر در سید انرژی کشورهای مختلف، سهم انرژی تجدیدپذیر هر روز بیشتر و بیشتر شود. این چیز است که در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته می‌بینیم. در این کشورها ۳۰ الی ۴۰ درصد کل سوخت از انرژی‌های تجدیدپذیر می‌آید. در انگلیس در بعضی از دوره‌ها تا ۵۰ درصد از مصرف انرژی ما از منابع انرژی تجدیدپذیر، به ویژه باد، تأمین می‌شود زیرا خورشید در این سرزمین ابری نقش خیلی مهمی نمی‌تواند داشته باشد. البته به شرط اینکه واقعاً برای رسیدن به این اهداف تعهد داشته باشیم.

در ایران چه امکاناتی از نظر تولید انرژی تجدیدپذیر وجود دارد؟

-در صورت داشتن کشوری آزاد و عادی که قادر به انجام پروژه‌های بزرگ انرژی باشد، ایران با شرایط اقلیمی خود که باد و خاک و خورشید را در خود جای داده، دارای ظرفیت‌های بی‌نظیر است. در «پروژه ققنوس» که من عضو آن هستم، متخصصان خوبی داریم که در بخش انرژی و محیط زیست برنامه‌های عملی برای آینده ایران تدارک دیده‌اند. در برخی از مناطق ایران، ما ۳۶۵ روز آفتاب مستقیم داریم که برای تولید انرژی ایده‌آل است. اگر شما به کویر لوت در این موقع سال بروید درجه حرارت تا ۶۰- ۶۵ درجه سانتیگراد می‌رسد که انسان تاب تحمل آنرا ندارد و در ده دقیقه می‌سوزد. ما مناطق زیادی در خراسان و آذربایجان و سیستان و بلوچستان داریم که بسیار بادخیز هستند از جمله سد لتیان که از این عامل برای تولید انرژی زیاد می‌توان استفاده کرد. از انرژی گرمایی زمین نیز می‌توان بسیار استفاده کرد. ما انرژی جزر و مد دریا را در خلیج فارس و دریای عمان داریم که فاصله بین جزر و مد به ۷ متر هم می‌رسد که از آن برای تولید انرژی می‌توان استفاده کرد. البته اضافه کنم که انرژی هسته‌ای را نیز داریم که با

هرچه جلوتر هم برویم سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. حتی امکان این وجود دارد که اگر عزم و اراده‌ی لازم جهانی نباشد تا پایان همین دهه حاضر افزایش دمای کره زمین به بالای یک و نیم درجه برسد.

افزایش یک و نیم درجه به صورت عادی ممکن است چیز مهمی تلقی نشود. برای انسان تغییر یک و نیم درجه‌ای ظرف ۲۴ ساعت امری طبیعی و غیرمهم شمرده می‌شود. ولی برای کل کره زمین می‌تواند پیامدهای فجیع داشته باشد. خشکسالی‌های مکرر، سیلاب‌ها و تغییرات ناگهانی در درجه حرارت مانند افزایش زیاد دما در جنوب اروپا و آتش و جنگل‌سوزی‌ها همراه با آن؛ در مقابل کاهش زیاد درجه حرارت مانند آنچه در شمال اروپا در چله تابستان تجربه می‌کنیم و سیل و توفان، تگرگ و فجایع طبیعی دیگر، همگی محصول افزایش درجه حرارت کره زمین به دلیل فعالیت‌های تخریبی انسان هستند. در ضمن یادمان باشد که فقط خشکی‌ها نیستند که دستخوش تغییرات ناگهانی اقلیمی شده‌اند. ما شاهد افزایش دمای آب اقیانوس‌ها هستیم که بیشتر سطح کره زمین را می‌پوشانند.

در حال حاضر پیش‌بینی می‌شود که تا اواخر امسال یک چرخه بزرگ آب و هوایی که به «المینیو» معروف است روی خواهد داد. المینیو حدود هفت سال یکبار باعث ناهنجاری‌های بزرگ آب و هوایی در کره زمین می‌شود. همه اینها دست به دست هم می‌دهند و باعث تخریب محیط زیست می‌شوند آنهم در شرایطی که انسان هنوز موفق به ثمر رساندن موفقیت بزرگی در راه کاهش روند ازدیاد افزایش دمای کره زمین نشده است. ما در وجه غالب هنوز از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌کنیم. هنوز عاداتی داریم که باید ترک کنیم. البته در حال حاضر شاید چاره‌ای جز این نباشد زیرا اقتصاد دنیا به یکباره خواهد خوابید و فقر بیشتر خواهد شد. کشورهای در حال توسعه باید این مسائل را در نظر بگیرند ولی بودجه‌ی لازم برای مقابله با این وضعیت را ندارند. آمریکا، چین و کشورهای پیشرفته صنعتی تکلیف‌شان روشن است و می‌توانند بودجه‌های هنگفت به حل این مسائل اختصاص دهند. ولی شما از یک کشور فقیر آفریقایی نمی‌توانید انتظار داشته باشید که در این راه پیشقدم شود و هزینه زیادی کند. یعنی چنین انتظاری از کشورهای در حال توسعه که برای بهبود شرایط زندگی مردمان‌شان تلاش می‌کنند واقع‌بینانه نیست. از این کشورها نمی‌توان همان انتظاری را داشت که از هفت کشور صنعتی دنیا می‌توانیم داشته باشیم. به یاد داشته باشیم که چنین تصمیمات بزرگ طی کنفرانس بزرگ بین‌المللی، مانند کاپ ۲۰ گرفته می‌شود. گاهی دولت‌ها به توافق می‌رسند و تصمیماتی می‌گیرند و اقداماتی می‌کنند ولی در مواردی هم به نتایج لازم نمی‌رسند.

خلاصه اینکه باید گفت که چاره‌ای جز کاهش آلودگی ناشی از گاز کربنیک نداریم وگرنه جهان ما تا پایان قرن حاضر با مشکلات و ناهنجاری‌های عیدیه‌ی زیست محیطی و آب و هوایی مانند خشکسالی، سیلاب، قحطی و اپیدمی‌های مختلف روبرو خواهد شد.

در حال حاضر بجز یونان ما شاهد جنگل‌سوزی‌هایی در آمریکا و کانادا نیز هستیم. کانادا که زمانی از کشورهای بسیار خنک در تابستان و بی‌نهایت سرد در زمستان بود در سال‌های اخیر شاهد جنگل‌سوزی به دلیل گرمای شدید هوا

قطع مداوم آب و ادعای سخنگوی دولت رئیسی: ایران جزو ۱۰ کشور برتر جهان در تأمین آب لوله‌کشی!



محله‌مان آمدند و تنها تعدادی از افراد توانستند آب دریافت کنند.»

در سیستان و بلوچستان نیز وضعیت تأمین آب بحرانی است و شهروندان با قطع آب چند هفته‌ای روبرو هستند. در همین رابطه اسماعیل حسین‌زهی نماینده این استان ۱۸ تیرماه از تداوم بی‌آبی و مشکلات مردم برای ادامه زندگی در استان خبر داده و گفته بود که مردم در معرض «کوچ اجباری» قرار گرفته‌اند.

اسماعیل حسین‌زهی درباره اوضاع آب در استان سیستان و بلوچستان با اشاره به اینکه در حال حاضر هم مرکز استان و هم شهرهای سیستان و خاش با تنش آبی شدید مواجه است گفته است که «باید حقایق هیرومنند از سوی دولت پیگیری و حتماً این آب به کشور سرازیر شود در غیر این صورت تا ۲-۳ ماه آینده با چالش‌های عدیده‌ای مواجه خواهیم بود.» روزنامه «هم‌میهن» روز چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۲ در گزارش میدانی از مشکلاتی که قطع آب برای مردم در استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان ایجاد کرده از قول یکی از ساکنان زاهدان نوشته که «جیره‌بندی، قطع و وصل شدن آب در طول یک‌هفته و حالا هم زرداب که در این ۱۰ روز مجبور بودیم هم با آن حمام برویم و هم ظرف و لباس بشوییم.» یکی دیگر از ساکنان زاهدان به «هم‌میهن» گفته که «ما همیشه بحران آب داشتیم، این چند روز دو، سه ساعت شب‌ها آب وصل می‌شود و دوباره آب قطع می‌شود. بعضی محلات حتی دو، سه ساعت هم آب ندارند. در برخی محلات با تانکر آب می‌آورند؛ بعضی‌ها از تانکر آب می‌خرند و بعضی محلات حتی آب لوله‌کشی هم ندارند.»

روزنامه «پیام‌ما» نیز در گزارشی به معضل قطع آب در زاهدان طی روزهای اخیر پرداخت و نوشت: «شهروندان زاهدانی در ساعات مختلفی وصل آب را تجربه کردند اما کمی بعد از اتصال، آفت شدید فشار آب موجب شد استفاده از آب در بسیاری از محله‌ها سخت و حتی زمان‌بر

استان البرز و تهران از خردادماه تا کنون سبب قطع آب شهروندان برای چند ساعت یا چند روز پیاپی شده است. پیشتر کارشناسان با اشاره به کمبود ذخائر آبی به بروز چنین بحرانی در تابستان امسال هشدار داده بودند.

در هفته‌های گذشته گزارش‌هایی از قطع آب لوله‌کشی شهروندان در چندین شهر ایران از جمله زاهدان، مشهد، شیراز، گرگان، خرم‌آباد، کرج و همدان منتشر شده است. روستاهای زیادی نیز با قطع آب روبرو هستند و آبرسانی به شهرها و روستاها با تاخیر صورت می‌گیرد. در پایتخت نیز خبرهایی از قطع آب در برخی مناطق از جمله لواسانات گزارش شده است.

بحران در تأمین آب لوله‌کشی به حدی گسترده شده که جعفر قادری عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی به این موضوع واکنش نشان داده و گفته «با وجود تلاش‌های خوب دولت برای حل مشکل گاز در زمستان و برق و آب در تابستان انجام داد، ولی به نظر می‌آید مشکلات خیلی عمیق‌تر و وسیع‌تر از آن است که بتواند رضایت مردم را به همراه داشته باشد.»

جعفر قادری افزوده که «عقب افتادگی‌های زیادی در حوزه برق و آب و گاز داریم و باید در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری انجام شود، ولی الان تأمین نیازهای اساسی و ضروری جامعه شوخی بردار نیست. مردم درباره خیلی مسائل می‌توانند صبر و تحمل کنند، اما قطعی برق و آب در تابستان یا قطعی گاز در زمستان را نمی‌توانند تحمل کنند.» خبرگزاری ایلنا هفته گذشته گزارش داد که ملاحیه اهواز در حدود یک ماه است که با قطعی آب روبرو شده و جمعیت چند هزار نفری این منطقه در گرمای طاقت‌فرسا باید با مشکل بی‌آبی روزگار بگذرانند.

یکی از ساکنین این شهر به خبرگزاری ایلنا گفته است که «تانکرهای آبرسانی معمولاً به صورت نامنظم و بدون اطلاع قبلی وارد منطقه می‌شوند. مثلاً دیروز ساعت ۳ صبح به

● سخنگوی دولت توضیح نداده که مبنای آماری او برای چنین ادعایی چیست اما گزارش‌ها از ایران از تشدید بحران تأمین آب و قطع گسترده آب در شهرها و روستاهای مختلف حکایت دارد.

● زاهدان، مشهد، شیراز، گرگان، خرم‌آباد، کرج و همدان و تهران و ده‌ها روستا با قطع آب روبرو هستند و مردم باید مدت‌ها در انتظار تانکرهای پخش آب معطل باشند.

● معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان نیز از خشکی ۹۹ درصدی تالاب گاوخونی خبر داده است.

کمبود آب و ناتوانی دولت در تأمین آب لوله‌کشی شهرها و روستاها وضعیتی بحرانی ایجاد کرده اما سخنگوی دولت در ادعایی عجیب گفته ایران به لحاظ دسترسی و تأمین آب آشامیدنی در روستاها، طبق اعلام نهادهای بین‌المللی در میان ۱۰ کشور برتر جهان قرار دارد.

علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت سیزدهم دیروز جمعه ۳۰ تیرماه در سخنانی در مشهد ادعا کرد ایران در رابطه با تأمین آب در مین ۱۰ کشور نخست جهان قرار دارد. سخنگوی دولت گفته که «هم‌اکنون ایران به لحاظ دسترسی و تأمین آب آشامیدنی در روستاها، طبق اعلام نهادهای بین‌المللی در میان ۱۰ کشور برتر جهان قرار دارد.»

سخنگوی دولت توضیح نداده که مبنای آماری او برای چنین ادعایی چیست اما گزارش‌ها از ایران از تشدید بحران تأمین آب و قطع گسترده آب در شهرها و روستاهای مختلف حکایت دارد.

خبرگزاری دولتی «ایرنا» ۱۶ تیر اعلام کرد که قطع بیش از ۴۸ ساعته آب در کلانشهر زاهدان به دنبال اختلال پیش آمده در شبکه آبرسانی و آفت فشار در روزهای گرم تابستان تاب تحمل از مردم ستانده و ۳۵ درصد از جمعیت این شهر را با تنش آبی مواجه کرده است. قطع آب در چند استان ایران از سیستان و بلوچستان تا

چهار مأمور «پلیس راه» استان سیستان و بلوچستان در حمله مسلحانه کشته شدند



شلیک به مأموران نیروی انتظامی در استان سیستان و بلوچستان

زاهدان در حوالی مسجد «مکی» حمله کردند. شش نفر از مأموران مرزبانی سراوان ۳۱ اردیبهشت در درگیری با یک گروه مسلح کشته شدند.

در برخی رویدادها این درگیری‌ها موردی بود. بعد از کشتار مردم زاهدان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در جریان اعتراضات ضدحکومتی که از شهریور سال ۱۴۰۱ آغاز شد وضعیت در استان سیستان و بلوچستان به شدت بحرانی شد. از آن زمان به بعد ده‌ها نفر از نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در گوشه و کنار این استان کشته شدند. تعدادی سرباز وظیفه نیز در بین کشته‌شدگان بودند.

یاسر عبدلی معاون اطلاعات نیروی انتظامی خاش، سروان قربانعلی پیری فرمانده پاسگاه «سوسولی» هنگ مرزی زابل و سرگرد علیرضا شهرکی رئیس پلیس آگاهی سراوان در فهرست افرادی قرار دارند که در این مدت در حملات مسلحانه کشته شدند.

مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی تا پیش از توافق امنیتی با عربستان سعودی عموماً عملیات‌های مرزی یا برخی درگیری‌های درون شهری را به «آل سعود» و «سرویس‌های امنیتی عربستان» نسبت می‌دادند اما در سه چهار ماه گذشته با وجود افزایش موارد درگیری، مقامات و رسانه‌های داخلی «اشرار» و «قاچاقچیان» و «گروه‌های تروریستی» را متهم به این حملات می‌کنند!

تحلیلگران سرکوب شدید حکومت در منطقه، اعدام‌های فله‌ای، حمله مرگبار به سوخت‌بران و تبعیض و بی‌عدالتی و فقر را از عوامل گسترش خشونت در استان‌های محروم می‌دانند.

سابقه نشان می‌دهد حکومت وقتی دستش به دستگیری عوامل اصلی حملات مسلحانه نمی‌رسد، مردم عادی را با انواع بهانه‌های امنیتی بازداشت کرده و زیر شکنجه از آنها اعتراف گرفته و با اجرای حکم اعدام آنها، پرونده‌های پیگیری این حملات را مختومه اعلام می‌کند.

● خبرگزاری تسنیم گزارش داد «تروریست‌ها با کمین در مسیر خودروی پلیس راه خاش به تفتان، سمند پلیس راه را به رگبار بستند و به سرعت از محل متواری شدند.

● استوار یکم محمدرضا اسماعیلی، استوار یکم رضا شیخی، استوار یکم حسن وحیدی و ستوان یکم مهدی الله‌پور در این حمله کشته شدند.

● سابقه نشان می‌دهد حکومت وقتی دستش به دستگیری عوامل اصلی حملات مسلحانه نمی‌رسد، مردم عادی را با انواع بهانه‌های امنیتی بازداشت کرده و زیر شکنجه از آنها اعتراف گرفته و با اجرای حکم اعدام آنها، پرونده‌های پیگیری این حملات را مختومه اعلام می‌کند.

در حمله مسلحانه به ماشین گشت پلیس راه در سیستان و بلوچستان در محور خاش به تفتان که روز یکشنبه یکم امرداد روی داد چهار مأمور کشته شدند.

خبرگزاری تسنیم گزارش داده «تروریست‌ها با کمین در مسیر خودروی پلیس راه خاش به تفتان، سمند پلیس راه را به رگبار بستند و به سرعت از محل متواری شدند.»

استوار یکم محمد رضا اسماعیلی، استوار یکم رضا شیخی، استوار یکم حسن وحیدی و ستوان یکم مهدی الله‌پور در این حمله کشته شدند.

نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان در اطلاعیه‌ای کرد که «این اقدام ناجوانمردانه حتماً بی‌پاسخ نخواهد ماند و درس پشیمان‌کننده‌ای به تروریست‌ها خواهیم داد.»

مهدی شمس‌آبادی دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان سیستان و بلوچستان نیز گفت که دستور قضایی برای دستگیری عوامل این حادثه صادر شده است.

هیچ گروهی هنوز مسئولیت این حمله را به عهده نگرفته است.

ماه‌هاست استان سیستان و بلوچستان با بحران امنیتی روبروست. شنبه ۱۷ تیرماه گروهی مسلح به «کلانتری ۱۶»

شود.» بر مبنای این گزارش، در حال حاضر وضعیت اتصال آب در زاهدان پایدار نیست و مردم همچنان با افت فشار آب مواجه‌اند.

قطع یا افت فشار آب معلول چهار دهه حکمرانی ناکارآمد جمهوری اسلامی در حوزه آب ایران است. خشکسالی، از بین رفتن منابع آب زیرزمینی، به‌روز نشدن تجهیزات و عدم هماهنگی برنامه‌ها با شرایط اقلیمی کشور همگی از جمله دلایل بروز بحران آب است که تنها یکی از آثار آن قطع آب در شهرهای مختلف است.

جدا از مشکلات قطع آب، بخش کشاورزی آسیب شدیدی از بحران خشکسالی خورده و امنیت غذایی ایران با تهدید روبروست. همچنین بخش‌های مختلفی از صنعت برق‌آبی گرفته تا حتی گردشگری و حمل و نقل تا گردشگری نیز متأثر از خشکسالی و کمبود آب هستند.

سال‌هاست مقامات جمهوری اسلامی هشدارهای کارشناسان و مرکز بین‌المللی را نادیده می‌گیرند. در سال ۱۳۹۴، گزارشی از سوی ناسا منتشر شده بود که تحقیق انجام شده نشان می‌داد در سه دهه آبی خشکسالی در خاورمیانه و برخی نقاط جهان تشدید خواهد شد و در میان ۴۵ کشوری که در خطر قرار داشتند ایران رتبه چهارم را داشت. آمارها نشان می‌دهد تنها طی ۲۵ سال گذشته بیش از ۱۰ هزار روستا بر اثر خشکسالی در منطقه جنوب‌شرق کشور بطور کامل از سکنه خالی شده‌اند. از سوی دیگر نتایج برخی تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته در کشور نشان می‌دهد ۷۰ درصد از خساراتی که بر اثر بلایای طبیعی به کشور وارد شده ناشی از خشکسالی و سیل بوده است.

حسین اکبری معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان نیز از خشکی ۹۹ درصدی تالاب گاوخونی خبر داده و گفته «بر اساس تصاویر ماهواره‌ای می‌توان گفت که این تالاب تقریباً به صورت صد درصد خشک شده و تنها دو یا سه درصد در قسمت شمالی آن کمی مرطوب است.»

تالاب گاوخونی در جنوب شرقی استان اصفهان و در انتهای حوضه آبریز زاینده‌رود قرار دارد و در فهرست تالاب‌های کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تالاب‌ها (کنوانسیون رامسر) به ثبت رسیده است. عامل اصلی خشک شدن این تالاب تأمین نشدن حقایق محیط‌زیستی آن در طول دهه‌های گذشته است و آنطور که معاون اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان اصفهان گفته است، در طول ۲۲ سال اخیر، به ندرت حقایق قابل قبولی گاوخونی به این تالاب اختصاص پیدا کرده و در سال آبی جاری (یکم مهر ۱۴۰۱ تا پایان شهریور ۱۴۰۲) نیز تا کنون تقریباً هیچ حقایق مشخصی به این تالاب نرسیده است و در ماه‌های اخیر تنها اندکی سبب کشاورزی وارد تالاب شده که حجم آن به گونه‌ای است که نمی‌تواند حتی یک درصد از مساحت تالاب را هم مرطوب نگه دارد.

روند عدم تخصیص حقایق مورد نیاز به تالاب گاوخونی به علت بارگذاری‌های بیش از حد مصارف آبی در حوضه آبریز زاینده رود بخصوص در بخش‌های کشاورزی و صنعت، در طول دو دهه اخیر ادامه داشته است و این مساله باعث شده که این تالاب در حال تبدیل شدن به یکی از قانون‌های اصلی گرد و غبار در مرکز فلات ایران باشد؛ به نحوی که حتی اخیراً علی محمد طهماسبی بیرگانی، دبیر ستاد ملی مدیریت پدیده گرد و غبار، تالاب گاوخونی را از جمله مناطق غبارخیز کشور معرفی کرده است. این در حالی است که به گفته منصور شیشه فروش، مدیر کل مدیریت بحران استانداری اصفهان، ریزگردهای برخاسته از تالاب گاوخونی علاوه بر استان اصفهان، می‌تواند استان‌های قم، تهران، چهار محال و بختیاری، مرکزی و یزد را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

توصیه علی اکبر صالحی به نظام: تنها راه باقیمانده گفتگو با آمریکاست؛ چین و روسیه تکیه‌گاه علی خامنه‌ای و مشاوران

● علی اکبر صالحی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی پس از ماه‌ها سکوت در یک مصاحبه پیشنهاد «گفتگوی سیاسی با آمریکا» را مطرح کرده و گفته مناسب‌ترین راه باقیمانده برای نظام است.

● صالحی تأکید کرده حتی چین و روسیه به ما گفته‌اند «رابطه‌تان را با آمریکا تنظیم کنید تا مشکل ما حل شود».

● در مقابل اما فرماندهان سپاه پاسداران مطرح می‌کنند «نظم جدیدی» در جهان در حال شکل‌گیری است که در آن آمریکا و متحدانش رو به زوال می‌روند و سه ضلعی قدرت چین، روسیه و جمهوری اسلامی هستند که میداندار تحولات بزرگ آینده خواهند بود.

● مشاوران ارشد علی خامنه‌ای از اتحاد با روسیه و چین دفاع می‌کنند.

با وجود تلاش‌های اتحادیه اروپا برای میانجیگری بین آمریکا و جمهوری اسلامی پس از دو سال که از عمر دولت سوپر انقلابی ابراهیم رئیسی می‌گذرد مذاکرات برای احیای توافق اتمی در بن‌بست گیر کرده و جو بایدن رئیس جمهوری نیز می‌گوید «برجام مرده است».

جمهوری اسلامی با هزینه‌های کلان از طریق دلال‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با هزینه‌های مضاعف بخشی از تحریم‌ها را دور می‌زند و دست‌کم برای بقای خود خرج و مخارج نهادهای سرکوبگر داخل و حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه را فراهم می‌کند.

در رأس نظام تصمیم گرفته شده چین و روسیه تکیه‌گاه حکومت باشند با اینکه در داخل نظام افرادی هستند که نسبت به وضعیت اضطراری حکومت مدام هشدار می‌دهند.

علی اکبر صالحی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در دولت حسن روحانی پس از ماه‌ها سکوت، ۳۱ تیرماه در یک مصاحبه با اشاره به اینکه «گفتگوی سیاسی با آمریکا» مناسب‌ترین راه باقیمانده برای نظام است تأکید کرده حتی چین و روسیه به ما گفته‌اند «رابطه‌تان را با آمریکا تنظیم کنید تا مشکل ما حل شود».

وی می‌گوید «الان ما قدرت منطقه‌ای هستیم و فرصت خوبی است که بنشینیم با غرب و در راس آنها آمریکا گفتگو کنیم».

در بخشی از این مصاحبه صالحی گفته «بعضی‌ها بر اساس شواهدی معتقدند آمریکا در حال افول است. باشد افول کند، ولی چه زمانی افول می‌کند؟ اگر تا سال دیگر افول کند می‌ارزد تا یکسال صبر کنیم. اما آمدم و تا ۳۰ سال دیگر افول نکرد. ما باید در این ۳۰ سال چه کار کنیم؟ بالاخره ما باید مشکلان را حل بکنیم».

وزیر خارجه دولت محمود احمدی‌نژاد اعتراف کرده «اغلب بانک‌های دنیا با ایران رابطه ندارند و همه چیز برای ما گران تمام می‌شود و چون نیاز به واردات داریم، قیمت جنسی که می‌خریم، بیشتر می‌شود».

وی توضیح داده «حتا اگر پولی که در کره جنوبی داریم به فرض آزاد شود گفته‌اند یک بار باید به سوئیس برو و در نتیجه در تعیین نرخ تسعیر، ما دوباره کلی پول از دست می‌دهیم».

در بخش دیگری از این مصاحبه صالحی می‌گوید «در



دیدار حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی با جوزپ بورل نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی پیش از «کنفرانس همکاری و مشارکت بغداد» در امان پایتخت اردن ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۲ / عکس: رویترز

انداخته‌اند که هرکسی با آمریکا مذاکره کند بی‌غیرت است، اما اینطور نیست».

وی تأکید کرده «به نظر من با حفظ آرمان‌های انقلاب ایران هیچ اشکالی ندارد که محکم و مقتدر مذاکره کنیم حتی نرمش قهرمانانه انجام دهیم».

پیش از اینها مهدی نصیری مدیرمسئول پیشین روزنامه «کیهان» چاپ تهران توصیه کرده بود «هر چه دیرتر جام زهر را بنوشیم مردم بیشتر خسارت می‌بینند».

روزنامه «اعتماد» در واکنش به پیشنهاد صالحی می‌نویسد «کنار گذاشتن سیاست موازنه سازی ایران باعث شده تا روس‌ها و چینی‌ها جسورانه درباره تمامیت ارضی ایران صحبت کنند و حاکمیت ملی ایران را زیر سوال ببرند» اما روزنامه «کیهان» گفته غربی‌گراها از خسارات برجام درس نگرفته‌اند و سخنگوی آمریکا شده‌اند.

حمید ابوطالبی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی بهمن ۱۴۰۱ به روزنامه «اعتماد» گفته بود «متأسفانه توسعه همکاری‌های امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی و روسیه پای جمهوری اسلامی را به بحران اوکراین کشاند... با توجه به اینکه اروپا یکی از مراکز ثقل دیپلماسی و متوازن‌کننده روابط خارجی در برابر روسیه و چین و بحران‌هاست همکاری با روسیه معنایی جز از میان رفتن توازن حیاتی سیاست خارجی ایران نخواهد داشت... با تروریستی اعلام شدن سپاه توازن حیاتی سیاست خارجی ایران از بین خواهد رفت».

گوش فرماندهان سپاه بدهکار هشدارها نیست

در مقابل این طرز فکر که مدام به نظام در مورد ضرورت رابطه با آمریکا توصیه می‌کنند فرماندهان ارشد سپاه پاسداران قرار دارند که ادعا می‌کنند در دنیا «نظم جدیدی» در حال شکل‌گیری است که در آن دنیای غرب به رهبری آمریکا رو به زوال و نابودی می‌رود و سه ضلعی

مخازن مشترک نفت و گاز چون ایران تکنولوژی جدید ندارد ضرر و زیان می‌دهیم و سایر کشورها سهم ما را می‌ربایند» منصور حقیقت‌پور مشاور علی لاریجانی که زمان حضورش در مجلس از چهره‌های دواغشته اصولگرا بود از پیشنهاد صالحی استقبال کرده و می‌گوید: «یک تفکری که امروز به عنوان جریان خالص‌ساز در حال تنظیم کشور



ابراهیم رئیسی در کنار شی جین پینگ رئیس جمهور چین در جریان سفر به پکن / بهمن ۱۴۰۱

است که اشتباه می‌کند. سطح بین‌الملل را با سطح رفتارهای اعتقادی اشتباه گرفته‌اند. سطح بین‌الملل سطح تأمین منافع ملی است. ما پشت میز مذاکره آمریکایی‌ها را مسلمان نمی‌کنیم آنها نیز ما را مسیحی نمی‌کنند. عده‌ای اینطور جا

آنتونی بلینکن: به تلاش‌ها برای برخورد با اقدامات رژیم ایران در سرکوب مردم ادامه می‌دهیم



آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در نشست «آسپن»

شبه‌نظامیان منطقه و دخالت در جنگ علیه اوکراین اشاره کرد و گفت: «پهنادهایی که ایران برای استفاده در اوکراین در اختیار روسیه قرار داده است، تأثیر واقعاً وحشتناکی دارد... ما اکنون می‌بینیم که روسیه تجهیزات و فناوری‌هایی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که بتواند از آنها برای اقداماتی در منطقه استفاده کند که در اینباره نگرانی‌های عمیقی وجود دارد...» وی با اشاره به ضرورت حمایت از اعتراضات در ایران گفت: «شاهد تظاهرات فوق‌العاده‌ای بودیم که توسط زنان رهبری می‌شد، دختران نقش رهبری داشتند، آنها برای حقوق اولیه خود می‌جنگند و ما ابزارهایی را دیده‌ایم که رژیم ایران برای سرکوب آنها به کار گرفته است.»

وی افزود: «ما کارهای زیادی برای کمک به افرادی که می‌خواهند صدایشان شنیده شود، انجام داده‌ایم، نه تنها در تحریم‌ها، نه تنها برای قرار دادن آنها در کانون توجه، بلکه در ارائه فناوری به مردم داخل ایران تا مطمئن شویم که آنها می‌توانند، در حد توان و توانایی ما، با یکدیگر در ارتباط مانند و با دنیا در ارتباط باشند. بنابراین این یک نگرانی دائمی است، اما نه تنها نگرانی ما، نگرانی بسیاری از کشورهای دیگر در سراسر جهان.» بلینکن در بخش دیگری از اظهارات خود توضیح داد: «یکی از مزایای تلاش برای اینکه ببینیم آیا می‌توانیم به توافق هسته‌ای برجام بازگردیم یا نه، این است که اکنون با شرکای اروپایی خود، بریتانیا، آلمان و فرانسه، بسیار همسو شده‌ایم در حالی که پیش از این با هم در این مورد اختلاف نظر واقعی داشتیم.» در شرایطی که وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا در مورد تهدیدات چند بُعدی رژیم ایران و همچنین سرکوب مردم توسط رژیم صهیبت می‌کند بسیاری از تحلیلگران و مخالفان حکومت دولت بایدن را متهم به نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی و مداخلات با تهران می‌کنند.

هشت سناتور آمریکایی در نامه‌ای اخیراً در نامه‌ای به آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جانت یلن وزیر خزانه‌داری، از دولت ایالات متحده خواستند تا تحریم‌های بیشتری علیه افراد و نهادهای چینی که در تجارت نفت و پتروشیمی ایران فعال هستند، اعمال کنند.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی هفته گذشته در نشست اوپک در وین با ابراز افتخار از میزان فروش نفت خام ایران با وجود تحریم‌ها گفت ظرفیت فعلی روزانه ایران حدود ۸/۳ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی است.

● وزیر خارجه آمریکا در نشست اندیشکده «آسپن» به اعتراضات ضدحکومتی در ایران و پشتیبانی تسلیحاتی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین اشاره کرد و گفت: «به تلاش برای برخورد با اقدام‌های رژیم ایران در سرکوب مردم ادامه می‌دهیم.»

● وی با اشاره به ضرورت حمایت از اعتراضات در ایران گفت «شاهد تظاهرات فوق‌العاده‌ای بودیم که توسط زنان رهبری می‌شد، دختران نقش رهبری داشتند، آنها برای حقوق اولیه خود می‌جنگند و ما ابزارهایی را دیده‌ایم که رژیم ایران برای سرکوب آنها به کار گرفته است.»

● بلینکن در بخش دیگری از اظهارات خود توضیح داد: «یکی از مزایای تلاش برای اینکه ببینیم آیا می‌توانیم به توافق هسته‌ای برجام بازگردیم یا نه، این است که اکنون با شرکای اروپایی خود، بریتانیا، آلمان و فرانسه، بسیار همسو شده‌ایم در حالی که پیش از این با هم در این مورد اختلاف نظر واقعی داشتیم.»

وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیرماه) در نشست اندیشکده «آسپن» به اعتراضات ضدحکومتی در ایران و پشتیبانی تسلیحاتی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین اشاره کرد و گفت: «به تلاش برای برخورد با اقدامات رژیم ایران در سرکوب مردم ادامه می‌دهیم.» آنتونی بلینکن گفت که رژیم «ایران تلاش می‌کند در یک طرف دیگر جهان، از جمله در آمریکا، کسانی را که علیه آن حرف زده یا عمل می‌کنند، سرکوب کند. ما با قاطعیت به همه این اقدام‌ها پاسخ می‌دهیم.»

وزیر خارجه آمریکا با ابراز نگرانی از برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی گفت، «آنها به تولید مواد شکاف‌پذیر لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای سرعت بخشیده‌اند. هر کاری که با توافق اتمی (برجام) بطور مؤثر برای متوقف کردن این فعالیت‌ها می‌شد انجام داد، اکنون از بین رفته است. ما نگران هستیم که هرچه در چارچوب برجام در خصوص برنامه هسته‌ای ایران اعمال می‌شد، اکنون دیگر اجرا نمی‌شود و ایران روند تولید مواد شکاف‌پذیر برای سلاح هسته‌ای را تسریع کرده است... تلاش ما این بود که زمان گریز هسته‌ای ایران را به بیشتر از یک سال برگردانیم، اما بعد از برچیده شدن برجام اکنون این زمان به چند هفته رسیده است.»

بلینکن به تهدیدات جمهوری اسلامی با حمایت از

→ قدرت چین، روسیه و جمهوری اسلامی هستند که می‌دانند تحولات بزرگ آینده خواهند بود.

در همین ارتباط حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۴ تیرماه در جمع بسیجی‌ها گفت «آمریکا امروز قابلیت انطباق تحولات منطقه را از دست داده و شرکای سنتی او به او پشت کرده‌اند. منطقه به دلیل فشارهای سنگین از اولویت سیاست خارجی آمریکا خارج شده و دیگران به سمت ما و چین آمده‌اند.»

وی ادعا کرد «هر کس آمریکا را از حمایت کرد فرو ریخت و هر کس به انقلاب اسلامی تکیه کرد ماندگار شد.»

پیش از اینها نیز سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی گفته بود «آمریکا در مسیر افول قرار گرفته و اگر اروپا و سایر شرکای آمریکا خود را از زنجیرهای حمایت کورکورانه رها نکنند همراه با آن به قهقرا خواهند رفت.»

باقری ۲۷ مهرماه در یک سخنرانی در دانشگاه «دفاع ملی» خطاب به فرماندهان ارشد نظامی در ایران گفت که «قدرت‌گیری چین و سر بر آوردن روسیه بیانگر جهانی است که بشارت داده می‌شود در آن روز به روز فرآیند قدرت‌گیری جهان اسلام و ایران اسلامی و تضعیف جبهه استکبار را شاهد هستیم!»

روشن است آنچه فرماندهان ارشد نظامی در ایران می‌گویند منطبق با «راهبرد نگاه به شرق» علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است.

یحیی رحیم صفوی مشاور خامنه‌ای در امور نظامی با اشاره به تظاهرات ضدحکومتی در ایران می‌گوید «برای مقابله با جنگ ترکیبی آمریکا، باید با روسیه و چین متحد شویم.»

علی‌اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای در امور بین‌الملل خطاب به آنها می‌گوید که مصلحت نظام را در کنار آمدن با آمریکا می‌بینند گفته «عقل چه می‌گوید؟ به سمت غرب برویم که همواره دشمنی کرده یا روسیه که تا توانسته کمک کرده؟» هرچند «دولت انقلابی» قاضی مرگ (ابراهیم رئیسی) ادعا می‌کند بدون برجام اقتصاد را پیش برده و تحریم‌ها را دور زده اما حتا برخی از چهره‌های مورد اطمینان نظام از جمله غلامرضا مصباحی‌مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام توصیه کرده که باید وارد گفتگو با غربی‌ها شد.

معین‌الدین سعیدی نماینده چابهار در مجلس می‌گوید از روز اول تشکیل کابینه هشدار دادم «مبادا از ترس عقرب جراره غرب به مار غاشیه شرق پناه ببریم... همان طور که آمریکوفیل بودن و انگلوفیل بودن آسیب جدی در حوزه سیاست خارجی است به همان نسبت روسوفیل و چینافیل بودن ما را دچار مشکل می‌کند.» وی تأکید می‌کند «هیچ کشوری این‌گونه مانند روسیه سرناسازگاری با منافع ایران نداشته است.»

شکاف بین مسئولان و جریان‌های حکومتی بر سر اینکه مصلحت جمهوری اسلامی برای مسیر آینده چیست بیشتر شده است. با اینکه روسیه و چین رژیم‌های قابل اعتمادی برای حکومت نیستند اما خامنه‌ای و سپاه ایستادن کنار آنها را به آمریکا ترجیح می‌دهند. برخی تحلیلگران معتقدند بخش عمده تلاش‌ها برای نزدیک شدن به آمریکا توسط سپاه پاسداران خنثی می‌شود و همین را دلیل بالا بودن سطح نفوذ پکن و مسکو در این تشکیلات و نظام می‌دانند. بر همین اساس نیز برخی معتقدند هرگونه تغییر و تحول در معادلات بزرگ بین‌المللی در روابط شرق و غرب می‌تواند عملکرد سپاه را به عنوان «پاسداران انقلاب اسلامی» تحت تأثیر قرار دهد. موضوعی که به نظر می‌رسد در محاسبات فرماندهان آن اصلاً جایی ندارد.

خشم حزب‌اللهی‌ها از کارزار رقص دختران در ماه محرم؛ آنسوی واقعۀ پیداست، بیا تا برویم!



کارزار رقص دختران با موزیک‌ها و نواهای مربوط به عزاداری‌های محرم

● دختران ایرانی کارزار رقص با نواها و موزیک‌هایی به راه انداخته‌اند که مربوط به عزاداری‌های محرم است.

● مخالفان حکومت می‌گویند کارزار رقص «دهان‌کچی» به حکومتی است که به اسم دین و مذهب حقوق انسانی شهروندان را زیر پا گذاشته و جنایت می‌کند.

● طرفداران نظام با الفاظ رکیک به زنان و دخترانی که می‌رقصند توهین می‌کنند.

● ویدئویی از شیخ حسین انصاریان واعظ مشهور منتشر شده که به جوانان توصیه می‌کند «اگر می‌خواهید در دهه محرم معصیت کنید بروید کنج خانه‌هایتان... دهه محرم جای بی‌حجابی و خوردن حرام نیست!»

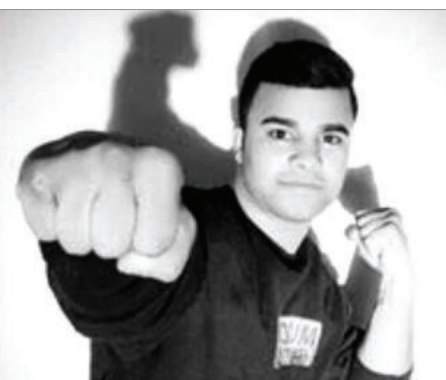
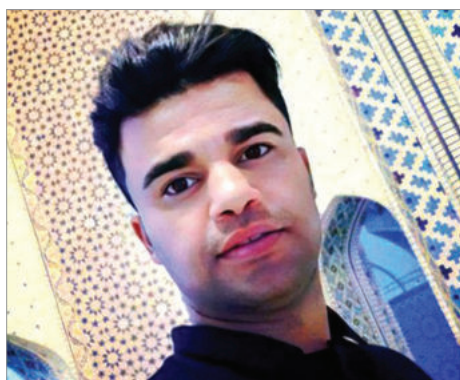
در آستانه اولین سالگرد خیزش آزادیخواهانه در ایران واکنش‌های مردم به مراسم عزاداری ماه محرم شکل متفاوتی به خود گرفته است.

در نخستین روزهای آغاز مراسم عزاداری ویدئویی از شهرک اکباتان در غرب تهران در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد مردم در حال رقص و شادی هستند. همزمان دختران ایرانی کارزار رقص با نواها و موزیک‌هایی به راه انداختند که تا کنون ویژه عزاداری‌های محرم بوده است. ویدئوهای رقص زنان و دختران به شدت طرفداران نظام در شبکه‌های اجتماعی را عصبانی کرده است. آنها با اکانت‌هایی که اغلب تصاویر عاشورایی یا تصاویری از قاسم سلیمانی در پروفایل‌شان قرار دارد با الفاظ رکیک به زنان و دختران توهین می‌کنند.

مخالفان حکومت اما می‌گویند کارزار رقص «دهان‌کچی» به حکومتی است که به اسم دین و مذهب حقوق انسانی شهروندان را زیر پا می‌گذارد و جنایت می‌کند.

شاهین نجفی هنرمند سرشناس در توییتری ←

دادگاه هم‌عرض نیز علیه محمد جواد وفایی ثانی حکم اعدام صادر کرد



بر اساس گزارش‌ها محمدجواد وفایی ثانی ۱۸ بهمن ۱۳۹۸ در مشهد بازداشت و به «افساد فی‌الارض» از طریق «تحریق و تخریب اماکن خاص از جمله ساختمان تعزیرات حکومتی» متهم شد.

او همچنین به «شرکت در اعتراضات آبان ۹۸ و اعتراض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی و تبلیغ علیه نظام» متهم شده است.

محمد جواد وفایی ثانی اتهام وارد شده را در دادگاه رد کرده است. او پس از بازداشت در مشهد برای اعتراضات اجباری زیر شکنجه‌های شدید قرار داشته است. یکی از موارد مطرح شده در پرونده این جوان هواداری از «سازمان مجاهدین خلق» است.

حکم اعدام علیه محمد جواد وفایی ثانی نخستین بار در دی‌ماه ۱۴۰۰ به «اتهام افساد فی‌الارض» صادر شد. پرونده او با تلاش وکلا جهت فرجام‌خواهی به دیوان عالی کشور ارسال شد. دیوان عالی کشور درخواست فرجام‌خواهی را پذیرفت و پرونده به شعبه هم‌عرض ارسال شد. شعبه هم‌عرض اما بار دیگر این جوان ورزشکار را به اعدام محکوم کرده است.

هفته گذشته ۸۳ نفر از فعالان حقوق بشر، وکلای برجسته و داستان‌های سابق با انتشار نامه‌ای به فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد از او خواستند در «اقدامی فوری» مانع از اجرای حکم اعدام محمدجواد وفایی ثانی، پوکسور ایرانی در زندان مشهد شود.

ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده که قوه قضائیه جمهوری اسلامی در ۱۰ سال گذشته نزدیک به پنج هزار ایرانی را اعدام کرده که از این میان بیش از ۴۰ نفر کودک و زیر سن قانونی بوده‌اند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده که سیستم قضایی ایران با تخلفات متعددی در رویه قضایی مواجه است. این تخلفات شامل اعترافات اجباری، شکنجه، رفتار غیرانسانی و فقدان نمایندگی قانونی کافی برای پرداختن به موارد مختلف است. غالباً قضات و دادستان‌هایی که در نقض شدید حق زندگی دخالت دارند، با مصونیت مطلق عمل می‌کنند.

همچنین آمار اعدام در ایران در ماه‌های گذشته افزایش یافته و از نیمه اردیبهشت‌ماه امسال و طی حدود ۱۰ هفته گذشته بطور متوسط هر هفته ۱۰ شهروند در ایران اعدام می‌شوند.

● محمدجواد وفایی ثانی ۱۸ بهمن ۱۳۹۸ در مشهد بازداشت و به «افساد فی‌الارض» از طریق «تحریق و تخریب اماکن خاص از جمله ساختمان تعزیرات حکومتی» متهم شد.

● محمد جواد وفایی ثانی اتهام وارد شده را در دادگاه رد کرده است. او پس از بازداشت در مشهد برای اعتراضات اجباری زیر شکنجه‌های شدید قرار داشته است.

● پس از صدور حکم اعدام علیه این جوان ورزشکار در زمستان گذشته دیوان عالی کشور با پذیرش فرجام‌خواهی، پرونده را به شعبه هم‌عرض فرستاد اما این شعبه نیز او را به اعدام محکوم کرده است.

محمد جواد وفایی ثانی از قهرمانان بوکس ایران و از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ در دادگاه انقلاب مشهد به اعدام محکوم شده است.

بابک پاك‌نيا وکیل محمد جواد وفایی ثانی روز گذشته از ابلاغ حکم اعدام این زندانی سیاسی از سوی شعبه هم‌عرض دادگاه انقلاب اسلامی مشهد خبر داد.

بابک پاك‌نيا در توییتر نوشت: «حکم شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی مشهد در خصوص محمد جواد وفایی ثانی دوشنبه ۲ مرداد، به وکلا ابلاغ شد و این شعبه علی‌رغم استدلال شعبه دیوان عالی کشور، مجدداً به صدور حکم اعدام اصرار ورزید.»

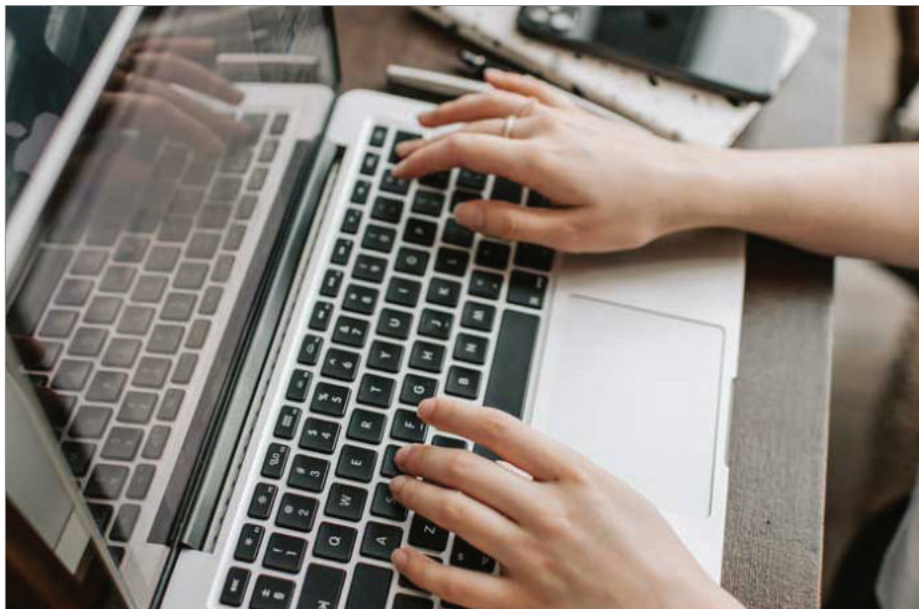
او در ادامه تأکید کرد: «ظرف مهلت قانونی مجدداً لایحه فرجام‌خواهی را ثبت خواهیم کرد.»

این وکیل دادگستری هفته گذشته اعلام کرده بود با نظر دیوان عالی کشور پرونده محمد جواد وفایی ثانی برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارسال شده و نسبت صدور دوباره حکم اعدام توسط دادگاه هم‌عرض علیه این جوان ورزشکار هشدار داده بود.

بابک پاك‌نيا در یک رشته توثیق نوشته بود که «پیش از این، شعبه چهارم دادگاه انقلاب مشهد حکم اعدام صادر کرده بود که با فرجام‌خواهی، حکم بدوی نقض و به شعبه دوم دادگاه انقلاب جهت رسیدگی مجدد ارجاع شد؛ اگر شعبه هم‌عرض به مجازات اعدام اصرار کند، مجدداً قابل اعتراض در دیوان عالی کشور است.»

به گزارش منابع حقوق بشری محمدجواد وفایی ثانی ۲۷ ساله، متولد سال ۱۳۷۴، و قهرمان بوکس آموزشگاه‌های مشهد است که در ارتباط با اعتراضات آبان ۹۸ بازداشت شده است.

جمهوری اسلامی ایران پشتاز محدودیت‌های اینترنتی در جهان



گابریل راکایتیت کراساوسک سخنگوی مؤسسه Surfshark می‌گوید: «این محدودیت‌ها به شدت توانایی مردم را برای انتشار اطلاعات به سایر نقاط جهان، سازماندهی اعتراضات و تماس با دوستان و عزیزان‌شان محدود می‌کند.»

او افزود: «بسیار نگران‌کننده است که شاهد افزایش محدودیت‌های اینترنت در ایران، به ویژه پس از مرگ غم‌انگیز مهسا امینی و کشتار زاهدان باشیم.»

تحلیل Surfshark همچنین روند جهانی گسترده‌تری را نشان می‌دهد که در آن بیش از دو سوم محدودیت‌های اینترنتی انجام شده از جانب دولت‌ها در سراسر جهان، همزمان با اعتراضات مردمی در نیمه اول سال ۲۰۲۳ رخ داده که مجموعاً ۳۰ مورد بوده‌اند.

این امر نقش حیاتی اینترنت را به عنوان میدان نبرد برای دسترسی به اطلاعات حیاتی در دوران ناآرامی‌های مدنی برجسته می‌کند.

بر اساس این گزارش، امروزه میلیون‌ها تن در معرض محدودیت‌های اینترنت قرار دارند که با سرعت نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است. اینترنت به عنوان راه نجاتی برای ارتباطات، به اشتراک‌گذاری اطلاعات و فعالیت عمل می‌کند و محدودیت‌های آن در زمان ناآرامی‌های سیاسی، تهدیدی قابل توجه برای دموکراسی و حقوق بشر است.

در حالی که در شرایط کنونی جهان، نقش اینترنت به عنوان وسیله گسترش آموزش و تحقیقات در سراسر دنیا ثابت شده است، رژیم سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی با قطع ارتباط و ممنوع ساختن این ابزار معمولی و رایج در ابتدایی‌ترین سطوح از دبستان و دبیرستان تا بالاترین سطوح در دانشگاه و تمامی مراحل پژوهش علمی و فنی، نسل‌های مختلف را از این امکان محروم می‌نماید که طبیعتاً باعث تأثیرات بسیار منفی در پیشرفت و توسعه جامعه ۸۰ میلیونی کشوری می‌شود که ۴۴ سال پیش در بیشتر زمینه‌های آموزشی از جمله داشتن پیشرفته‌ترین دانشگاه‌های منطقه، شهرت و اعتبار بین‌المللی داشت.

● نام ایران در نیمه اول سال ۲۰۲۳ به عنوان کانون جهانی محدودیت‌های اینترنت مطرح شده است بطوری که مسئول ۱۴ محدودیت از ۴۲ محدودیت جدید ثبت شده در سراسر جهان بوده است.

● سخنگوی مؤسسه Surfshark می‌گوید: «این محدودیت‌ها به شدت توانایی مردم را برای انتشار اطلاعات به سایر نقاط جهان، سازماندهی اعتراضات و تماس با دوستان و عزیزان‌شان محدود می‌کند.»

نظام جمهوری اسلامی در ایران طی نیمه اول سال ۲۰۲۳ با ۱۴ مورد ثبت شده محدودیت‌های جدید اینترنت، در جهان پشتاز بود.

مؤسسه Surfshark تجزیه و تحلیلی ۶ ماهه از اختلال و قطع اینترنت بر اساس Internet Shutdown Tracker (ردیابی قطع اینترنت) انجام داده است که بر این اساس در نیمه اول سال جاری میلادی، در ایران نسبت به سال ۲۰۲۲ با ۱۱ مورد ثبت شده، محدودیت اینترنت بیشتری وجود داشته است.

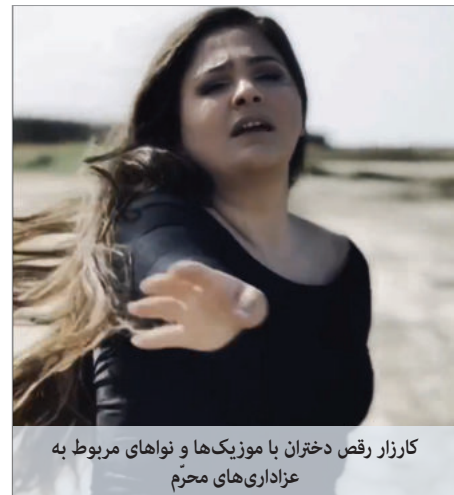
نام ایران در نیمه اول سال ۲۰۲۳ به عنوان کانون جهانی محدودیت‌های اینترنت مطرح شده است بطوری که مسئول ۱۴ محدودیت از ۴۲ محدودیت جدید ثبت شده در سراسر جهان بوده است.

هندوستان با ۹ و پاکستان با ۳ مورد ثبت شده با فاصله نزدیک بهم بعد از ایران قرار دارند. بطور کلی قاره آسیا ۷۱ درصد از محدودیت‌های جدید را به خود اختصاص داده است که اهمیت چشمگیر منطقه را در این چالش جهانی نشان می‌دهد.

افزایش محدودیت‌های اینترنت به ویژه در ایران نگران‌کننده است، زیرا این کشور در نیمه اول سال ۲۰۲۳ از تمامی محدودیت‌های اینترنت خود در سال ۲۰۲۲ فراتر رفته است. کشتار زاهدان و اعتراضات پی در پی و مداوم در آنجا باعث قطع مکرر اینترنت از سوی دولت شده است.

➔ کارزار رقص دختران را «نسانس ایران» خوانده و می‌نویسد: «آن انقلاب که باید خطرناک‌ترین ایده‌های مرگ‌دوستانه و روان‌نژند شیعه را همچون ساتیری بی‌پروا به سرخه می‌کشید، به غیر نشسته است. فلسفیدن را باید از همین نقطه آغاز کرد؛ جایی که باور به حق را با رقص بدن به سیخ می‌کشند.»

در شرایطی که مقام‌های ارشد نیروی انتظامی و قوه قضائیه و همچنین شماری از نماینده‌های مجلس شماری اسلامی تهدید به برخورد با «هنجارشکنی» کرده‌اند، دختران و زنان با پوشش آزاد در مقابل هیأت‌های مذهبی و حسینه‌ها بدون حجاب از خود عکس می‌گیرند و علامت پیروزی نشان می‌دهند. زنان آزادخواه در حالی تصاویرشان را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند که اخیراً چهار شهروند به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری در مقابل



کارزار رقص دختران با موزیک‌ها و نواهای مربوط به عزاداری‌های محرم

یک هیأت عزاداری در منطقه شش تهران بازداشت شدند. برخی طرفداران حکومت دختران و زنانی را که همزمان با عزاداری‌ها ویدئوهایی از رقص یا سرودخوانی دستجمعی آنها منتشر شده تهدید کرده‌اند.

ویدئویی نیز از شیخ حسین انصاریان واعظ مشهور منتشر شده که به جوانان توصیه می‌کند «اگر می‌خواهید در دهه محرم معصیت کنید بروید کنج خانه‌هایتان... دهه محرم جای بی‌حجابی و خوردن حرام نیست!»

تمرکز سخنرانان و منبری‌ها در هیأت‌ها روی تبلیغ علیه شعار «زن، زندگی، آزادی» است. حجت‌الاسلام حسن عاملی نماینده علی خامنه‌ای در اردبیل گفته این شعار شرم‌آور است و شخصیت زن را با خاک یکسان می‌کند!



مسدود کردن دارایی‌های یک کشور نباید به عنوان حق مصادره و بخشیدن آنها تلقی شود!



● تحریم‌های بین‌المللی برای حفاظت از منافع عمومی یک کشور چه در سطح بین‌المللی (صلح و امنیت) و چه در سطح ملی (به نفع مردم کشور مورد نظر) تعیین می‌شوند. در حقیقت، تحریم‌ها اعمال می‌شوند تا منافع مردم را از سوء استفاده‌های دولت‌های حاکمه مورد حفاظت قرار دهد. در همین چارچوب است که اموال و دارایی‌های کشور مربوطه مسدود می‌شوند تا در زمان مناسب به مردم آن کشور بازگردانده شوند، نه اینکه به نفع فرد و یا افراد خاصی از جمله تحت عنوان قربانی تروریسم، مصادره و بخشیده شوند.

● تنها استثناء ممکن از تئوری مطلق مصونیت اموال و دارایی‌های کشورها، هنگامی قانونی تلقی می‌شود که برای دستیابی به آن اهداف ملل متحد و منافع مشترک بین‌المللی ضروری باشند. این یک تعهد حقوقی قطعی برای همه اعضای سازمان ملل متحد است، بنابراین هرگونه انحرافی از آن به سختی می‌تواند مجاز شمرده شود.

● آزاد ساختن دارایی‌های مسدود شده منوط به تغییر اساسی در موقعیت سیاسی کشور مورد نظر و هماهنگی آن با معیارهای رفتاری انسانی است. دارایی‌های مسدود شده فقط یک امانت هستند و نه چیز دیگر، و از این رو نباید به عنوان ابزاری برای معاملات سیاسی در نظر گرفته شوند.

برخی از دادگاه‌های فدرال ایالات متحده آمریکا طی احکامی تصمیم گرفتند بخشی از دارایی‌های مسدود شده ایران را به عنوان غرامت به برخی شاکیان جمهوری اسلامی تخصیص دهند. این موضوع سبب واکنش بسیاری از ایرانیان شده و افکار عمومی به درستی نسبت به چنین آرای حساسیت نشان می‌دهد. رسانه‌ها نیز از زاویه حقوقی به این مسائل می‌پردازند و روشن‌گری می‌کنند.

من در استدلال‌هایی که در این نامه ارائه شده، خطاب به مشاور عالی حقوقی کاخ سفید توضیح داده‌ام که بر اساس حقوق بین‌الملل مسدود کردن دارایی‌های یک کشور هرگز به معنای مصادره و اختصاص دادن آن به فرد یا افرادی نیست که از جمهوری اسلامی به دلایل مختلف در دادگاه‌های آمریکا شکایت می‌کنند. بنابراین مردم ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارند تا در ایران آزاد و دموکراتیک آیند، ایالات متحده آمریکا را در قبال نقض آشکار تعهدات خود به عنوان امین اموال ایران مورد پیگرد قانونی قرار دهد. این نامه که به انگلیسی تهیه شده سندی حقوقی است که به ثبت می‌رسد و می‌تواند مبنای استیفای حقوق مردم در آینده قرار گیرد.

آقای استوارت دلری

مشاور حقوقی کاخ سفید

شماره ۱۶۰۰ خیابان پنسیلوانیا

واشنگتن، ایالات متحده آمریکا

موضوع: مسدود کردن دارایی‌های یک کشور نباید به عنوان حق و یا گامی در جهت مصادره آنها تلقی شود

عالیجناب دلری

مفخرم که این نامه را در رابطه با رای دادگاه ناحیه کلمبیا ایالات متحده تقدیم کنم که در یک حکم فرمان داده است مبلغ معینی به عنوان خسارت به مسیح علینژاد روزنامه‌نگار ایرانی- آمریکایی و فعال حقوق بشر پرداخت شود.

پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت کشورها در قبال اعمال نادرست بین‌المللی، در مواد ۲۱ تا ۲۲ نقاط «ضعف ذاتی» ذکر شده را تعریف می‌کند.

ماده ۲۱- خودیاری [۷]: در صورتی که عمل یک کشور، اقدام قانونی خودیاری باشد که مطابق با منشور ملل متحد باشد، آن عملی نادرست تلقی نمی‌شود.

ماده ۲۲. اقدامات متقابل در رابطه با یک عمل خلاف بین‌المللی [۸]: نادرست بودن عمل یک کشور که با تعهد بین‌المللی در قبال کشور دیگر مطابقت ندارد، در صورتی که این عمل یک اقدام متقابل علیه کشوری خلافکار باشد، آن عمل مسئولیت بین‌المللی را در پی ندارد. [۹]

این دو ماده به هم وابسته و غیر قابل تقسیم هستند. اقدامات متقابل، به عنوان اقداماتی خودیاری کننده، از ضروریات یک سیستم بین‌المللی غیرمتمرکز کشورها هستند. این پیوند نقش دوگانه‌ای را بیان می‌کند: از یک سو، این دو ماده برای یادآوری مسئولیت اعمال نادرست عمل می‌کنند. از سوی دیگر، آنها به عنوان یک بهانه (سپری) برای توجیه اقدامات غیرقانونی بکار گرفته می‌شوند. این موضوع متضاد باعث ایجاد ناهماهنگی در رفتار بین‌المللی کشورها می‌شود. منظور این است که اگر کشوری از «نظریه محدود کننده» [۱۰] مصونیت‌ها به عنوان یک اقدام متقابل حمایت کند، سایرین بر این اساس واکنش نشان می‌دهند. در این راستا، بطور طبیعی منافع ملی کشور ایجاب می‌کند که از «نظریه مطلق» مصونیت‌های حاکمیت خارجی حمایت کند. دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت قضایی، استدلال بالا را تأیید می‌کند:

دادگاه متذکر می‌شود که، اگرچه بحث‌های زیادی در مورد منشأ مصونیت کشورها و شناسایی اصول زیربنایی آن مصونیت در گذشته وجود داشته است، کمیسیون حقوق بین‌المللی در سال ۱۹۸۰ به این نتیجه رسید که مصونیت کشورها «به عنوان یک قاعده کلی حقوق بین‌الملل عرفی که ریشه محکمی در رویه فعلی کشورها دارد» پذیرفته شده است. به نظر دادگاه، این نتیجه‌گیری بر اساس

من، محمود مسائلی، استاد ایرانی- کانادایی بازنشسته در رشته علوم سیاسی، با تمرکز بر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بین‌المللی و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل، با سپاس از همه تلاش‌های ایالات متحده آمریکا در دفاع از حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک، این فرضیه حقوقی بین‌الملل را مطرح می‌کنم که احکام صادره توسط دادگاه‌های آمریکا نقض هنجارهای بین‌المللی است. در نتیجه، نمی‌تواند منجر به اجرای عدالت به نفع مردم ستمدیده ایران شود که سال‌هاست تحت قوانین مذهبی از شدیدترین آسیب‌ها رنج می‌برند. در اینجا استدلالی را برای تأیید و اثبات فرضیه‌ی خود توضیح می‌دهم.

در ابتدا باید توضیح داد که دادگاه‌های فدرال ایالات متحده مطابق با سه قانون عمل می‌کنند:

- قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی مصوب سال ۱۹۷۶ [۱]

- قانون مبارزه با تروریسم و مجازات اعدام مؤثر مصوب سال ۱۹۹۶ [۲]

- قانون عدالت علیه حامیان تروریسم سال ۲۰۱۶ [۳]
در اینجا همه چیز کاملاً قانونی به نظر می‌رسد و به نظر می‌رسد مشکل خاصی در مورد تعهدات بین‌المللی ایالات متحده آمریکا وجود ندارد. همچنین بدیهی است که دادگاه‌های ایالات متحده دستورات خود را براساس «نظریه محدودکننده» [۴] مصونیت‌های حاکمیت خارجی استوار ساخته‌اند.

«نظریه محدودکننده» مصونیت حاکمیت خارجی از ضعف‌های ذاتی و ساختاری رنج می‌برد.

- «ضعف ذاتی» [۵] به این معنا که با قواعد و موازین حقوق بین‌الملل مغایرت دارد

- «نقص ساختاری» [۶] به این معنا که ایالات متحده آمریکا را مسئول نقض تعهدات بین‌المللی می‌داند. استدلال‌های من به این شرح می‌باشند:

استدلال اول

مردم آن کشور بازگردانده شوند، نه اینکه به نفع فرد و یا افراد خاصی مصادره و بخشیده شوند. [۲۱]

شورای امنیت به عنوان بالاترین مقام و تنها مرجع تعیین تحریمها، قانون اعمال و همچنین اجرای آنها را تعیین می‌کند. در تعیین این تحریمها، مجموعه‌ای از معیارها و ضابطه‌هایی که می‌بایست در انطباق با حقوق بین‌الملل باشند، در نظر گرفته می‌شوند. اولین ضابطه این است که تحریمها باید با اهداف سازمان ملل متحد سازگاری داشته باشد. شورای امنیت در انجام این وظایف مطابق با اهداف و اصول سازمان ملل متحد که در منشور تبلور یافته‌اند، تصمیم گرفته و عمل خواهد کرد. آن اهداف بطور خلاصه عبارتند از: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه میان اعضا مطابق با اصل حاکمیت برابر برای همه کشورها، دستیابی به همکاری‌های بین‌المللی در حل مشکلات جهانی با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا انسانی، و ترویج و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از نظر نژاد، جنس، زبان یا مذهب. این اهداف خیر عمومی را در گستره بین‌المللی تسهیل می‌کند. در این ارتباط تنها استثناء ممکن از تئوری مطلق مصونیت اموال و دارایی‌های کشورها، هنگامی قانونی تلقی می‌شود که برای دستیابی به آن اهداف ملل متحد و منافع مشترک بین‌المللی ضروری باشند. این یک تعهد حقوقی قطعی برای همه اعضای سازمان ملل متحد است، بنابراین هرگونه انحرافی از آن به سختی می‌تواند مجاز شمرده شود. این تعهد حقوقی در ماده ۲۵ منشور به صراحت و روشنی توضیح داده شده است: «اعضای سازمان ملل متحد موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت را مطابق با مفاد این منشور بپذیرند و اجرا کنند».

این ضرورت قاطع برای حفظ منافع مشترک بین‌المللی در مقابله با استثنائاتی که ممکن است اصل مصونیت‌ها را خدشه‌دار سازد، در چندین مورد به روشنی نشان داده شده است. به عنوان مثال، هیئت اتحادیه اروپا در ایالات متحده آمریکا در نامه‌ای به پرزیدنت اوباما اعتراض خود را علیه قانون عدالت علیه حامیان تروریسم سال ۲۰۱۶ را مطرح ساخت: «تصویب و اجرای احتمالی (لایحه) با اصول اساسی حقوق بین‌الملل و به ویژه اصل مصونیت حاکمیت کشورها در تضاد خواهد بود». [۲۲] در امتداد همین نگرانی‌ها، یکی از مقامات وزارت امور خارجه عربستان سعودی نیز اعلام نمود که قانون عدالت علیه حامیان تروریسم توسط کنگره آمریکا موجب «نگرانی شدید جامعه کشورها نسبت به نقض اصل مصونیت حاکمیتی که صدها سال بر روابط بین‌الملل حاکم بوده است، می‌باشد». [۲۳] اعتراض مشابهی از سوی دفتر هماهنگی جنبش غیرمتعهدا و نیز همین اعتراض از سوی دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس بیان شده است.

اینگونه اعتراضات نسبت به استثنائات قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت‌های حاکمیتی کشورها، یکی از اصول ظریف حقوق بین‌الملل را تقویت می‌کند. این اصل به قاعده معترض دائمی [۲۴] معروف است. این قاعده بیان می‌دارد اگر چندین کشور در جریان شکل‌گیری یک استثنا در قاعده حقوق بین‌الملل عرفی بطور مداوم اعتراض کنند، چنین استثنایی نمی‌تواند متعبر باشد. در قضیه شیلالت انگلیس و نروژ در سال ۱۹۵۱، دادگاه بین‌المللی دادگستری قاعده مخالفت مداوم را پذیرفته است: ... به نظر می‌رسد قانون ده مایلی (مندرج در حقوق دریاهای) در برابر نروژ قابل اجرا نیست، زیرا این کشور همواره با هرگونه تلاش برای اعمال آن در سواحل نروژ مخالفت کرده است. [۲۵]

در همین راستا، در قضیه پنهاندگی (کلمبیا علیه

وجود قواعد عرفی، دادگاه همینقدر کافی می‌داند که رفتار کشورها بطور کلی با این قواعد سازگار باشد... با این حال، دادگاه باید متقاعد شود که در حقوق بین‌الملل عرفی یک نظر قانونی در مورد ماهیت الزام‌آور چنین امتناعی وجود دارد. این نظر حقوقی را می‌توان، هرچند با احتیاط کامل، از نگرش کشورها نسبت به قطعنامه‌های خاص مجمع عمومی استنباط کرد. [۱۷]

علاوه بر این، تکرار این رویه‌ها به عنوان شاهدهی بر یکنواختی و سازگاری [۱۸] برای ایجاد یک قاعده عرفی نمی‌تواند در رفتار کشورها ثابت شود، مگر در مورد کشورهای ایالات متحده، و گاهی اوقات در کانادا. در قضیه فلات قاره دریای شمال، دادگاه بین‌المللی دادگستری بر این عقیده قاطع است که برای ایجاد هنجاری از حقوق بین‌الملل عرفی، تکمیل مجدد لازم است: تکرار، تعداد نمونه‌های رویه‌های کشورها... مورد نیاز برای شکل‌گیری قوانین عرفی را نمی‌توان بطور ریاضی تعیین کرد. هر واقعیت مستلزم ارزیابی نسبی با توجه به موقعیت‌ها و شرایط مختلف است... [آنچه] در موضوع مورد بحث مهم است، تعداد یا رقم... نمونه‌های... رویه کشورها نیست، بلکه در معنایی قرار دارد که بر شرایط خاصی دلالت می‌کنند. [۱۹]

کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز آستانه‌ای را برای شکل‌گیری قواعد عرفی تعریف کرده است: قاعده عمومی برای پذیرش رویه‌ای خاص در شکل‌گیری قانون دربرگیرنده دو عنصر اساسی ضابطه عینی، یعنی رویه کشورها، و عنصر ذهنی، یعنی پذیرش آن اقدام و رویه به عنوان قانون می‌باشد. اینها با هم شرایط اساسی برای وجود یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی هستند. [۲۰]

حال اگر مصونیت کشورها یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل است، هر استثنائی بر آن باید با یک توجیه محکم پشتیبانی شود، همانطور که کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌گوید: «شناسایی چنین قاعده‌ای مستلزم بررسی دقیق شواهدی برای اثبات حضور آنها در هر مورد خاص است». آیا رویه دادگاه‌های ایالات متحده در اعمال استثنائاتی از قاعده کلی حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت‌ها می‌تواند توجیه محکمی داشته باشد؟ پاسخ مثبت فقط در توضیح آن توجیهات قرار دارد. آن توجیهات چیست؟

استدلال سوم

منشور ملل متحد به این پرسش پاسخ می‌دهد. توقیف دارایی‌های متعلق به کشوری دیگر، به عنوان یک استثنا از قاعده عرفی مصونیت کشورها و در نتیجه برابری حاکمیتی آنان، در شرایطی موجه است که نقض هنجارهای حقوق بین‌الملل و در نتیجه تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی باشد. مواد ۳۹ تا ۴۲ منشور تحریم‌های (چند جانبه) را ابزاری برای بازدارندگی از هرگونه تهدید جدی علیه امنیت بین‌المللی می‌داند. اگرچه در منشور، اصطلاح «توقیف دارایی‌های کشورهای دیگر» بطور مستقیم ذکر نشده اما زبان ضمنی به کار برده شده در مواد ۳۹ تا ۴۲ اقدامات خاصی را به عنوان تحمیل هزینه به کشورهای متخلف برای نقض هنجارهای بین‌المللی نشان می‌دهد. در این شرایط آنچه کاملاً مشهود است اینست که کل کشور مسئول ارتکاب اعمال نادرست است، از این رو تحریم‌های بین‌المللی برای حفاظت از منافع عمومی یک کشور چه در سطح بین‌المللی (صلح و امنیت) و چه در سطح ملی (به نفع مردم کشور مورد نظر) تعیین می‌شوند. در حقیقت، تحریم‌ها اعمال می‌شوند تا منافع مردم را از سوء استفاده‌های دولت‌های حاکمه مورد حفاظت قرار دهد. این اموال و دارایی‌ها مسدود می‌شوند تا در زمان مناسب به

بررسی گسترده رویه کشورهاست و با تکیه بر سوابق قوانین ملی، تصمیمات قضایی، و نظرات کشورها در مورد آنچه که به مقاله‌نامه سازمان ملل متحد در مورد مصونیت‌های قضایی کشورها و دارایی‌های آنها تبدیل شده است، تأیید می‌شود.

دادگاه بر این باور است که رویه‌ها نشان می‌دهد که، خواه در ادعای مصونیت برای خود و خواه برای دیگران، کشورها عموماً بر این اساس عمل می‌کنند که بر اساس حقوق بین‌الملل حق مصونیت وجود دارد، و این حق با تعهدات مربوطه از جانب سایر کشورها برای احترام گذاشتن به آن همراه است. [۱۱]

توافقی در مورد اعتبار و اهمیت مصونیت کشورها و دارایی‌های آنان توسط دیوان عالی ایالات متحده در قضیه عربستان سعودی علیه نلسون نیز پذیرفته شده است: بر اساس این قانون، یک کشور خارجی بطور فرضی از صلاحیت دادگاه‌های ایالات متحده مصون است مگر اینکه استثنای مشخصی اعمال شود که به موجب آن دادگاه فدرال فاقد صلاحیت موضوعی در مورد ادعایی علیه یک کشور خارجی باشد. [۱۲]

از آنجا که نظریه مطلق مصونیت کشورها مورد تأیید حقوق بین‌الملل عرفی است، آیا استثنای خاصی می‌تواند مقدم بر حقوق بین‌الملل عرفی باشد؟ این سؤال ما را به سوی استدلال دیگری هدایت می‌کند.

استدلال دوم

دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت‌های قضایی، بیان می‌کند که مصونیت کشورها «به عنوان یک قاعده کلی از حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است که ریشه محکمی در رویه کشورها دارد». [۱۳] به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی، هر استثنایی بر این قاعده باید شرایط مندرج در اساسنامه دادگاه، ماده ۳۸ بند اول بخش دوم را تأمین کند: «... عرف بین‌المللی، به عنوان شاهدهی بر رویه عمومی پذیرفته شده به عنوان قانون عمل می‌کند». [۱۴] این شرط که به عنوان قانون پذیرفته شده و با نظر حقوقی همراه است، مستلزم رضایت ضمنی کشورها و نظریه حقوقی تأییدکننده قانونی بودن آن [۱۵] است که به عنوان تنها پیش‌شرط لازم برای الزام‌آور بودن جهانشمولی یک قانون برای کشورها در نظر گرفته می‌شود. شرط دوم زمانی معنا پیدا می‌کند که رویه کشورها به آستانه لازم برسد. باید مواردی از اقدامات کشورها وجود داشته باشد. این دو عنصر، کلیت و یکنواختی را از مشخصات حقوق بین‌الملل عرفی در نظر می‌گیرد. آیا این الزامات توسط رویه دادگاه‌های ایالات متحده برآورده شده است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ نمی‌تواند مثبت باشد. هیچیک از این الزامات با استثنائاتی که در قانون مصونیت‌های خارجی آمریکا در نظر می‌گیرند برآورده نمی‌شود.

دادگاه این استدلال را تأیید می‌کند. در قضیه فلات قاره دریای شمال، قاضی تاناکا در نظریه مستقل خود این موضع را اتخاذ کرده است که: برای الزام آور شدن، یک قاعده یا اصل حقوق بین‌الملل نیازی به رسیدن به آستانه پذیرش جهانشمولی ندارد... همه کشورها... فرصت یا امکان اعمال یک قانون معین را ندارند. شواهد را باید در رفتار تعداد زیادی از کشورها جستجو کرد، احتمالاً اکثر کشورها، یعنی در هر صورت اکثریت بزرگی از کشورهای ذینفع. [۱۶] در قضیه اقدامات نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوآ، دادگاه این نظریه را ابراز می‌دارد: دادگاه در نظر نمی‌گیرد که برای اینکه یک قاعده عرفی شکل گیرد، رویه مربوطه باید کاملاً با قاعده مطابقت داشته باشد. به منظور استنباط

پرو، دادگاه بین‌المللی دادگستری قانون اعتراض مداوم را یادآوری می‌کند که به نظر این نگارنده نشان می‌دهد دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا نقض جدی موازین حقوق بین‌الملل را به نمایش می‌گذارند: ... اما حتی اگر تصور شود که چنین عرفی فقط میان برخی کشورهای آمریکای لاتین وجود داشته است، با اینحال می‌توان از آن علیه پرو استناد کرد، که همواره به آن پایبند بوده است... [۲۶]

دومین ضابطه این است که نه تنها تحریم‌ها باید نگرانی‌های بشردوستانه را در نظر داشته باشد، بلکه می‌بایست همواره با منافع مردم کشورهای (که هدف تحریم‌ها هستند) نیز در ارتباطی تنگاتنگ هماهنگ قرار گیرند. در حقیقت، تحریم‌ها فقط برای کشورهایی می‌تواند توجیه شود که مهم‌ترین هدف سازمان ملل متحد یعنی صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند. این نوع تهدیدها نشأت گرفته از ماهیت خودکامه و قانون‌شکن کشورهایی است که حاضر به رعایت حقوق ذاتی مردم نیستند. به عبارت دیگر، همانطور که مدافعان تئوری صلح دموکراتیک [۲۷] استدلال می‌کنند، هرگونه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از ماهیت رژیم‌های غیردموکراتیک و ناقض حقوق بشر می‌باشد. چنین تهدیدهایی باید مهار شوند، و تحریم‌ها ابزار بازدارندگی لازم و متناسب با آن تهدیدهاست. [۲۸] دقیقاً در همین پیوند میان تهدید و تحریم [۲۹] است که الزامات داخلی و بین‌المللی ضرورت منفعت عمومی با هم تطابق پیدا می‌کنند.

استدلال چهارم

شورای امنیت بر چنین پیوندی میان تهدید و تحریم به عنوان مبنایی عمیقاً انساندوستانه تأکید می‌کند. به نظر شورا، تحریم‌ها علیه افراد، گروه‌ها و نهادهای مرتبط با تروریسم اعمال می‌شوند. البته هرچند تروریسم در حقوق بین‌الملل تعریف نشده و تعریفی همگرا درباره آن وجود ندارد، و به همین دلیل هم در فهرست جنایت‌های بین‌المللی در مقاله‌نامه رم قرار نگرفت، تروریسم تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است و جامعه بین‌المللی باید نسبت به آن حساس باشد. بنابراین، اعمال تحریم‌ها علیه تروریسم ضروری و ناگزیر است. همچنین تروریسم نه تنها در جوامع غربی، بلکه و مهم‌تر از آن در شرایط زندگی مردم آسیب‌دیده از تروریسم مانند افغانستان، مانع از پیشبرد رفاه مردم بوده است. در این ارتباط است که شورای امنیت در قطعنامه ۲۶۱۵ در سال ۲۰۲۱ که در مورد هدف قرار دادن طالبان صادر شد، تصمیم گرفت که استثناء بر قاعده عرفی مصونیت‌ها را از نقطه نظر نگرانی‌های بشردوستانه مجاز اعلام کند. شورای امنیت با تأکید بر نقش مهمی که سازمان ملل متحد در پیشبرد صلح و ثبات به ایفای خود ایفا می‌کند، این هدف مهم را توضیح داد: شورا معتقد است که کمک‌های بشردوستانه و سایر فعالیت‌هایی که نیازهای اساسی انسانی را در افغانستان پشتیبانی می‌کند، نقض بند ۱ (الف) قطعنامه ۲۲۵۵ مصوب سال ۲۰۱۵ نیست، [۳۰] و پردازش و پرداخت وجوه، سایر دارایی‌های مالی یا منابع اقتصادی، و ارائه کالاها و خدمات لازم برای اطمینان از تحویل به موقع این کمک‌ها یا حمایت از اینگونه فعالیت‌ها مجاز می‌باشد. [۳۱]

فراتر از تحریم‌های چندجانبه (در چارچوب سازمان ملل متحد)، راهنمای انطباق بیش از حد با تحریم‌های یکجانبه و اثرات مضر آن بر حقوق بشر، توسط کمیساری عالی حقوق بشر، هنجارهای حقوق بشری را به عنوان تنها معیار لازم برای تحریم‌های مجاز قانونی تعریف می‌کند. در این

راهنما، موضوع رعایت بیش از حد، با تأثیرات منفی بر حقوق بشر مردم در نظر گرفته شده است. گزارشگر ویژه حقوق بشر ملل متحد در این گزارش تأکید می‌کند که بر اساس حقوق بین‌الملل از جمله حقوق معاهداتی بشر، همه کشورها ملزم به رعایت تعهدات بین‌المللی خود در حوزه حقوق بشر هستند. گزارشگر ویژه از کشورها درخواست می‌کند تا برای بازنگری و لغو کلیه تحریم‌های یکجانبه که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد مجاز شمرده نمی‌شوند، یا با تعهدات بین‌المللی آنها مطابقت ندارند، و یا براساس قوانین مربوط به مسئولیت بین‌المللی کشورها نمی‌توان نادرست بودن آنها را مورد پرسش قرار داد، اقدام کنند. [۳۲]

استدلال پنجم

ملاحظات حقوق بشری به عنوان ملاک اعمال استثنائات از قاعده کلی مصونیت‌ها به همه اعضای جامعه بین‌المللی مربوط می‌شود. حقوق بشر بین‌المللی نیز تنها معیار و ضابطه تعریف شده روشن و مورد قبول برای تعیین روابط میان حاکمیت و شهروندان هر کشوری می‌باشد. این حوزه همپوشانی، یعنی جهانشمول بودن گفتمان حقوق بشر و کاربرد ملی آن، مفهوم مردم و حقوق ذاتی آنها را در خط مقدم آن گفتمان قرار می‌دهد. از این رو، با یادآوری هدف برقراری و اعمال تحریم‌ها، یعنی حفاظت از منافع مشترک اعضای خانواده بشری در حوزه ملی و بین‌المللی، دارایی‌های یک ملت باید از طریق مسدود شدن حفظ شود تا زمانی که با استقرار یک دولت آزاد و دموکراتیک، آن دارایی‌ها به مردم و کشور باز گردد. البته با احتیاط لازم، این استدلال‌ها را می‌توان با اشاره به تحریم‌های هوشمند و با هدف فشار وارد آوردن بر رهبران سیاسی در کشورهای غیردموکراتیک، و البته نه به بهای غارت حقوق ملی مردم بی‌گناه توجیه کرد. رئیس دادگاه قانون اساسی بلژیک این جنبه‌های حقوق بشری مسدود کردن دارایی‌های یک کشور را به عنوان ابزاری برای تحریم کشور به خوبی و روشنی توضیح می‌دهد: شاید بتوان گفت که سیاست اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه کشور مورد هدف کافی نیست. علاوه بر این، حداقل باید امیدوار بود که اقدامات انجام شده به نتیجه مطلوب منجر شود. [۳۳]

پیام بلافاصل در نظر گرفتن استانداردهای حقوق بشری در رژیم‌های اعمال تحریم‌ها، اعم از چندجانبه یا یکجانبه، مفهوم بسیار مهم خیر عمومی [۳۴] می‌باشد. این بدان معناست که دارایی‌های مسدود شده متعلق به کشور و مردم آن است، هرچند که توسط رهبران سیاسی فاسد از مردم ربوده شده است. دارایی‌های متعلق به شرکت‌ها و افراد مرتبط با رهبران سیاسی در رژیم‌های فاسد غیر دموکراتیک، نیز متعلق به جمعیت، به ویژه افراد آسیب‌پذیر می‌باشد زیرا این افراد و شرکت‌ها بدون همکاری با رژیم‌های فاسد و تبهکار هرگز نمی‌توانستند به آن دارایی‌ها دست یابند. این دارایی‌ها به منظور ممانعت از دسترسی دولت‌های تبهکار حامی تروریسم و عوامل آنها مسدود می‌شوند. بنابراین هدف از اعمال تحریم‌ها بازدارندگی است و نه اینکه منافع مشترک مردم در سطح ملی یا بین‌المللی پایمال شود. قطعنامه ۲۱۶۱ شورای امنیت با یادآوری «نیاز به اتخاذ تدابیری برای جلوگیری و سرکوب تأمین مالی تروریسم و سازمان‌های تروریستی» به وضوح تأکید می‌کند که «مسدود کردن دارایی‌ها ماهیت پیشگیرانه دارند و به استانداردهای تعیین شده در قوانین ملی وابسته نیستند». [۳۵]

ماهیت پیشگیرانه تحریم‌ها اهداف نهفته در مسدود

ساختن دارایی‌ها را نشان می‌دهد. به عبارت بهتر، هدف از مسدود ساختن دارایی‌ها و تحریم‌ها، کوتاه کردن دست رژیم‌های غیرقانونی به منابع مالی برای سرکوب مردم و تهدید به صلح بین‌المللی است. این دارایی‌ها مسدود می‌شوند تا اینکه با استقرار دولت‌های آزاد و دموکراتیک به مردم آن کشورها باز گردد. این بدان معناست که مسدود ساختن دارایی‌ها را نمی‌توان به نفع شخص یا گروهی از افرادی که ادعا می‌کنند قربانی تروریسم هستند، ضبط کرد. [۳۶] این دارایی‌ها متعلق به ملت است و بنابراین باید به آنها بازگردانده شوند. درواقع، برنامه‌های مربوط به مسدود ساختن دارایی‌ها به عنوان یک اقدام متقابل برای به تسلیم واداشتن کشورهای قانون‌شکن و حاکمان تبهکار آنها به قوانین بین‌المللی تلقی می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت کشورها در قبال اعمال خلاف بین‌المللی [۳۷] از این موضع حمایت می‌کند: با توجه به وجود یک قاعده اولیه مبنی بر ایجاد تعهد بر اساس حقوق بین‌الملل برای یک کشور، و با فرض اینکه این سوال مطرح می‌شود که آیا آن کشور به تعهد خود عمل کرده است، موضوعات دیگری با ویژگی کلی مطرح می‌شوند که شامل موارد زیر می‌باشند:

الف) نقش حقوق بین‌الملل به عنوان یک حوزه متمایز از حقوق داخلی کشور در رابطه با توصیف رفتار غیرقانونی آن کشور

ب) تعیین شرایطی که به موجب آن یک کشور می‌تواند این حق را داشته باشد که در پاسخ به نقض یک تعهد بین‌المللی توسط کشوری دیگر، با اتخاذ تدابیر متقابلی که برای تضمین اجرای تعهدات کشور متخلف و مسئول که طبق این مواد توضیح داده شده است، پاسخ دهد. [۳۸] این نگرش کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌تواند نشان دهد که چگونه دارایی‌های یک کشور مسدود می‌شود و سپس تحت چه شرایطی می‌تواند آزاد شود. اما آنچه مسلم است این است که آزاد ساختن دارایی‌های مسدود شده منوط به تغییر اساسی در موقعیت سیاسی کشور مورد نظر و هماهنگی آن با معیارهای رفتاری انسانی است. در این نگرش که اجازه مسدود ساختن دارایی‌های کشور قانون‌شکن را به عنوان اقدام متقابل می‌دهد، اساساً نباید هیچ توجیهی برای مصادره دارایی‌های مسدود شده به نفع یک شخص یا گروهی از افراد وجود داشته باشد. چند مثال می‌تواند این بحث را بیشتر روشن کند.

در اختلاف بر سر مصادره دارایی‌های روسیه، سوئیس این موضع را اتخاذ کرد که مسدود کردن دارایی‌های آن کشور نباید به عنوان گامی در جهت مصادره آنها تلقی شود. [۳۹] کمیسیون اروپا نیز تصدیق می‌کند که توقیف و مصادره اموال متخلفان را از دسترسی به دارایی‌های به دست آمده غیرقانونی خود محروم می‌کند. با این حال، کمیسیون بر این عقیده است که توقیف دارایی‌ها به معنای مسدود ساختن موقت آنهاست. این بدان معناست که صاحب آن دارایی‌ها قبل از بسته شدن پرونده، دارایی‌های خود را واگذار کند. [۴۰] راهنمای مسدود ساختن دارایی‌ها: توضیح شرایط تصویب شده توسط کمیته تحریم‌های القاعده [۴۱] در ۲۴ فوریه ۲۰۱۵، به وضوح هدف اقدامات مسدود ساختن دارایی‌ها را توضیح می‌دهد:

اصطلاح «مسدود ساختن» به معنای مصادره یا انتقال مالکیت نیست. هر شخص یا نهاد دولتی که مسئول تنظیم دارایی‌های مسدود شده است، باید تلاش‌های معقولی برای انجام این کار به نحوی انجام دهد که منجر به نابودی بی‌رویه آنها نشود، مشروط بر اینکه این امر با اهداف کلی در شرایط پس از مسدود ساختن، یعنی اینکه

یک امانت هستند و نه چیز دیگر، و از این رو نباید به عنوان ابزاری برای معاملات سیاسی در نظر گرفته شوند.

عالیجناب دلری

با توجه به مباحث فوق، من معتقدم مردم ایران حق دارند که پس از استقرار یک حکومت آزاد و دموکراتیک در کشورشان، ایالات متحده آمریکا را برای آزاد ساختن دارایی‌های توقیف شده به نفع افرادی خاص مسئول دانسته و برای جبران خسارت اقامه دعوی کنند. ایالات متحده آمریکا به عنوان یک امانتدار مسئول باید دارایی‌های مردم ایران را بطور موقت در اختیار خود داشته باشد تا زمانی که مردم ایران بتوانند خود را از رژیم خودکامه رها سازند. سپس چنین دارایی‌های مسدود شده باید آزاد و به مردم ایران باز گردد. حقوق بین‌الملل آشکارا این ادعا را تأیید و پشتیبانی می‌کند.

این نامه سندی حقوقی است که می‌تواند مبنای احقاق حقوق مردم در ایران آزاد و دموکراتیک آینده باشد. من متواضعانه درخواست می‌کنم اگر پاسخی به این استدلال‌ها وجود دارد، آنها را ارائه دهید.

با تقدیم احترام

فهرست‌بندی مسدود شده باشد، دیگر مشمول مسدود بودن دارایی‌ها نخواهد بود». آنچه اتفاق می‌افتد این است که اگر دارایی‌های مسدود شده توسط قوانین داخلی کشور تحریم‌کننده مصادره شود، مسئولیت بین‌المللی آن کشور در قبال اقدام نادرست خود مطابق با قوانین بین‌المللی را در پی دارد. پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت کشورها در ماده ۳۲ چنین عمل خلاف و مسئولیت ناشی از آن را به روشنی و صراحت توضیح می‌دهد.

ماده ۳۲- بی ربط بودن قوانین داخلی: کشور مسئول (هرگز) نمی‌تواند به مفاد قانون داخلی خود به عنوان توجیهی برای عدم رعایت تعهدات خود در این قسمت استناد کند.

حقوق داخلی نمی‌تواند با حقوق و مسئولیت بین‌المللی کشورها منافات داشته باشد. بنابراین، مسدود ساختن دارایی‌ها به هیچ وجه نباید به عنوان گامی در جهت مصادره تلقی شود. این دارایی‌ها به عنوان امانت در نزد کشور تحریم‌کننده باقی می‌مانند تا زمانی که مردم تحت ستم بتوانند خود را از رژیم‌های دیکتاتوری رها ساخته و بر سرنوشت خود حاکم شوند. دارایی‌های مسدود شده فقط

با محروم کردن افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها و نهادهای فهرست شده از ابزار مالی برای حمایت از تروریسم مغایرت نداشته باشد. [۴۲]

استدلال ششم

نقض شرایط مربوط به اقدامات متقابل مجاز علیه مرتکبین جنایات شنیع مانند جنایت تجاوز، تروریسم، جنایت نسل‌کشی و غیره، موجب مسئولیت کشور در حقوق بین‌الملل است. پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت کشورها در قبال اقدامات خلاف بین‌المللی (که پیشتر شرح آن رفت)، در ماده ۳۱ توضیح می‌دهد: «کشور مسئول موظف است برای صدمات ناشی از اقدامات خلافی که انجام داده است، کاملاً خسارات را جبران کند». بنابراین، در روز پیروزی و سر کار آمدن دولتی مردمی و دموکراتیک در کشورهایی که مردم آن گرفتار رژیم‌های توتالیتار می‌باشند، مردم رها شده از رژیم سرکوبگر این حق قانونی را دارند تا به دنبال غرامت کامل از مصادره دارایی‌های خود باشند. راهنمای مسدود کردن دارایی‌ها، [۴۳] این ادعا را تأیید می‌کند: «هرگونه دارایی که صرفاً در نتیجه

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

- [۱] Foreign Sovereign Immunities Act of 1976
- [۲] Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996
- [۳] Justice Against Sponsors of Terrorism Act of 2016
- [۴] Restrictive theory of sovereign immunities
- [۵] Intrinsic weakness
- [۶] Structural failure
- [۷] Self-defence
- [۸] Countermeasures in respect of an internationally wrongful act in respect of an internationally wrongful act
- [۹] Draft Articles on State Responsibility for Internationally Wrongful Acts, International Law Commission, 2001
- [۱۰] Restrictive theory of sovereign immunities
- [۱۱] International Court of Justice, Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening). Summary of the Judgment of 3 February 2012. 03 February 2012, p. 3
- [۱۲] Saudi Arabia v. Nelson, 507 U.S. 349 (1993), Justicia
- [۱۳] [۱۳] International Court of Justice, Judicial Immunities of the State, Judgment of February 03, 2012, p. 123
- [۱۴] Ibid., p. 122
- [۱۵] Opinio juris
- [۱۶] International Court of Justice, North Sea Continental Shelf Cases (Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of Germany/Netherlands) (Judgment) [1969] ICJ Rep 3, Dissenting Opinion of Judge Tanaka 175
- [۱۷] International Court of Justice, Case Military

- and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua, Merits judgment of 27 June 1986 at 184
- [۱۸] Uniformity and consistency
- [۱۹] International Court of Justice, North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/Netherlands), Judgment of 20 February 1969, Dissenting Opinion of Judge Lachs, p. 229
- [۲۰] The ILC, Draft conclusions on identification of customer international law with commentaries, 2018
- [۲۱] Freezing sovereign assets should not be considered a pretext for their confiscation
- [۲۲] Reuters, World News, September 21, 2016
- [۲۳] Arab News, September 30, 2016
- [۲۴] Persistent Objector Rule
- [۲۵] International Court of Justice, Fisheries Case (United Kingdom v. Norway), Judgment of 18 December 1951
- [۲۶] International Court of Justice, Asylum Case (Colombia vs. Peru) 1950, Judgment of 20 November 1950
- [۲۷] The idea was first time theorized by Immanuel Kant, then followed by the contemporary liberal thinkers of international law and relations
- [۲۸] An elegant expression of this dictum is presented by John Rawls by a reference to outlaw states. See: Rawls, J. (1993). The Law of People: With the Idea of Public Reason Revisited. Harvard University Press
- [۲۹] Threat-sanction nexus
- [۳۰] Freeze without delay the funds and other financial assets or economic resources of these individuals, groups, undertakings and entities, including funds derived from property owned or controlled directly or indirectly, by them or by persons acting on their behalf or at their direction, and ensure that neither these nor any other funds, financial assets or economic resources are made available, directly or indirectly for such

- persons' benefit, by their nationals or by persons within their territory
- [۳۱] Guidance Note on Overcompliance with Unilateral Sanctions and its Harmful Effects on Human Rights
- [۳۲] <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-unilateral-coercive-measures/resources-unilateral-coercive-measures/guidance-note-overcompliance-unilateral-sanctions-and-its-harmful-effects-human-rights>
- [۳۳] The Adverse Consequences of Economic Sanctions on the Enjoyment of Human Rights. Prof. Dr. Marc Bossuyt, President of the Constitutional Court of Belgium
- [۳۴] The common good
- [۳۵] Security Council resolution 2161 92014)
- [۳۶] Masih Alinejad plaintiff against the Islamic Republic of Iran, Seyed Ali Hosseini Khamenei, the Judiciary of Iran, and the Islamic Revolutionary Guard Corp. The District Court of Colombia, Case 1:19-cv-03599
- [۳۷] Draft Articles on State Responsibility for Internationally Wrongful Acts
- [۳۸] [۳۸] Draft Articles, op cit., p. 31
- [۳۹] Reuters, Swiss government: confiscation of Russian assets found unconstitutional, February 15, 2023
- [۴۰] [۴۰] https://commission.europa.eu/law/cross-border-cases/judicial-cooperation/types-judicial-cooperation/confiscation-and-freezing-assets_en
- [۴۱] Assets Freeze: Explanation of Terms, approved by the Al-Qaida Sanctions Committee on 24 February 2015
- [۴۲] Ibid
- [۴۳] Asset Freeze: Explanation of Terms. Approved by the Al-Qaida Sanctions Committee on 24 February 2015. Terms and conditions of unfreezing of assets

گفتگوی درباره سومین رمان شیوا شکوری «سیما دیوونه»

و «افسر خانم» با این واژه‌ها می‌خواست به همه نشان بدهد که مردش باغرضه است تا ارج و قرب خودش را نیز بالا ببرد. از سویی قدرت مرد در جامعه ما به میزان دارایی و پولش است و برای همین هم افسر خانم خودش را برای شوهرش که مهاجری از باکو بود و پول و امنیتی نداشت و فقط ریخت و قیافه داشت، قربانی می‌کند. یعنی ماهرانه به چهره‌ی اجتماعی خودش نقابی می‌زند و ظاهراً تمام امتیازها را به شوهرش می‌دهد.

وقتی نویسنده وارد فرآیند آفرینش ادبی می‌شود آیا داستان در او به صورت ناخودآگاه ساخته و پرداخته می‌شود؟ شما اشاره کردید که مشغله ذهنی نویسنده به صورت پوشیده در این رمان تبلور یافته، یعنی به نظر می‌رسد که فکری در ذهن شما شکل گرفته و به نقطه‌ای رسیده و منتظر فرصتی بوده که خودش را بروز دهد.

البته نویسنده اگر بخواهد فقط مشغله‌ها و مسائل خودش را وارد داستان کند که دیگر وقایع داستانی به صورت ارگانیک جا نمی‌افتند. ولی در مورد جنبه ناخودآگاه باید بگویم که در مورد خودم ابتدا به صورت ناخودآگاه هر چیزی را که به ذهنم می‌رسد روی صفحه می‌آورم، ولی بعداً که برمی‌گردم تا متن را بازبینی کنم، به جزئیات شخصیت‌ها می‌پردازم و سعی می‌کنم هرچه دقیق‌تر روی موضوع و روابط اجزای داستان کار کنم. البته هر نویسنده سبک و روش خاص خود را دارد. رمان‌نویسی مثل آشپزی است که غذا باید آرام آرام پزد تا جا بیفتد. در این مراحل دیگر همه چیز آگاهانه است. مانند خورشتی است که باید همه‌ی اجزای آن در تعادل و تناسب باشند. یعنی اگر غشک یا فلفلش کم و زیاد باشد، آنچیزی که باید در غی‌آید، ولی داستان کوتاه مانند سالاد است.

خلاصه اینکه برای من «موضوع» رمان ناخودآگاه می‌آید، ولی مراحل بازبینی و ویراستاری کاملاً آگاهانه است. البته در مقایسه با شعر که در آفرینش آن جنبه‌ی ناخودآگاه بیشتر است، می‌توان گفت در رمان جنبه خودآگاهی بیشتر است. من اعتقادی به مفاهیمی مانند الهام ندارم. باور دارم که اگر چیزی در درون آدم غلیان کرده است دارای پایگاهی واقعی است که ممکن است خاستگاه آن را فراموش کرده باشیم و حال واقعه‌ای، نشانه‌ای، خوابی یا... آن را از خفتگی درآورده باشد. حتی خواب‌های آدم هم اینجوری‌اند.

در جایی گفته شده که محوری‌تری موضوع این رمان عشق است. شما در این مورد چه فکر می‌کنید؟

-راستش من نمی‌خواستم این رمان بیش از حد دنیایی سیاه را به تصویر بکشد. یعنی اگر رمان همه‌اش در مورد بدبختی و بی‌خانمانی باشد روح خواننده پژمرده می‌شود. برای تلطیف، یک رابطه عاشقانه را نیز وارد داستان کردم. البته این عشق بچه‌های نسل جدیدتر است که متفاوت از نسل من‌اند؛ این را می‌دانم چون در ارتباط با آنها هستم. «اسد» شخصیت عشقی این داستان است که به نوعی مرد ایرانی «مدرن» در خارج کشور هم هست. به ازدواج و تعهد اعتقاد ندارد و بیشتر علاقه به رابطه آزاد دارد و به شکلی دنبال لذت‌جویی است. به بیانی دیگر او از مدرن بودن بیشتر این چیزها را دریافت کرده یا شاید هم به این علت که به نفع‌اش است، وگرنه در همین خارج کشور مردهای زیادی هستند که با زنی زندگی مشترک دارند و ازدواج هم نکرده‌اند و بسیار هم متعهداند. ولی اسد اینجوری نیست. به هر رو، من می‌خواستم که موضوع عشق جانبی باشد، ولی به گمانم بیشتر از این بر داستان سایه انداخته است.



البته در هیچ رمانی شخصیت‌ها کاملاً ذهنی یا کاملاً واقعی نیستند. در رمان «سیما دیوونه» هم شخصیت‌های پرداخت شده اگرچه برخی کاملاً تخیلی‌اند، ولی بر پایه‌ی شخصیت‌های واقعی هم هستند. مثلاً شخصیت مادر مینو را از روی مادر خودم آفریدم که بسیار مهربان است و تا پادم می‌آید همیشه به بی‌خانمان‌ها کمک می‌کرد و حتی غذا برایشان می‌فرستاد.

آیا اسامی مانند «اسد»، «دنیا» و «مینو» و «جهان» در رمان شما معنای نمادین دارند؟

-برخی از نویسنده‌ها از اسامی نمادین استفاده می‌کنند، ولی من این کار را نکردم. فقط «دنیا» را چون فرزندخوانده زوجی بود که آرزو داشتند پدر و مادر بشوند و این دختر به راستی دنیای آنها بود، به این نام خواندم.

برداشت من این است که نه فقط حساسیت‌های انسانی شما بلکه اساساً اهمیتی که به استقلال زنان می‌دهید در لایه‌های زیرین این رمان حضور دارند...

-بله. درست متوجه شدید. البته من به خاطر دوری از شعارزدگی این ارزش‌ها و دیدگاه‌ها را در ساختار داستان بافته‌ام. مثلاً «دنیا» عکاسی است که کار هنری می‌کند و نمایشگاه می‌گذارد. «مینو» موسیقی درس می‌دهد و از نظر اقتصادی به کسی وابسته نیست. «افسر خانم» زنی که «دنیا» را مانند بچه‌اش بزرگ کرده، یک مدیر کارآمد و موفق است که یک شرکت اتوبوسرانی را می‌چرخاند و کم و کاستی‌های شوهرش را می‌پوشاند تا جلوی دیگران سربلند باشد. او به همه اینطور نشان می‌دهد که ترمینال یا شرکت اتوبوسرانی و خانه و املاک را شوهرش تهیه کرده، چنانچه اگر در ایران، زنی مقتدر و دارا همسر مردی شود که نه تحصیلات بالا دارد و نه مال و اموالی، خود زنها او را مورد شمات قرار می‌دهند و تحقیرش می‌کنند که مثلاً چی تو کم بود که این مرد را وارد زندگی‌ات کردی. حتی گاه تا آنجا پیش می‌روند که به او می‌گویند بجای شوهر، زن گرفته‌ای؟! در حالی که اگر مرد دارایی، زنی ندار و فاقد تحصیلات بالا را بگیرد، بسیار جا افتاده است و ایرادی از او نمی‌گیرند. البته این نکات خیلی پوشیده مطرح شده‌اند و اگر خواننده‌ی رمان را عمیق بخواند متوجه این لایه‌های زیرین هم می‌شود. خود «دنیا» هم وقتی پدرش فوت می‌کند به تدریج می‌فهمد پدری که تا آن حد برایش مظهر اقتدار بود، همه چیزش را از زنش داشت

● «من برای نوشتن این کتاب مدتی کار میدانی کردم و با بی‌خانمان‌ها حرف زدم. می‌خواستم توجه خواننده را به سویشان جلب کنم که بی‌تفاوت از کنارشان رد نشوند. می‌خواستم بگویم که هر کدام‌شان دنیا و زندگی قابل توجهی دارند و بنا بر دلایلی در این شرایط بسر می‌برند. به من در دوره‌ی بی‌خانمانی خودم، یک کاناپه در گوشه‌ای از خانه‌ی آشنایی داده شد که می‌توانم بگویم یکی از بزرگترین لطف و مهربانی‌ها در خاطرم است. می‌توانستم روی آن بخوابم. بنشینم. استراحت کنم، کتاب بخوانم و...»

کیهان لندن پیشتر با شیوا شکوری گفتگوهایی درباره دو رمان قبلی او «سلام لندن» و «نقشینه» داشته است. اینبار به مناسبت انتشار سومین رمان این نویسنده باوی گفتگو کرده‌ایم. یکی از مسائلی که در این رمان مطرح می‌کنید مشکل بی‌خانمان‌هاست و از خواننده می‌خواهید که بی‌تفاوت از کنار این پدیده رد نشود. چرا این موضوع را انتخاب کردید؟

-من یکبار در نوجوانی در سفری به رشت «سیما دیوونه» را که زنی بی‌خانمان و عجیب بود، دیده بودم که روی من اثر گذاشته بود، ولی این تاثیر در ذهنم پنهان بود تا اینکه به بریتانیا مهاجرت کردم. در مهاجرت بود که برای اولین بار بی‌خانمانی را تجربه کردم. با توجه به اینکه در ایران، کم و زیاد، به هر حال شبکه حمایت خانوادگی وجود دارد. در غربت اما چنین نیست و اگر کسی را نداشته باشی و خانه‌ات را هم از دست بدهی، کمکی نیست یا اگر هست، موقتی است. هرچند که دولت رفاه اینجا باید از شما حمایت کند، ولی وقتی که پناهجو باشی و تقاضای پناهندگی‌ات رد شده باشد، شامل حمایت نمی‌شوی. تقاضای پناهندگی من هم در دو سال اول ورودم رد شد و خانه‌ای را که به من داده بودند پس گرفتند و من دیگر هیچ کمک دولتی دریافت نکردم و دیگر باید خودم بی‌مجزو کار، هزینه‌هام را تأمین می‌کردم. این دوره از زندگی‌ام مرا به یاد «سیما دیوونه» انداخت. بی‌خانمانی تجربه سهمگینی است. البته الان ۱۴ سال است که از طریق ازدواج، اقامت قانونی گرفته‌ام، ولی هنوز هم به بی‌خانمان‌ها حساس‌ام و با آنها همذات‌پنداری می‌کنم. یعنی وقتی بی‌خانمانی را می‌بینم پاهام شل می‌شوند و نمی‌توانم بی‌تفاوت از کنارشان رد بشوم.

● با توجه به اینکه انسان‌هایی هستند که چنین تجربه‌ای را ندارند ولی نسبت به بی‌خانمان‌ها هم بی‌تفاوت نیستند، چطور است که برخی به راحتی می‌توانند نسبت به ناامنی شدید بی‌خانمان‌ها بی‌تفاوت باشند؟

-بله. اینجور آدم‌ها هم هستند. من برای نوشتن این کتاب مدتی کار میدانی کردم و با بی‌خانمان‌ها حرف زدم. می‌خواستم توجه خواننده را به سویشان جلب کنم که بی‌تفاوت از کنارشان رد نشوند. می‌خواستم بگویم که هر کدام‌شان دنیا و زندگی قابل توجهی دارند و بنا بر دلایلی در این شرایط بسر می‌برند. به من در دوره‌ی بی‌خانمانی خودم، یک کاناپه در گوشه‌ای از خانه‌ی آشنایی داده شد که می‌توانم بگویم یکی از بزرگترین لطف و مهربانی‌ها در خاطرم است. می‌توانستم روی آن بخوابم. بنشینم. استراحت کنم، کتاب بخوانم و...

● یکی از تفاوت‌های شخصیت‌پردازی در سومین رمان شما با دو رمان قبلی این است که شخصیت‌های دو رمان قبلی بازتولیدی از خلق و خوی واقعی شخصیت‌هاست ولی در این یکی ذهنی است...

نتایج یک نظرسنجی: تصمیم ۸۰ درصد از شرکت کنندگان برای مهاجرت از ایران

در سالهای گذشته کاهش ارزش پول ملی همچنین سبب موج گسترده‌ای از مهاجرت‌های کاری شده است. این مهاجرت نیز دامنه وسیعی از فعالان در مشاغل مختلف از پزشک و پرستار، تا مهندس و کشاورز و کارگر حرفه‌ای و فرش‌بافان را در بر می‌گیرد.

برخی کشورها با توجه به سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای اقدام به جذب نیروی کار ماهر ایرانی مانند زعفران‌کار و فرش‌باف و طراح نقشه فرش کرده و برخی دیگر نیز نیروهای متخصص ایرانی مانند پزشکان و پرستاران را در شبکه خدمات خود استخدام می‌کنند.

بخشی از کارآفرینان و صاحبان مشاغل نیز در سالهای گذشته به دلایلی از جمله عدم ثبات اقتصادی، تورم، فساد ساختاری و همچنین قطع اینترنت و قطع گاز و برق و زیان گسترده‌ای که به این دلایل متحمل شدند، کسب و کار خود را به کشورهای دیگر منتقل کردند. در این میان بسته‌های تشویقی و امکاناتی که شوریهایی چون ترکیه و قطر و امارات برای صاحبان کسب و کار و کارآفرینان در نظر می‌گیرند سبب افزایش انگیزه برای مهاجرت شده است.

روزنامه «وطن امروز» نزدیک به جناح اصولگرایان جمهوری اسلامی نیز در اواخر مهرماه سال گذشته گزارشی از وضعیت اقتصادی ایران پس از اعتراضات منتشر کرده و مدعی شده بود که با گذشت یک ماه از اعتراضات سراسری در ایران بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال پول شهروندان از بازار سرمایه خارج شده است.

گزارش‌های قبلی بانک مرکزی میزان خروج سرمایه از ایران در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ابتدای سال ۱۳۹۹ را بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده بود، یعنی در این مدت سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار از ایران خارج شده است.

در حالی که موج گسترده مهاجرت ایرانیان هشدارهای کارشناسان در رابطه با خالی شدن کشور از نیروی متخصص را به همراه دارد، مقامات دولتی به جای برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط و ماندن نیروهای ماهر و متخصص و نخه در کشور، به فرافکنی و ارئه توهمات در این رابطه مشغول هستند.

سعید خطیب‌زاده سخنگوی وقت وزارت خارجه سال گذشته مسئولیت مهاجرت متخصصان و نخبگان را متوجه رسانه‌های فارسی‌زبان و «معاند» مستقر در لندن کرد. او مدعی شد این رسانه‌ها با ارائه «تصویری مهندسی‌شده و غیرواقعی از داخل ایران و رؤیایی غیرواقعی‌تر از زندگی در اروپا»، زمینه خروج مخاطره‌آمیز و خطرناک برخی شهروندان ایرانی را فراهم می‌آورند. روزنامه «جمهوری اسلامی» هم همزمان در مطلبی مهاجرت ایرانیان را «توطئه مشترک داخلی و خارجی» ارزیابی کرده و نوشته بود که «میزان مهاجرت‌ها از کشور که قبلاً در سطح دانشجویان و اساتید و پزشکان و سایر تحصیلکرده‌ها و همچنین بازرگانان بود، اکنون به سطح دانش‌آموزان و پرستاران و دانش‌بنیان‌ها تسری پیدا کرده است.»

در این مطلب آمده بود «جریان‌های پرداخته در داخل کشور که متأسفانه از امکانات زیادی نیز برخوردار هستند با همراهی شبکه‌های برنامه‌ریز، هدفدار و البته پرجاذبه خارجی بشدت مشغول فعالیت برای خالی ساختن ایران از نیروهای بااستعداد کشور هستند. مقابله با این توطئه فقط با اعمال اراده مستحکم مسئولان نظام از طریق برخورد قاطع با جریان‌های پرداخته داخلی که با ماسک مذهب و انقلابی‌گری مشغول توطئه هستند و هوشیاری در برابر شبکه‌های خارجی همدست با این جریان‌ها میسر است.»



گزارش رصدخانه مهاجرتی ایران نشان می‌دهد در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ سالانه حدود ۸۶ هزار ویزا یا مجوز اقامت غیرتوریستی برای ایرانیان در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا، ترکیه و سایر کشورها صادر شده است.

در بخش دیگری از این گزارش تأکید شده که روند نزولی جمعیت پناهجویان ایرانی متوقف شده و آماده اوجگیری مجدد است. یکی از مهمترین نشانه‌های اوجگیری مجدد، افزایش چشمگیر تعداد درخواست‌های جدید پناهجویی توسط ایرانیان در خارج از کشور است که از تراز ۲۰ هزار به تراز ۳۰ هزار نزدیک شده و رشد ۴۳ درصدی را نشان می‌دهد. گزارش‌های دیگر از کاهش سن مهاجرت تحصیلی در میان ایرانیان به سن مدرسه حکایت دارد. روزنامه «اعتماد» روز چهارشنبه ۱۷ خرداد از کاهش سن مهاجرت به دانش‌آموزان ایرانی خبر داده و نوشته بود که علت مهاجرت دانش‌آموزان «ناامیدی» دانش‌آموزان از آینده خود در ایران است.

پیشتر الهام یآوری رئیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان اعلام کرد: «۷۰ درصد دانش‌آموزان مدارس سمپاد به خارج کشور مهاجرت می‌کنند و تنها ۳۰ درصد آنان در داخل کشور می‌مانند.»

این در حالیست که سن مهاجرت تحصیلی تا دانش‌آموزان کاهش یافته که یکی از مهمترین دلایل آن افزایش نجومی شهریه‌های مدارس در ایران است. در همین رابطه یک آموزگار پیشتر در گفتگو با روزنامه «اعتماد» به یک نمونه از مهاجرت دانش‌آموزان اشاره کرد و افزود: «دختری کلاس نهم است و حدود ۶۲۰ میلیون تومان برای ثبت‌نام او در مدرسه‌ای وابسته به دانشگاهی در تورنتو کانادا پرداخت کرده‌اند.»

او یکی دیگر از دلایل مهاجرت دانش‌آموزان را قانون «لزوم پرداخت مبالغ میلیونی برای آزاد کردن مدرک دوره لیسانس و فوق لیسانس» دانست و گفت: «خانواده‌ها فکر می‌کنند مبالغی که باید در آینده برای آزاد کردن مدرک پرداخت کنند، زودتر در سنین دانش‌آموزی برای اعزام فرزندان‌شان و تحصیل در کشورهای دیگر هزینه کنند تا از این شرایط رها شوند.»

آندسته از ایرانیان که توان مالی بالایی دارند نیز از طریق ویزاهای سرمایه‌گذاری، خرید ملک یا ثبت شرکت با خروج سرمایه خود از کشور در دیگر کشورها اقامت گرفته و مهاجرت می‌کنند. مهاجرت سرمایه‌گذاری از کشورهای همسایه مانند امارات و ترکیه تا کشورهای اروپایی و کانادا را شامل می‌شود.

● بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی رصدخانه مهاجرت ایران از کشور مهاجرت کرده و یا قصد مهاجرت از ایران را دارند.

● مدیر رصدخانه مهاجرت ایران اعلام کرده که حدود ۲۰ درصد مهاجرت کرده‌اند که از میان آنها فقط ۴ درصد قصد بازگشت به کشور دارند.

● مهاجرت ایرانیان از کشور به چهار صورت پناهندگی، مهاجرت کاری، مهاجرت تحصیلی و مهاجرت سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد.

رصدخانه مهاجرت ایران اعلام کرده که نتایج تازه‌ترین نظرسنجی این مرکز از افزایش علاقمندی به مهاجرت در میان ایرانیان حکایت دارد بطوری که ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان علاقه به مهاجرت از کشور به دلایل «اقتصادی» و «سیاسی» دارند. بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران در همایش فرصت‌های ایران در عصر دیجیتال از نتایج تازه‌ترین پایش این مرکز درباره مهاجرت از کشور رونمایی کرد. به گفته بهرام صلواتی تنها ۱۶ درصد از افراد شرکت‌کننده در این نظرسنجی، قصد ماندن در کشور را داشته‌اند. به بیان دیگر بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان مهاجرت کرده و یا قصد مهاجرت از ایران را دارند.

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران اعلام کرده که حدود ۲۰ درصد مهاجرت کرده‌اند که از میان آنها فقط ۴ درصد قصد بازگشت به کشور دارند و بیش از ۶۰ درصد تمایل دارند که مهاجرت کنند؛ این تعداد یا برای مهاجرت برنامه‌ریزی کرده‌اند یا اقدام. به گفته وی، شرایط کلی سیاسی و اقتصادی کشور دلیل ۸۰ درصد مهاجرت‌ها بوده. در سال گذشته عوامل اقتصادی بدترین و مهمترین عوامل بودند، اما الان عوامل سیاسی بدترین وضعیت را نشان داده‌اند و خودشان را مسلط کرده‌اند. مهاجرت ایرانیان از کشور به چهار صورت پناهندگی، مهاجرت کاری، مهاجرت تحصیلی و مهاجرت سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد.

آمارهایی که رصدخانه مهاجرت ایران ماه گذشته از پناهجویی ایرانیان ارائه داد نشان می‌داد در حال حاضر ۳۴۷۰ مهاجر غیرقانونی ایرانی در مرزهای اتحادیه اروپا، در صد ورود به کشورهای اروپایی هستند. این گزارش افزوده که از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ ایرانیان با ۱۸ هزار و ۳۱۸ مهاجر غیرقانونی، بیشترین شمار را در عبور غیرقانونی با قایق در کانال مانش دارند. این رصدخانه یکی از دلایل اصلی مهاجرت ایرانیان را نوع حکمرانی جمهوری اسلامی و شدت گرفتن بحران اقتصادی عنوان کرده است.

رصدخانه مهاجرت ایرانیان در این گزارش نوشته که «در کنار مهاجرت‌های اختیاری اعم از کاری و تحصیلی، مهاجرت‌های اجباری و پناهجویی نشانگرهای بسیار واقعی‌تر و در عین حال تلخ‌تر از میزان ظرفیت کشور موطن برای حفظ انسان‌هایی است که در آن سرزمین چشم به دنیا گشوده و پرورش یافته‌اند و نیاز به زیست همراه با امید، آسایش و امنیت دارند.»

بریتانیا یکی از مقاصد ایرانیان مهاجر است؛ بر اساس آمار «هوم آفیس» از مهاجران غیرقانونی وارد شده با قایق به بریتانیا، حدود ۸۹ هزار مهاجر غیرقانونی در ۵ سال در تلاش برای ورود به خاک بریتانیا بودند.

همچنین سهم ایرانیان از مهاجران غیرقانونی وارد شده به بریتانیا در سال ۲۰۱۸ شامل ۸۰ درصد از کل مهاجران غیرقانونی وارد شده به این کشور بوده است.

استعفای وزیر ورزش و جوانان همزمان با تقدیم طرح استیضاح به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی



سایا نبود و سایایی‌ها آن را اجاره کرده بودند. مورد دیگر مهمم پرداخت حدود ۱۰۰ هزار دلار به افرادی بود که وجود خارجی نداشتند. در زمان مدیریت سجادی در مجموعه ورزشی سایا قیمت بازیکن نهایتاً ۱۰۰ میلیون تومان بود، اما باشگاه سایا به عکاس سایا ۱۵۰ میلیون تومان برای عکاسی و فیلمبرداری پرداخت کرده بود، همچنین ۲۴ میلیون به یک شرکت تبلیغاتی داده بود در حالی که کار شرکت تبلیغاتی کسب درآمد برای باشگاه بود.

در زمان حضور محمد عباسی به عنوان وزیر ورزش و حمید سجادی به عنوان معاون ورزش قهرمانی این وزارت، چندین میلیارد تومان (دلار ۱۲۰۰ تومانی) به منظور تجهیز پایگاه‌های ورزش قهرمانی کشور از طرف دولت تخصیص پیدا کرد. این اعتبار که در آن زمان می‌توانست موجب تحول اساسی ورزش کشور شود اما با گذشت حدود ۱۰ سال معلوم نیست چه سرنوشتی پیدا کرده است.

وزیر ورزش و جوانان به دلیل همین پرداخت‌ها و امضاهای مبهم و مشکوک با پرونده قضایی هم روبرو شد و به همین دلیل مسیر فعالیت‌های خود را به سمت فعالیت‌های اقتصادی، ثبت شرکت‌های متعدد و ایجاد درآمدهای نجومی تغییر داد.

تمرکز بر فعالیت‌های اقتصادی همزمان با داشتن مسئولیت در بخش‌های مدیریتی از جمله ابهامات درباره تخلفات مالی وزیر ورزش و جوانان دولت رئیسی است. او طی سال‌های گذشته در بنگاه‌های اقتصادی مهم و خرساز چون «پرشیا خودرو»، پروژه «ایران مال» و باشگاه «گل گهر» سیرجان حضور داشته است.

با اینهمه نمایندگان مجلس یازدهم به او به عنوان وزیر ورزش و جوانان رأی اعتماد دادند اما در دو سال گذشته چهار کارت زرد از همان نمایندگان دریافت کرد و اکنون در آستانه استیضاح ناچار به استعفا شد.

عملکرد باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس و حاشیه‌های پناهندگی ورزشکاران و همراهی آنها با اعتراضات مردم در یکسال اخیر از جمله مواردیست که حمید سجادی را زیر ضرب انتقاد نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار داد.

استیضاح، برکنار شده است. پیشینه و سوابق حمید سجادی دارای ابهامات زیادی بوده که حتی رأی اعتماد نمایندگان به او برای پست وزارت ورزش و جوانان را زیر سوال می‌برد. سید حمید سجادی هزاره معروف به حمید سجادی متولد ۱۳۴۸ و از جمله مدال‌آوران و رکوردداران در شاخه‌های دو استقامت و نیمه استقامت ایران است. او از اوایل دهه ۸۰ خورشیدی وارد سمت‌های اجرایی مدیریتی در جمهوری اسلامی شد و از سال ۸۷ تا ۸۸ مدیرعامل و عضو موظف هیأت مدیره شرکت فرهنگی ورزشی سایا و از سال ۱۳۸۸ تا رسیدن به وزارت در دولت رئیسی، جزو معاونان ارشد در وزارت ورزش و جوانان بود.

سجادی همچنین سمت‌های رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مؤسسه ورزش و تفریحات سالم منطقه آزاد کیش، مسئول بسیج اعضای هیأت علمی دانشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، معاون فرهنگی ورزشی شرکت ورزشی شهر سالم شهرداری تهران، مدیر طرح و تأمین شبکه رادیویی ورزش، مجری و کارشناس برنامه‌های ورزشی صداوسیما جمهوری اسلامی را در کارنامه دارد.

حمید سجادی در دوران مدیریت در سایا حاشیه‌های زیادی به وجود آورد. او با هزینه گزاف لیت بارسکی مربی آلمانی را به تیم فوتبال سایا آورد که بر اساس گزارش‌ها این مربی آلمانی پس از باخت سنگین در مقابل بنیادکار ازبکستان به صورت مخفیانه و پس از گرفتن همه پولش از ایران رفت و به تعهداتش عمل نکرد.

در موضوع لیت بارسکی پرونده اختلاس ۱۲۵ میلیون تومانی مترجم این مربی هم مطرح شد که در نوع خود از فجایع فوتبال ایران در دوران جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. در همان زمان کوتاه مدیریت سجادی در سایا، مبالغ کلانی پاداش بی‌حساب و کتاب به افرادی پرداخت شد که وجود خارجی نداشت (چیزی حدود ۱۰۰ هزار دلار) یا بابت تأمین لباس سایا پول کلانی به عضو هیأت مدیره سایا پرداخت شد در حالی که تبلیغ برند لباس روی پیراهن سایا قرار داشت. همچنین در یک نمونه دیگر ۱۰۰ میلیون تومان برای نگهداری زمینی پرداخت شد که در مالکیت

● وزیر ورزش و جوانان در دوران فعالیت خود در این سمت با انتقادات زیادی روبرو بود و بارها تا آستانه استیضاح پیش رفته بود و چهار کارت زرد نیز از مجلس شورای اسلامی دریافت کرده است.

● عملکرد باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس و حاشیه‌های پناهندگی ورزشکاران و همراهی آنها با اعتراضات مردم در یکسال اخیر از جمله مواردیست که حمید سجادی را زیر ضرب انتقاد نمایندگان مجلس قرار داد.

● پیشینه و سوابق حمید سجادی دارای ابهامات زیادی بوده است که حتی رأی اعتماد نمایندگان به او برای پست وزارت ورزش و جوانان را زیر سوال می‌برد.

حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان جمهوری اسلامی همزمان با ارائه طرح استیضاح‌اش به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی از سمت خود استعفا داد. حمید سجادی پیشتر ۴ کارت زرد از مجلس شورای اسلامی دریافت کرده بود. رسانه‌ها در ایران امروز دوشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۲ خبر استعفای حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان جمهوری اسلامی را منتشر کردند. در استعفای وزیر ورزش عنوان شده وی «به دلیل سقوط بالگرد و شرایط نامساعد جسمانی» این تصمیم را گرفته و این استعفا را به دفتر ریاست جمهوری ارسال کرده است.

وزیر ورزش و جوانان در مدت فعالیت خود در این سمت با انتقادات زیادی روبرو بود و بارها تا آستانه استیضاح پیش رفته بود و چهار کارت زرد نیز از مجلس شورای اسلامی دریافت کرده است. طرح استیضاح او امروز همزمان با اعلام استعفایش از سوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام وصول می‌شد.

علیرضا سلیمی عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفته که در نشست امروز با تصمیم هیئت رئیسه استیضاح حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان اعلام وصول می‌شود. علیرضا سلیمی توضیح داده که «طبق این تصمیم و با توجه به اینکه حمید سجادی تاکنون ۴ کارت زرد از مجلس دریافت کرده، استیضاحش طبق ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی اعلام وصول می‌شود.»

بر اساس ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی چنانچه کارت زردهای یک وزیر، از سه مورد بیشتر شود، طرح استیضاح او بدون نیاز به بررسی در کمیسیون مرتبط، توسط هیأت رئیسه اعلام وصول می‌شود.

مجتبی یوسفی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته در گفتگوی با خبرنگاری دانشجو گفته بود: «سجادی آبروی ایران را در سطح جهانی برده و دولت قول داده تا آخر هفته او برکنار شود، در غیر اینصورت مجلس او را استیضاح خواهد کرد.»

مجتبی یوسفی همچنین تأکید کرده بود که «استیضاح وزیر ورزش از سال گذشته کلید خورده دولت هم همان موقع قول تغییر داد اما اتفاقی نیافتاد.» این نماینده مجلس با اطمینان گفته بود که «قرار است طی روزهای آینده، وزیر ورزش برکنار شود اگر دولت به وعده‌اش عمل نکند، نمایندگان برای استیضاح وی تعلل نخواهند کرد.»

اکنون مشخص نیست وزیر ورزش و جوانان با خواست خودش استعفا داده یا با فشار دولت برای عدم عزل در پی

تحریم شش ایرانی مرتبط با ساخت و ارسال پهپاد به روسیه «استفاده از موتورهای ایرلندی» در پهپادهای ساخت سپاه



در ایران ساخت پهپاد بین یگان‌های مختلف در نیروهای مسلح به یک رقابت تبدیل شده است

حوثی‌ها از آن استفاده کرده بودند و همچنین یک دهه قبل شبه‌نظامیان در سودان نیز استفاده می‌کردند، شناسایی شده بود.

دیمیتر شچدرین یک دیپلمات در سفارت اوکراین در دویلین گفت که از گزارش‌های استفاده از محصولات غربی در تجهیزات نظامی روسیه آگاه است.

وی توضیح داد: «این ثابت می‌کند که روسیه سخت تلاش می‌کند تا راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌های موجود پیدا کند و سلاح‌هایی برای کشتن اوکراینی‌ها بسازد. به همین دلیل است که ما با شرکای خود کار می‌کنیم و توصیه‌هایی درباره محدودیت‌هایی که می‌توان اعمال کرد و چه کنترل‌هایی را باید تقویت کرد، ارائه می‌کنیم.»

مدیران شرکت Tillotson در بیانیه‌ای اعلام کردند استفاده از محصولات خود در سایر تولیدات را بسیار جدی می‌گیرند. در این بیانیه آمده است: «اگرچه ما [محصولات] را برای کاربردهای نظامی طراحی نمی‌کنیم، اما برخی از موتورهای کوچک‌تر که از محصولات ما استفاده می‌کنند می‌توانند برای این منظور استفاده شوند. بنابراین ما اقدامات بیشتری را برای نظارت بر این کاربرد دوگانه انجام می‌دهیم.»

هرچند دولت‌های غربی به دنبال استفاده از ساز و کار تحریم‌ها برای مهار تهدیدات جمهوری اسلامی به ویژه برای توقف برنامه‌های اتمی و موشکی تهران هستند اما به نظر می‌رسد رژیم ایران حتا با هزینه‌های گزاف، راه دور زدن تحریم‌ها را پیدا کرده است.

یک سال پس از آغاز حمله روسیه به اوکراین در شرایطی که سرویس‌های اطلاعاتی غربی مطلع شده بودند که رژیم ایران از راه هوایی و دریایی اقدام به ارسال تسلیحات نظامی برای روسیه می‌کند، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی گفته بود «اروپایی‌ها نمی‌توانند با سپاه هم‌واردی کنند و ایران اسلامی تجربه زمین زدن قدرت‌های بزرگ را دارد و ایران امروز از اراده اروپا برای تحریم عبور کرده است.»

پروآرپارس
-محمدرضا محمدی، عضو هیئت مدیره شرکت پروآرپارس
-محسن اسدی، عضو هیأت مدیره شرکت پروآرپارس
-فریدون محمدی سقایی، معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوافضای سپاه پاسداران

بررسی‌ها نشان می‌دهد شرکت «پروآرپارس» سازنده انواع هواپیماهای سبک مثل جاپروپلن و کایت‌های موتوردار و برخی نمونه‌های پهپاد است و تحت عنوان «باشگاه سپهر» آموزش خلبانی و مهندسی همین تولیدات را نیز ارائه می‌دهد. این شرکت در شرق تهران نزدیک بزرگراه «بابایی» بعد از دانشگاه افسری سپاه کنار جاده تلو (جاده لوسان) قرار دارد. روزنامه «کی‌یف پست» با اشاره به تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی می‌نویسد یک پهپاد «شاهد» ساخت ایران که ۱۸ ژوئیه توسط پدافند هوایی اوکراین بر فراز میکولائیف در جنوب این کشور سرنگون شد، روی موتور آن به وضوح عبارت «ساخت ایرلند» دیده می‌شد. وزارت بازرگانی ایرلند گفته است که در حال بررسی چگونگی ورود قطعات ایرلندی به چرخه تولید این پهپاد است.

همزمان گزارش شده که بعضی کیت‌های الکترونیک و تراشه‌های ساخت کشورهای غربی در موشک‌های به کار رفته روسیه که به اوکراین شلیک شده نیز شناسایی شده‌اند. منابع ایرلندی اما گزارش دادند که نمی‌توان ثابت کرد قطعاتی که در پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی به کار رفته لزوماً ساخت کارخانجات ایرلند باشد. از جمله قطعات شرکت «Tillotson» که نمونه‌های تقلبی آن در بازار زیاد است.

روزنامه «آیریش تایمز» می‌نویسد سال گذشته، تحقیقاتی توسط Conflict Armaments Research نشان داد که یک پهپاد جاسوسی روسی که توسط نیروهای اوکراینی سرنگون شده بود، حاوی قطعاتی با نام تجاری Tillotson بود که مشخص شد قاچاقی بوده است. اجزای موتور با نام تجاری Tillotson در پهپادهایی که

● اتحادیه اروپا شش ایرانی را به دلیل ارتباط با ارسال پهپاد به روسیه و ارسال سیستم‌های دفاع هوایی به رژیم سرکوبگر بشار اسد تحریم کرد.

● دو نفر از این افراد عضو اصلی هیئت مدیره شرکت صنایع هوایی قدس و چهار نفر از آنها مدیران شرکت «پروآرپارس» هستند که در شرق تهران فعال است.

● یک پهپاد «شاهد» ساخت ایران توسط پدافند هوایی اوکراین بر فراز میکولائیف در جنوب این کشور سرنگون شده که روی موتور ثبت شده: «ساخت ایرلند»

● منابع ایرلندی اما گزارش دادند که نمی‌توان ثابت کرد قطعاتی که در پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی به کار رفته لزوماً ساخت کارخانجات ایرلند باشد. از جمله قطعات شرکت «Tillotson» که نمونه‌های تقلبی آن در بازار زیاد است.

اتحادیه اروپا روز پنجشنبه ۲۰ ژوئیه (۲۹ تیرماه) با صدور بیانیه‌ای تحریم‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی به دلیل حمایت از روسیه در جنگ علیه اوکراین با ارسال پهپاد و حمایت از رژیم بشار اسد با ارسال سیستم‌های دفاع هوایی اعمال کرد.

در این تحریم‌ها صادرات هرگونه قطعات مورد استفاده در ساخت و تولید پهپاد از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ایران ممنوع اعلام شد. همچنین اعلام شد افرادی که اقدام به این کار کنند در فهرست تحریم‌ها قرار خواهند گرفت. شورای وزیران اتحادیه اروپا نام شش فرد ایرانی را نیز در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

اسامی افرادی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند به این شرح است:

-حمیدرضا شریفی تهرانی، عضو اصلی هیئت مدیره شرکت صنایع هوایی قدس
-علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
-محمدصادق حیدری موسوی، عضو هیئت مدیره شرکت

الحاق موشک «ابو مهدی» به نیروی دریایی ارتش و سپاه علیرضا تنگسیری: «انشاءالله به برکت ایام امام حسین بر سر دشمنان در دریا تلافی کنیم»



مراسم الحاق موشک کروز دریایی «ابو مهدی» به نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / عکس: ایرنا

تنگسیری: انشاءالله بر سر دشمنانمان تلافی کنیم
علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه گفته «یکی از کارهایی که این موشک می‌تواند انجام دهد، دورسازی دشمن از سواحل کشور است.»
وی توضیح داده «یکی از قابلیت‌های دیگر موشک ابو مهدی این است که می‌تواند چندین هدف را دنبال و با دور زدن اهداف از پشت به آنها حمله کند.» مشخص نیست این ادعاها در مورد موشک‌هایی که در صنایع دفاع جمهوری اسلامی ساخته می‌شوند تا چه اندازه واقعی است.
تنگسیری همچنین گفته «انشاءالله به برکت این ایام که متعلق به امام حسین است و به برکت نام شهید ابو مهدی که به‌دست آمریکای جنایتکار ناحق و مظلومانه به شهادت رسید، بتوانیم آن را در دریا بر سر دشمنانمان تلافی کنیم.»

خبرگزاری تسنیم از روغایی این موشک ویدئویی منتشر کرده که در آن گفته می‌شود: «دشمن ابو مهدی را از مقاومت گرفت اما با ابومهدی‌ها چه می‌کند؟!»
در شرایطی که مذاکرات اتمی به بن‌بست رسیده، جمهوری اسلامی چند هفته متوالی است که اقدام به روغایی از انواع موشک‌های بالستیک دوربرد و موشک‌های میان‌برد می‌کند.
اتحادیه اروپا اوایل تیرماه به جمهوری اسلامی اطلاع داد که تحریم‌های مربوط به موشک‌های بالستیک ایران که طبق برجام قرار بود ۲۶ مه‌ماه ۱۴۰۲ لغو شود دوباره تمدید خواهد شد.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حملات ایذایی علیه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری خارجی در خلیج فارس و دریای عمان را افزایش داده‌اند. به همین دلیل تهران میزبانی نشست سازمان بین‌المللی دریانوردی سازمان ملل متحد (IMO) را که قرار بود پاییز سال ۲۰۲۳ برگزار شود از دست داد.

ناوشکن‌های دشمن را بطور کامل منهدم و نابود کنیم.»
آشتیانی مدعی شده «قطعا توانمندی‌هایی که ما به دنبال آن هستیم در مسیر صلح و دوستی و برادری است و قطعاً ضامن ثبات و امنیت در منطقه خواهد شد.»

طبق اظهارات وزیر دفاع جمهوری اسلامی، شرکت‌های دانش‌بنیان و دانشگاه‌ها در ساخت این موشک به صنایع دفاع کمک کرده‌اند.

نام این موشک برگرفته از نام «ابومهدی المهندس» رهبر شبه‌نظامیان «کتاب حزب‌الله» عراق است که دی‌ماه سال ۱۳۹۸ به همراه قاسم سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد توسط پهپادهای آمریکایی هدف قرار گرفت و کشته شد.



مراسم الحاق موشک «ابو مهدی» به یگان‌های سپاه و ارتش

● ادعا شده بُرد این کروز دریایی بیش از هزار کیلومتر است که محدوده پوشش دفاع دریایی جمهوری اسلامی ایران را نسبت به قبل چندین برابر می‌کند و می‌تواند دامنه عملیاتی گسترده‌ای را تحت پوشش قرار دهد.

● محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی گفته: «قطعا توانمندی‌هایی که ما به‌دنبال آن هستیم در مسیر صلح و دوستی و برادری است.»

● علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته «انشاءالله به برکت این ایام که متعلق به امام حسین است و به برکت نام شهید ابو مهدی که به‌دست آمریکای جنایتکار به شهادت رسید، بتوانیم آن را در دریا بر سر دشمنانمان تلافی کنیم.»

سه‌شنبه سوم امرداد مراسم الحاق موشک بُرد بلند کروز دریایی با نام «ابو مهدی» به نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد.

ادعا شده بُرد این کروز دریایی بیش از هزار کیلومتر است که محدوده پوشش دفاع دریایی جمهوری اسلامی ایران را نسبت به قبل چندین برابر می‌کند و می‌تواند دامنه عملیاتی گسترده‌ای را تحت پوشش قرار دهد.

همچنین گزارش شد این موشک «قابلیت پرواز در ارتفاع پست و زیر دید رادارها را دارد و مسیر و ارتفاع خود را می‌تواند با توجه به عوارض جغرافیایی و سامانه‌های پدافندی دشمن تغییر دهد.»

به گفته محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی، در ساخت موشک «ابو مهدی» از هوش مصنوعی استفاده شده است.

وی به خبرنگاران گفت: «ما با تولید ابوه موشک ابومهدی قادر خواهیم بود از عمق خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران و اماکن کاملاً پنهان و با حداکثر سرعت، به اهداف متحرک دریایی دشمن شلیک کنیم و ناوها، ناوچه‌ها و

توصیه فریدون عباسی به دولت: جوگیر نشوید، اطلاعات فروش نفت را «محرمانه» نگه دارید!



جمهوری اسلامی ایران با نقض تحریم‌های آمریکا با استفاده از «کشتی‌های شیخ» اقدام به فروش نفت ارزان به چین می‌کند

نگرانی از اینکه فروش نفت ایران با وجود تحریم‌های آمریکا همچنان رو به افزایش است، از دولت بایدن خواستند اقدامات بیشتری برای مهار صادرات غیرقانونی انرژی ایران، به ویژه به چین انجام دهد.

با اینهمه رئیس پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی اوایل خردادماه اعلام کرد حداکثر فروش نفت ایران حدود ۲/۱ میلیون بشکه در روز است و حکومت ناچار است همین مقدار را نیز با تخفیف به مشتریان بفروشد.

عبدالناصر همتی در توییتی نوشت که درآمد ماهانه ایران از فروش نفت با تخفیف تنها ۲/۲ میلیارد دلار است. او نوشت عراق با صادرات روزانه ۳/۳ میلیون بشکه نفت در ماه آوریل، ۷/۷ میلیارد دلار درآمد داشت و سرانه ماهانه ۱۸۳ دلار را برای مردم خود تأمین کرد.

همتی در مقایسه میان ایران و عراق، درآمد کشور را معادل ۱۴ درصد درآمد همسایه غربی دانست و نتیجه‌گیری کرد که ایران که‌اکان با «کسری بودجه، تورم، رشد قیمت ارز و کاهش قدرت خرید مردم» روبروست.

خبرگزاری بلومبرگ فروردین سال ۱۴۰۲ در گزارشی نوشت که ایران هر بشکه نفت خود را ۱۲ دلار ارزان‌تر از نفت برنت به بازار عرضه می‌کند. سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان نفت می‌گوید این رقم به ۱۵ دلار هم می‌رسد.

طی سال‌های گذشته عوامل حکومت به بهانه محرمانه ماندن میزان فروش نفت و درآمدهای حاصل از آن، میلیارد‌ها دلار پول حاصل از فروش نفت را غارت کرده‌اند. بابک زنجانی در دوران محمود احمدی‌نژاد به اسم دور زدن تحریم‌ها پول کلانی به جیب زد.

مهدی نصیری مدیرمسئول پیشین روزنامه «کیهان تهران» فروردین ۱۴۰۲ در یک سخنرانی گفت «فرزند دبیر شورای عالی امنیت ملی شما که در این قصه‌ها (مذاکرات) نقش اول را دارد، صادرکننده اول نفت ایران هست... ۴۰ درصد نفت ایران را این آقا صادر می‌کند... بزرگان می‌گویند تحریم نعمت است بلکه سرشار از نعمت است برای آقا زادگان».

کشورها است ولی اینکه چقدر از پول فروش نفت را توانسته‌ایم نقد بیاوریم و از چه طریقی نیز این پول را توسط بانک‌ها جابجا کردیم، مواردی است که اتفاق افتاده اما درایت و سیاست کشور ایجاب می‌کند که این جزئیات رسانه‌ای نشود.

عباسی با تأکید بر اینکه وزارت نفت با رعایت مصالح کشور و امنیت تجاری فروش نفت را پیش می‌برد، تصریح کرد: «ما نیز به حرف وزیر استناد و تأیید می‌کنیم که هم نفت خود را فروخته و هم توانسته‌ایم پول آن را بیاوریم و هم تهاوت کالا انجام دهیم. بنده نیز توصیه می‌کنم مسئولان دولتی جوگیر نشوند و اطلاعات در این زمینه را بیرون ندهند».

طبق آمار اعلام شده از سوی دولت، در اردیبهشت سال ۱۴۰۲ فروش نفت ایران به روزانه ۹/۱ میلیون بشکه در روز رسید.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی اوایل تیرماه در مصاحبه با خبرگزاری «ایرنا» گفت روزانه ۸۰۰ هزار بشکه‌ای میعانات گازی در کشور تولید می‌شود و میعانات گازی از پیش ذخیره شده هم با وجود تحریم‌ها فروخته شده و میعانات روی آب به صفر رسیده است.

بر اساس داده‌های بولتن آماری سالانه اوپک که پنجم و ششم ژوئیه سال ۲۰۲۳ میلادی (۱۴ و ۱۵ تیرماه) منتشر شد ارزش صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۲ میلادی از مرز ۴۲ میلیارد دلار گذشت.

با وجود اینکه آمریکا ادعا می‌کند بر اجرای تحریم‌های نفتی ایران نظارت دارد اما طبق این گزارش ارزش صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۲ میلادی، به ۴۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسید که در مقایسه با رقم ۲۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ و ۷ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ و ۱۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش داشته است.

اواخر تیرماه ۱۴۰۲ گروهی از جمهوریخواهان سنا، با ابراز

● فریدون عباسی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از دولت خواسته راه‌های فروش نفت، بازگشت پول نقد حاصل از فروش و میزان فروش نفت را محرمانه نگه دارد و مقامات اطلاعات را فاش نکنند و در تجارت نفت «رمزگذاری» کنند.

● وی توصیه کرده «باید در فروش نفت که تحریم هستیم رمزگذاری داشته باشیم، کسی هم نباید بتواند این رمز را بشکند. اینکه آیا پول فروش نفت به کشور برگردانده می‌شود و از چه راهی، باز باید محرمانه بماند».

● مهدی نصیری مدیرمسئول پیشین روزنامه «کیهان تهران» فروردین ۱۴۰۲ در یک سخنرانی گفت «فرزند دبیر شورای عالی امنیت ملی شما که در این قصه‌ها (مذاکرات) نقش اول را دارد، صادرکننده اول نفت ایران هست... ۴۰ درصد نفت ایران را این آقا صادر می‌کند... بزرگان می‌گویند تحریم نعمت است بلکه سرشار از نعمت است برای آقا زادگان».

فریدون عباسی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از دولت خواسته راه‌های فروش نفت، بازگشت پول نقد حاصل از فروش و میزان فروش نفت را محرمانه نگه دارد و مقامات اطلاعات را فاش نکنند و در تجارت نفت «رمزگذاری» کنند.

به گزارش ایسنا عباسی، روز یکشنبه اول مرداد، گفت: «به اطلاعات اصلی و جزئیات اطلاعات فروش روزانه، ماهانه و سالانه نداریم. ممکن است اگر بنده سوال کنم جزئیات را به من بدهند اما اینکه چه میزان نفت و از چه راه‌هایی را می‌فروشیم، رسانه‌ای نمی‌کنیم».

وی توصیه کرده «ما باید در تجارت بین‌المللی خود و به‌خصوص فروش نفت که تحریم هستیم رمزگذاری داشته باشیم، کسی هم نباید بتواند این رمز را بشکند. اینکه آیا پول فروش نفت به کشور برگردانده می‌شود و از چه راهی، باز باید محرمانه بماند».

این نماینده می‌گوید: «تهاوت راه منطقی تجارت بین

اعتراض گسترده به صدور حکم مراجعه اجباری به روانشناس در پرونده‌های مرتبط با «حجاب»



رسمی، محکومیت هنرمند مشهور کشور در ارتباط با اتهام مستند به نوع پوشش چنین بوده است: «هر هفته یک بار با مراجعه به مراکز رسمی مشاوره و روانشناسی نسبت به درمان (بیماری روحی و شخصیت ضدخانواده) اقدام و در

منتشر شده و رسماً مورد تکذیب قرار نگرفته است. - در متن حکم آنطور که تصویر آن در رسانه‌ها منتشر شده چنین آمده است: «با مراجعه به مراکز رسمی روانشناسی و مشاوره نسبت به درمان بیماری



آزاده صمدی



افسانه بایگان

پایان دوره درمان گواهی سلامت خود را ارائه نماید. با توجه به ارتباط موضوع با رشته‌های روانپزشکی و روانشناسی موارد زیر به استحضار میرسد:

۱- آنچه در متن حکم به عنوان استدلال تشخیص یک بیماری به نام شخصیت ضداجتماعی بیان شده،

شخصیت ضداجتماعی (نیاز به دیده شدن از طریق عدم رعایت مقررات عمومی و رفتارهای ناپه‌نجا و ضداجتماعی) به صورت هر دو هفته یک بار اقدام و گواهی سلامت خود را در پایان دوره درمان ارائه نماید. - در مورد دیگری نیز بر اساس خبر مندرج در رسانه‌های

● در نامه رؤسای چهار انجمن علمی روانشناسی و روانپزشکی ایران آمده: تشخیص اختلالات روانی در صلاحیت روانپزشک است نه قاضی؛ همانگونه که تشخیص سایر بیماری‌ها در صلاحیت پزشکان است نه قضات.

● امضاکنندگان نامه تأکید کرده‌اند که «از برجسب زدن به رفتارهای افراد با عناوین تشخیص روانپزشکی باید پرهیز کرد.»

● برخی حقوقدانان و وکلای دادگستری نیز صدور چنین احکامی را مداخله در امور پزشکی و «شرم‌آور» دانسته‌اند.

در پی صدور حکم «مراجعه به مراکز رسمی روانشناسی و مشاوره» برای برخی هنرمندان زن در پرونده‌های مرتبط با «حجاب» چهار انجمن روانپزشکی و روانشناسی ایران در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه به «استفاده ابزاری» از روانپزشکی در دادگاه‌ها اعتراض کردند.

در روزهای گذشته صدور احکام علیه زنانی که پرونده‌های قضایی در رابطه با حجاب برای آنها تشکیل شده سرعت پیدا کرده است. در این میان چند بازیگر معروف سینما و تئاتر ایران نیز در دادگاه محکوم شدند. جمهوری اسلامی هرچند احکام غیرعادی را با هدف عذاب، از جمله شستن درگشتگان در غسالخانه، محکوم کرده برای برخی از متهمان نیز حکم «مراجعه به مراکز رسمی روانشناسی و مشاوره» را صادر کرده است. آزاده صمدی، بازیگر سینما و تلویزیون، محکوم شده هر هفته یکبار با مراجعه به مراکز رسمی روانشناسی و مشاوره نسبت به درمان «بیماری روحی و شخصیت ضد اجتماعی» اقدام کند. افسانه بایگان، دیگر بازیگر سینما، نیز به حبس تعزیری و مراجعه اجباری به مراکز روانشناسی برای درمان «بیماری روحی شخصیت ضد خانواده» محکوم شده است. در واکنش به صدور چنین احکامی چهار انجمن روانشناسی و روانپزشکی ایران در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه به این احکام اعتراض کرده و تأکید کرده‌اند که «تشخیص اختلالات روانی در صلاحیت روانپزشک است نه قاضی؛ همانگونه که تشخیص سایر بیماری‌ها در صلاحیت پزشکان است نه قضات.»

مجید صادقی رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران، بهروز دولت‌شاهی رئیس انجمن علمی روان‌درمانی ایران، احمدعلی نوربالا رئیس انجمن علمی پزشکی روان‌تنی ایران و حمیدرضا پورشریفی رئیس انجمن روانشناسی ایران امضاکنندگان این نامه هستند.

آنها تأکید کرده‌اند که «از برجسب زدن به رفتارهای افراد با عناوین تشخیص روانپزشکی باید پرهیز کرد.»

در بخشی از این نامه با اشاره به اینکه «سوء استفاده از روانپزشکی و روانشناسی تاریخی طولانی و تأسفار دارد» آمده که «برجسب زدن بر برده‌های نافرمان با تشخیص روانپزشکی در ایالات متحده آمریکا و حبس طولی‌المدت مخالفان کمونیسم در بیمارستان‌های روانی شوروی تنها دو نمونه از موارد سوء استفاده از روانپزشکی و روانشناسی در تاریخ بشر است.»

در نامه چهار انجمن علمی سلامت و روان به رئیس قوه قضاییه آمده است:

«- اخیراً حکم یکی از هنرمندان کشور با اتهام «بی‌حجابی در انتظار عمومی» در رسانه‌های فراگیر به شکلی گسترده

رضا پورحسینی رئیس دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران در حساب توئیترش نوشته که «جناب آقای اژه‌ای گرامی، «نظام ارجاع» به روانشناس و روانپزشک دارای روند علمی و حرفه‌ای است، تنها افراد متخصص می‌توانند افراد را به روانشناس و روانپزشک ارجاع دهند تا بیهوده به آنها برچسب نخورد.»

کامیوز نوروزی گفته که «روانشناسی یک رشته تخصصی است که روانپزشک و روانشناس باید درباره آن حرف بزنند، یک قاضی هرقدر هم فرد آگاهی باشد اصولاً صلاحیت تشخیص بیماری روانی ندارد و این به نوعی مداخله در امور پزشکی است.» محسن برهانی وکیل دادگستری نیز در یادداشتی نوشته که «اینهمه توهین و تحقیر و توهّم در یک رأی نسبت به یک شهروند عادی هم شرم‌آور است، چه برسد به هنرمندی که بخشی از خاطرات هنری ایرانیان است» و «هدف ارباب سائرین است با قربانی کردن معدودی از بازیگران؟ هیچ جامعه‌ای با تحقیر زنان و هنرمندان اصلاح نشد و تغییر نکرد.»

جمهوری اسلامی با «جرم» شمردن استفاده از پوشش اختیاری و عدم رعایت حجاب اجباری تلاش می‌کند تا آن را در کنار جرائم خلاف مانند رانندگی پس از صرف مشروبات الکلی و مواد مخدر قرار داده و جرم بودن پوشش اختیاری را عادی‌نمایی کند. از همین رو نیز علاوه بر انواع مجازات‌های ریز و درشت علیه زنان، مراجعه به روانشناس را که معمولاً در مورد برخی مجرمان، آنهم طبق نظر متخصصان روانشناسی که با نهادهای قضائی و دادگستری همکاری دارند، انجام می‌شود، در دستور کار خود قرار داده است تا فشار بیشتری بر جامعه وارد شود.

از بابت خدشه دار شدن وجهه روانپزشکی و روانشناسی کشور در جهان به دنبال دارد.

انجمنهای علمی زیر از جنابعالی تقاضا دارند برای اصلاح تبعات فردی و عمومی چنین احکامی دستور مقتضی صادر فرمایید. امید است با پیگیری و تلاش شما حساسیت در قبال سوءاستفاده از روانپزشکی/روانشناسی در بدنه قوه محترم قضاییه نهادینه و برکات آن نصیب جامعه و کشور شود. این انجمن ها مانند همیشه آماده اند در مسیر رشد و تعالی همه نظامات مرتبط با سلامت روان عمومی و از جمله حقوق مردم در ارتباط با بیماریهای روانپزشکی، وظیفه مشورتی و کارشناسی خود را ایفا نمایند.

اسامی امضاکنندگان:

دکتر مجید صادقی - رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران
دکتر احمدعلی نوربالا - رئیس انجمن علمی پزشکی روان تنی ایران

دکتر بهروز دولتشاهی - رئیس انجمن علمی رواندرمانی ایران
دکتر حمیدرضا پورشریفی - رئیس انجمن روانشناسی ایران

جدا از نامه رؤسای چهار انجمن علمی روانشناسی و روانپزشکی، شماری از روانشناسان و روانپزشکان نیز در اظهاراتی جداگانه از جمله گفتگو با رسانه‌های داخلی نسبت به صدور چنین احکامی انتقاد کرده‌اند.

ارسیا تقوا روانپزشک و عضو دبیرخانه همایش سلامت روان و رسانه، در یادداشتی خطاب به قضات جمهوری اسلامی نوشت: «آیا می‌دانید ارجاع اجباری به مراکز مشاوره چه تاثیری بر نظام سلامت و اعتماد عمومی دارد؟»

همچنین برخی حقوقدانان و وکلای دادگستری نیز صدور چنین احکامی را مداخله در امور پزشکی و «شرم‌آور» دانسته‌اند.

متناسب، منطقی و قانع کننده نیست. همچنین عنوان تشخیصی «بیماری روحی و شخصیت ضدخانواده» عنوانی غیرعلمی و غریب و به کارگیری آن برای اهل فن ناپاوارانه است.

۲- تشخیص اختلالات روانی در صلاحیت روانپزشک است نه قاضی؛ همانگونه که تشخیص سایر بیماری ها در صلاحیت پزشکان است نه قضات.

۳- ارجاع افراد به مراکز روانشناسی و مشاوره جهت اعمال تغییر در سبک زندگی و انتخابهای فردی آنها متعارض با اصل خودمختاری به عنوان یکی از اصول اخلاقی این حرفه است.

۴- از برچسب زدن به رفتارهای افراد با عناوین تشخیصی روانپزشکی باید پرهیز نمود. چنین برخوردی هم از جهت گسترش و برجسته سازی «انگ بیماریهای روانی» در ذهنیت افراد جامعه نتیجه ای ناخوشایند خواهد داشت و هم به تشدید خودداری مردم نیازمند درمان از پیگیری درمان ضروری خود دامن خواهد زد و بر موانع اجتماعی دسترسی به خدمات سلامت روان خواهد افزود.

۵- سوءاستفاده از روانپزشکی/روانشناسی تاریخی طولانی و تأسف بار دارد. برچسب زدن بر پرده های نا فرمان با تشخیص روانپزشکی در ایالات متحده آمریکا و حبس طولی امدت مخالفان کمونیسم در بیمارستانهای روانی شوروی تنها دو نمونه از موارد سوءاستفاده از روانپزشکی/روانشناسی در تاریخ بشر است. بکارگیری تشخیص روانپزشکی برای تنبیه افراد، صورتی از چنین سوءاستفاده ای است و پیامدهای جبران ناپذیری چه از جنبه نقض کرامت انسانهای هدف تحقیر، چه از زاویه آسیب دیدن جایگاه اجتماعی افراد کثیر مبتلا به مشکلات سلامت روان در جامعه، چه از نظر دشوارتر شدن ارائه خدمات سلامت روان به نیازمندان، و چه



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

در گزارش‌ها آمده است که با شکایت خانواده سه نوجوان بسیجی، پرونده‌ی «لواط» و «تجاوز» علیه ابوزر روحی مداح و خواننده «سلام فرمانده» در دادگستری شهرستان لنگرود تشکیل شده است.

خانواده و پدران پاسدار این سه نوجوان به نام‌های عباس ر، محمد ج، و سیدامیرعلی ط، که پسرانشان دانش‌آموزان بسیجی «پایگاه مقاومت ولایت» لنگرود هستند، برای پس گرفتن شکایت و اعلام رضایت، توسط فرمانده سپاه منطقه تحت فشار و تهدید قرار گرفته‌اند. بازپرس پرونده در شعبه دوم بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب لنگرود نیز به آنان هشدار داده است که پس از صدور قرار منع تعقیب به نفع مداح و خواننده حکومتی، به اتهام تهمت و افترا به مجازات تازیانه محکوم خواهند شد.

این در حالیست که تجاوز ابوزر روحی به یکی از این نوجوانان به اندازه‌ای فجیع بوده که قربانی سه روز در بیمارستان بستری شده و مورد عمل جراحی قرار گرفته است. همچنین گزارش پزشکی قانونی، لواط و دخول به هر سه نوجوان را تأیید می‌کند.

یکی از نوجوانان در بازپرسی گفته است: روحی با تعداد زیادی از دوستانش در زمان تمرین همخوانی سرود سلام فرمانده لواط کرده، اما آنها برای حفظ آبرو خانواده‌شان از شکایت صرف نظر کردند.

رکورد جدید نسبت پول به نقدینگی در ایران افزایش تورم و گسترش فقر در آینده نزدیک



● حجم کل نقدینگی در اقتصاد ایران در پایان سال گذشته از مرز ۶ هزار و ۳۳۷ هزار میلیارد تومان عبور کرد. نرخ رشد پول یا همان بخش تورم‌زای نقدینگی، در سال ۱۴۰۱ سرعت گرفته و با افزایش ۲۲/۴ واحد درصدی به ۶۵/۴ درصد رسیده است.

● گزارش جدید بانک مرکزی با هشدار درباره افزایش تورم در آینده نزدیک همراه است.

آخرین گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد با وجود کاهش نرخ رشد نقدینگی، بخش تورم‌زای آن یعنی «پول» با سرعت بالایی افزایش یافته و نسبت پول به نقدینگی بار دیگر رکورد جدیدی در اقتصاد کشور ثبت کرده است.

بانک مرکزی آخرین آمارها از جزئیات متغیرهای پولی و اعتباری در اسفندماه گذشته را منتشر کرده است. بر اساس این گزارش نرخ رشد پایه پولی در سال گذشته ۱۰/۸ واحد درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر نرخ رشد نقدینگی در سال گذشته با کاهش ۷/۹ واحد درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ مواجه شد و به ۳۱/۱ درصد رسید.

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد حجم کل نقدینگی در اقتصاد ایران در پایان سال گذشته از مرز ۶ هزار و ۳۳۷ هزار میلیارد تومان عبور کرد که از میزان سهم پول معادل هزار و ۶۲۹ هزار میلیارد تومان و سهم شبه‌پول، چهار هزار و ۷۰۷ هزار میلیارد تومان بود.

به این ترتیب نسبت پول به نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۱ به ۲۵/۷۱ درصد رسید. رقمی که در ابتدای سال معادل ۱۹/۷۴ درصد بود و تنها در طول یک سال، حدود ۶ درصد رشد کرد تا رکوردی جدید را ثبت کند.

از سوی دیگر اگرچه در سال ۱۴۰۱، سرعت رشد نقدینگی با کاهش ۷/۹ واحد درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ مواجه شده، اما این اتفاق نه به دلایل زیرساختی، بلکه به علت کاهش نرخ رشد شبه‌پول از ۳۸/۱ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۲۲/۴ درصد بوده است. این در حالیست که نرخ رشد پول یا همان بخش تورم‌زای نقدینگی، در سال ۱۴۰۱ سرعت گرفته و با افزایش ۲۲/۴ واحد درصدی به ۶۵/۴ درصد رسیده است. گفتنی است نقدینگی از دو جزء پول و شبه‌پول تشکیل شده که «پول» شامل سپرده‌های دیداری و اسکناس و مسکوک در دست اشخاص است. سپرده‌های دیداری هم آندسته از سپرده‌ها هستند که سپرده‌گذار از آنها سودی دریافت نمی‌کند، اما می‌تواند از آن برداشت کند. شبه‌پول نیز بخشی از نقدینگی است که قدرت نقدشوندگی کمتری نسبت به پول دارد و شامل سپرده‌های مدت‌دار، اوراق بدهی، اسناد خزانه و... می‌شود.

گزارش جدید بانک مرکزی به دلیل رکوردشکنی نسبت پول به نقدینگی قابل توجه و البته هشدارآمیز است. رکوردشکنی نسبت پول به نقدینگی که یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی سیالیت نقدینگی در اقتصاد است و آمار جدید ارائه شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد برخلاف تبلیغات گسترده تیم اقتصادی دولت، امیدواری نسبت به کاهش نرخ نقدینگی وجود ندارد.

رشد افسارگسیخته نسبت پول به نقدینگی سبب افزایش انتظارات تورمی خواهد شد. به عقیده کارشناسان «سرکوب نرخ بهره» که یکی از سیاست‌های دولت بوده در کنار

گزارش داد که نرخ فقر در برخی استان‌های ایران به شرایط نگران‌کننده‌ای رسیده بطوری که بیشتر از ۸۰ درصد جامعه روستایی و ۴۵ درصد جامعه شهری سیستان و بلوچستان فقیر هستند و زمان تخصیص یارانه معیشتی، تقریباً تمام ساکنان این استان بجز گروه بسیار کوچکی مستحق یارانه شناخته شدند.

به گفته این پژوهشگر اقتصاد، بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت چاپهار، ۴۰ درصد جمعیت بندرعباس و ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند. همچنین فقر خشن به حدی رسیده که بر اساس گزارش وزارت راه و شهرسازی، دهک اول درآمدی برای خانه‌دار شدن به ۲۴۸ سال زمان نیاز دارد.

بر اساس آمار اعلام شده از سوی معاون اقتصادی و رفاه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حال حاضر ۲۴ میلیون نفر در کشور مشمول دریافت کالابرگ هستند که «احتمال دارد» در آینده اعتبار مازاد برای دهک‌های ۴ تا ۹ هم اجرا شود و در این صورت ۹۰ درصد جمعیت کشور شامل دریافت کالابرگ می‌شوند.

مسعود دانشمند تحلیلگر اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی ایران نیز تیرماه جاری گفته که «تفاوت بین هزینه‌های واقعی زندگی و درآمدها نه تنها منجر به کوچک شدن سفره مردم می‌شود، بلکه به افزایش نارضایتی‌های عمومی نیز دامن می‌زند. یکی از اشکال نارضایتی، ناهنجاری‌های اجتماعی رشد نرخ طلاق است.»

به گفته مسعود دانشمند «در شهر تهران، اکثر کارگران و کارمندان، شغل دوم دارند. مشاغل دوم، افراد را

«افزایش انتظارات تورمی» باعث می‌شود مردم منتظر افزایش بیشتر قیمت‌ها در آینده نزدیک باشند؛ بنابراین پول‌های خود را از سپرده‌های مدت‌دار خارج کرده و صرف خرید دارایی‌های مختلف می‌کنند که این اقدام یکی از دلایل افزایش تورم است. در نتیجه گزارش جدید بانک مرکزی با هشدار درباره افزایش تورم در آینده نزدیک همراه است.

این در حالیست که بیشتر اقشار در ایران توان تحمل بار تورمی بیشتر را ندارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ایران جزو ۱۰ کشوری است که در فاصله زمانی اسفند ۱۴۰۰ تا اسفند ۱۴۰۱ با بیشترین تورم اسمی و واقعی مواد غذایی روبرو بوده است.

بخش گسترده‌ای از جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارند و آمارها نشان می‌دهد وضعیت فقر در ایران می‌رود که به یک بحران همه‌جانبه و غیرقابل کنترل تبدیل شود.

در جدیدترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده است که نرخ خط فقر طی یک دهه، از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. محمد باقری بنابی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز گفته است که خط فقر در تهران ۳۰ میلیون تومان است.

این در حالیست که نسبت به آمارهای واقعی ارائه شده از سوی نهادهای حکومتی درباره فقر تردید وجود دارد. آمارهای ارائه شده از سوی هر یک از مقامات و یا پژوهشگران اقتصادی نیز با یکدیگر متفاوت است چون به آمارهای واقعی و قابل اعتماد دسترسی ندارند.

حجت میرزایی پژوهشگر اقتصادی اردیبهشت امسال

آسوشیتدپرس: آرژانتین از دولت بولیوی خواسته در مورد توافق نظامی با رژیم ایران توضیح دهد



ادموندو آگیلار و محمدرضا آشتیانی وزرای دفاع بولیوی و جمهوری اسلامی در تهران توافقنامه همکاریهای نظامی امضاء کردند / ۲۵ تیرماه ۱۴۰۱

سازمان یهودیان آرژانتین «DAIA» به دولت آرژانتین نسبت به «خطرات امنیت آرژانتین و منطقه» به دلیل توافق نظامی ایران و همچنین پیامدهای ارتباط رژیم ایران با حزب الله لبنان که در آمریکای لاتین نفوذ دارد هشدار داده است.

این سازمان در یک بیانیه از دولت آرژانتین خواست تا این توافق را محکوم کند و از بولیوی بخواهد در تصمیم خود تجدید نظر نماید.

فدریکو پیندو سناتور سابق آرژانتینی نیز در همین ارتباط انتقاداتی را مطرح کرده است. وی در توییتر نوشت: «ما از اینکه کشور دوست مانند بولیوی با حکومت ایران، رژیمی که با آرژانتین بر سر تروریسم درگیر است، توافق امنیتی و دفاعی امضا کرده است، ابراز تاسف می‌کنیم».

بولیوی و جمهوری اسلامی ایران در دوران دولت رئیس اوو مورالس و محمود احمدی‌نژاد روابط بسیار نزدیکی داشتند. این همسویی باعث اختلافات دیپلماتیک با آرژانتین شد، به ویژه در سال ۲۰۱۱ زمانی که بولیوی به اصرار بوئنوس آیرس، وزیر دفاع وقت رژیم ایران، احمد وحیدی، را اخراج کرد. دادستان‌های آرژانتین وحیدی را یکی از طراحان اصلی حمله آمیا می‌دانند. سردار پاسدار احمد وحیدی هم‌اکنون وزیر کشور جمهوری اسلامی در دولت سیدابراهیم رئیسی است. توافق‌نامه‌ی همکاری‌های نظامی را ادموندو آگیلار و محمدرضا آشتیانی وزرای دفاع بولیوی و جمهوری اسلامی ۲۵ تیرماه ۱۴۰۱ در تهران امضاء کردند.

آشتیانی گفته بود «با توجه به نیازمندی‌های کشور بولیوی در حوزه دفاع مرزی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر سعی شد در زمینه تجهیزات، تعاملاتی با این کشور داشته باشیم که این همکاری می‌تواند الگویی برای سایر کشورها در آمریکای جنوبی باشد.» رژیم‌های ایران و بولیوی امرداد سال ۱۳۹۷ نیز توافقنامه‌ای مشابه امضاء کرده بودند. در همان زمان نیز منابع بریتانیایی گزارش دادند که بولیوی به دنبال خرید پهپاد از ایران است.

محمدباقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی گفته بود قرار است دامنه همکاری‌های نیروهای مسلح ایران و بولیوی فنی، دفاعی، تسلیحاتی، خانه‌سازی، ساخت بیمارستان و نظایر آنها باشد.

● گوستاوو آلیاگا دبیر کمیته دفاع و نیروهای مسلح در مجلس نمایندگان بولیوی به آسوشیتدپرس گفت: «وزیر دفاع باید توضیح دهد چرا با کشوری توافق امضاء شده که در صحنه بین‌المللی پُر از دردسر است؟»

● سازمان یهودیان آرژانتین «DAIA» به دولت آرژانتین نسبت به «خطرات امنیت آرژانتین و منطقه» به دلیل توافق نظامی ایران و همچنین پیامدهای ارتباط رژیم ایران با حزب الله لبنان که در آمریکای لاتین نفوذ دارد هشدار داده است.

توافقنامه همکاری‌های نظامی که میان وزرای دفاع جمهوری اسلامی و دولت چپ‌گرای بولیوی امضاء شد با انتقاد شدید آرژانتین و یهودیان این کشور روبرو شده است.

دولت آرژانتین و اعضای اپوزیسیون بولیوی روز دوشنبه ۲۴ ژوئیه (دوم امرداد) از امضای توافقنامه نظامی میان رژیم ایران و بولیوی ابراز نگرانی کردند. آنها نگران‌اند که جمهوری اسلامی از این فرصت برای تقویت نفوذ خود در آمریکای لاتین استفاده کند.

به گزارش روزنامه «آسوشیتدپرس» توافق انجام شده در هفته گذشته به ویژه نگرانی‌هایی را در آرژانتین برانگیخته است، جایی که دادستان‌ها مدتها مدعی بودند که مقامات ایرانی در پمپ‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز جامعه یهودیان «آمیا» در بوئنوس آیرس که منجر به کشته شدن ۸۵ نفر شد، دست داشتند. اما رژیم ایران هرگونه دخالت در این حمله را رد کرده است. یکی از مقامات وزارت خارجه آرژانتین می‌گوید که این وزارتخانه با ارسال یادداشتی به سفارت بولیوی در بوئنوس آیرس خواستار اطلاعاتی درباره دامنه گفتگوها و توافقات احتمالی به دست آمده در سفر رسمی ادموندو نوویلو وزیر دفاع بولیوی به این کشور شده است.

گوستاوو آلیاگا یکی از نمایندگان مخالف دولت بولیوی که دبیر کمیته دفاع و نیروهای مسلح در مجلس نمایندگان است، به آسوشیتدپرس گفت: «وزیر دفاع باید این توافق را توضیح دهد و اینکه چرا این توافق با کشوری امضاء شده که در صحنه بین‌المللی پُر از دردسر است در حالی که بولیوی طبق قانون اساسی خود قرار است صلح طلب باشد.»

آلیاگا همچنین گفت: «تنها چیزی که از محتوای این توافق می‌دانم چیزهایی است که مطبوعات منتشر می‌کنند. آنها می‌گویند که [ایران] به ما پهپاد می‌دهد. برخی دیگر می‌گویند به ما موشک می‌دهند. همه اینها عجیب به نظر می‌رسد، اینها حتا خود ایران را هم درگیر می‌کند... من نمی‌توانم درک کنم که چرا بولیوی درگیر چنین روابط پیچیده و دشواری می‌شود.» اما سناتور چپ‌گرا لئوناردو لوزا دبیر کمیته امنیت مجلس سنا در بولیوی گفت: «ایالات متحده خطرناک‌ترین کشور است و بولیوی حق امضای توافقنامه با سایر کشورها را دارد.»

به گفته موسسه مطالعات جنگ (ISW)، مستقر در واشنگتن، جمهوری اسلامی ایران ممکن است به دنبال فروش پهپاد به بولیوی باشد زیرا از سال‌های گذشته برای افزایش فروش پهپادهای خود بازاریابی می‌کند.

این توافق در حالی صورت می‌گیرد که ایران از حمله روسیه به اوکراین حمایت کرده و دولت لوئیس آرس رئیس‌جمهور بولیوی، از محکوم کردن مسکو در مجمع عمومی سازمان ملل خودداری کرده است.

➔ فرسوده می‌کنند، این در حالی است که شهروندان، در تلاشند با کمک شغل دوم از پس وضعیت تورم بر آمده و هزینه‌های زندگی را تأمین کنند. اما کارمندی که روزی ۱۰ تا ۱۵ ساعت کار می‌کند، به سرعت فرسوده و بیمار می‌شود و توانایی کار کردن خود را از دست داده و در انجام کارها ناتوان می‌شود. در نتیجه نیروی انسانی کشور که قرار است رو به سازندگی و پیشرفت برود، زودتر فرسوده می‌شود.»

او افزوده که «توجه کنیم که یک نیروی انسانی ماهر، گاهی یک دهه زمان برای آموزش تکمیلی و کسب مهارت نیاز دارد و به علت فشار کاری، در اوج شکوفایی از کار زده می‌شود. درواقع کارمندی که می‌توانست از ۳۰ تا ۶۰ سالگی کار کند، در ۴۰ الی ۴۵ سالگی از کار کردن خسته می‌شود و کارایی خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین سرمایه‌های انسانی خود را با چنین خط فقری از بین می‌بریم.»

همانطور که مسعود دانشمند هم اشاره کرده فقر و تنگدستی ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. در ایران اما پدیده‌های نوظهور و تکانه‌دهنده‌ای به دلیل فقر رواج یافته که یکی از آخرین آنها ناامن شدن برخی جاده‌های کشور به دلیل راهزنی است.

خبرگزاری «مهر» روز چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۲ در گزارشی از پدیده راهزنی و همچنین سرقت اتومبیل‌های عبوری در ماه‌های اخیر در جاده‌های کشور از جمله در استان کرمان خبر داده است.

یکی از رانندگان اتوبوس تهران-ایران‌شهر خبر از حمله راهزنان به اتوبوس‌اش داده است. او گفته که «ساعت یک و نیم شب ۱۲ تیرماه در محدوده پل هشتصد متری حوزه استحفاظی شهرستان ریگان از توابع استان کرمان در حال رانندگی بودم که عده‌ای از افراد با پرتاب سنگ و شکستن شیشه‌های اتوبوس قصد توقف اتوبوس را در این مسیر داشتند.»

این راننده افزوده «اما چون پیش از این شنیده بودم که رانندگان اتوبوس‌های دیگری در موقعیت مشابه مورد خفت‌گیری واقع شده‌اند و سارقان با این حربه اتوبوس آنها را متوقف کرده و اموال مسافران را دزدیده‌اند از توقف خودداری کرده و با سرعت به راهم ادامه دادم تا زمانی که دیگر آنها را ندیدم.»

پیشتر راهزنی در جاده‌های خلوت دیگر استان‌ها نیز گزارش شده بود. در هفته جاری گزارش دیگری درباره وقوع قتل در پی دعوا بر سر قیمت مرغ میان یک مرغ‌فروش و یک شهروند خریدار منتشر شد. سرهنگ محسن سلیمانی جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان چالوس از وقوع «یک فقره قتل» در بخش مرزن‌آباد چالوس خبر داده و تأیید کرده که «این حادثه بر اثر مشاجره بر سر قیمت گوشت مرغ میان مسافر و فروشنده رخ داد که منجر به قتل مرغ‌فروش شد.»

سرهنگ محسن سلیمانی با بیان اینکه «به علت شدت جراحات ضربه‌های چاقو، فروشنده مرغ در دم جان باخت» توضیح داده که «خانواده این مسافر [قاتل] به قصد خریدن مرغ به یکی از مرغ‌فروشی‌های این منطقه مراجعه می‌کنند که جَر و بحث بر سر قیمت مرغ بین فروشنده و خریدار اتفاق می‌افتد و مرد مسافر با چاقو به سمت فروشنده حمله و او را مجروح می‌کند و فروشنده جان می‌بازد.»

کارشناسان اقتصادی همواره نسبت به فقر گسترده در جامعه که عامل آن عملکرد ناکارآمد اقتصادی جمهوری اسلامی است هشدار می‌دهند. دولت اما بی‌تفاوت ابعاد فاجعه‌باری که گسترش فقر برای سلامت شهروندان و جامعه و فرهنگ در پی دارد، به ادعاهای پوچ و شعارهای بی‌خاصیت و خبردرمانی مشغول هستند.

آخرین سال‌های زندگی شاه؛

گفتگو با اندرو اسکات کوپر، نویسنده کتاب «سقوط بهشت» (بازنشر از مهرماه ۱۳۹۵)



اندرو اسکات کوپر؛ عکس از: هالی هلفگات

● نویسنده «سقوط بهشت»: «گمان می‌کنم که روایت من به عدم تعادلی که در یادآوری تاریخ این دوره وجود دارد می‌پردازد. شاه و دولت‌اش اشتباهاتی را مرتکب شدند ولی ما نیز باید خدماتی را که انجام دادند مورد توجه قرار دهیم. آنان در شرایط بسیار دشوار جنگ سرد کار می‌کردند و گمان نمی‌کنم که ایرانیان به اندازه کافی به این مطلب توجه داشته باشند.»

● «نقش آمریکا در این سقوط را نمی‌توان به سادگی انکار کرد. آنچه به نظر ایرانیان توطئه‌ی آمریکا می‌آید به نظر من بسیار شدیدتر از آن یعنی عدم مسئولیت است.»

● «به نظر من زمانی که ایرانیان بر این باورند که آمریکا بود که شاه را به زمین زد، اعتباری بسیار بزرگ برای آن کشور قائل‌اند در حالی که آمریکا شایستگی این اعتبار را در این مورد ندارد. تلاش مردم ایران برای آن است که گناه بدبختی خود را به گردن دیگران بیندازند. ایرانیان ثروتمند در سال ۱۹۷۷ و چه بسا زودتر، کشورشان را ترک کردند. اگر این گروه در ایران مانده بودند و هنگامی که شاه نیاز به کمک داشت به کمک‌اش شتافته بودند چه بسا انقلابی به وقوع می‌پیوست.»

● «به نظر من شگفت‌آور بود که وی قهرمان ایجاد پارک‌ها، صرفه‌جویی در مصرف آب و توسعه‌ی منابع انرژی‌های جایگزین در زمانی شد که دیگران یا نسبت به آن علاقه نداشتند و یا اصلاً نمی‌دانستند و از این مباحث آگاه نبودند.»

اندرو اسکات کوپر نویسنده «The Fall of Heaven» کتاب تازه‌ای درباره آخرین روزهای ایران شاهنشاهی است. کتاب قبلی این نویسنده «سلاطین نفت» نام داشت.

پرسش: چه چیز سبب شد که شما کتابی درباره پهلوی‌ها و واپسین روزهای ایران شاهنشاهی نوشتید؟

پاسخ: نخستین موج نگارش کتاب در این باره به سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ بر می‌گردد. این کتاب‌ها به وسیله دانشمندان علوم سیاسی، دیپلمات‌ها و مقامات گذشته، روزنامه‌نویسان و کارشناسان، به رشته تحریر درآمد. بعضی از این نوشته‌ها خوب بود و برخی دیگر تعریفی نداشت. بیشتر اینگونه نوشته‌ها بی‌طرفانه نیست و انعکاسی از باورهای تعصب‌آمیز و دور از بی‌طرفی از دوران جنگ سرد است. تقریباً در تمام این نوشته‌ها به نحوی ناگوار، از شاه انتقاد شده و خارج از چند استثنا، تمام این کتاب‌ها شاه را دست‌نشانده و عامل آمریکا قلمداد کرده‌اند و او را دیکتاتوری خونخوار و زمامداری کاملاً بیگانه و جدا از مردم‌اش معرفی کرده‌اند.

تاریخ‌نگاران حرفه‌ای (مانند آنان که درجه‌ی دکترا دارند) در کناری نشسته و در انتظار آنند که گرد و غبار حوادث فرو نشیند. ما معمولاً تا زمانی که اطمینان پیدا نکنیم که اسناد و یا مردمانی را در اختیار و دسترس خود داریم که آماده‌اند علناً و بدون پرده‌پوشی درباره مسائل اظهار نظر و عقیده کنند، خود را گرفتار گفتگوهای تاریخی نمی‌کنیم.

شاه و شهبانو. کتاب اندرو اسکات کوپر «سقوط بهشت» نخستین کتابی است که گمان می‌کنم سرآغاز انتشار کتاب‌ها و مقالات تازه‌ای شود که به بررسی تاریخ ایران در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ایران بپردازند. این دوره بخش جالبی در

تاریخ مدرن ایران به‌شمار می‌رود.

● آیا در جریان پژوهش‌های خود به دلیل و نکات تازه‌ای برخوردید؟ کتاب شما بر روایت تاریخی دودمان پهلوی چه چیزی می‌افزاید؟

— گمان می‌کنم که روایت من به عدم تعادلی که در یادآوری تاریخ این دوره وجود دارد می‌پردازد. شاه و دولت‌اش اشتباهاتی را مرتکب شدند ولی ما نیز باید خدماتی را که انجام دادند مورد توجه قرار دهیم. آنان در شرایط بسیار دشوار جنگ سرد کار می‌کردند و گمان نمی‌کنم که ایرانیان به اندازه کافی به این مطلب توجه داشته باشند.

● کتاب شما را تلاشی برای اعاده‌ی حیثیت دودمان پهلوی توصیف کرده‌اند؛ آیا به نظر شما این توصیف عادلانه است؟

— من با این برداشت موافق نیستم. من هرگز تلاشی برای اعاده‌ی حیثیت شاه و یا هر شخص دیگری نکرده‌ام. در جریان پژوهش‌هایی که انجام دادم متوجه شدم که بسیاری از توده‌ی ایرانیان از هم‌اکنون شاه و میراثی را که از خود بجا گذاشت بار دیگر ارزیابی می‌کنند.

درواقع من در جریان دیدار خود از ایران در سال ۲۰۱۳، متوجه این نکته شدم که گروهی از روشنفکران و نویسندگان ایرانی سال‌هاست سرگرم بررسی چنین روایاتی شده‌اند که بسیار به دردشان خورده است. مشکل آن است که کنج‌گاو آمیخته با روشنفکری، نسل بعدی را راضی نمی‌کند. امیدوارم که دانشجویان و دانش‌پژوهان جوان هدف حملات و انتقاداتی که من قرار گرفتم، قرار نگیرند. آنان باید به خاطر داشته باشند که ما برای خوش آمدن دیگران و یا رضایت از آنچه وجود دارد، نیامده‌ایم. باید بپرسیم و باز هم بپرسیم.

● به نظر شما چرا انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ به‌وقوع پیوست؟ چه عامل مهمی باعث بروز این انقلاب شد؟

— فهمیدن انقلاب‌ها بسیار دشوار و پیش‌بینی آنها دشوارتر است. فشار اقتصادی که به خاطر ضربه‌ی نفت در سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۳ به وجود آمد همزمان با تصمیم شاه به باز

کردن زندگی سیاسی مردم و اعطای آزادی بیشتر به آنان صورت گرفت. در این زمینه باید این امتیاز را به شاه داد که متوجه شد برای جلوگیری از فشاری که بر درون سیستم وارد می‌آید باید دست به انجام اصلاحاتی بزند. پسندیده نیست که شاه را به خاطر آنکه متوجه نشد چه تحولی در داخل ممکت در حال وقوع است ملامت کرد.

تصمیم او برای پایداری در اجرای اصلاحات با وجود بدبینی شدید و بدگمانی مردم، مخالفت، خرابکاری و سوء نیت خارجی، گرچه در آخر کار به راه کج رفت، قابل تحسین است. چه راه دیگری داشت؟ ما باید به خاطر داشته باشیم که شاه می‌دانست مبتلا به بیماری مرگ‌آور سرطان است و درواقع فرصت زیادی برایش نمانده بود.

از نظر خارجی، نباید نقش کشورها و زمامداران عرب را که به خاطر پشتیبانی شاه از امضای موافقت‌نامه‌ی کمپ دیوید به وسیله‌ی سادات به شدت مخالف او بودند از نظر دور داشت. حملات تروریستی و اقدامات تخریبی و سابوتاژ که از طرف قذافی و عرفات پشتیبانی می‌شد به شدت به مردم ایران اعلام خطر کرد و این وقایع درست در زمانی صورت گرفت که شاه در نظر داشت اختیارات خود را به نخست‌وزیر منتقل کند. فقط فاجعه‌ی ماه اوت ۱۹۷۸ سینما رکس را به خاطر بیاورید که به وسیله‌ی پیروان خمینی انجام شد. نقش آمریکا در این سقوط را نمی‌توان به سادگی انکار کرد. آنچه به نظر ایرانیان توطئه‌ی آمریکا می‌آید به نظر من بسیار شدیدتر از آن یعنی عدم مسئولیت است.

● تصور می‌کنید اگر شاه رویه‌ی دیگری غیر از آنچه انتخاب کرد در پیش می‌گرفت از وقوع انقلاب جلوگیری می‌شد؟

— گروهی را عقیده بر این است که شاه باید در ماه مه ۱۹۷۸ رویه‌ی شدیدتری اتخاذ می‌کرد. این توصیه را رؤسای امنیت کشور به او پیشنهاد کردند. ولی راه حل کوتاه‌مدت ممکن است مشکلات فزونی‌تر درازمدتی به وجود آورد. ملاحظه کنید که امروز در مصر چه می‌گذرد. در سال ۲۰۱۳ سی‌سی رئیس جمهور گروه‌های اسلامی را در هم

این باور بودند که میراث شاه ارزش قابل‌ی ندارد. امروز تاریخ‌نویسان به این برداشت با دید دیگری نگاه می‌کنند. به نظر من برآورد ابتدایی میراث شاه در بحبوحه‌ی حوادث ایران بود. تنها امروز که ما به عقب می‌نگریم، می‌بینیم بسیاری از طرح‌های عمرانی که وی آغاز کرد یا هنوز هم زیر نام و مشخصات جدید ادامه دارد و یا آنکه پس از وی، اجرای طرح به پایان رسیده است. برای ما زمان به آن اندازه گذشته است که اقدامات او را با آنچه به وسیله‌ی رژیم اسلامی انجام شده و می‌شود، مقایسه کنیم. مثلاً تلاش او که اکنون میراث‌اش محسوب می‌شود در زمینه‌ی سوادآموزی و تعلیم و تربیت به نتیجه‌ی قابل‌ تقدیری رسیده است. به نظر من شگفت‌آور بود که وی قهرمان ایجاد پارک‌ها، صرفه‌جویی در مصرف آب و توسعه‌ی منابع انرژی‌های جایگزین در زمانی شد که دیگران یا نسبت به آن علاقه نداشتند و یا اصلاً نمی‌دانستند و از این مباحث آگاه نبودند. شاید از همه مهم‌تر آن باشد که ایرانیان از تلاش نافرجام و بدپایان او برای آزاد ساختن و دموکراتیزه کرده جامعه‌ی ایران درس فرا گیرند. جمهوری اسلامی به هر روی ناگزیر خواهد شد با بحران داخلی خود ناشی از لزوم تعیین مقام رهبری مبارزه کند. آیا ایرانیان پس از آن می‌خواهند چکار کنند؟ آیا واقعاً برای احتمال و امکان تغییر، آمادگی دارند؟

● تا کنون واکنش ایرانیان نسبت به کتاب شما چگونه بوده است؟

– همچنان که انتظار می‌رفت، واکنش آنان که هنوز پشتیبان جمهوری اسلامی هستند و یا گروهی که هنوز از حکومت سلطنتی دلزدگی دارند منفی است؛ ولی واکنش ایرانیان معمولی امیدوارکننده است. بسیاری از ایرانیان مرا به عنوان ناظر بی‌طرف می‌نگرند که تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا درباره موضوعی بسیار دشوار و رنج‌آور بنویسد. این گروه از ایرانیان درک می‌کنند من یک خارجی و شخصی که در ایران خانواده و فامیلی ندارد، هستم و به این عنوان می‌توانم آزادانه‌تر از روشنفکران ایرانی که از واکنش حکومت وحشت دارند و خود را کنترل می‌کنند، بنویسم. من در ایران بزرگ نشده‌ام. من در سال‌های نزدیک به پایان جنگ سرد به دنیا آمدم. در ابتدا به عنوان پژوهشگر حقوق بشر می‌نوشتیم و سابقه محکم و قابل اعتمادی از پژوهش‌های تحقیقی دارم. این مشخصات مرا در مکان محکمی قرار می‌دهد.

کتاب خوب فروش می‌رود. به نحوی که ناشر من ترتیب چاپ‌های بیشتری را داده است. کتاب اگرچه بطور غیرقانونی، ولی در ایران نیز پیدا می‌شود. امیدوارم این کتاب جوانان ایرانی را نسبت به تاریخ خود علاقمند کند. بسیاری از جوانان ایرانی به من می‌گویند پدران و پدربزرگان‌شان میل ندارند درباره گذشته صحبت کنند. این جوانان از آن جهت به من توجه دارند که من از یادآوری گذشته کشورشان وحشتی ندارم.

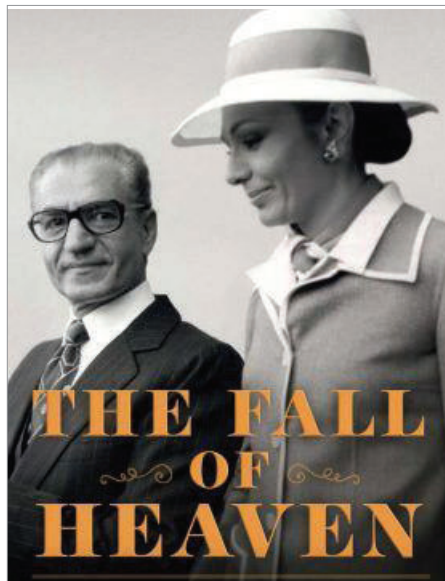
باید شرافتمندانه و صادقانه بگویم که من عاشق ایران و ایرانیان شده‌ام و نسبت به همه با نظر تحسین می‌نگرم. من همواره برای آنان یک فرد بیگانه و خارجی خواهم ماند ولی امیدوارم به سهم ناچیز خودم، برای آگاهی و شناسایی تاریخ و فرهنگ معاصر ایران قدمی بردارم.

*این گفتگو به زبان انگلیسی انجام و نخستین بار
مهرماه ۱۳۹۵ در کیهان لایف و سپس در کیهان لندن
منتشر شد.

*کتاب «سقوط بهشت» را که توسط کیهان لندن به فارسی
ترجمه شده می‌توانید با مراجعه به این لینک تهیه کنید.
https://kayhanlife.com/fall-of-heaven_farsi/

من تصویری‌کنم در نهایت امر، شاه زمانی که در چنگال جنگ سرد قرار گرفته بود، جنبش مذهبی نیز آغاز شد. برای من روشن نیست که برای رهایی از این بن‌بست راهی وجود داشت یا نه؟ باید نگاهی به پدرش رضاشاه و سرنوشت او در دوران جنگ جهانی دوم انداخت.

● کتاب شما با همکاری شهبانو فرح پهلوی ملکه سابق



ایران نوشته شده. ایشان تا چه میزان با شما همکاری می‌کردند؟

– هنگامی که ملکه حاضر شد با من مصاحبه کند، خود را در مخاطره بزرگی قرار داد. وی کوچک‌ترین اطلاعاتی از آن نداشت که مطالب کتاب چه و چگونه خواهد بود و یا من در پژوهش‌های خود چه مطالبی به دست خواهم آورد. ایشان هرگز تلاش نکرد که مرا تحت تأثیر قرار دهد و یا درباره هر نکته و موضوع اعمال نفوذ کند.

ایرانیان باید بدانند که حرف زدن و ابراز عقیده و اطلاع دادن درباره حوادثی که منجر به یک نتیجه تراژیک و غم‌انگیز شد تا چه حد دشوار است. در طول مدت چهار سال نسبت به پیشرفت کار من توجه فراوانی مبذول داشت و به دوستان خود توصیه می‌کرد با من گفتگو کنند. وی می‌داند نسل جوان ایران خواهان آن است که اطلاعات بیشتری درباره گذشته داشته باشد و وی در این زمینه آنچه در توان دارد انجام می‌دهد تا به آنان کمک کند.

● سهم شهبانو در جامعه ایران چه بود؟

– گمان می‌کنم شما باید به قرن هجدهم بازگردید تا بتوانید نمونه دیگری از همسر پادشاهی بیابید که تا این حد درگیر این همه خدمت و کار به نفع آن همه مردم باشد. علاقه او کاملاً شخصی و انتخابی بود. برای کمک به جذامیان ایران مبارزه و کمک کرد و در راه کمک به هنرمندان، نویسندگان، مصدومین آتش‌سوزی، یتیمان و مادران تنها و بدون یاور، خدمات برجسته‌ای انجام داد. آنچه در تمام این گروه‌هایی که نام برده شد مشترک بود، و آن این بود که آنان محرومان اجتماع بودند و او حامی و پشتیبان آنان بود؛ او به آنان که نقشی در اجتماع نداشتند اهمیت بخشید. شهبانو به من گفت به نظر خودم مهمترین خدمتی که انجام دادم بهبود بخشیدن به وضعیت جذامیان بود. وی گفت: هنوز هم به فکر آنان هستم و امیدوارم که زندگی آنان به نحو قابل قبولی باشد.

● میراث شاه در ایران امروز تا چه حد اهمیت دارد؟

– هنگامی که شاه ایران را ترک کرد، غالب اشخاص بر

کوبید. مخالفان جواناتر ضد رژیم، خود را پنهان کردند تا علیه رژیم مبارزه کنند. شاه در سال ۱۹۷۸ وقوع چنین وضعی را پیش‌بینی می‌کرد. وی واقعاً نمی‌دانست چه باید انجام دهد ولی بالاخره بر آن شد که بجای در هم شکستن مخالفان و مخالفت‌ها که از خونریزی ناشی از آن وحشت داشت و از آن می‌ترسید که به قیمت پایان دوران پهلوی تمام شود، اصلاحات را ادامه دهد.

● بسیاری از ایرانیان بر این باورند که جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا و دولت‌اش در آخرین مراحل سلطنت شاه دست از پشتیبانی شاه برداشتند و سقوط او را سریع‌تر کردند. آیا شما با این برداشت موافق هستید؟

– نقش دولت جیمی کارتر درباره ایران، نقشی هم‌گريه‌دار و خنده‌دار (تراژیک-کمیک) است. قابل تصور نیست که سولیوان سفیر آمریکا سیاست اختراعی و مورد نظر خود را به عنوان سیاست و نظر دولت آمریکا اجرا می‌کرد. این سیاست بر این پایه بود که در ایران کودتایی بشود که منافع آمریکا بهتر تأمین و تضمین شود و موقعیت شاه ضعیف‌تر شود و وضع خمینی استوارتر گردد. بر اساس آنچه تا کنون دیده‌ام سولیوان این سیاست را با همکاری وزارت امور خارجه آمریکا اجرا می‌کرد و با کاخ سفید کاری نداشت. به نظر من زمانی که ایرانیان بر این باورند که آمریکا بود که شاه را به زمین زد، اعتباری بسیار بزرگ برای آن کشور قائل‌اند در حالی که آمریکا شایستگی این اعتبار را در این مورد ندارد. تلاش مردم ایران برای آن است که گناه بدبختی خود را به گردن دیگران بیندازند. ایرانیان ثروتمند در سال ۱۹۷۷ و چه بسا زودتر، کشورشان را ترک کردند. اگر این گروه در ایران مانده بودند و هنگامی که شاه نیاز به کمک داشت به کمک‌اش شتافته بودند چه بسا انقلابی به وقوع نمی‌پیوست.

● شما محمدرضا شاه پهلوی را به عنوان یک انسان و یک پادشاه چگونه توصیف می‌کنید؟

– تنها کلمه‌ای که شما، هنگامی که درباره شاه حرف می‌زنم در گفتار من نمی‌شنوید، کلمه «پیچیده و بغرنج» است. هنگامی که یک صاحب‌نظر در مورد یک زمامدار و یا رهبر، کلمه «پیچیده و بغرنج» را به کار می‌برد من ناراحت می‌شوم زیرا این کلمات چنین معنی می‌دهد که تعدادی افراد معمولی نمی‌توانند آنان را بفهمند و چنانچه شما این گروه را نفهمید، نمی‌توانید درباره آنان نظری داشته باشید. من نسبت به شاه نوعی احساس نزدیکی عاطفی پیدا کردم که می‌توانستم خود را بجای او تصور کنم. به نسبتی که پژوهش‌های من پیش می‌رفت، بر من روشن شد که شاه آن آدمی که درباره‌اش در روزنامه‌ها می‌خواندیم نیست. البته کمبودهای او، بر همه روشن بود ولی باید آنچه را در عمر خود انجام داد و همچنین کارهایی که با وجود تمام مشکلات، به دنبال انجام آن بود، مورد توجه قرار دهیم. دانشگاه‌ها و مدارس که ساخت و تلاش او برای سوادآموزی ایرانیان، مراقبت‌های درمانی، محیط زیست، هنر و فرهنگ، میراثی که وی از خود برجای گذاشت در همه جا هویداست. در این زمینه تردیدی نمی‌توان داشت که وی مردی بود که ایران را مدرن ساخت.

در زمینه سیاست خارجی، شاه از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۹ خود را از درگیری با اغتشاشات و پریشانی‌هایی که به وقوع پیوست، کنار کشید. او کشور خود را در صلح و صفا نگاه‌داشت زیرا می‌دانست توفیق اصلاحاتی که انجام داده و یا در حال انجام بود، به صلح و آرامش بستگی دارد. شاه موفق شد در جریان جنگ سرد در روابط ایران با ابرقدرت‌ها تعادلی به وجود آورد و این خدمت بزرگی بود که دیگر زمامداران منطقه توفیق انجام آن را نیافتند.

شکست طرح قیمت گذاری دستوری افزایش ۴۰ درصدی قیمت نان در مشهد



سفره مردم خواهد نشست و مردم نان را بیش از قیمتی که قبلا داشت، دریافت نخواهند کرد.

هرچند افزایش قیمت نان ماه‌هاست به صورت پراکنده در شهرهای مختلف رخ داده است اما در هفته‌های گذشته زمزمه سپرده شدن اختیار تعیین قیمت نان به استان‌ها مطرح شده بود. در همین رابطه محمد جلال سخنگوی طرح هوشمندسازی یارانه آرد و نان ۱۳ تیرماه پس از انتشار خبرهایی مبنی بر آغاز سهمیه‌بندی نان در کشور در یک برنامه تلویزیونی گفته بود که تنظیم بازار نان در قالب اختیاراتی به استان‌ها داده شده است.

سخنگوی طرح هوشمندسازی یارانه آرد و نان نیز افزایش هزینه‌های صنف نانوايان را تأیید کرده و گفته بود که یکی از راه‌های جبران زیان‌دهی نانوايان پرداخت کمک هزینه است که به ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

محمد جلال همچنین از تعیین نرخ نان به صورت نان و منطقه‌ای خبر داده و گفته بود که در نرخ گذاری و اصلاح نرخ کلیه اختیاراتی که وجود داشته به استان‌ها واگذار شده است.

محمد علی مهری معاون امور اقتصادی استان تهران نیز در همین برنامه تلویزیونی افزایش بهای نان در آینده نزدیک را تأیید کرده و گفته بود که ما برای نانوايی‌ها سه سناریو از جمله سناریو افزایش نرخ نان را در نظر داریم که هفته آینده این [موارد] را «با حضور دوستان اتحادیه مصوب می‌کنیم.»

افزایش قیمت نان در مشهد و سپردن تصمیم افزایش قیمت این کالا به استان‌ها یکی از نشانه‌های شکست طرح قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت است که بخش تولید و اصناف مختلف را سال‌هاست با مشکلات زیادی روبرو کرده است. نانوايان از مدتها پیش از زیان‌گسترده به دلیل قیمت‌گذاری دستوری شکایت داشته و معتقد بودند هزینه‌های آنها بیش از درآمد ناشی از فروش نان با قیمت تحمیلی از سوی دولت است. این مشکلات از سال

نانوايی‌ها می‌دادند اما باز هم تولید نان به صرفه نبود. رضا رضانی معاون برنامه‌ریزی و توسعه فرمانداری مشهد هم در گفتگو با روزنامه «خراسان» افزایش قیمت نان در این شهر را تأیید کرده و گفته که «افزایش قیمت خیلی وقت است که در دستور کار قرار دارد و از امروز در نان‌هایی که در شهرستان مشهد پخت می‌شود، بطور میانگین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش قیمت داریم.»



معاون برنامه‌ریزی و توسعه فرمانداری مشهد علت گرانی نان را مشکلات صنف نانوايان برای تأمین هزینه‌ها اعلام کرده و گفته که در حال حاضر صنف نانوايان با مشکلاتی از جمله اجاره‌بهای بالا، دستمزدهای سنگین کارگران، افزایش مالیات و بهای آب، برق، گاز و تلفن روبرو هستند. این مقام مسئول تأکید کرده که استان خراسان مقداری دیرتر اقدام به افزایش قیمت نان کرده و بعضی استان‌ها زودتر این افزایش را اجرایی کردند. رضا رضانی همچنین راه حل مشکل نان را اجرای مرحله سوم آزادسازی یارانه آرد دانسته و تأکید کرده یارانه سر

رئیس اتحادیه صنف نانوايان مشهد با تأیید افزایش قیمت نان در این شهر گفته پیشنهاد اتحادیه افزایش ۱۱۰ تا ۱۱۵ درصدی قیمت بود اما دولت آن را به ۴۰ درصد رساند. هرچند افزایش قیمت نان ماه‌هاست به صورت پراکنده در شهرهای مختلف رخ داده اما در هفته‌های گذشته زمزمه سپرده شدن اختیار تعیین قیمت نان به استان‌ها مطرح شده بود.

نان قوت غالب مردم ایران است و در چنین شرایطی سفره مردم خالی‌تر از گذشته خواهد شد و حتی تأمین نان خالی نیز به بحرانی برای اقشار کم‌درآمد و تنگدست تبدیل می‌شود.

قیمت نان در روزهای گذشته افزایش یافته و تنها در شهر مشهد قیمت انواع نان تا ۴۰ درصد گران‌تر شده است. در گزارش مرکز آمار ایران درباره تورم تیرماه نیز تورم سالانه نان و غلات ۵۸/۳ درصد اعلام شده است.

در حالی که از چند هفته پیش موضوع افزایش قیمت نان با تصمیم مقامات استانی مطرح بود، قیمت انواع نان در مشهد از ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. افزایش «ناگهانی» قیمت نان در این شهر از سوی مسئولان تأیید شده است.

بر اساس جداول منتشر شده از قیمت نان در مشهد نان بربری سنتی یارانه‌ای که تا روز گذشته با قیمت ۸۵۰ تومان فروخته می‌شد اکنون ۱۲۰۰ تومان به دست خانوارها می‌رسد. تافتون سنتی یارانه‌ای از ۶۵۰ به ۹۰۰ تومان، سنگک یارانه‌ای از ۱۴۰۰ به ۲ هزار تومان و بربری خراسانی نیمه یارانه‌ای از ۱۳۰۰ به ۱۸۰۰ تومان رسیده است.

احمدرضا کشتگر رئیس اتحادیه صنف نانوايان مشهد با تأیید افزایش قیمت نان در این شهر گفته «پیشنهاد اتحادیه افزایش ۱۱۰ تا ۱۱۵ درصدی قیمت بود اما دولت آن را به ۴۰ درصد رساند». وی تأکید کرده که افزایش ۴۰ درصدی قیمت‌ها هرچند که هزینه‌های تولید را کاهش داده اما هنوز هم تولید نان به صرفه نیست.

به گفته رئیس اتحادیه صنف نانوايان مشهد «با توجه به افزایش هزینه‌های تولید نان، قیمت‌های جدید باید اول فروردین اعلام می‌شد اما اکنون ۵ ماه است که اتحادیه و دستگاه‌های مختلف، درگیر تعیین قیمت‌های جدید نان هستند.»

او همچنین افزوده که «برنامه افزایش قیمت نان مربوط به خراسان رضوی نیست و به مرور در تمام کشور اجرایی خواهد شد.»

احمدرضا کشتگر گفته است که نرخ‌نامه جدید نانوايی‌های آزادپز نیز توسط کارگروه تنظیم بازار استان ابلاغ خواهد شد و در برابر نارضایتی مردم از افزایش قیمت نان گفته است «قبلا اعلام شده بود که قیمت آرد تغییر نمی‌کند اما کسی نگفته قیمت نان تغییر نخواهد کرد. بخش اندکی از هزینه‌های تولید نان مربوط به آرد است که قیمت آن ثابت مانده است اما قیمت آرد حدود ۲ تا ۳ درصد در قیمت نان تأثیر دارد. با توجه به افزایش هزینه‌های دستمزد، اجاره و تولید نان، افزایش ۴۰ درصدی قیمت‌ها هرچند که از زیان نانوايی‌ها کم می‌کند اما هنوز هم تولید نان را به صرفه نخواهد کرد. با ادامه این روند، اگر حتی آرد رایگان هم به

گذشته و با از زمان هوشمندسازی یارانه نان افزایش یافته بود.

علی ذبیحی رئیس اتحادیه نانویان کاشان دو روز پیش در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با بیان اینکه اجرای طرح هوشمندسازی یارانه نان موجب کمبود نیرو کار در صنف نانویان شده، گفته بود که «کم شدن سهمیه آرد واحدهای نانوایی، بسیاری از آنها را مجبور به تعدیل [اخراج] نیرو به منظور کاهش هزینه‌ها کرده است.»

علی ذبیحی توضیح داده بود که «کارگران پس از ترک کار و تشکیل پرونده در خصوص حقوق و مزایا نسبت به دریافت مطالبات قدیمی خود اقدام کرده و پس از آن روانه شرکت‌های تولیدی در کاشان می‌شوند؛ این زنگ خطری برای آینده و نبود کارگر برای فعالیت در این صنف است.» به گفته این فعال صنفی «افزایش سرسام آور اجاره‌بها در شهر کاشان و حومه یکی دیگر از مشکلاتی است که بیشتر نانویان با آن درگیر هستند و مشاهده شده مالک ضمن تهدید، برای نانوایان ضرب الاجل تخلیه تعیین می‌کند؛ این امر برای نانوایان و با توجه به هزینه‌های سنگین و چند صد میلیون تومانی جابه جایی مقرون به صرفه نبوده و در نهایت این نانوایان بخت برگشته و بی نواست که مجبور به تمکین می‌شود.»

به گفته ذبیحی رول‌های کاغذ مختص دستگاه پوز نانوایی هم از جمله معضلاتی است که گریبانگیر این روزهای خبازان کاشانی شده و آنها را مجبور کرده تا رول‌های کاغذی را به صورت آزاد تهیه کنند و این در شرایطی است که می‌بایست بانک طرف حساب با نانویان، آن را تامین کرده و در اختیارشان قرار بدهد.

از سال گذشته دولت طرح هوشمندسازی یارانه نان را در کشور و با ادعای «مبارزه با قاچاق آرد» اجرا کرد. بر اساس این طرح نانویان به جای اینکه آرد ارزان و یارانه‌ای دریافت کنند، یارانه را از دولت و به ازای فروش هر قرص نان دریافت می‌کردند و قیمت نان برای مصرف‌کننده در پی افزایش قیمت آرد نیز افزایش پیدا نمی‌کرد.

محمد قربانی معاون برنامه ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی درباره شیوه اجرای طرح توضیح داده بود که خرید نان از کارت بانکی انجام می‌شود که به کد ملی متصل است. هیچ کارت دیگری صادر نمی‌شود. مقداری از هزینه نان از حساب خریدار کسر می‌شود مابقی نیز از حساب سایه پرداخت و به حساب نانوایی‌ها واریز می‌شود.

معاون وزیر کشاورزی با ادعای اینکه «با این طرح یارانه‌ها مستقیم و هدفمند به دست مردم می‌رسد و آرد چند نرخی در بازار و نشسته یارانه نخواهیم داشت» گفته که «همچنین این طرح در جلوگیری از قاچاق و ضایعات نان اثر بسیار زیادی داشته و خروج آرد برای مصارف غیرانسانی به حداقل می‌رسد، همچنین کیفیت نان و رضایت مشتری نیز ارتقا می‌یابد.»

برخلاف این ادعا دولت نه تنها قیمت آرد را افزایش داد و دیگر هزینه‌های نانویان نیز متأثر از تورم عمومی اقتصاد بیشتر شد، که حتی به موقع با نانویان بابت فروش نان یارانه‌ای تسویه حساب نکرد و همین موضوع سبب تعطیلی سریالی نانوایی‌هایی شد که اجرای این طرح درآمدهای ناچیز و پیشین آنها را نیز به حداقل رسانده بود.

هرچند افزایش قیمت نان با توجه به تورم و افزایش قیمت‌ها موضوعی منطقی به نظر می‌رسد اما در آنسو نیز نان قوت غالب مردم ایران به ویژه با توجه به افزایش قیمت برنج است. در چنین شرایطی سفره مردم خالی‌تر از گذشته خواهد شد و حتی تأمین نان خالی نیز به بحرانی برای اقشار کم‌درآمد و تنگدست تبدیل می‌شود.

روزنامه محلی هانوفر:

اعتراض علیه حضور یکی از قاضیان مرگ جمهوری اسلامی در کلینیک پروفیسور سمیعی



سه تن از قاضیان مرگ جمهوری اسلامی؛ از راست: سیدابراهیم رئیسی، غلامحسین محسنی اژه‌ای و حسینعلی نیری

نیز برخوردار است. در کنار مجید سمیعی متولد سال ۱۹۳۷ میلادی، فرزند او پروفیسور امیر سمیعی نیز در مدیریت این کلینیک مشارکت دارد.

کلینیک عطایی خبرنگار ایرانی شبکه دو تلویزیون دولتی آلمان ZDF در همین رابطه نوشته است که بر اساس اطلاعات او هم‌اکنون هرگونه ملاقاتی در این کلینیک ممنوع اعلام شده است. او اطلاعیه‌ای اشاره می‌کند که بر ورودی این کلینیک نصب شده و در آن آمده است که به دلیل اقدامات «ویژه» بهداشتی این بیمارستان از ۱۹ ژوئیه تا اطلاع ثانوی برای ملاقات کنندگان بیماران بسته است!

فعالان سیاسی خواستار واکنش دستگاه‌های قضایی آلمان هستند
بر اساس گزارش «فوروم صلح خاورمیانه» حسینعلی نیری مشارکت خود را در کشتار زندانیان سیاسی تأیید کرده است. این گزارش نوشته: «او یک جنایتکار بی‌رحم است و زندگی انسان‌های بسیاری را نابود کرده است.» مینا احدی فعال حقوق بشر در همین ارتباط گفت: «ما خواستار آن هستیم که دستگاه قضایی آلمان بجای اینکه در کنار رژیم مرگبار در ایران قرار گیرد و موجب فرار نیری شود، او را بازداشت و محاکمه کند.» اولریکه بکر مدیر پژوهشگر موسسه «فوروم صلح خاورمیانه» نیز خواستار تعقیب قضایی حسینعلی نیری شده و گفته است: «بر اساس موازین حقوق بین‌الملل ما موظف هستیم که در آلمان به جنایات نیری رسیدگی و او را مورد محاکمه قرار دهیم.» او اضافه کرد که آلمان نباید تبدیل به یک بندر امن برای قاضی مرگ شود.

سابقه حضور یک قاضی شرع دیگر در هانوفر

روزنامه محلی هانوفر در ادامه می‌نویسد، در سال ۲۰۱۸ نیز رئیس سابق قوه قضائیه جمهوری اسلامی آیت‌الله محمود شاهرودی در کلینیک مغز و اعصاب سمیعی بستری بود و مجبور شد پیش از پایان معالجات از بیمارستان به ایران برگردد. البته گروه‌های حقوق بشری و مدنی بسیاری و همچنین برخی سیاستمداران از حزب سبزها از شاهرودی به علت قتل و جنایات علیه بشریت شکایت کرده بودند. محمود شاهرودی که از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ رئیس قوه قضائیه بود احکام فراوان اعدام حتی برای خردسالان صادر کرده بود.

*منبع: هانوفرشه آنگامینه

*ترجمه و تنظیم: حسام وثوقی

● روزنامه هانوفرشه آنگامینه می‌نویسد: بر اساس گزارش «فوروم صلح خاورمیانه برلین» و «جامعه آلمان و اسرائیل» در برلین، نشانه‌هایی حاکی از حضور علی نیری در کلینیک خصوصی به ریاست پروفیسور مجید سمیعی وجود دارد و همین خبر سبب شد تا بلافاصله در بعد از ظهر یکشنبه ۲۳ ژوئیه تجمع اعتراضی با حضور ۴۰ تن در مقابل این کلینیک شکل بگیرد.

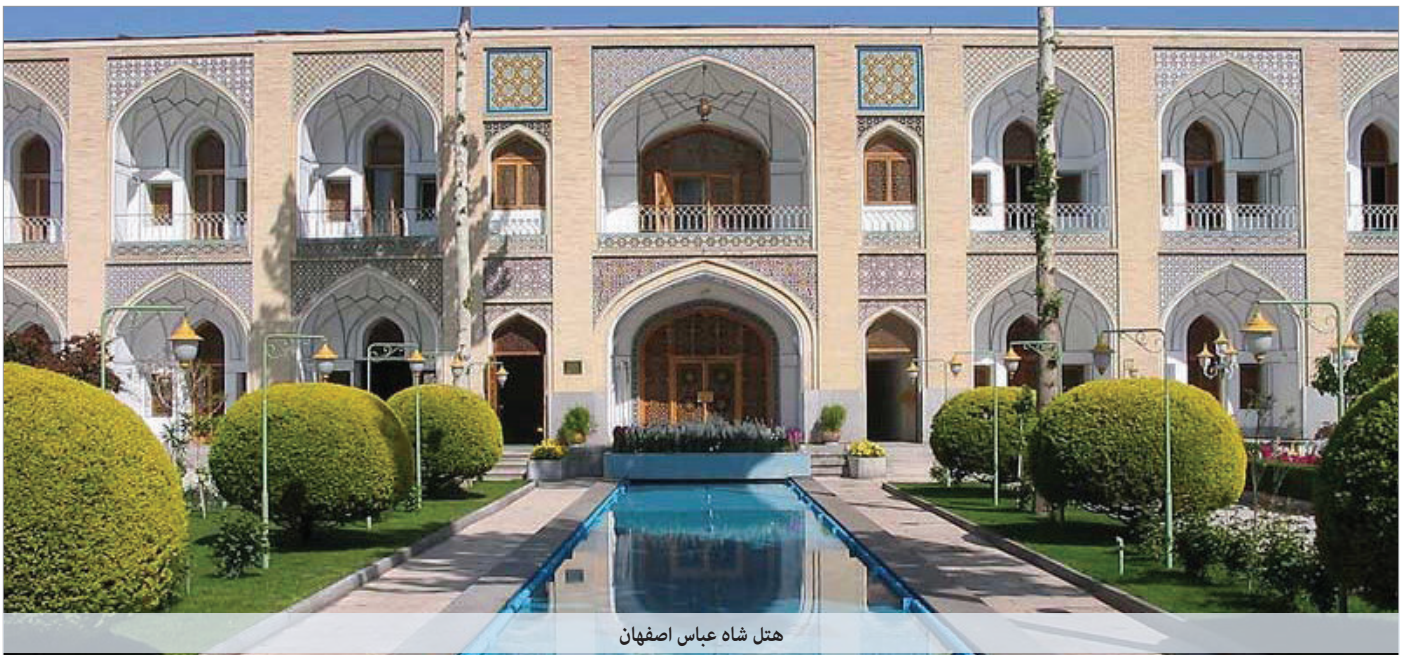
بر اساس گزارش‌های فعالان حقوق بشری نشانه‌هایی در مورد حضور قاضی جنجالی شرع حسینعلی نیری در کلینیک بین‌المللی مغز و اعصاب (INI) موجود است. این فعالان از مقامات آلمان خواستار رسیدگی به این موضوع هستند. بر اساس گزارش پلیس ۴۰ تن بعد از ظهر روز یکشنبه به صورت مسالمت‌آمیز در مقابل این کلینیک همایش اعتراضی برگزار کردند.

بر اساس گزارش «فوروم صلح خاورمیانه برلین» Mideast Freedom Forum Berlin و «جامعه آلمان و اسرائیل» Deutsch-Israelischen Gesellschaft در برلین، نشانه‌هایی حاکی از حضور علی نیری در کلینیک خصوصی به ریاست پروفیسور مجید سمیعی وجود دارد و همین خبر سبب شد تا بلافاصله در بعد از ظهر یکشنبه ۲۳ ژوئیه تجمع اعتراضی با حضور ۴۰ تن در مقابل این کلینیک شکل بگیرد.

فولکر بک سخنگوی «جامعه آلمان و اسرائیل» روز یکشنبه اعلام کرد که او در هفتم ژوئیه دادستان فدرال، اداره تحقیقات جنایی استان نیدرزاکسن، وزارت امور خارجه و وزارت کشور را از این موضوع مطلع کرده و از آنها خواستار پیگیری حقوقی این ماجرا شده است. او همچنین افزود: «از آن زمان تا کنون هیچگونه اتفاق قابل توجهی نیفتاده است.» حسینعلی نیری متهم است که در سال ۱۳۶۷ هزاران زندانی سیاسی را به جوخه‌های اعدام سپرده است.

بیمارستان خصوصی INI توسط پروفیسور مجید سمیعی جراح مغز و اعصاب پایه‌گذاری شد و در حال حاضر توسط وی و پسرش پروفیسور امیر سمیعی اداره می‌شود. دکتر مجید سمیعی در دهه گذشته در سطح جهانی به عنوان یک پژوهشگر معتبر پزشکی مشهور شد. او در شبکه‌سازی‌های سیاسی در استان نیدرزاکسن (NDR) نیز بهترین روابط را دارد. او ظاهراً از همین روابط مستحکم در جمهوری اسلامی

معمار و طراح داخلی هتل زیبای شاه عباس اصفهان درگذشت؛ هتل شاه عباس، نماد تاریخ و هنر درخشان دوران پادشاهی ایران



هتل شاه عباس اصفهان

به نظر استاد ابراهیمیان «اصولا بچه‌های ایران بسیار با استعدادند از این رو پس از یک هفته آموزش واقعا مثل یک استاد کار می‌کردند».

او و دکتر فرهنگ مهر که وی را ایرانی وطن‌پرستی می‌دانست، با شش طرح بزرگ به حضور شاهنشاه رسیدند و طرح‌هایش مورد تأیید پادشاه قرار گرفت.

شادروان ابراهیمیان در مصاحبه‌ای با اشاره به یک از خاطراتش گفته بود: «یک روز شاهنشاه با ملکه و پادشاه تایلند به اصفهان آمدند. شاه آنها را به قسمت سلطنتی هتل شاه عباس برد و برگشت و با هم حدود دو ساعت و نیم سراسر هتل را بازدید کردیم و قسمت‌هایی را که تزئین کرده بودم برایشان توضیح دادم. خیلی خوششان آمد و پس از بازگشت به تهران، ایشان یک مدال همایون برایم فرستادند.»

اشتیاق مهندس ابراهیمیان به فضاهای داخلی و احیای طراحی تاریخی ایران بطور قابل توجهی در بازسازی هتل تاریخی شاه عباس نمایان شده است. او به عنوان معمار اصلی، کارگران بومی و هنرمندان تجربی را هدایت کرد و آموزش داد تا فضاهای بزرگی را که امروز می‌بینیم، بسازند و تجلی‌گر هنر غنی و شکوه سلسله‌های صفویه و قاجار باشند. این طراحی‌ها همان هنر شگفت‌انگیزی است که این هتل ۳۰۰ ساله را به هتلی بی‌نظیر و پر آوازه تبدیل نموده که بطور گسترده‌ای به عنوان یکی از زیباترین هتل‌های جهان شناخته می‌شود. حتی مبلمان داخلی نیز طراحی وی و دست‌ساز استاد نامدار ایرانی «جواد چائیچی» است.

مهدی ابراهیمیان سبک مشابهی را برای طراحی رستوران ایرانی در هتل بزرگ و معروف «والدورف آستوریا» در نیویورک نیز به کار گرفت و حتی جزئیاتی مانند ظروف غذاخوری با نقوش ایرانی را ابداع کرد.

او در طراحی نمایشگاه‌های بین‌المللی هنری در

و دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی شیراز و مدیرعامل بیمه ایران برای تکمیل تزئینات داخلی هتل بین‌المللی شاه عباس در اصفهان از او دعوت به عمل آورد.

در آن زمان این هتل تحت مدیریت فرانسوی‌ها بود و



استاد مهدی ابراهیمیان

طراحی آنرا به خانم اوژییه سپرده بودند که مانند هتل نگرسکو در نیس جنوب فرانسه به سبک فرانسوی طراحی شده بود.

مهندس ابراهیمیان جوان شیفته هنر و معماری ایران، صد و پنجاه جوان دیگر را نیز به کار گمارد تا هرچه زودتر طراحی و معماری داخلی هتل شاه عباس را با سبک ایرانی و عظمت هنری آن انجام دهند.

● استاد مهدی ابراهیمیان در روز دوشنبه ۲۰ تیرماه بر اثر کھولت در منزل شخصی خود در تهران زندگی را بدرود گفت و پیکر وی در آرامستان باغ رضوان اصفهان در کنار دیگر هنرمندان اصفهانی آرام گرفت.

● میراث خلاقیت و فعالیت مهدی ابراهیمیان، این «داوینچی ایرانی»، جشنواره‌ای از هنرهای ایرانی است که گستره وسیعی از تاریخ درخشان آن را در برابر چشم مخاطبان و عاشقان هنر قرار می‌دهد.

استاد مهدی ابراهیمیان هنرمند و طراح پرآوازه، به دلیل خلاقیت چشمگیر در ایجاد طرح‌های نو و اصیل ایرانی در معماری داخلی، به عنوان یکی از اساتید هنر شناخته می‌شود که شاهکار طراحی هتل کم‌نظیر و بین‌المللی شاه عباس اصفهان برایش شهرت جهانی به دنبال داشت. تا جایی که پرفسور رتور آپهام پوپ، محقق هنر و معماری ایرانی، لقب «داوینچی ایرانی» را به وی داد. هنرهای قدیمی ایران از طریق کار و سبک زندگی او منعکس شده است.

مهدی ابراهیمیان در سال ۱۳۱۷ در بیدآباد اصفهان به دنیا آمد. در همان اوان جوانی بذر عشق به هنر در دلش کاشته شد. او در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان زیر نظر استادان فقید پورصفا و عیسی بهادری شش سال تحصیل کرد. حدود سال ۱۳۴۰ وی به عنوان یکی از برجسته‌ترین دانش آموزان توانست بورسیه تحصیل در فرانسه را گرفته و برای یک دوره چهارساله معماری داخلی به پاریس رفت. یک سال نیز در رشته نقاشی و فرسک دیواری دانش اندوخت و به ایران بازگشت.

مهدی ابراهیمیان بلافاصله در دانشکده هنرهای تزئینی مشغول به تدریس شد. سپس دفتر خود را تاسیس و مشغول به کار گشت تا اینکه زنده‌یاد مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر آن زمان از طریق هنرمند محبوب شادروان ارحام صدر

ادعای وزارت اطلاعات:

بازداشت تیم خرابکاری با ۴۳ بمب؛ قصد «اقدام انفجاری» در محل دفن قاسم سلیمانی را داشتند!



منبع تصاویر ویدیوی خبرگزاری صدا و سیما جمهوری اسلامی است

داخل کشور را داشت، در یک اقدام مشترک اطلاعاتی با هوشیاری پاسداران و سربازان گنم امام زمان دستگیر شد.» مشخص نیست آیا این دو خبر بهم ارتباطی دارند یا نه. وزارت اطلاعات ۱۱ تیرماه سال جاری نیز اعلام کرد «چهار تروریست را که می‌خواستند در استان مازندران با استفاده از نارنجک و بمب‌های دست ساز، اقدامات ایذایی علیه اموال مردم انجام دهند بازداشت کرد.»

در اطلاعیه وزارت اطلاعات آمده اعضای این شبکه «قصد انجام اقدامات متعدد خرابکارانه در استان‌های تهران، کرمان، اصفهان، کهگیلویه و بویر احمد، کردستان و مازندران را داشتند.»

همچنین گزارش شده آنها قصد بمب‌گذاری در «برخی مراکز تجمعات مردمی و اماکن سوخت‌گیری، دکل‌های برق و ایستگاه‌های گاز به منظور اخلال در تأمین نیازهای داخلی و صادراتی و اهداف دیگری از این قبیل را داشتند.»

در بخشی از این اطلاعیه همچنین آمده از این شبکه «انواع سازه‌های فلزی انفجاری، چاشنی‌های مربوطه، انواع مواد شیمیایی صنعتی و مواد پیش‌ساز انفجاری، کیت‌های الکترونیکی، ریموت‌های کنترلی برای هدایت انفجار از راه دور، فیتیل‌های انفجاری، چندین قبضه کلت کمری، سلاح‌های شکاری ساچمه‌زن و مقادیر فراوانی سلاح سرد و ابزارهایی صرفاً با کاربرد در اغتشاشات خیابانی کشف و ضبط شد.»

سابقه‌ی چنین خبرهایی نشان می‌دهد مرتبط دانستن تیم‌های خرابکار با اعتراضات خیابانی از سناریوهای نهادهای امنیتی برای سرکوب معترضان است که به صورت مسالمت‌آمیز علیه حکومت به خیابان‌ها آمده و می‌آیند. دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم با چنین پرونده‌سازیهایی حتا علیه معترضان که بیشتر دستگیر شده و در اسارت بسر می‌برند، احکام قضائی سنگین از جمله اعدام صادر می‌کند.

● بر اساس اعلام وزارت اطلاعات «سرنشکه‌ها در داهارک و هلند اقامت دارند».

● گزارش شده آنها قصد بمب‌گذاری در «برخی مراکز تجمعات مردمی و اماکن سوخت‌گیری، دکل‌های برق و ایستگاه‌های گاز به منظور اخلال در تأمین نیازهای داخلی و صادراتی و اهداف دیگری از این قبیل را داشتند».

● در یک فیلم موزیکال که همراه با این خبر با آرم «خبرگزاری صداوسیما» منتشر شده نشان داده می‌شود که تیم‌های امنیتی با ماشین‌های سفیدرنگ در بیابان یک پراپد وانت‌بار را محاصره کردند و سپس تعدادی افراد مسلح وارد چند خانه در یک منطقه کویری می‌شوند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز دوشنبه دوم مرداد با انتشار ویدیویی اعلام کرد «اعضای شبکه گسترده تروریستی- صهیونیستی به همراه ۴۳ بمب بازداشت شدند.» بر اساس اعلام وزارت اطلاعات «سرنشکه‌ها در داهارک و هلند اقامت دارند.» همچنین گفته شده «تروریست‌های دستگیر شده» در آستانه «ماه محرم» قصد انجام «اقدامات متعدد خرابکارانه» از جمله اقدام انفجاری در محل دفن قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» در کرمان را داشتند.

در یک فیلم موزیکال که همراه با این خبر با آرم «خبرگزاری صداوسیما» منتشر شد نشان داده می‌شود که تیم‌های امنیتی با ماشین‌های سفیدرنگ در بیابان یک پراپد وانت‌بار را محاصره کرده و سپس تعدادی افراد مسلح وارد چند خانه در یک منطقه کویری می‌شوند.

یک روز پیش از اعلام این خبر، «قرارگاه قدس» نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در استان سیستان و بلوچستان و استان کرمان اعلام کرد، «یک تیم تروریستی ۴ نفره که قصد انجام اقدامات تروریستی در

سراسر جهان مانند افغانستان، کانادا، ژاپن و کویت، بار دیگر از آثار هنری قدیمی ایرانی الهام گرفت. به عنوان مثال، طراحی نمایشگاه مونترال در غرفه ایرانیان از گل‌های رز روی کاشی «مسجد سید» الهام گرفته شد که به دور یکدیگر می‌پیچند و بالا می‌روند.

طرح‌های معاصر شامل آینه‌کاری و گچ‌کاری به سبک ایرانی در اقامتگاه‌های ایرانی سفیران سازمان ملل در پاریس، نیویورک، بروکسل و مسکو همه دارای نشان و رد پای این هنرمند بزرگ ایرانی است.

ابراهیمیان به عنوان برجسته‌ترین استاد کاربردی کردن هنر ایرانی در دوره معاصر، توانست جذابیتی بی‌بدیل را بر «ریشه‌های هنر ایرانی» متمرکز کند. بیش از شصت سال فعالیت محض هنری است که این داوینچی ایرانی نفس کشیده، خلق و جمع‌آوری کرده و حتی به معنای واقعی کلمه هنرهای بهشتی ایرانی را حفظ و احیا نموده است.

وی همچنین نقاش و صنعتگر ماهری بود و زمانی که با همسر هنرمندش «ویولت دهقانی» که نیز طراح داخلی است در مرکز تازه‌تأسیس صنایع دستی وزارت اقتصاد مشغول کار بود آشنا شد، همراه با استاد محمد نراقی، تکنیک‌ها و طرح‌هایی را اقتباس کردند که هنر اصیل ایرانی را در اقلام خانگی و کاربردی در گالری صنایع دستی خود، «زینت‌سرا»، در تهران به نمایش گذاشته و هنر را در جریان استفاده روزمره برجسته کردند.

او همچنان به عمیق‌تر شدن تاریخ فرهنگی خود ادامه داد و از نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، مبلمان و قطعات تزئینی خود با استفاده از عناصر طراحی تخت جمشید و دیگر آثار باستانی ایرانی الهام گرفت و اجرا کرد.

به عنوان یکی از پیشگامان صنایع دستی ایران، بطور مکرر مورد مشورت قرار گرفت و آثارش در نشریات متعددی منتشر شد. نام وی در آثار مورخ بزرگ آرتور آپهام پوپ مانند «در بررسی هنر ایرانی: از دوران پیش از تاریخ تا امروز» و با اثر جی و سومی گلوک با عنوان «بررسی صنایع دستی ایرانی» ذکر شده است. به آثار و میراث ابراهیمیان در انواع مقالات خبری و برنامه‌های تلویزیونی یا ارجاع شده و یا به نمایش درآمده است.

طراحی و نظارت ۱۰ ایستگاه مترو در تهران، طراحی کاخ خصوصی شاه در لویزان، طراحی داخلی هتل بزرگ بین‌المللی کرمان، طراحی و ساخت بیش از ۱۲ ساختمان مسکونی نمایشگاهی در نیویورک، نیوجرسی، واشنگتن دی سی، کالیفرنیا در آمریکا، طراحی و نظارت بیش از ۵۰ محل مسکونی در فرانسه و آلمان و مرمت و بازسازی باغ سفارت ایران در پاریس، طراحی و نظارت بازسازی باغ و حیاط نارنجستان در شیراز از جمله آثار زیبایی است که می‌توان در کارنامه این هنرمند بزرگ دید.

آثار مهدی ابراهیمیان پلهایی را از درک امروزی ما از طراحی ایرانی تا دوره‌های تاریخی هنرهای ایرانی ایجاد می‌کند و جزئیات ظریف اشیاء دست‌ساز را تا فضاهای داخلی بزرگ و وسیع در بر می‌گیرد.

میراث خلاقیت و فعالیت مهدی ابراهیمیان جشنواره‌ای از هنرهای ایرانی است که گستره وسیعی از تاریخ درخشان آن را در برابر چشم مخاطبان و عاشقان هنر قرار می‌دهد. وی پس از چند سال زندگی در آمریکا به ایران بازگشت و وصیت نمود که او را در اصفهان به خاک بسپارند. او در روز دوشنبه ۲۰ تیرماه بر اثر کهولت در منزل شخصی خود در تهران زندگی را بدرود گفت.

پیکر این معمار هنرمند که یادگارهای ارزشمند فرهنگی و تاریخی از خود برجای گذاشت، در آرامستان باغ رضوان اصفهان در کنار دیگر هنرمندان اصفهانی آرام گرفت.

ماهه‌کشی بر فساد سازمان اوقاف پس از به جریان افتادن طرح تحقیق و تفحص در مجلس شورای اسلامی

و نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی است. مهدی خاموشی با حکم علی خامنه‌ای از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۷ رئیس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن، با حکم دیگری از رهبر جمهوری اسلامی به عضویت هیئت امنای اداره کل اوقاف و امور خیریه کشور و ریاست این اداره درآمد.

چند روز پس از افشای اطلاعات فساد صورت گرفته در واگذاری حسینیة امینی‌های قزوین به عروس مهدی خاموشی، افشاگری دیگری از سوی وحید اشتری صورت گرفت که نشان از واگذاری اختیارات و بخشی از درآمدهای موقوفه گوهرشاد به عنوان بزرگترین و پردرآمدترین موقوفه استان خراسان به اکبر علم‌الهدی امام جمعه مشهد داشت.

اطلاعات افشاشده نشان می‌داد این واگذاری بر اساس سندسازی برای قانونی جلوه دادن چنین فساد انجام شده و ۱۰ درصد از درآمد و عایدی این موقوفه به عنوان «حق تولیت» به احمد علم‌الهدی پرداخت می‌شود؛ این در حالیست که از مدت‌ها پیش از تولیت علم‌الهدی بر این موقوفه، مبالغ هنگفتی از درآمد همین موقوفه به حساب وی ریخته می‌شده است.

قابل توجه اینکه امام جمعه مشهد در پاسخ به یک وکیل دادگستری در اینباره، موضوع تولیت در این موقوفه را یک «موضوع شخصی» خوانده است!

وحید اشتری نوشته که «سال ۹۶ با نظر اداره تحقیق اوقاف خراسان، یکی از بزرگترین موقوفات مشهد به آقای علم‌الهدی واگذار شده است. برای فهم عظمت این موقوفه واگذار شده (گوهرشاد) فقط بدانید که بیش از هزار هکتار زمین در مشهد دارد و فقط در چناران ۵۷۰۰ رقیه سنددار دارد.»

او در ادامه نوشته که «ناگفته پیداست با چه درآمد هنگفت و عایدی عجیب و غریبی مواجهیم. قابل توجه اینکه طبق وقفنامه ۱۰ درصد همین درآمد هنگفت، به عنوان حق تولیت به «آقای علم‌الهدی» می‌رسد! و ۱۰ درصد دیگر جهت پرداخت دستمزد عوامل و کارکنان در نظر گرفته شده است. مابقی درآمد باید طبق اهداف وقفنامه هزینه شود.»

وحید اشتری در ادامه توضیح داده که «یکسری بحث وجود دارد که واگذاری تولیت به آقای علم‌الهدی طبق شروط وقفنامه اصلاً امکانپذیر بوده یا نه که من از آنها می‌گذرم. مثلاً در وقفنامه قید شده متولی باید یا از نسل واقف و یا حمیدالعلوی و یا از سادات مشهدی باشد و الخ! تطبیق اینها با شرایط آقای علم‌الهدی یک کار حقوقی است. و یا واقف تاکید کرده تولیت به «صدور عظام و وزرای کفایت» نمی‌رسد! یعنی تولیت به کسانی که مسئولیت حاکمیتی دارند نمی‌رسد و علاوه بر آن مسئولین به هیچ وجه من‌الوجه نباید کوچکترین دخالت و تعرضی در موقوفه بنمایند. حالا تفسیر این عبارات بعد از ۷۰۰ سال به چه شکلی می‌باشد که می‌گذرم.»

بر اساس این توضیحات، علم‌الهدی به محض اینکه متولی موقوفه می‌شود یک شماره حساب متعلق به خودش در بانک تجارت شعبه چهارراه لشکر مشهد برای واریز ۱۰ درصد حق تولیت معرفی می‌کند. همچنین یک وکالتنامه به خود اوقاف خراسان می‌دهد و انجام کلیه امور مالی، اداری، حقوقی و قضایی را به خودشان واگذار می‌کند.

طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف، یکی از فاسدترین نهادهای جمهوری اسلامی، تصویب شد



را آنجا بازی کرده‌اند؛ مثل «بانوی عمارت»، «شب دهم» و... این ساختمان چند تالار دارد و در دهه محرم، صفر و فاطمیه روضه‌خوانی می‌شود و درآمد زمین‌ها برای این حسینیة است. متولی اراضی دو سال قبل فوت کرد. البته او آن زمان هم با یکی از پسرعموهایش سر تولیت اختلاف داشتند، متولی بعدی هم پیرمردی است و کار دست پسر و وکیلش است.»

او همچنین درباره قیمت اندک اجاره این ملک قدیمی و هزاران هکتار زمین و دامداری و... با درآمدی سرشار گفته قیمت در آن منطقه همین است!

حسینیة امینی‌ها یکی از بزرگترین و قدیمی‌ترین میراث تاریخی شهر قزوین با چند صد هکتار زمین و باغ کشاورزی و یک کاخ در میانه آن، و یک دامداری با هزاران رأس گاو به عروس رئیس سازمان اوقاف کشور و با اجاره ناچیز ماهانه یک میلیون تومان واگذار شده است.

وحید اشتری فعال رسانه‌ای از جریان اصولگرا و حکومتی معروف به «عدالتخواه» اواخر خردادماه با انتشار اسنادی از این تخلف و فساد بزرگ پرده برداشت. او در رشته توثیبتی توضیح داده بود که «الان در قزوین دیگر یک زوج جوان با ماهی یک میلیون بدون پول پیش یک زیرزمین در حاشیه‌ای‌ترین نقاط شهر نمی‌توانند اجاره کنند ولی یک موقوفه ۱۵۰ هکتاری و یک دامداری هزار رأسی در قزوین را با همین اجاره ناچیز به خانم «مونا چاپچیان» واگذار کرده‌اند.»

فاطمه مهدیانی روزنامه‌نگار خبرگزاری «ایلنا» نیز در توثیبت نوشته که «فرزند متولی خانه- حسینیة تاریخی امینی‌ها به ایلنا گفت اجاره موقوفات چند صد هکتاری استان قزوین به عروس حجت‌الاسلام خاموشی صحت دارد و اجاره‌بهای این اراضی ماهانه حدوداً نصد هزار تومان است. این اتفاق تازه‌ای نیست، دست کم ۴ الی ۵ سال از آن می‌گذرد.»

مهدی خاموشی از ملایان نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی و فرزند تقی خاموشی، از مؤسسين هیئت مؤتلفه اسلامی

● چند روز پس از انتشار خبر به جریان افتادن طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف و امور خیریه، تلاش برای ماهه‌کشی بر فسادهای افشاشده اخیر این سازمان افزایش یافته است.

● دادستان قزوین واگذاری حسینیة امینی‌ها در قزوین به عروس رئیس این سازمان را قانونی اعلام کرده است.

● اکبر علم‌الهدی تولیت مادام‌العمر بر موقوفه گوهرشاد را «امر آقا» خوانده و گفته خبر ندارد پولی از موقوفات به حساب او واریز شده است!

در حالی که طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف و امور خیریه در مجلس شورای اسلامی پیش می‌رود، این سازمان در تلاش است تا تخلفات افشاشده اخیر درباره واگذاری املاک و دارایی‌ها به افراد حقیقی مانند امام جمعه مشهد و عروس رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه را توجیه کند.

چند روز پس از انتشار خبر به جریان افتادن طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف و امور خیریه، تلاش برای ماهه‌کشی بر فسادهای این سازمان افزایش یافته است. دادستان قزوین واگذاری حسینیة امینی‌ها در قزوین به عروس رئیس این سازمان را قانونی اعلام کرده است. از سوی دیگر احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی از واگذاری موقوفه «گوهرشاد» با هزاران هکتار زمین به خود دفاع کرده است.

حسین رجبی دادستان قزوین در نشست شورای عالی فضای مجازی دادگستری قزوین ادعا کرده که در واگذاری موقوفه امینی‌ها هیچگونه تخلفی محرز نشده است.

حسین رجبی گفته که «نظر به مستندات ارائه شده و بررسی‌های صورت گرفته به اطلاع می‌رساند که در واگذاری قمیک (موقوفه امینی‌ها) تاکنون هیچ‌گونه تخلفی احراز نشده است.»

دادستان قزوین در ادامه گفته که «واگذاری‌ها طبق روال معمول و قانونی بوده است که توضیحات تکمیلی به زودی منتشر خواهد شد. پیشتر یکی از فعالان فضای مجازی مدعی واگذاری رایگان اراضی موقوفه حسینیة امینی‌ها به یکی از بستگان رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه شده بود که روابط عمومی این سازمان در بیانیه‌ای بر قانونی بودن این واگذاری تأکید کرده بود.»

معاون فرهنگی، اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه نیز در توجیه این فساد و تخلف بزرگ گفته افشاگری صورت گرفته درباره واگذاری حسینیة امینی‌ها به عروس مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف پس از آن صورت گرفته که این سازمان نسبت به ورود زنان «بدحجاب و بی‌حجاب» به این ساختمان تذکر داده است!

غلامرضا عادل معاون فرهنگی، اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه مدعی شده که «در این موقوفه افراد بدحجاب و بی‌حجاب می‌رفتند و عکس‌ها و فیلم‌های بسیار زشت و زنده‌ای از آن‌ها پخش و موجب اعتراض مؤمنان قزوین شد. سازمان اوقاف تذکرات بسیار جدی به متولی داد و پس از آن این حواشی برای اوقاف ایجاد شد.»

معاون فرهنگی، اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه همچنین گفته که «این موقوفه اصلاً دست اوقاف نیست و متولی دارد و حق پذیره و اینها به متولی پرداخت شده است. این موقوفه برای حسینیة امینی‌ها در قزوین است که یک فضای بسیار زیبای قدیمی است و بسیاری از فیلم‌های تاریخی

دلّالی قطری‌ها برای ادامه مذاکرات پنهان جمهوری اسلامی با دولت بایدن؛ «نئونایکی‌های در ظاهر برانداز» مبلغ «شکست تحریم‌ها»



دیدار محمد بن عبدالعزیز الخلیفی وزیر مشاور در امور خارجی قطر با احمدیان دبیرشورایعالی امنیت ملی جمهوری اسلامی

هستند سعی دارند این توافق را راهگشای معضلات کشور معرفی کنند اما واقعیت آن است که برجام نقطه‌ای برای حل اختلافات طرفین و آغاز همکاری‌ها در موضوعی مشخص نبود، بلکه اهرم و دستاویزی برای تحت فشار قرار دادن ایران و دریافت امتیازان گسترده‌تر محسوب می‌شد.

«فارس» تأکید کرده «هر دولتی در آمریکا بر سر کار می‌آمد به دنبال مذاکرات فرابرجامی می‌رفت چون منطق برجام بر این اساس شکل گرفته بود اما جریان‌های سیاسی عمداً یا سهواً به واکاوی این امر نمی‌پرداختند.»

منظور از مذاکرات فرابرجامی همان «مثلاً سه ضلعی» (منطقه‌ای، موشکی و حقوق بشری) است که قاسم سلیمانی نیز درباره آن هشدار می‌داد.

این خبرگزاری وابسته به سپاه تأکید کرده «فروش چند بشکه نفت» و «فعالیت محدود بانکی» گره چاندانی از اقتصاد ایران باز نکرد و همچنان هم باز نمی‌کند و ارزش واگذاری این حجم از امتیازات را ندارد و نباید «مؤلفه‌های امنیت‌ساز» را واگذار کرد. منظور این خبرگزاری از «مؤلفه‌های امنیت‌ساز»، برنامه‌های اتمی و موشکی و همچنین گروه‌های شبه نظامی وابسته به رژیم است.

تأکید خبرگزاری فارس به «تلاش بخشی از اصولگرایان برای احیای برجام» در شرایطی که این جریان سیاسی همواره مخالف برجام بود مؤید دگرگونی و تعمیق اختلافات درون نظام است. علی‌اکبر صالحی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی پس از ماه‌ها سکوت ۳۱ تیرماه در یک مصاحبه پیشنهاد «گفتگوی سیاسی با آمریکا» را مطرح کرده و گفته مذاکره مناسب‌ترین راه باقیمانده برای نظام است. موازی با اینها اما سپاه پاسداران مرحله جدیدی از تولید موشک‌های بالستیک و حمایت از شبه نظامیان را آغاز کرده است. اقدامی که نشان می‌دهد اختلافات درون حکومت در تشخیص اینکه مصلحت نظام کدامست، بیش از پیش جدی شده است.

شهروند آمریکایی را دستگیر و بازداشت کرده است که این امر تلاش‌های دولت بایدن برای تبادل زندانیان و کاهش تنش‌ها با تهران را پیچیده‌تر کرده است.

پیش از آن وبسایت «میدل‌ایست‌آی» به نقل از منابع ایرانی خود گزارش داده بود مذاکرات اتمی میان جمهوری اسلامی و آمریکا به دلیل اختلاف نظر بر سر زندانیان آمریکایی به تعویق افتاده است.

هرچند برخی تحلیلگران و اندیشکده‌های نزدیک به دموکرات‌های آمریکا و لایبرگن رژیم در خارج کشور ادعای بی‌اثر بودن تحریم‌ها را برای مهار تهدیدات جمهوری اسلامی مطرح می‌کنند ولی گروهی دیگر معتقدند ضعف «عدم اجرای تحریم‌ها» با روی کار آمدن دولت بایدن شروع شده است.

تکرار ادعای نایکی‌ها در شکست تحریم‌ها

امیرحسین اعتمادی فعال سیاسی در توییته می‌نویسد: «از زمان روی کار آمدن دولت بایدن، کمپین فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی متوقف شده و تحریم‌های کلیدی بر رژیم از جمله ممانعت از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، بطور کامل اعمال نشده است که در نتیجه آن، درآمد سالانه جمهوری اسلامی افزایش چشمگیر یافته و ذخیره ارزی خارجی آن چندین برابر شده.»

وی تأکید کرده که برخی «همان ادعای نایک درباره شکست تحریم‌ها را دارند به زبان و در لباسی دیگر می‌کنند. شکست تحریم‌ها دروغ است. آنچه اتفاق افتاده، شکست دوباره سیاست مماشات بایدن با جمهوری اسلامی است. مواظب نئونایکی‌های در ظاهر برانداز باشید.»

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی می‌نویسد «اگرچه اصلاح‌طلبان و طیفی از اصولگرایان که فریفته برجام و دلبسته منطق برجامی

● وزیر مشاور در وزارت خارجه قطر طی سفر به تهران با شماری از مقامات ارشد سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی درباره برجام و مسائل اتمی گفتگو کرده است.

● امیرحسین اعتمادی فعال سیاسی در توییته می‌نویسد: «شکست تحریم‌ها دروغ است. آنچه اتفاق افتاده، شکست دوباره سیاست مماشات بایدن با جمهوری اسلامی است. مواظب نئونایکی‌های در ظاهر برانداز باشید.»

همزمان با اینکه هفته‌ها از برکناری رابرت مالی مسئول امور ایران وزارت خارجه آمریکا می‌گذرد، مذاکرات پنهان میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده با دلّالی قطری‌ها ادامه دارد. رابرت مالی از حامیان اصلی مذاکره واشنگتن با رژیم ایران برای «احیای برجام» بود اما به دلایل امنیتی نخست به مرخصی و سپس به مرخصی اجباری بدون حقوق فرستاده و در عمل برکنار شد در حالی که تحقیقات درباره دلایل امنیتی برکناری وی ادامه دارد و شماری از سیاستمداران آمریکا خواهان پاسخگویی و شفافیت دولت بایدن در این زمینه هستند. روزنامه «تهران تایمز» چاپ تهران دوم مرداد با انتشار فایل صوتی محرمانه رابرت مالی افشا کرد که ایالات متحده به دنبال احیای برجام و سپس استفاده از این توافق به عنوان نقطه شروع برای «اعمال فشار بیشتر بر ایران» است.

او در این فایل صوتی گفته بود «ما حتی اگر به این توافق بازگردیم، خود این بازگشت اولین هدف ماست. ما به دنبال یک توافق بلندمدت‌تر، قوی و گسترده‌تر هستیم. ما به محض بازگشت به توافق در نظر داریم با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون ایران را تحت فشار قرار دهیم. ما توانایی‌مان برای تحت فشار قرار دادن و تحریم ایران را حفظ می‌کنیم.»

این فایل صوتی یک روز پس از آن منتشر شد که محمد عبدالعزیز الخلیفی وزیر مشاور در وزارت خارجه قطر به تهران سفر کرده بود. این مقام قطری با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه و معاون وی علی باقری کنی و همچنین علی‌اکبر احمدیان دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی ملاقات داشت. گفته می‌شود از موضوعات اصلی که بین آنها گفتگو شد در ارتباط با مسائل مذاکرات هسته‌ای و تبادل زندانیان میان آمریکا و ایران بود.

الخلیفی در توییته تأیید کرد که با باقری کنی درباره مسائل اتمی گفتگو کرده است.

همزمان با این رویدادها، محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت مذاکرات ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که «در مورد دو مکان باقی‌مانده، مدارک و مستندات را به آژانس ارسال کردیم، اگر مورد پذیرش واقع نشود روشنگری خواهیم کرد و مدارک و مستندات بیشتری ارائه خواهیم کرد.» تهران و واشنگتن انگیزه‌ها و دلایل زیادی برای ادامه مذاکرات دارند اما مسئله اساسی این است که این مذاکرات که از دو سال و نیم گذشته از آغاز به کار دولت جو بایدن با هدف «احیای برجام» آغاز شد به بن‌بست رسیده و نتیجه نداشته است چنانکه جو بایدن تأکید کرد «برجام مُرده». اما هیچکدام از طرفین میلی به پذیرفتن و اعلام رسمی آن ندارند. اخیراً وبسایت «سمافور» خبر داد یک تبعه آمریکا همزمان با مذاکره درباره تبادل زندانیان، از سوی جمهوری اسلامی بازداشت شده است. این وبسایت نوشت: «ایران چهارمین



عکس هفته | فاطمه سپهری شهروند آزادیخواه

فاطمه سپهری از امضاکنندگان بیانیه ۱۴ زن کنشگر است که در پشتیبانی از بیانیه معروف به «۱۴ نفر» خواستار استعفای علی خامنه‌ای و گذار از جمهوری اسلامی شدند. همسرش از جانب‌باختگان جنگ هشت ساله است و خودش به دلیل آزادیخواهی و پشتیبانی از مشروطه و پادشاهی و پهلوی بارها به زندان افتاده. فاطمه سپهری همزمان با آغاز خیزش ملی ۴۰۱ در ۳۰ شهریور با هجوم مأموران به خانه‌اش در مشهد دستگیر شد. وی که از زندان نیز مردم را به همبستگی و مبارزه برای نجات و آزادی ایران دعوت می‌کرد در اسفندماه ۱۴۰۱ به ۱۸ سال زندان محکوم شد و حاضر نشد به خاطر هیچکدام از اتهاماتی که در پرونده‌اش آمده است تقاضای عفو کند: تبلیغ علیه نظام، همکاری با دول متخاصم و توهین به خمینی و خامنه‌ای!